

مدیر مسئول: رحیم خاکی

سر دبیر: مرتضی رضائی زاده
معاون تحریریه: افشین داورپناه

مدیر اجرایی و هنری: احسان حسینی

حروفچین: نسرین عنانی

هیئت تحریریه:

دبیر سرویس فعالیت‌های قرآنی: علی فرج زاده
معصومه کلانکی، مرضیه آشوری، عطیه سروش

دبیر سرویس عکس: نقی خوش خلق
محمدنمازی، فضیلت سوخکیان

یادی از رادمرد سرداب عشق

قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فی القربی

بگو اجر و مزدی جز دوستی و مودت از خویشان (اهل بیت (ع)) رانمی خواهم
اطاعت و مودت اهل بیت (ع) آن قدر بزرگ و مهم است که خداوند به پیامبر خویش می فرماید بگو من
از مردم هیچ اجر و مزدی جز اطاعت آنان از اهل بیت (ع) نمی خواهم، چرا که اهل بیت (ع) ثقل اکبر
و همتراز قرآن آند و بدون این، آن و بدون آن، این بی معناست.

در طول تاریخ پس از اسلام مردان زیادی بوده اند که در این راه مجاهدت کرده اند و هزینه ها پرداخته
اند، هر کس به قدر مرتبتش. یکی از کسانی که به تعبیر مقام معظم رهبری فردی مصمم، با ایمان و
پراراده بود و در این راه تلاشی خستگی ناپذیر داشت و دلبستگی به خاندان اهل بیت (ع) زبانزد عام
و خاص بود و هنوز هم آثار و ابنیه باقی مانده از وی یادآور این محبت ها و اطاعت ها است مرحوم حاج
علی اصغر عابدزاده خراسانی است که تاسیس ۱۲ بنا به نام ۱۲ معصوم (ع) و انجمن پیروان قرآن با
نزدیک به ۸۰ شعبه دلیل محکمی بر این مدعا است.

مرحوم عابدزاده در سال ۱۳۹۰ ه. ش در مشهد دیده به جهان گشود و اگر چه مانند هر انسان دیگری (جز
معصومان (ع)) مصون از اشتباه و گناه نبود اما جز نام نیک و یاد گرامی چیزی از خود برجای نگذاشت
مردی که نه تنها هرگز پولی برای تبلیغ نگرفت و از پول مردمی که برای ساخت بناهای منسوب به ائمه
(ع) نذر کرده بودند چیزی برای خود نخواست بلکه در این راه از درآمد خود هزینه هم کرد و مهدیه را
به نام امام قائم (عج) با هزینه شخصی ساخت و در نهایت هم در سال ۱۳۶۵ در سرداب مهدیه (مشهد)
بنا به وصیتش به خاک سپرده شد و رادمرد سرداب عشق گردید، سردابی که سال ها محل عبادت های
شبانه و روزانه او بود و در انتها هم خواست تا در همانجا آرام گیرد، در جایی که به واسطه برپایی جشن
های سالانه میلاد حضرت مهدی (عج) بوی غنچه نرگس را می دهد و برای همیشه زمزمه می کند:

ما ظهور عطر را ز غنچه تا به گل شدن

انتظار می کشیم

خاک تشنه است و ما از این کویر

خندقی به سمت جو بیار می کشیم

یک چیز میان ماست

پشت آن چیز که تا خداست

با فرشته ها به گفت و گو نشسته ای

آفتاب از جنین پاک تو طلوع می کند در فضای پاک چشم روشننت ...

کاروان حماسه می سراید اینچنین: انتظار سهم ماست

اعتراض نیز

منجیا یقین تونیز منتظر

چشم بر اشاره خدا نشسته ای

این شماره از نشریه رایحه خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به پاس خدمات مرحوم عابدزاده منتشر
می شود.

اقسام برف بازی هالین بود که دو دسته می شدند و با گلوله های برفی، دسته ای به دسته دیگر حمله می کردند و یکدیگر را دنبال می کردند که در نتیجه، یک طرف بازی غالب و طرف دیگر مغلوب می شد و این کار برای دانش های آن زمان سرگرمی جالبی بود.» روزی برف بازی او را به داخل مسجد گوهرشاد سوق داد و آن زمان هم ماه مبارک رمضان بود آقای برف بازی منبر مشغول موعظه بود، جذب معنوی او را به سمت منبر می کشاند گویا از عالمی به عالم دیگر منتقل شده

است و این سبب می شود تا از تمام کارهای دوران دانشی اش دست بکشد و همین موضوع عاملی می شود تا به سمت علوم حوزوی گرایش یابد و این دروس را در مدت بسیار کمی تا حدود سطح بخواند.

یکی از ماندگارترین کارهای عابدزاده تصمیم ایشان برای ساخت ۱۴ بنا به نام ۱۴ معصوم (ع) بود که موفق به ساخت ۱۲ بنا شد که هزاران نفر در آن ها به فراگیری علوم حوزوی و قرآنی پرداختند، مهدیه یکی از بزرگترین و پرخاطره ترین یادگارهای اوست که پیکرش در سرداب آن مدفون و از سال ۱۳۶۵ و پس از آنکه این مرد مجاهد رخ در نقاب خاک کشید، میعادگاه علاقه مندانش شد.

متن زیر شمه ای از زندگینامه مرحوم عابدزاده از تولد تا مرگ است.

مرحوم «حاج علی اصغر عابدزاده» در سال ۱۲۹۰ هجری خورشیدی در محدوده کوچه تقی بنگی یا شیشه گرخانه (چهارشنبه بازار) نزدیک قبرستان قدیمی شهر مشهد در ابتدای خیابان طبرسی دیده به جهان گشود و در خانواده مذهبی کم بضاعتی بزرگ شد، پدرش مسئول روشنایی چراغ های پیه سوز آستان قدس رضوی بود و به همین دلیل به «چراغچی باشی» آستان قدس مشهور گشت. عابدزاده در دوران کودکی از شور و تحرک عجیبی برخوردار بود به همین جهت در میان هم سن های خود از برتری خاصی بهره مند بود. شرایط کشور در آن زمان به گونه ای بود که روستاها و قصبات به وسیله خوانین اداره می شد و شهرها هم به وسیله عمو غلام ها.»

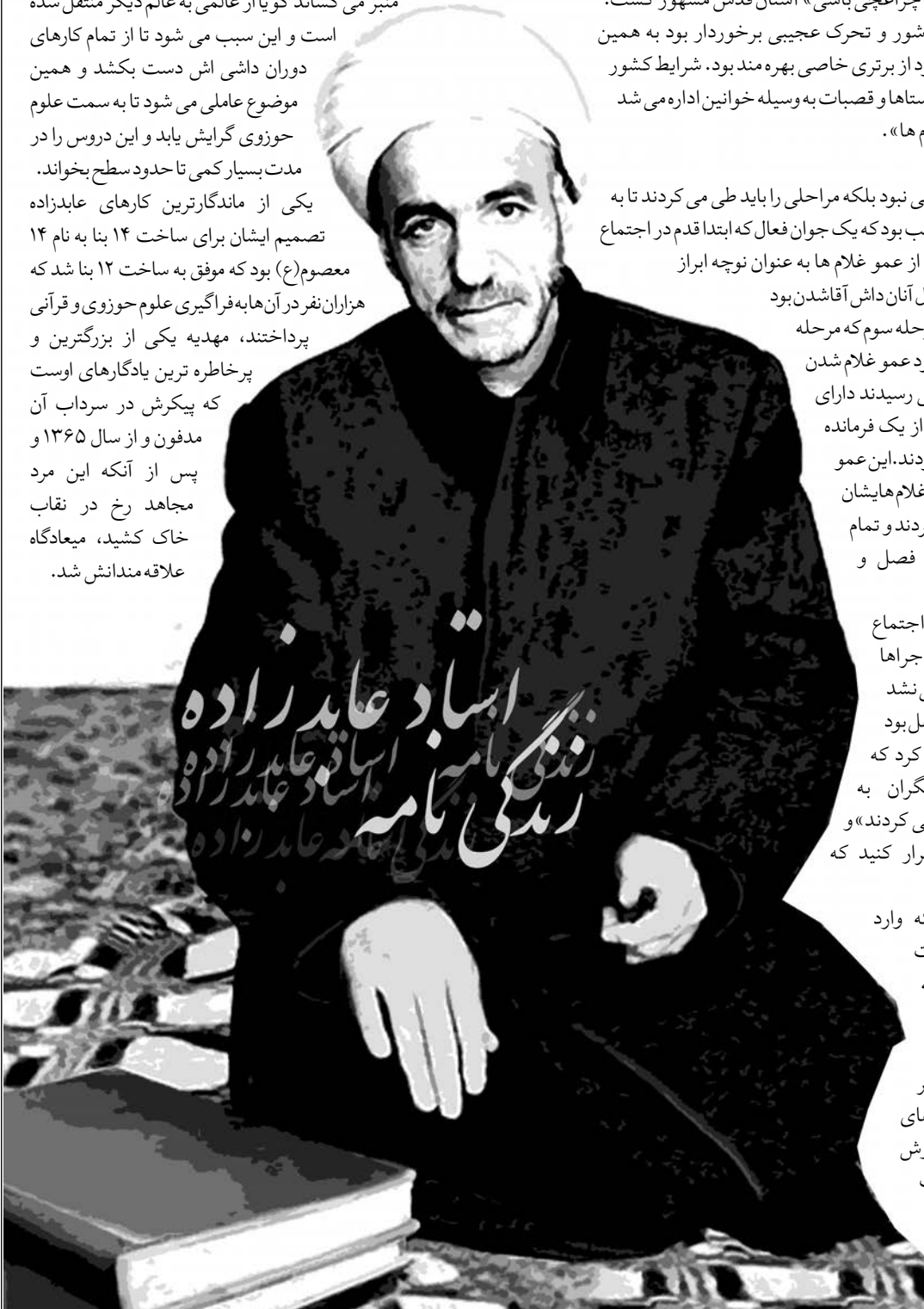
عمو غلام شدن هم به این سادگی نبود بلکه مراحل را باید طی می کردند تا به این درجه می رسیدند به این ترتیب بود که یک جوان فعال که ابتدا قدم در اجتماع می گذاشت باید زیر نفوذ یکی از عمو غلام ها به عنوان نوچه ابراز

وجود می کرد. مرحله دوم از کمال آنان داش آقاشدن بود که به او داش غلام می گفتند، مرحله سوم که مرحله نهایی کمال در جامعه آن زمان بود عمو غلام شدن بود. کسانی که به این مرحله می رسیدند دارای قدرت زیادی می شدند، حتی از یک فرمانده لشکر و استاندار قدرت مندتر بودند. این عمو غلام ها به وسیله نوچه ها و داش غلام هایشان شهرها را به طور کلی اداره می کردند و تمام کارهای اجتماعی را حل و فصل و اختلاف ها را رفع می کردند.

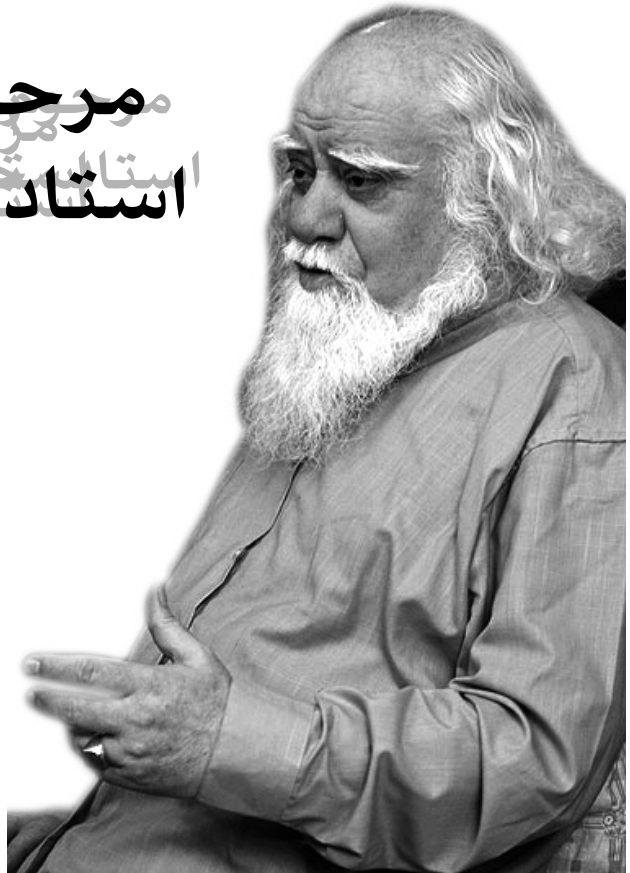
مرحوم عابدزاده هم در این اجتماع زندگی می کرد و جدا از این ماجراها نبود، با این تفاوت که نوچه کسی نشد برای خودش داش غلامی مستقل بود و در این زمینه تا جایی رشد کرد که هر جا پا می گذاشت دیگران به اصطلاح «ماست ها را کیسه می کردند» و حتی می گفتند، بچه ها فرار کنید که اصغر حلبی آمد.

مرحوم عابدزاده از زمانی که وارد جامعه «دانش ها» شد در مدت کوتاهی گوی سبقت را از همه دانش های شهر مشهد ربود و یک تاز میدان شد و نام او در همه کوچه ها و محلات مشهذب سر زبان ها افتاد. یکی از کارهای داش غلام ها این بود که در ایام بارش برف های سنگین توی محلات و خیابان ها می آمدند و برف بازی می کردند، یکی از

زندگی نامه استاد عابدزاده
زندگی نامه استاد عابدزاده
زندگی نامه استاد عابدزاده



مرحوم عابدزاده به قلم استاد محمدرضا حکیمی



دایر بود. در بنای مهدیه مراسم مذهبی نیز برگزار می شد از جمله مجلس عزاداری ایام عاشورا که خود حاجی عابدزاده که منبری و سخنوری توانا نیز بود به منبر می رفت و موعظه می کرد و گاه مرحوم مغفور حاج عبدالرضا غنیان (م ۱۳۷۰ ش) از شخصیت های دینی محترم و متعهد مشهد مقدس و از امنای آستان قدس که در آن ایام از برجسته ترین اعضای انجمن مزبور و از یاران نزدیک حاجی عابدزاده بود با صوتی خوش و با وقاری خاص به خواندن مرثیه می پرداخت.

شب های شنبه نیز جلسه ای در مهدیه برپا بود که حاجی عابدزاده خود در آن سخنرانی مختصری می کرد و شرکت کنندگان در این جلسه اغلب اعضای خود انجمن بودند در بنای مهدیه گاه در اوقات مناسب اطعام نیز می شد. همچنین از طریق انجمن و مرکز مهدیه گاه به محرومان اعانه هایی داده می شد لیکن مشهورترین مراسم مذهبی که در بنای مهدیه برگزار می گشت و آوازه ای وسیع نیز داشت جشن باشکوه نیمه شعبان بود. اعضای انجمن که بسیار بودند شاید بیش از یک ماه برای آماده سازی مهدیه تلاش می کردند و این بنای بزرگ را از دهنه وسیع کوچکی که به خیابان متصل بود، تا انتهای مهدیه که مسیری و مساحتی بسیار بود، به صورتی مجلل و به سبک چراغانی های سنتی با انواع آرایه ها می آراستند و آماده می ساختند سپس با پخش دعوتنامه های آبرومند طبقات مختلف مردم به این جشن عظیم دعوت می شدند.

پذیرایی در چندین نوبت با کیفیتی بسیار خوب انجام می یافت و از عصر روز چهاردهم ماه شعبان آغاز می گشت و سپس شب عید بعد از نماز و روز نیمه شعبان صبح و عصر و شب و همین گونه تا چندین نوبت... و در هر نوبت طبق دعوتنامه هایی که توزیع شده بود یک صنف و دسته ای از مردم شرکت می کردند و پذیرایی می شدند. فرهنگیان، دانش آموزان دبستان ها و دبیرستان ها، روحانیون، بازاریان، ارتشیان، کارمندان، ورزشکاران و....

در ضمن پذیرایی وزین و محترمانه، سرودهای مذهبی بسیار زیبا با صوت پر لطف نوجوانان تمرین دیده خوانده می شد، از جمله مر بیان این دانش آموزان سرود خوان مرحوم شهید دبیر فاضل و متعهد «حسین آستانه پرست» بود که در نخستین سال های پس از پیروزی انقلاب به شهادت رسیده به هنگام آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری حضرت آیت الله کاشانی (م ۱۳۴۰ ش) بنای مهدیه مرکز فعالیتت بسیار گسترده و موثر گشت.

این نهضت در مشهد مقدس به طور عمده از مسجد گوهرشاد آغاز شد و به وسیله روحانیون قوام یافت و سپس جمعیت های مولف اسلامی تشکیل

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم حجت الاسلام حاج «علی اصغر عابدزاده» همان طور که بیشتر بزرگان مشهد به ویژه نسل گذشته و بسیاری از مردم آن دیار می شناسند از خادمان مخلص قرآن و اهل بیت (ع) بود که تاسیس ۱۲ بنا به نام ائمه (ع) و راه اندازی انجمن پیروان قرآن نمونه ای از خدمات آن مرحوم است، آنچه می خوانید روایتی از استاد محمدرضا حکیمی از این عالم مجاهد است.



مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده خراسانی (۱۲۹۰ ش - ۱۳۶۵ ش) از رجال دینی برجسته و فعال خراسان به شمار می رود. وی به تقریب پس از شهرپور بیست وارد حوزه علمیه شد و پس از تحصیل مقدمات به طور عمده از محضر عالم آگاه بزرگوار مرحوم شیخ هاشم قزوینی، کسب فیض کرد و تا آخر عمر به این استاد گرانقدر و گرانمایه ارادتی عمیق داشت. وی به کسب و کار نیز اشتغال داشت و کارخانه کوچکی را اداره می کرد که در آن آئینه های کوچک جیبی با قاب حلبی منقش که در گذشته مرسوم بود می ساختند.

حاجی عابدزاده در همان سال ها انجمنی دینی به نام انجمن پیروان قرآن تأسیس کرد که دارای شعبه های بسیاری شد. او سپس از سرمایه شخصی خود به ساختن بنای مهدیه در محله خیابان علیای مشهد، کوچه شمالی باغ نادری اقدام کرد. این بنا به دلیل نام و انتسابش به ساحت قدس حضرت ولی عصر حجت بن الحسن المهدی (عج) مورد توجه خاص توده ها قرار گرفت و رونقی ویژه یافت.

در این بنا شب ها کلاس های درس عربی برای استفاده کسانی که می خواستند از ادبیات عرب و زبان قرآن کریم آگاه شوند و روزها فرصتی نداشتند



مطلب را با نقل یک خاطره تمام

می‌کنم.

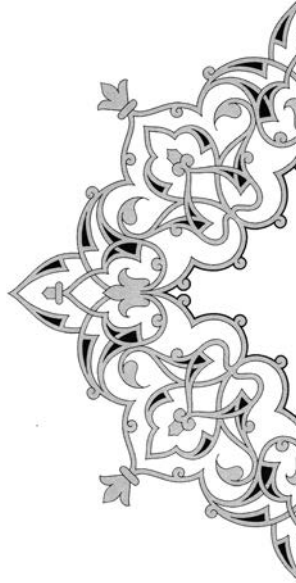
یک روز کاری با ایشان داشتم، ارتباطمان متقابل بود و در مسائلی با هم مشورت و تبادل نظر داشتیم به بنای عسگریه رفتیم. از مرحوم کربلایی رجب خیاط پرسیدم حاجی کجاست؟ گفت در حوض خانه. رفتیم دیدم چند خمره روی چند پریموس گذاشته و مشغول گرم کردن آب است. گفتم حاج آقا چه کار می‌کنید گفت ما بچه‌های کلاس‌های عسگریه را به طهارت، وضو و نماز عادت داده‌ایم. می‌ترسم سرما (چون ایام زمستان بود) باعث شود تا در طهارت و نماز سستی کنند و بعضی ترک کنند. در ضمن در حدود ۲۰ آفتابه کوچک در کنار دیوار چیده بود. گفت: «اینها را هم سفارش داده‌ام ساخته اند تا کار نماز و تطهیر بچه‌ها آسان تر باشد و موجب ترک و تنبلی نشود.» شما فکر می‌کنید در میان همه خانواده‌های مذهبی که می‌شناسید یک خانواده را سراغ دارید که برای بچه‌های خودش این کار را کرده باشد.

گردید و بسیاری از هیأت‌های مذهبی و انجمن‌ها و جمعیت‌ها در این ائتلاف شرکت کردند. استاد محمدتقی شریعتی و یاران‌شان و اعضای کانون نشر حقایق اسلامی نیز که در نهضت شرکت داشتند به ائتلاف پیوستند و بنای مهدیه با درخششی خاص، مرکز این نهضت بزرگ در خراسان بود.

همچنین در حدود سال ۱۳۲۳ که شهید بزرگوار حضرت سید مجتبی نواب صفوی با چند تن از فداییان اسلام به مشهد مشرف گشت، به بنای مهدیه و بر حاجی عابدزاده و انجمن پیران قرآن وارد شد؛ حاجی عابدزاده سالیانی شب‌های جمعه در مسجد گوهرشاد دعای کمیل می‌خواند (در شبستان جنوب غربی) و صبح‌های جمعه دعای ندبه (در شبستان جنوبی) حضرت نواب صفوی در همان سفر صبح جمعه در دعای ندبه حاجی عابدزاده در مسجد گوهرشاد نیز شرکت کرد. مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده مردی دیندار، زاهد پیشه، سخنور، علاقه‌مند به دین و مروج دین، پرنیرو و بااراده بود و در میان توده مردم محبوبیتی ویژه و احترامی خاص داشت. وی سپس در صدد برآمد تا به نام هر یک از حضرات چهارده معصوم (ع) بنایی مخصوص بسازد و آن را مرکز کوشش‌های فرهنگی و دینی و آموزش‌های مذهبی و محل برگزاری مراسم و اعیاد و سوگواری‌ها قرار دهد به طوری که در طول سال کلاس‌هایی برای تربیت و تعلیم نوجوانان در آنها دایر باشد و مراسم جشن ولادت و عزاداری هر یک از معصومین (ع) در همان بنای ویژه آن معصوم (ع) برگزار گردد البته بعدها اعلام کرد که در صورت اتمام ساختمان این چهارده بنا، دو بنای دیگر به نام زینبیه و عباسیه خواهد ساخت.

وی از مجموعه بناهای مذهبی که در نظر داشت بسازد، پس از بنای مهدیه به ساختن این بناها، موفق گشت: عسگریه در خیابان سفلی، نقویه در خیابان امام رضا (ع)، جوادیه در خیابان طبرسی، کاظمیه در خیابان علیا، جعفریه در خیابان سفلی، باقریه در خیابان امام رضا (ع)، سجادیه در خیابان خواجه ربیع، حسینیه در ایستگاه سراب، حسینه در محله سرشور، فاطمیه در خیابان سفلی و علویه در خیابان مطهری جنوبی.

بناهای مهدیه‌ای که بعدها در تهران و جاهای دیگر به وجود آمد با الهام از اقدام حاج علی اصغر عابدزاده خراسانی و بنای مهدیه او بود. در هر حال حاج علی اصغر عابدزاده را باید یکی از رجال بزرگ دینی و اجتماعی خراسان در نیمه اول قرن چهاردهم هجری شمسی دانست.



«عابدزاده» در روایت آیت الله «عطاردی»

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم عابدزاده یکی از مردان فعال و پرکار مشهد مقدس رضوی در تاریخ معاصر بود، او فردی عادی، بازاری و کاسب بود و از میان مردم ناگهان سربرآورد و به شهرت رسید و منشا خدمات زیادی شد.



استاد «عطاردی» از اندیشمندان و نویسندگان معاصر در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب تصریح کرد: مرحوم عابدزاده یکی از مردان فعال و پرکار مشهد مقدس رضوی در تاریخ معاصر بود، عابدزاده یک فرد عادی و بازاری و کاسب بود و از میان مردم ناگهان سربرآورد و به شهرت رسید، او در مشهد رضوی منشا بسیاری از کارهای فرهنگی، اجتماعی، تبلیغی و سیاسی گردید و گروهی را گرد خود جمع و فعالیت هایش را آغاز کرد.

وی افزود: او با خانواده های مشهور مشهد ارتباطی نداشت، در مدرسه و آموزشگاهی تحصیل نکرده بود، او مقداری عربی آموخته بود و با مسائل دینی آشنایی داشت و در حد تبلیغ در میان طبقات متوسط مشهد معلوماتی اندوخته بود، او بیان گیرا و جذاب داشت و مردم را به طرف خود جلب می کرد.

آیت الله عطاردی ادامه داد: در سال های بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ که کشور عزیز ما و از جمله خراسان از طرف قوای اروپایی اشغال گردید و دولت مرکزی نفوذ خود را از دست داد گروه های سیاسی با عناوین مختلف در مشهد سربرآوردند و در میان مردم به تبلیغ افکار و اندیشه های خود پرداختند. مرحوم عابدزاده در این میان به خاطر نفوذی که در میان کسبه و مردم عادی مشهد داشت جلسات تبلیغی در منازل تشکیل داد و با تبلیغ و ارشاد به میان مردم کوچه و بازار رفت و در مقابل گروه های سیاسی ایستاد و مردم را از گرایش به آن ها بازداشت.

علامه عطاردی اظهار کرد: عابدزاده بعد از مدتی در مساجد و حسینیه ها حضور پیدا کرد و جلسات خود را در اماکن عمومی



احکام و مسائل شرعی و مسائل اجتماعی و نیازهای محلی مورد توجه قرار می گرفت و منبر تبلیغ و ذکر مصیبت هم برقرار بود، مرحوم عابدزاده خود نیز در جلسات این هیئت ها شرکت می کرد و سخنرانی می نمود.

علامه عطاردی در زمینه ساخت بنای مهدیه توسط مرحوم عابدزاده اظهار کرد: مرحوم عابدزاده جلسات خود را نخست در مدرسه میرزا جعفر و بعد از آن در منازل و مساجد و حسینیه ها تشکیل می داد، ولی پس از مدتی تصمیم گرفت بنایی مستقل برای کارهای خود بسازد و آنجا را مرکز کارهای خود قرار دهد. او در نزدیک مقبره نادرشاه افشار در بالا خیابان ساختمانی به نام مهدیه بنا کرد، این محل دارای حیاط، سالن اجتماعات و سخنرانی و اطاق های متعدد برای انجام کارها و برنامه ها بود، مرحوم عابدزاده این محل را به عنوان ستاد و مرکز فعالیت های خود در آورد. مرکز هیئت انجمن پیروان قرآن در اینجا مستقر گردید و در این مکان جلسات علمی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی برگزار می شد، یکی از مراکز مشهور و فعال مشهد بود و در همین مکان تعلیم قرآن، تجوید و بیان احکام و مسائل دینی و نشر آثار و فضائل اهل بیت علیهم السلام آغاز گردید.

وی افزود: در ایام عاشورا، وفیات و یا اعیاد و جشن های مذهبی در این مکان اجتماعات با شکوهی تشکیل می گردید، وعاظ و گویندگان منبر می رفتند خطابه می خواندند، مداحان و شاعران و مرثیه سرایان سروده های خود را قرائت می کردند و هیئت انجمن پیروان قرآن از این محل به خیابان ها می رفتند.

عطاردی با اشاره به خدمات مرحوم عابدزاده اظهار کرد: مرحوم عابدزاده به کارهای تبلیغاتی و خدماتی بسیار اهمیت می داد او گروهی از طلاب جوان و فعال را در مهدیه گرد آورده بود و در کارهای تبلیغی و ارشاد مردم از آنها بهره مند می گردید و در جلسات هیئت های محلی از آنها استفاده می شد و مردم متوسط جامعه با احکام دینی آشنا می شدند. مرحوم عابدزاده گروهی را هم آماده کرده بود در مدارس و آموزشگاه های دولتی و کارخانجات که در آن ایام مرکز فعالیت های سیاسی احزاب مخصوصا حزب توده بود در آن مراکز حضور پیدا کنند و با مبلغان فاسد به مقابله برخیزند و پاسخ شبهات را بدهند.

وی افزود: او در مسجد گوهرشاد سال ها منبر می رفت و مردم را ارشاد می نمود، او عمامه ای به سبک بازاری های مشهد بر سر می گذاشت و لباس معمولی مردم کوچه و خیابان را می پوشید و بالای منبر می رفت، او دعای کمیل و دعای ندبه را در شب و صبح جمعه گاهی در مسجد گوهرشاد و زمانی در مهدیه می خواند.

آیت الله «عطاردی»

وی درباره تأسیس انجمن پیروان قرآن اظهار داشت: او بعد از اینکه در مشهد

تشکیل داد، جماعت زیادی از کسبه و اصناف و زائران پای منبر او جمع می شدند و به سخنرانی های او گوش می دادند. او به زودی در مشهد مشهور گردید و موسساتی به نام ائمه اطهار علیهم السلام در این شهر به وجود آورد و فعالیت های خود را در موسسه ای به نام «مهدیه» متمرکز کرد.

آیت الله «عطاردی»

او سال ها در مشهد مقدس منبر می رفت و مردم در پای منبر او جمع می شدند، او در منابر مردم را موعظه و نصیحت می کرد و به کارهای خیر دعوت می نمود و اغلب آیات قرآن و اخبار و احادیث معصومان را بیان می کرد و مردم را به اتحاد، اتفاق و احسان و انفاق فرامی خواند.

آیت الله عطاردی درباره زندگینامه مرحوم عابدزاده نیز عنوان کرد: نام اصلی او حاج علی اصغر چراغچی بود و در میان مردم به عابدزاده معروف گردید او در سال ۱۲۹۰ شمسی در مشهد متولد شد. خانواده او مردمانی متوسط بودند و شهرتی نداشتند. پدر ایشان مرحوم زین العابدین نام داشت و در حرم مطهر

رضوی متصدی چهل چراغ بود و عابدزاده را هم از همین زین العابدین

گرفته بود. مرحوم عابدزاده خیلی زود پدر خود را

از دست داد ولی او با کوشش و فعالیت دنبال کار

رفت و با عشق و علاقه وارد بازار گردید، و کار

مورد علاقه اش را دنبال کرد، او در جوانی به

شغل حلبی سازی روی آورد و در همین شغل

هم ابتکاراتی داشت و موفق بود.

وی افزود: او بعد از مدتی کارخانه

آئینه سازی تأسیس کرد، با فکر و

اندیشه خود این کارخانه را اداره نمود، او

قاب هایی خوب و مناسب می ساخت و

مشتریان فراوانی داشت مرحوم عابدزاده از این

راه امرار معاش می کرد و به کارهای خیر هم می

رسید و در هر کاری پیش قدم بود.

استاد عطاردی درباره تحصیلات مرحوم

عابدزاده گفت: او در ایام جوانی در مدرسه

میرزا جعفر حجره ای می گیرد و در آنجا به فراگیری زبان عربی مشغول می

گردد و در عین حال به کار و کسب خود هم می رسد، او در این مدرسه به

فعالیت های تبلیغی هم دست می زند و گروهی از دوستان خود را هم به حجره

می برد و به آنان تعلیمات دینی می دهد. مرحوم عابدزاده همانطور که از زندگی

او معلوم می شود از روزهای جوانی در فکر تبلیغ و ارشاد بوده است، او کار خود

را در واقع از مدرسه میرزا جعفر شروع کرد و از آنجا به منازل و مساجد و

حسینیه ها کشانیده شد تا آنگاه که در مشهد مقدس مشهور گردید.

وی درباره تأسیس انجمن پیروان قرآن اظهار داشت: او بعد از اینکه در مشهد

مقدس مشهور شد و مورد اعتماد مردم قرار گرفت اقدام به تأسیس انجمن

پیروان قرآن کرد، این انجمن در میان مردم توسط مشهد و کسبه و اصناف مورد

توجه قرار گرفت و در هر کوی و برزنی از طرف مردم شعبه های این انجمن

تشکیل شد و توسعه پیدا کرد. در این انجمن ها قرائت قرآن، تجوید، بیان

مقدس مشهور شد و مورد اعتماد مردم قرار گرفت اقدام به تأسیس انجمن پیروان قرآن کرد، این انجمن در میان مردم توسط مشهد و کسبه و اصناف مورد توجه قرار گرفت و در هر کوی و برزنی از طرف مردم شعبه های این انجمن تشکیل شد و توسعه پیدا کرد. در این انجمن ها قرائت قرآن، تجوید، بیان احکام و مسائل شرعی و مسائل اجتماعی و نیازهای محلی مورد توجه قرار می گرفت و منبر تبلیغ و ذکر مصیبت هم برقرار بود، مرحوم عابدزاده خود نیز در جلسات این هیئت ها شرکت می کرد و سخنرانی می نمود.

عطاردی تصریح کرد: او سال ها در مشهد مقدس منبر می رفت و مردم در پای منبر او جمع می شدند، او در منابر مردم را موعظه و نصیحت می کرد و به کارهای خیر دعوت می نمود و اغلب آیات قرآن و اخبار و احادیث معصومان را بیان می کرد و مردم را به اتحاد، اتفاق و احسان و انفاق فرامی خواند.

وی افزود: مرحوم عابدزاده در کارهای اجتماعی هم فعال بود و به نیازمندان و مستحقان رسیدگی می کرد، برای کودکان یتیم و بی سرپرست و مسائل زندگی فراهم می نمود و برای دختران بی سرپرست و یا کم درآمد جهیزیه تهیه می کرد، در بلاهای طبیعی مانند سیل و زلزله به یاری مردم می شتابید و از مردم پیریشان دلجویی می نمود، او در هنگام حادثه زلزله بوئین زهرا در قزوین و زلزله طیس به این مکان ها شتافت و صادقانه خدمت کرد.

استاد عطاردی ادامه داد: مرحوم عابدزاده در مشهد مقدس به نام هر یک از چهارده معصوم بنایی ساخت او نخست مهدیه را بنا نهاد و بعد در محلات مشهد بناهایی به نام جوادیه، عسکریه و ... تأسیس کرد و در اختیار اهل محل گذاشت و وسایل تبلیغ و ارشاد هم برای مردم تهیه کرد و حوزه های درس تشکیل داد. بعد از مدتی این مراکز به صورت مدارس درآمدند و مردم کودکان خود را به آنجا می فرستادند تا تحصیل کنند، این مدارس مانند مدارس دولتی بودند و برنامه های وزارت آموزش و پرورش در آنجا تدریس می گردید، این مدرسه ها مورد توجه خانواده های مذهبی قرار گرفت و رونق پیدا کرد.

وی افزود: این مدارس چند سال اداره شد ولی مقامات فرهنگی مشهد وجود آنها را تحمل نکردند به بهانه های گوناگون در کار این مدارس اخلاص نمودند و سرانجام این مدرسه ها را تعطیل ساختند، مقامات دولتی در مشهد می گفتند که عابدزاده خودش فرهنگ جداگانه دارد و به ما اعتنا نمی کند از این رو مدرسه های او را بستند.

وئی درباره مبارزات سیاسی عابدزاده اظهار کرد: مرحوم عابدزاده یک مرد مسلمان و معتقد به مبانی مذهبی بود چون از بطن جامعه برآمده بود به علماء و فقهاء و رهبران دینی سخت علاقه داشت و در کارهای روزمره خود از آنها سرمشق می گرفت و دستورات آنها را به کار می بست و از اسلام سنتی سخت دفاع می کرد. هنگامی که حزب توده در مشهد فعالیت داشت و یا گروهک های سیاسی و روشنفکری با اصول دین و احکام مسلمة اسلام و ضروریات مذهب مخالفت می کردند و جوانان و کارگران را با تبلیغات سوء خود منحرف می

ساختند، مرحوم عابدزاده در منابر خود با آنها مقابله می نمود. وی افزود: او گروهی از جوانان متدین بازاری را گرد خود جمع کرده بود، هرگاه توده ای ها در جایی تجمع می کردند و یا سخنرانی می نمودند. جوانان پیرامون او وارد صفوف آنها می شدند با تظاهرات و شعارهای خود جمعیت آنها را پراکنده می کردند و اجتماع آنها را بر هم می زدند. هنگام ملی شدن صنعت نفت که علماء مذهبی هم از آن حمایت کردند مرحوم عابدزاده هم وارد صحنه شد و با پشتیبانی از مرحوم حاج سید ابوالقاسم کاشانی مجتهد معروف همه هم و غم خود را در این راه گذاشت و مهدیه که زیر نظر او قرار داشت یکی از کانون های فعال در طرفداری از ملی شدن صنعت نفت بود.

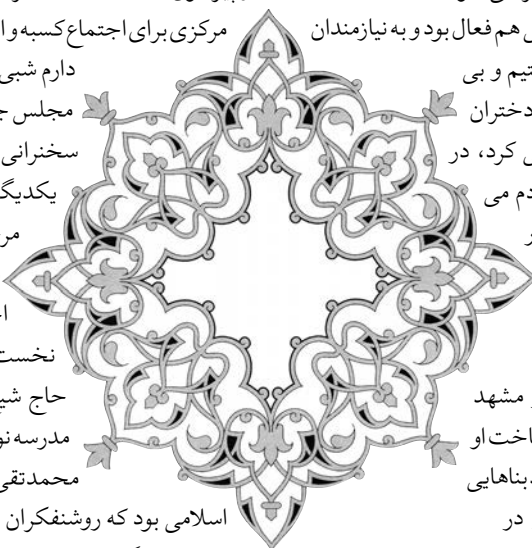
عطاردی ادامه داد: به خاطر دارم که در مهدیه مجالس زیادی تشکیل می گردید و پیرامون صنعت نفت سخنرانی می شد و مهدیه همواره در صف اول مبارزه و مرکزی برای اجتماع کسبه و اصناف مردم متوسط مشهد بود. درست به خاطر دارم شبی که کنسولگری انگلستان در مشهد بسته شد، مجلس جشنی در مهدیه برگزار گردید و در آنجا گروهی سخنرانی کردند و تعطیلی نمایندگی انگلیس را به یکدیگر تبریک می گفتند و این همه کارها توسط مرحوم عابدزاده انجام می گرفت.

وی گفت: هنگام ملی شدن صنعت نفت اجتماعات مردم توسط سه نفر اداره می شد، نخست علماء و طلاب حوزه علمیه که زیر نظر مرحوم حاج شیخ محمود حلبی واعظ معروف و پایگاه اینها مدرسه نواب و مدرسه میرزا جعفر بود، دوم مرحوم استاد محمدتقی شریعتی مزینانی که پایگاه او کانون نشر حقائق اسلامی بود که روشنفکران مذهبی، دانش آموزان، فرهنگیان و کارمندان پیرامون او را گرفته بودند و سوم مرحوم عابدزاده که اصناف و کسبه و مردم متوسط پیرامون او بودند و پایگاه او هم مهدیه بود، خطابه ها و سخنرانی های مرحوم عابدزاده در آن هنگام هنوز در خاطره ها مانده است و اعلامیه های مشترک با امضاء این سه نفر منتشر می شد و آنها از ارکان ثلاثه هیئت موتلفه بودند. بعد از کودتای بیست و هشت مرداد، مرحوم عابدزاده از سیاست کناره گیری کرد و دنبال تأسیس مدرسه رفت او در بناهایی که به نام ائمه علیهم السلام تأسیس کرده بود به تعلیم و تربیت کودکان مشهدی اقدام کرد ولی کارهای او مورد اعتراض ساواک قرار گرفت و مدارس تعطیل و خودش هم بازداشت گردید و روانه زندان شد. او بعد از مدتی از زندان رها شد ولی دیگر توان خود را از دست داده بود، و اوضاع و احوال هم اجازه نمی داد کارهای خود را دنبال کند، منبرهای او تعطیل شد و مدرسه هایش در اختیار دولت قرار گرفت و از دست او بیرون شد و کسی هم از او حمایت نکرد.

آیت الله عطاردی در فراز پایانی سخنانش گفت: مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده پس از سی سال فعالیت های دینی و فرهنگی در روز بیست و پنجم شوال سال ۱۴۰۶ در مشهد درگذشت و جنازه اش را در مهدیه که از بناهای خود او بود به خاک سپردند، شادوران قدسی مشهدی در تاریخ فوت او گفته است:

رفت از بر ما سخنوری آزاده آنکو بر دوست دل از کف داده

قدسی بی تاریخ کشید آه و سرود رحمت ز خدای ما به عابدزاده



۱۰ ویژگی برجسته مرحوم «عابدزاده» از زبان سید «هادی محدث»

الفکر

ایشان در تدبیر در آیات قرآن و برداشت ناب از آنها که نوعاً در آن نوآوری بود توفیق زیادی داشتند

خاطره: در بزرگداشت یکی از ایام الله که ایشان سخنرانی می فرمودند و حضرت آیت الله العظمی میلانی تشریف داشتند فرازی از آیات قرآن را قرائت نموده و برداشتهای ناب و خودی از آن عرضه فرمودند سخنرانی ایشان که تمام شد و به محضر حضرت آیت الله مشرف شدند آیت الله میلانی فرمودند این برداشت های نو و ناب از قرآن از شما نیست بلکه بدان ملهمید و لذا من حاضرم آنچه در بستر تحصیل و تدریس و زعامت دارم با اعمال و توفیقات شما مشارکت گذارم. جناب حاج عابدزاده عرض کردند من عامی را چه کار که با شما عالم ربانی مشارکت کنم هر چه حضرت آیت الله اصرار ورزیدند حاج آقا اعدادار نمودند. در سفر مشترک حج تمتع که در سال ۱۳۴۶ در محضر ایشان داشتم سوال کردم که این درخواست حضرت آیت الله میلانی به کجا انجامید فرمودند دو سال بعد از حادثه فوق مجدداً این حادثه و برخورد تکرار شد و ایشان به عنوان حاکم شرع به حقیر تکلیف کردند و فقر هم امثال نمودم و حضرت آیت الله عقد مشارکت را فیما بین حقیر و خودشان قرائت نمودند.

ایشان می فرمودند قرآن حجت خدا بر توده و عموم مردم است اگر مفهوم عموم مردم نباشد حجیت نخواهد داشت و چون در حجیت قرآن نمی توان تشکیک نمود پس باید در شیوه فراگیری فهم قرآن تجدید نظر کنیم.

خاطره: در کودکی حقیر، برادرم که از اعضای طلاب مهدیه بود روزی مرا به یکی از شعب انجمن پیروان قرآن بردند که عده ای نوجوان و جوان از سنین ۸ تا ۱۲ و ۱۴ سال مشغول قرائت قرآن بودند دفعتاً ملاحظه شد که حاج آقای عابدزاده برای ارزشیابی عملکرد این شعبه در آن جلسه حضور یافتند حاج آقا از سه نفر از قرآن آموزان خواستند که چند آیه قرائت کنند و سپس ترجمه نمایند به نفر سوم که رسید وی چند آیه را تلاوت نمود و سپس به گونه ای روان و تحت اللفظی آن چند آیه را ترجمه کرد حاجی ابدزاده به تمام حضار خطاب فرمودند که

گروه فعالیت های قرآنی: اگرچه مرحوم عابدزاده مانند همه انسان های غیر معصوم دارای گناهان و خطاهایی بوده است اما ویژگی های منحصر به فرد و جامعی داشته است که او را از دیگرانی چون او مجزای کند. سید «هادی مروی محدث» از همراهان و مصاحبانش در یادداشتی به بررسی تعدادی از این ویژگی ها در قالب خاطرات پرداخته است.

همت بلند، وسعت دید و آزاداندیشی:

خاطره: در یکی از منابر حاج عابدزاده، ایشان فرمودند: در جوانی که در مقام گزینش شغل بودم، در گزینش ۱۷ شغل مجبور بودم که هر کدام از این ۱۷ شغل را انتخاب کنم تا آخرین نقطه اوج آن در آن مشغول منتخب عروج کنم بزودی یافتم که هیچ شغلی به پر بار و بازدهی شغل انبیاء نیست و در تأیید این امر گو، می فرمودند (لان یهدی الله بک و جلا واحدا خیر لک من الدنيا و ما فیها) و لذا شغل انبیاء را که هدایت خلق خداست برگزیدم.

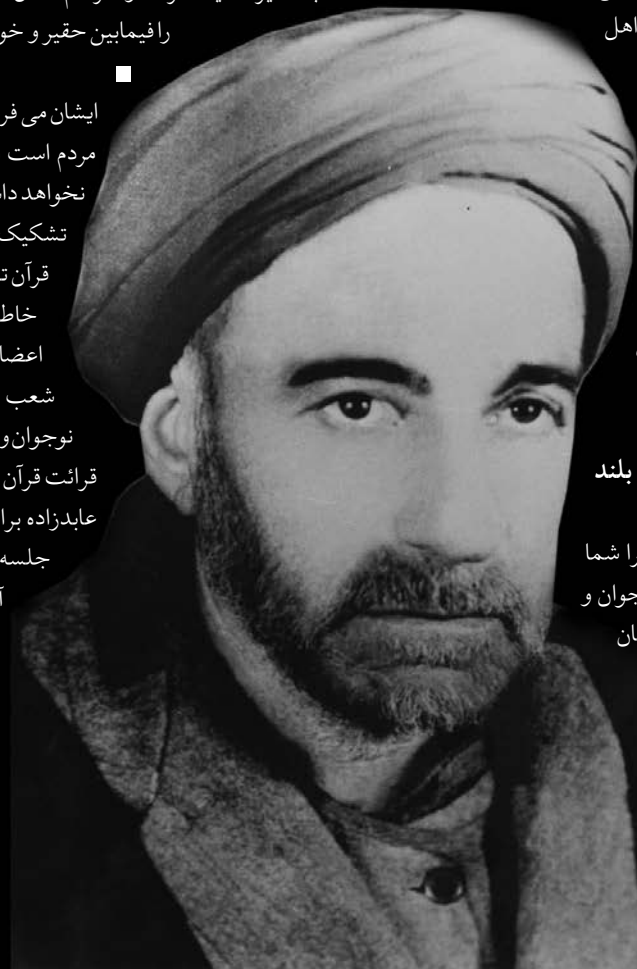
پاسداری از ودیعه نبوت در حدیث ثقلین

(انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی...) لذا ایشان به هر دو رکن آن پرداختند هم به فراهم آوردن لوازم فراگیری همه ابعاد قرآن اعم از قرائت، فهم و تدبیر در آیات تفسیر و هم گسترش معارف اهل بیت در قالب جلسات هفتگی دعای کمیل و دعای ندبه و بزرگداشت ایام الله و تأسیس ۱۴ بنا به نام نامی معصومین علیهم السلام در قالب مراکز فرهنگی و آموزشی.

انس مستمر با قرآن و تدبیر در آیات بلند پایه و هدایتی آن

خاطره: روزی خدمتشان عرض کردم چرا شما کتاب های روز را جهت برخورد با نسل جوان و تحصیل کرده ها مطالعه نمی فرمایید ایشان فرمودند من هنوز از مطالعه قرآن فارغ نشده ام بارها شده که خواستم چنین کنم ولی نتوانستم آن را جایگزین مطالعه و تعمن در قرآن و تدبیر در آیات قرآن نمایم.

دوام الذکر یتیر القلب و



حقایق اسلامی (استاد شریعتی) و تبلیغات اسلامی (حاج آقا حلبی) و شاید نهاد دیگری تشکیل گردید و محور گردش و فعالیت این ائتلاف شخص حاج آقای عابدزاده بودند که متینگ‌های ائتلاف را اداره می‌نمودند و سخنران منحصر آن بودند. خاطره: حاج سید احمد مختارزاده (پدر خانم برادر حقی) روزی مرا مخاطب قرار داده و فرمودند که من شبی، امام زمان را خواب دیدم و فرمودند به حاج آقای عابدزاده پیغام دهید که در فعالیت‌های سیاسی دخالت نکنند و چون حاجی عابدزاده نسبت به تو محبت دارند تو این پیام را به ایشان برسان. حقیر هم در مراسم قرائت قرآن ماه رمضان مسجد گوهرشاد روزی خدمت ایشان رسیدیم و پیام حاج آقا مختارزاده را به ایشان رساندم حاج آقا فرمودند خواب حجت ندارد من تشخیص دارم که ولو با احتمال کم می‌توان افراد سالمی را به مجلس شورا فرستاد.

اثرگذاری بی‌مانند و صد در صد حاجی عابدزاده در تمام فعالیت‌های تحصیلی و فرهنگی ۶۵ ساله حقیر

تحصیلات ابتدایی: قبل از تأسیس عسکریه حقیر دانش آموز دبستان معرفت به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی ناظم بودم که مشابه عسکریه دارای مدرک رسمی تحصیلی نبود (از سال اول تا چهارم)

و سال پنجم و ششم دبستان را بعد از امتحان ورودی و قبولی در دبستان دولتی شرافت به نظارت آقای آستان پرست تحصیل نمودم، در اثر اشادات حاج آقای عابدزاده مصمم بودم که به نحف اشرف هجرت کرده به تحصیل طلبگی بپردازم جناب آستان پرست فرمودند به نظر من امروزه در ایران در قالب مدرسه و تعلمی بهتر می‌توان اثرگذار بود.

۲- بعد از فراغت از دانشسرای عالی و اخذ مدرک لیسانس علوم تربیتی و گذراندن دوره افسر و وظیفه ای باز تحت تأثیر ارشادات حاج آقای عابدزاده به منظور همکاری با دبیرستان تازه تأسیس علوی که موسس آن حجت الاسلام والمسلمین علامه کرباسچیان مولف توضیح المسائل بودند با وزارت آموزش و پرورش لغو تعهد دبیری نمودم و در این دبیرستان در قالب معاونت جناب استاد روزبه علاوه بر معاونت مدرسه به تدریس فیزیک و شیمی و در کنار آن تدریس قرآن پرداختم ضمناً کلاسی را که حقیر معلم آنان بودم شب‌های جمعه به تدریس صحیفه سجاده می‌پرداختم.

۳- حدود ده سال ضمن تدریس قرآن راهکارهای مختلفی را به تجربه گرفتم که چگونه باید ختم قرآن را تدریس نمود که از روخوانی قرآن ساده تر باشد تا در سایه یک سری تحقیقات و مشورت و تجربه یافتیم که باید از طریق آموزش کلمات پرکاربرد و عبارات و آیات ساده قرآن شروع کرد و لذا اولین مجموعه کلیدهای فهم قرآن تألیف شد.

۴- بعد از پیروزی انقلاب به وزارت آموزش و پرورش راه یافتیم و در قالب مشاور غیررسمی آقای رجایی و باهنر مشاور رسمی آقای پرورش، دکتر اکرمی و دکتر مظفر در طول ده سال (۵۸ تا ۶۷) نهاد تغییر نظام آموزشی را پی زبیری کرده و به عنوان مسئول ستاد این نهاد و میراث فرهنگی که از حاج آقای عابدزاده فرا گرفته و در مدرسه علوی تقویت شده بود به منظور احیا و فراگیری جامع قرآن، معارف اهل بیت (ع) به این توفیق نائل آمدم و در طول سال (۷۲ تا ۸۰ بلکه تا به امروز) به طراحی، اجرا و تألیف مجموعه‌هایی از آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن در مقطع دبیرستان پرداخته و در نظام رسمی آموزش و پرورش کشور تحولی بنیادی در آموزش جامع قرآن و دیگر نهادهای عمومی بدین کار اشتغال دارم.

ملاحظه کردید ایشان در قرائت این چند آیه چندین غلط داشتند که اصلاح شد ولی در ترجمه همین آیات هیچ خطایی نکردند و این همان است که من (ایشان فرمودند) بارها گفته‌ام که فهم قرآن به مراتب از روخوانی آن ساده تر است.

اعتقاد عمیق به نقش تعلیم و تربیت در شخصیت‌سازی کودکان و نوجوانان
خاطره: در تأسیس عسکریه در پایین خیابان به لحاظ همسایگی، با عسکریه و حضور مستمر حاج آقا عابدزاده در طول چند سال ساختن این بنا فرصت ارزشمندی بود که حقیر با ایشان در دیدگاه‌های ایشان انس مستمر یابم و توفیق مصاحبت داشته باشم و دیدگاه‌های ایشان را نسبت به اثرگذاری مدارس بکرات بشنوم.

تأسیس مهدیه به عنوان یک تدبیر فرهنگی

خاطره: همزمان با تأسیس مهدیه، دستگاه حاکمه ایران به منظور جلب طلاب به نظام مدرسه ای و اخذ مدرک و مدرک گرایی، تحصیل جهشی را باب نمود و در نتیجه گروه گروه طلاب یکی بعد از دیگری مقاطع تحصیلی را می‌خواندند و در کوتاه مدت امتحان می‌دادند و ارتقاء می‌یافتند. در مقابل این جریان مدرک ساز، حاج آقای عابدزاده هم مهدیه را تأسیس نموده و در منابر پرشور و اثرگذار خود جوانان و تحصیل کرده‌ها و کسبه را به فراگیری قرآن و زبان قرآنی که عربی است تشویق و ترغیب نمودند. اقبال جوانان و کسبه به فراگیری قرآن و عربی در مهدیه چشمگیر بود و برادران حقیر از جمله افرادی بودند که در این مرکز به فراگیری عربی پرداختند.

عمق جامعه‌شناسی و آسیب‌شناسی ایشان از تحصیلات مدرسه‌ای و دانشگاهی

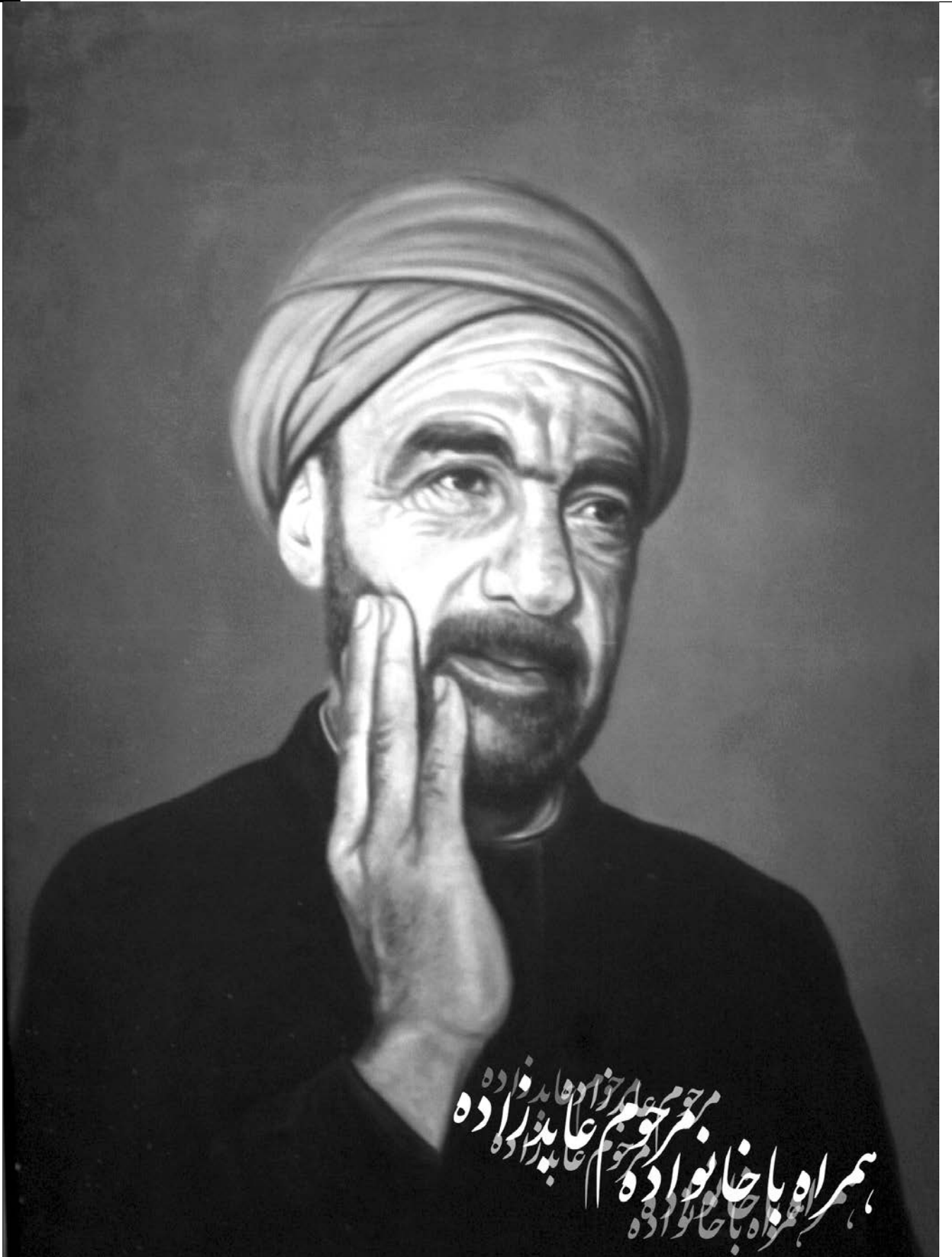
خاطره: روزی که دانشجو بودم و در تعطیلات از تهران به مشهد آمده بودم و به محضر ایشان در مهدیه مشرف شدم بعد از نماز جماعت در محضر ایشان به حقیر فرمودند و سوال کردند آیا در محیط دانشگاه بین دو هزار نفر فردی مثل شما کسی یافت می‌شود که انگیزه دینی داشته و تعبد خود را حفظ کرده باشد پاسخ عینی این سوال را زمانی خوب درک کردم که باتفاق ۴۰۰ فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها در گذراندن دوره افسر و وظیفه در سلطنت آباد تهران ملاحظه کردم که بین این جمعیت حدود ۲۰ نفر بیشتر اهل نماز نبودند آن هم نمازی سنتی و بدور از انگیزه معنوی.

خلاقیت و قدرت ابداع و نوآوری و نبوغ ایشان

خاطره: در زمانی که به تأسیس فاطمیه پرداختند از لطف تقدیر منزل جدید ما در همان کوچه که بین کوچه حاج ابراهیم و کوچه حسنقلی بود واقع شد و همین موضوع موجب شد مجدداً چند سالی را در حین ساختن فاطمیه توفیق مصاحبت مستمر با ایشان را داشته باشم آن هم روشن تر و بالاتر. ایشان هم طراح ساختمان و مهندس آن و هم در نقش معمار در تمام شئون اعمال نظر می‌کردند به طوری که در تمام ساختمان‌های ۱۲ گانه ایشان در مشهد ملاحظه می‌کنید که سبک معماری آنها با هم تفاوت و در هر کدام نوآوری خاصی را اعمال نموده‌اند.

دید عمیق سیاسی و قدرت مدیریت ایشان

در زمان مصدق در انتخابات احتمالاً دوره ۱۷ مجلس شورای ملی در مشهد ائتلافی از چند نهاد فرهنگی از جمله انجمن پیروان قرآن (عابدزاده)، کانون نشر



ہمراہ باخانو اورہ
میرزا محمد علی شاہ
علی پور اورہ



همسر مرحوم عابدزاده: «عابدزاده» زندگی خود را وقف مردم کرده بود

دین و تعالیم دینی ارشاد می کرد؛ حاجی عابدزاده زندگی خود را وقف مردم کرده بود و ما هم از این نظر مشکل نداشتیم و رضایت خدا را در نظر می گرفتیم. وی ادامه داد: حاجی تنها پسر خانواده شان بود و در بچگی پدرش را از دست داده بود و او را به یاد نمی آورد. ۱۵ سال مادر شوهر من در یکجا با ما زندگی می کرد ولی بعد از زندانی شدن حاجی از غصه فوت کرد.

او رمز موفقیت مادر حاج علی اصغر عابدزاده در تربیت چنین فرزندی را راستگویی و تدین او برشمرد و تصریح کرد: زبان ایشان هیچگاه از ذکر نمی افتاد و آنقدر در این کار مداومت می ورزید که حتی اگر در خواب هم بر بالینشان می آمدیم ذکر می گفت. وی در ادامه به ذکر فضائل مادر مرحوم عابدزاده پرداخت و گفت: ایشان آنقدر به من و دیگران محبت می کرد که مادرم می گفت خاطر جمع است. محبتی که مادر شوهرت به تو می کند من دیگر نیازی نیست کاری بکنم.

خانم غروی در ادامه به سال های پایانی زندگی استاد اشاره کرد و گفت: در جریان تظاهرات و جریانات انقلابی روزی حاجی با رفقا همراهی می کرد و با مشاهده شهادت رفقا و دیگر مردم سگته کرد و ایشان را به بیمارستان بردند. در آنجا وقتی حاجی زخمی ها را دیده بود سگته دیگری زد و وقتی دید چنین انقلابی پیش آمده و رفقایش شهید شده اند زمین گیر شد.

هشت سال در بستر افتاد و البته همه این مدت را در خانه نبود مدتی را در بیمارستان بود و مدتی هم در خانه سکینه خانم دختر بزرگم زندگی می کرد. وی گفت: حاجی عابدزاده تربیت فرزندان را به من واگذار کرده بود و من هم تا جایی که عقلم می رسید کوششم را کردم و در مواردی هم از ایشان کمک می خواستم ولی در کل ایشان نظارت غیر مستقیم داشت.

دختر آیت الله غروی در پایان معیارهای حاجی عابدزاده را برای انتخاب داماد بازگو کرد و افزود: حاجی سعی داشت داماد خود را از بین بهترین خانواده ها و خوش نام ترین آنان انتخاب کند و در کنار این معیارها خانواده هایی متدین و خدانشناس را انتخاب می کرد. مهریه دختران را هم به خانواده پسر واگذار می کرد.

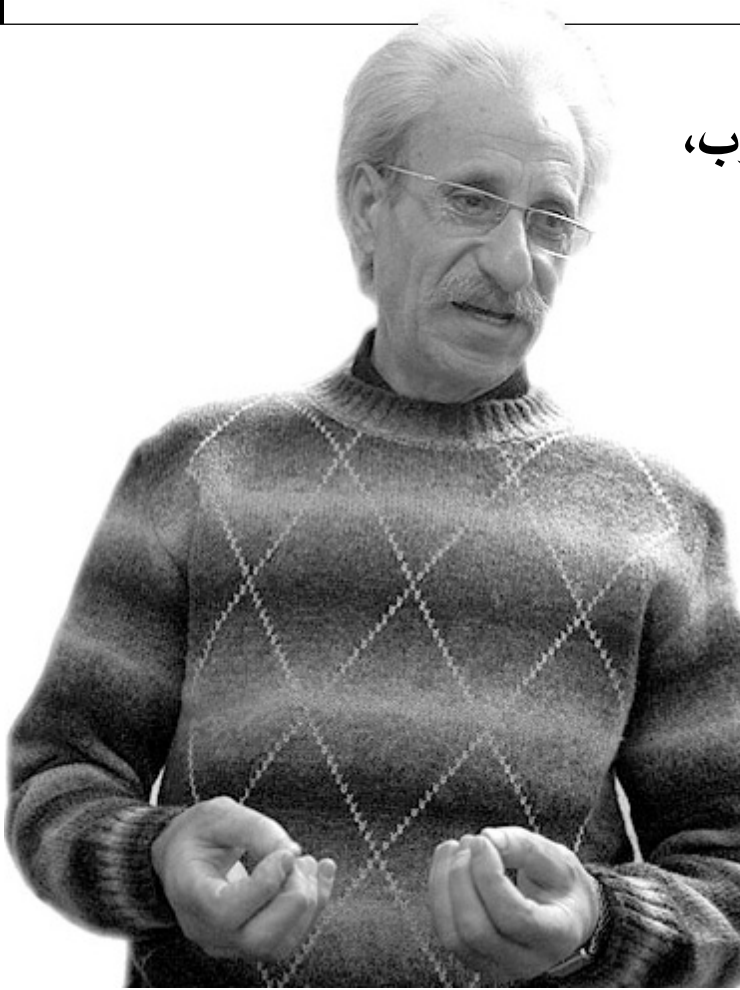
فعالیت های قرآنی: حاجی عابدزاده زندگی خود را وقف مردم کرده بود به همین دلیل ما هم با مشکلات کنار می آمدیم و از این نظر مشکل نداشتیم و رضایت خدا را در نظر می گرفتیم.

■■■

غروب ۲۲ دی ماه سال ۱۳۸۶ به اتفاق گروه خبری ایکنادر مشهد و در منزل مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده مهمان همسر و فرزندان ایشان شدیم. منزلی که در جوار مهدیه است و به واسطه تقدس آن و حضور مردی مجاهد و مبارز در سالیان نه چندان دور قداست یافته است. معصومه غروی، متولد ۱۲۹۹ همسر مرحوم عابدزاده با وجود کهولت سن از سرزندگی و شادابی روحی ویژه ای که نشان از آمادگی روحی بالا دارد، برخوردار است و صمیمانه پذیرایمان.

ایشان فرزند آیت الله غروی از روحانیون معروف مشهد است و وقتی از او خواستیم درباره مرحوم عابدزاده صحبت کند سخن را از ازدواج شان آغاز کرد و گفت: من دختر آیت الله غروی بودم و تربیت خانوادگی من مطابق میل حاج آقا بود؛ در هنگام ازدواج حدود ۲۰ سال سن داشتم، حاجی نیز ۳۰ ساله بود. پس از خواستگاری حاجی از من، پدرم درباره ایشان تحقیق کردند و از سابقه خوب و درخشان ایشان مطلع شدند. پدرم طالب چنین مردی بود و به همین دلیل من را به عقد ایشان در آورد.

وی در ادامه از صفات اخلاقی مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده سخن گفت و اظهار کرد: حاجی از زنان خیابان گرد خوشش نمی آمد، من نیز چنین زنی نبودم، لذا مشکلی در زندگی نداشتیم و ایشان ما را در زندگی ما را بسیار آزاد گذاشته بود. فرزند آیت الله غروی به توجه حاجی به مسائل دینی و قرآنی اشاره کرد و ادامه داد: همه هوش و حواس مرحوم عابدزاده، بر سر مسائل قرآنی بود و فرزندان خود را هم قرآنی بار آورد، او از دخترها می خواست که به کار خانه دخالتی نداشته باشند و تنها قرآن و کتب علمی و دینی بخوانند. مرحوم عابدزاده به مسائل سیاسی چندان کاری نداشت و فعالیت های فرهنگی - قرآنی را دنبال می کرد؛ او به منبر می رفت و مردم را به سوی



پدرم با وجود وضع مالی خوب، ساده زیست بود

گروه فعالیت های قرآنی: به اعتقاد پسر ارشد مرحوم عابدزاده، کارهای حاج «علی اصغر عابدزاده» خارق العاده بود. ایشان مدیر لایق و شایسته و از نوادر مردان اهل گفتار و پندار و رفتار نیک بود و در عین وضع مالی خوب، ساده زیست بود.



«محمد عابدزاده» فرزند ارشد مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» از خادمان قرآن در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: زمان فعالیت حاج آقا من سن کمی داشتم و متأسفانه زمانی پدر را شناختم که ایشان را از دست داده بودم به طور مثال حاج آقا با کارگراها غذا می خورد و فکر مهندس ها را داشت و من چنین مدیر فعالی را در هیچ زمانی ندیدم.

وی تصریح کرد: حاج آقا به دلیل مشغله و کار زیاد بیشتر در خدمت مردم بودند و وقت چندانی را برای خانواده نمی گذاشتند و این باعث شد من پدرگریز باشم ولی بعدها با مطالعه و دقت در زندگی ایشان به این نتیجه رسیدم که کارهای مهم تری داشتند و نداشتن وقت برای خانواده لازمه فعالیت های حاج آقا بوده است. حاج آقا حدود ۱۶ سال فعالیت خارج از خانه داشتند و ما تنها وقت مان صرف بازی در محافل ایشان و چراغانی های نیمه شعبان و اعیاد می شد.

وی درباره ویژگی های شخصیتی پدر مرحومش تأکید کرد: تمام وقت حاج آقا به مردم تعلق داشت به طوری که حتی نهار را در مهدیه میل می کردند و من به خاطر ندارم سر سفره ای با پدر و مادر غذا خورده باشم. سال ۶۲ که ازدواج کردم حاج آقا ده سال بود که در بستر بیماری بودند و متأسفانه نتوانستند در زمینه ازدواج کمکی به من کنند. فرزند ارشد حاج علی اصغر عابدزاده تأکید کرد: ما سعی کرده ایم تاکنون از نام و موقعیت پدرمان هیچ سوء استفاده ای نکنیم.

«محمد عابدزاده» پسر ارشد

مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده»:

اطرافیان و اشخاصی که حاج آقا را همراهی می کردند در حقیقت بدون هیچ توقع مادی و چشم داشتی و بارضا و رغبت در خدمت حاج آقا بودند چون می دانستند

و حاج آقا مجبور شد این کفش ها را (کفش های نو) با وجود ناراحتی بپوشد ولی برای اینکه خیلی نو نباشد آن ها را گل مالی کردند.

وی در ادامه افزود: زمانی من در مهدیه مشغول بازی بودم و افرادی وارد شدند و سراغ حاج آقا را گرفتند، من نشانی حاج آقا را دادم آقایان گفتند همان آقای که شلوارش وصله دارد؟ گفتم بله، حاج آقا به قدری لباس های کهنه و مندرس می پوشیدند که حد نداشت و من سراغ ندارم کسی با وجود تمکن مالی این گونه زندگی کند.

محمد عابدزاده پسر ارشد مرحوم عابدزاده در ادامه تأکید کرد: اطرافیان و اشخاصی که حاج آقا را همراهی می کردند در حقیقت بدون هیچ توقع مادی و چشم داشتی و بارضا و رغبت در خدمت حاج آقا بودند چون می دانستند که ایشان در راه خدا خدمت می کند و من معتقدم اگر حاج آقا بدون این همراهان که جان و مالشان را با میل و اشتیاق در اختیار ایشان می گذاشتند فعالیت می کرد به هیچ وجه موفق نمی شد و خدا ان شاء الله همراهان ایشان را قرین رحمت کند و ما قدردان آن ها هستیم.

وی در پایان تأکید کرد: خدا را شاکرم که از حاج آقا عابدزاده درس های اخلاقی زیادی برای طول زندگی آموختم به طور مثال من از کسی طلبی ندارم و به هیچ کس بدهکار هم نیستم و به تبعیت از پدر دنبال راه های به ظاهر شرعی در اقتصاد و معیشت نمی گردم.

یادآوری می شود، فرزند ارشد عابدزاده ۵۳ سال سن دارد و صاحب دو فرزند دختر و پسر است که هر دو دانشجو هستند.

محمد عابدزاده عنوان کرد: حاج آقا هیچ نیاز مادی به کسی نداشتند و با وجود وضع مالی نسبتاً خوب، بسیار ساده زیست بودند. خاطره ای در این زمینه دارم که کفش های حاج آقا به قدری خراب شده بود که مادرم به من گفتم محمد کفش های حاج آقا را دور بینداز و جای آن گالش های نو را بگذار. حاج آقا وقتی متوجه این موضوع شدند اعتراض کردند و من به مزاح گفتم کفش های شما را دزد برده

خدمات

مرحوم «عابدزاده»

به علت آرامشی بود که

همسرش

در خانه ایجاد کرده بود

راحتی به مردم خدمت کنند و فعالیت های تبلیغی ترویجی را در راستای دین برپا دارند که متأسفانه زمانی که سن ما برای شرکت در مدارس حاج آقا مناسب شده بود این مدارس را تعطیل کردند.

حسین عابدزاده اظهار کرد: به مناسبت ماه رجب و نیمه شعبان ما جشنی در مهدیه برپا می کردیم که بسیار مفصل و از نظر تزئینات و زیبایی بی نظیر بود و با استقبال گرم مردمی مواجه می شد یکی از سال ها هنگام آماده سازی مقدمات این جشن ها، همسایه ای در کنار مهدیه به سر و صدا و شلوغی اعتراض کرد و حاج آقا به دلیل این که بسیار با ملاحظه بودند گفتند همسایه ای ناراحت است و به سرعت چراغانی را تعطیل کردند که پس از مدتی افراد دست اندر کار برپایی جشن، همسایه معترض را پیدا کردند و با توجیه ایشان وی را راضی کردند و بعد از اذن و اجازه این همسایه بود که کار را ادامه دادند و این موضوع اهمیت رضایت همسایه از دیدگاه مرحوم حاج آقا عابدزاده را می رساند همچنین در پایان جلساتی که در مهدیه برگزار می شد حاج آقا به منظور رفاه حال همسایه ها می گفتند به سرعت جلسه را ترک کنید که مزاحمتی برای همسایه ها ایجاد نشود.

پسر کوچک مرحوم عابدزاده درباره مادر و پدر حاجی عابدزاده عنوان کرد: من پس از فوت مادر حاج آقا به دنیا آمدم اما شنیده ام که زن مومن و بسیار ساده زیستی بودند و با این که فرزندش در وضع مالی و اجتماعی مناسبی بود بسیار قانع بودند و زندگی ساده ای داشتند و تشییع جنازه ایشان در تاریخ مشهد مثال زدنی بوده است.

گروه فعالیت های قرآنی: به اعتقاد پسر کوچک مرحوم عابدزاده، خدمات اجتماعی مرحوم عابدزاده از محیط امن خانواده که توسط همسرشان ایجاد شده بود، نشأت می گرفت و اگر این گونه نبود حاج آقا نمی توانستند با این فراغ بال به فعالیت اجتماعی بپردازند.

■ ■ ■

«حسین عابدزاده» فرزند کوچک مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به بیان خاطراتی از مرحوم پدرش پرداخت و گفت: حاج آقا عابدزاده در بیشتر جلسات سخنرانی و یا اماکنی که روزانه کار داشتند من را همراه خودشان می بردند و ما کمتر شاهد حضور ایشان در منزل بودیم زیرا تمام وقتشان را به مردم اختصاص می دادند به طور مثال زمانی که افرادی از عراق به ایران کوچ داده شدند حاج آقا با جان و دل برای رفاه آنان خدمت می کردند و خوراک و لباس گرم برای این رانده شده های عراقی آماده می کردند ضمن این که افرادی را برای آمارگیری مأمور کرده بودند و به طور منظم برای آن ها کمک رسانی می کردند و این از جمله مدیریت های حاج آقا بود که به نظر من در آن زمان شاید هلال احمر هم از پس این کارها به خوبی ایشان بر نمی آمد.

«حسین عابدزاده» فرزند کوچک

حاج علی اصغر عابدزاده:

خدمت رسانی مرحوم عابدزاده از محیط امن خانواده ایشان نشأت می گرفت و اگر این گونه نبود حاج آقا نمی توانستند با این فراغ بال به فعالیت اجتماعی بپردازند و ویژگی محیط خانه ما باعث شد حاج آقا با کسب آرامش و به راحتی به مردم خدمت و فعالیت های تبلیغی ترویجی در راستای دین از جمله برپایی مدارس مذهبی داشته باشند

وی در ادامه تصریح کرد: به نظر من این خدمت رسانی مرحوم عابدزاده از محیط امن خانواده ایشان نشأت می گرفت و اگر این گونه نبود حاج آقا نمی توانستند با این فراغ بال به فعالیت اجتماعی بپردازند و ویژگی محیط خانه ما باعث شد حاج آقا در آرامش و به

و در جوانی به دلیل داشتن زمینه آماده‌ای برای کسب دین با شنیدن کلامی در مسجد گوهرشاد متحول شده بودند و به محض این که متوجه می‌شوند که بعد از یادگیری می‌توانند به کسی آموزش دهند شروع به تدریس کردند و علم و عمل را با هم شروع کردند و به دلیل این که با جان و دل یاد می‌گرفتند با جان و دل نیز به دیگران آموزش می‌دادند بنابراین بسیار اثر گذار بوده‌اند.

پسر کوچک مرحوم عابدزاده با اشاره به خاطره‌ای از پدر گفت: من بچه بودم و روزی در حیاط مهدیه مشغول بازی، عصرها حاج آقا برای ساخت جعفریه می‌رفتند و شب برمی‌گشتند و به ماهی‌ها و پرنده‌ها توجه داشتند زیرا برای امنیت ماهی‌ها در برابر گربه‌ها آب حوض را کم می‌کردند و همچنین ظرف آبی برای پرنده‌ها می‌گذاشتند و در فاصله زمانی که حاج آقا نبودند من مشغول بازی بودم. یک روز ظرف آب کبوترها را به سمت پشت بام پرتاب کردم و ظرف به لبه پشت بام خورد و برگشت و سر راه یک مهتابی هم شکست. من به سرعت ظرف را آب کردم و سر جایش گذاشتم و بعد شکسته‌های مهتابی را جمع کردم و نیم ساعت بعد حاج آقا برگشتند هنوز سرشان را بالا نیاورده بودند گفتند چه کسی مهتابی را شکسته گفتم من نمی‌دانم حاج آقا گفتند دروغ نگو! می‌خواهی بگویم چه کاری کردی و گفتند ظرف آب را به پشت بام پرتاب کردی و در برگشت به مهتابی خورده و مهتابی شکسته چون وقتی من از خانه بیرون می‌رفتم ظرف کبوترها کمتر آب داشت الان پر از آب شده و کمی هم قراضه است. این نشان دهنده تیزبینی حاج آقا بود.



مرحوم عابدزاده هر چه داشت همه از دولت قرآن بود

حسین عابدزاده تاکید کرد: حاج آقا عابدزاده غیر از فعالیت در حوزه قرآن و عترت کار دیگری نداشتند و قرآن و عترت تمام محوریت کارهای ایشان بود. وقتی به ایشان می‌گفتند که چرا در این حد قرآن می‌خوانید می‌گفتند که من هنوز از قرآن فارغ نشده‌ام و آن را نفهمیده‌ام که به سراغ چیز دیگری بروم و در حقیقت حاج آقا عابدزاده بسیار با قرآن مأنوس بودند و در عمل هم مدارس را بر اساس قرآن و علوم دینی پایه ریزی کرده بودند و در یک کلام مرحوم عابدزاده هر چه داشت از دولت قرآن بود.

وی در پایان یادآوری کرد: رفتار حاج آقا با شخص من بسیار خوب بود، بسیار مهربان بودند و مرا خیلی دوست داشتند. من الان ۴۸ سال دارم و متأسفانه در زمان فعالیت‌های اجتماعی حاج آقا، کوچک بودم و خاطرات مهم ایشان را بزرگانی که در قید حیات هستند بهتر می‌دانند و حتی در زمان ازدواج من پدر در بستر بیماری بودند.

«حسین عابدزاده» فرزند کوچک حاج آقا «علی» اصغر عابدزاده:

مرحوم عابدزاده در جوانی به دلیل داشتن زمینه آماده‌ای برای کسب دین با شنیدن کلامی در مسجد گوهرشاد متحول شده بودند و به محض این که متوجه می‌شوند که بعد از یادگیری می‌توانند به کسی آموزش دهند شروع به تدریس کردند و علم و عمل را با هم شروع کردند و به دلیل این که با جان و دل یاد می‌گرفتند با جان و دل نیز به دیگران آموزش می‌دادند بنابراین بسیار اثر گذار بوده است

روایت متفاوت فرزند عابدزاده از زندگی کودکی آن مرحوم

وی درباره پدر بزرگش اظهار کرد: پدر حاج آقا شخصی به نام ملاعابد بوده که اهل کتاب، با تقوی و اهل کسب حلال بوده است و در زمان کودکی حاج آقا به رحمت خدا رفتند. سرپرستی حاج آقا عابدزاده را دایی ایشان به نام «چراغ چی آستانه» به عهده گرفتند و حتی شناسنامه حاج آقا را به نام خودشان می‌گیرند و بعدها به دلیل نام پدر حاج آقا که ملاعابد بوده ایشان

خودشان را عابدزاده معرفی می‌کردند و خیلی‌ها نمی‌دانستند که شناسنامه حاج آقا چراغ چی آستانه است.

حسین عابدزاده در ادامه افزود: پدر من به دلیل این که از بچگی پدرش را از دست داده بود از سن پایین مشغول فعالیت اقتصادی شده بودند. حاج آقا فردی بودند که در میان هم سن و سال هایشان با کارهای خلاف مخالفت می‌کردند

فرزند ارشد عابدزاده:

پدرم هیچ گاه از کسی عیب جویی نمی کرد

داشتند صحیح خواندن نماز را به ما آموزش بدهند.

مرحوم عابدزاده بر مطالعه علوم به ما بسیار تأکید داشتند و زمینه پرورش در خانواده ما به گونه ای بود که با اشخاص خوبی رفت و آمد می کردیم و افراد ناباب و نامناسب در خانه ما راهی نداشتند و اگر رفتار بدی را نیز ملاحظه می کردیم، هرگز به آن کار ناشایست مبادرت نمی ورزیدیم و بر این نظر بودیم که رفتار و کردار و گفتار انسان باید، مطابق میل خدا و ائمه باشد نه مطابق میل خودمان.

سکینه عابدزاده یاد آور شد: پدرم همیشه به ما می گفتند چیزی را که

خدا روزی شما می کند شکرگذار باشید و وقتی خدا آن را

از شما گرفت، ناراحت نشوید و ناشکری نکنید و به

مال دنیا هم دل نبندید و ما خود این مطلب را به

فراست قبول داشتیم که چه کاری رضایت

خدا را به همراه دارد و کدام ندارد و در یک

کلام اوامر و نواهی خدا را می پذیرفتیم.

دختر ارشد مرحوم عابدزاده در ادامه با

بیان این مطلب که مرحوم حاج علی

اصغر عابدزاده در جا انداختن فرهنگ

قرآنی در مشهد زحمات بسیاری

کشیدند، توضیح داد: الان جامعه در

موقعیتی قرار دارد که آزادی است ولی آن

زمان، زمان خفقان و اختناق بود و پدرم با

همان روش فرهنگسازی قرآنی در بچه های مردم

و شیوه ارشاد

آنان، ما را هم

راهنمایی می کردند و اگر

مستقیماً با ما حرف نمی زدند ولی ما از

رفتار ایشان تأثیر می گرفتیم و همان را

که به ما آموزش داده بودند عملاً رفتار

می کردیم و ظاهر و باطنمان یکی بود.

وی بخش دیگر سخنان خود را به معیارهای حاج علی اصغر عابدزاده برای

انتخاب همسر برای فرزندان اختصاص داد و تصریح کرد: اولین فاکتور پدرم

برای انتخاب همسر برای ما تدين افراد و نیز انتخاب خانواده ای خوش نام و

خوش رو بود؛ پدرم در تعیین مهریه برای دخترانش نیز این امر را واگذار به خانواده

داماد می کرد تا هر کس در حد توان و بضاعت خویش مهر بدهد و آن هم بدان

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم پدرم بر رعایت ادب و اخلاق بسیار تأکید داشت و هیچگاه در باره کسی غیبت و عیب جویی نمی کرد.

«سکینه عابدزاده» فرزند ارشد مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب و با اشاره به فعالیت های سیاسی مرحوم عابدزاده گفت: فعالیت سیاسی پدرم علنی نبود و به طور مخفیانه کارش را انجام می داد، و غیر مستقیم آن را دنبال می کردند و در این زمینه حتی دستگیر و زندانی شدند، ولی رژیم نتوانست کاری از پیش ببرد؛ ایشان کارهایشان را طوری انجام می دادند و برنامه های درسی را طوری پیاده می کردند که رژیم نتواند سوزهای به دست آورد و برنامه های دینی ایشان را تعطیل کند.

■ ■ ■

سکینه عابدزاده، خاطرنشان کرد: پدرم ۴ ساله بودند که پدر خود را از دست دادند بنابراین انسانی خودساخته، خودجوش و متدین بارآمده بود، پدر ایشان، زین العابدین عابدزاده مشهور به حاج ملاعابد، بود و فامیلی پدرم نیز از نام پدرش، الهام گرفته شده است. پدرم، بسیار خوش اخلاق بود، مفتش نبود و در کار کسی سرک نمی کشید؛ در خانه بسیار راحت بود؛ حرف کسی را نمی زد و غیبت و عیب جویی در مورد کسی نمی کرد، ایشان بر رعایت ادب، بسیار پافشاری داشت و برای ما هیچ گاه از کلمه «تو» استفاده نمی کرد و از بچگی ما را با لفظ شما خطاب کرده بود؛ پدرم فضائل اخلاقی، بسیار داشت و ما نمی توانیم در هیچ موردی کوچکترین خرده ای از ایشان به یاد آوریم؛ پدرم در کنار خوش اخلاقی و خوش برخوردی؛ اقتدار خود را نیز حفظ می کرد؛ ما هم کاملاً به ایشان احترام می گذاشتیم، البته نه از روی ترس که از احترام فوق العاده ای که برای ایشان قائل بودیم بسان شاگردی که برای استاد خود بسیار حرمت قائل است.

وی در بخش دیگر سخنان خود با ذکر این مطلب که پدرم برای تعمیق شعائر اسلامی در فرزندان از کودکی کار می کرد گفت: من بسیار کوچک بودم که پدرم برایم چادری درست کرده بود و زیر گلویش را بندی گذاشته بود تا در جلسه قرآنی شرکت کنم، من کنار پدرم در این مجالس می نشستم و صدای قرآن در خانه ما همیشه طنین انداز بود. سکینه عابدزاده افزود: پدرم ما را به دلیل که باید برای رفتن به مدرسه سربرهنه می رفتیم ما را به مکتب فرستادند و ما در آنجا فقط قرآن

خواندن را یاد گرفتیم ولی خواندن و

نوشتن را در خانه پدری آموخته بودیم

البته با توجه به جلساتی که در منزل ما

برگزار می شد پدرم وقتی من را به

مکتب فرستادند من تمام «عم جزء»

را بدون معلم آموخته بودم و در بدو

ورود برای استاد خواندم.

وی تأکید کرد: پدرم برای تعمیق فرهنگ نماز در ما، خود به نماز می ایستاد، ما هم پشت ایشان می ایستادیم و نماز می خواندیم، ایشان نماز را بلند می خواند تا ما طریقه صحیح خواندن آن را یاد بگیریم، بنابراین ما از بچگی با دعاهای پیش از نماز چون «لیبک و سعیدک والخیر فی یدیک و الشر لیس الیک و المهدی من هدیت، عبدک و ابن عبدیک دلیل بین یدیک منک و بک و لک و الیک». آشنا شده بودیم و می خواندیم؛ البته مادر ما هم بسیار بر این مسئله مقید بودند و اصرار

سکینه عابدزاده:

همه سیر و سلوک پدرم با علما بود و آیت الله میلانی، آیت الله

قمی، آیت الله شیرازی و دیگر علما با ایشان رفت و آمد داشتند و

در مراسم های پدرم جزء مدعوین اصلی بودند

رضوی دفن شوند. وی در ادامه سخنان به مناجات های پدر در مهدیه اشاره داشت و گفت: پدرم شب ها تکه ای مقوا با خود به سرداب مهدیه می برد و چراغ کوچکی را نیز در آنجا روشن می کرد و به مناجات می پرداخت، او زمانیکه به سرداب می رفت شالی که دور سر خود می پیچید را دور گردن می انداخت و تا پاسی از شب عبادت می کرد.

دختر بزرگ مرحوم عابدزاده به سروده شعرگونه ای که خود سروده است و بر سر آرامگاه پدر نصب کرده، اشاره داشت و گفت: من شبی خواب دیدم که کسی به من می گوید، اسم این شعر را سرود سرداب عشق بگذار که این نام الان بر آن شعر حک شده که این شعر اینگونه آغاز شده است:

ای پدر، ای اسوه تقوا و دین، یادت بخیر
با ضعیفان و یتیمان همنشین، یادت بخیر
خشت و خاک مهدیه شاهد بود بر عشق تو
مهر و ماه و اختر و پروین، پدر، یادت بخیر

وی در ادامه به ساخت مهدیه و برگزاری مراسم نیمه شعبان در آنجا اشاره کرد و گفت: آذین بندی مهدیه از ماه ها قبل آغاز می شد، چرا که امکاناتی نبود و آنقدر سقف مهدیه بلند بود که در چند طبقه آن را آذین می بستند و سالی که مهدیه آتش گرفت شعری چون استاد بنایی در وصف آنجا بسیار شعر سرودند که یکی از این شعرها این بود:

طور سببایی اگر خاموش شد / همچو موسایی در او مدهوش شد

وی در توصیف این آتش سوزی گفت: عظمت این آتش سوزی را تنها کسانی درک می کردند که در آنجا حضور داشتند ولی خدا را شکر کسی در آنجا آسیب جانی ندید و روز بعدش، پدرم از کسانی که اجناسشان در مهدیه سوخته بود خواست، هر کس می خواهد بیاید و پول اجناسش را بگیرد و آنان که خواستند آمدند و پول خود را گرفتند و عده دیگر گفتند فدای سر امام زمان.

فرزند ارشد خانواده عابدزاده، مرحوم عابدزاده را فردی ساده زیست معرفی کرد و گفت: پدرم به دنبال زندگی گسترده ای نبود و برای خود در زندگی تنها

چند دست لباس داشت و هر چه بود برای امام زمان و مجالس مصرف می کرد و فی نفسه برای خود هیچ چیز را نگاه نمی داشت و از درآمد کارخانه هم بعد از خرج خانه و دادن خمس و زکات و سفر مکه مابقی را خرج مردم و مدارس می کرد.

وی در زمینه ارتباط پدرش با روحانیون گفت: همه سیر و سلوک پدرم با علما بود و آیت الله میلانی، آیت الله قمی، آیت الله شیرازی با ایشان رفت و آمد داشتند و آنان در مراسم پدرم جزء مدعوین اصلی بودند البته کسبه و دیگر اقشار را در ده شبی که برای ولادت امام زمان داشتند دعوت می کردند ولی سیر و سلوک اصلیشان با علما و روحانیون بود.

دلیل که باید چیزی به این نام برای دختر مشخص می شد.

سکینه عابدزاده، پدرش را مدیری کارآمد و منحصر به فرد معرفی کرد که این کارآمدی در گفتار، رفتار و عملشان به چشم می خورد و در کارهایش به خوبی دیده می شد چرا که ذهن و هوش فوق العاده ای داشتند و جزء نواب بودند.

وی در توضیح بیشتر این سخنان یکی از کارهای منحصر به فرد پدر را اختراع کارخانه آئینه سازی در آن زمان نام برد که دستگاه هایش هم، ساخته خود مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده بوده و قالب هایش را نیز خود حکاکی می کرده است.

فرزند ارشد خانواده عابدزاده یکی از ویژگی های دیگر پدر را قبول نکردن چیزی از کسی عنوان کرد و بیان داشت: اگر کسی حتی برای تأسیس بناها نیز پول می آورد پدرم هیچگاه خود پول را نمی گرفتند و دفتردار مسئول بودند تا این پول را تحویل گرفته و رسید صادر کنند، پدرم هیچگاه پول کسی را در جیبشان نمی گذاشتند و توجه به حلال و حرام بسیار داشتند.

وی در ادامه این گفت و گو مسافرت های پدر را به یاد آورد و گفت: پدرم هر وقت به مسافرت می رفتند، سوغاتی زیادی می آوردند و استثنا هم قائل نمی شدند که یکی از ما ازدواج کرده و دیگری هنوز در خانه پدری است و سوغاتی حتی برای فامیل ها هم می آوردند.

فرزند ارشد عابدزاده در ادامه یاد آور شد که پدرش، سالانه برای افراد ضعیف جامعه خرید می کرد و آن اجناس را نزد مادرشان در خانه می گذاشت تا آن را تقسیم کند و در زمستان ها حتی لباس گرم برای افراد مستضعف می گرفتند؛ در کل پدرم تا آنجا که می توانستند چه از نظر مالی و چه از نظر فرهنگ قرآنی به جامعه مشهد خدمت کردند و بیشتر افرادی که در رأس ادارات دولتی در مشهد هستند، بیشتر از شاگردان مدارس پدرم بوده اند.

سکینه

عابدزاده ارتباط پدر را

با گروه های سیاسی مورد بررسی قرار داد و یاد آور شد: پدرم با مؤتلفه اسلامی موافق بود و زمانیکه نواب صفوی به مشهد آمد ده شبانه روز پدرم میزبان ایشان شد، پدرم در

اثر وقایع انقلاب، سکنه کردند و هشت سال در بستر بود مدتی در بیمارستان، مدتی در خانه خود و مدتی رادر منزل من؛ ایشان قبر و آرامگاه خود را در مهدیه ساخت و گفت بستگی به حکومت وقت دارد اگر مانع نشدند، در اینجا مرادفن کنید ولی اگر مانع شدند در آستان قدس رضوی به دلیل شغل پدرشان قبر داشتند و خواسته بودند در صورت ممانعت از خاکسپاری در مهدیه در صحن

دختر بزرگ مرحوم عابدزاده:

پدرم مدیری کارآمد و منحصر به فرد بود که این انحصار در گفتار، رفتار و عمل ایشان به چشم می خورد و در کارهایش به خوبی دیده می شد چرا که ذهن و هوش فوق العاده ای داشتند و جزو نواب بودند



ربابه عابدزاده:

بنای «فاطمیه» عابدزاده قرآن را در میان بانوان احیاء کرد



شاگردان در زمستان به زحمت نیافتند و خود را تطهیر کرده و برای اقامه نماز با وضو بیایند چرا که زمستان ها مشهد بسیار سرد بود؛ ایشان با این عمل تلاش داشت بچه ها را به نماز و طهارت تشویق کند.

فرزند مرحوم عابدزاده در ادامه کلام به تأثیرات رفتاری و کرداری پدرش در میان اقوام و آشنایان اشاره داشت و عنوان کرد: تقوا و تدین ایشان بسیار در خانواده و اطرافیان تأثیر گذاشت و بر رفتار ما هم مؤثر بود، ماسعی داشتیم گوشه ای از مال کسی در زندگی ما وارد نشود و خودکفا باشیم؛ اگر چه خودکفا بودیم ولی حتی کارهای فنی را به صورت خودجوش یاد گرفته بودیم، پدرم نیز خود همه کارها را با تخصص انجام دادند و در کل خیلی خلاق و مبتکر بودند.

وی ادامه سخنان خود را به ساخت بنای مهدیه اختصاص داد و گفت: پدرم سی ساله بودند که مهدیه را با هزینه شخصی خود بنا کردند و نام حضرت مهدی (عج) را بر آن گذاشتند، در آن هنگام از این موارد نه چیزی شنیده و نه دیده شده بود، ایشان از جایی الگو برداری نکردند، چرا که در فضای خفقان آن زمان چنین چیزهایی دیده نمی شد و همه این الگوها برگرفته از ذهن خلاق خودش بود؛ او زمینی بکر را تهیه و بنا کرد، فکر نمی کنم جایی باشد که قبل از مهدیه مشهد به این نام مزین شده باشد؛ دیگر بناها هم با خلاقیت و معماری پدرم ساخته شد.

ربابه عابدزاده در ادامه به تأسیس انجمن پیروان قرآن توسط پدرش اشاره کرد و یاد آور شد: پدرم برای مهدیه انجمنی را تأسیس و اساسنامه ای را تدوین کرده بود و اسم این انجمن را، انجمن پیروان قرآن گذاشت تا هر کسی می خواهد در آن عضو شود ولی این عضویت با ذکر خصوصیتی بود که باید افراد دارای آن خصوصیات بودند؛ پدرم، هفته ای یک شب برای هر بنا، هیئت برقرار می کرد و همه در شب های شنبه در مهدیه جمع می شدند و گزارشات خود را ارائه می دادند و نظر می گرفتند. دختر مرحوم عابدزاده در ادامه به تأسیس بنای فاطمیه با پول خانم ها اشاره کرد و گفت: ما در فاطمیه، فعالیت اجتماعی را تجربه کردیم، چرا که تا آن موقع به مدرسه نمی رفتیم و در مکتب تنها خواندن قرآن را یاد می گرفتیم ولی نوشتن را با رفتن به فاطمیه آموختیم؛ مادر فاطمیه با سبک جدید خواندن قرآن توسط خانم رنجبر آشنا شدیم، ایشان به مهدی ها و جامعه قرآنی این شهر بسیار خدمت کردند.

ربابه عابدزاده در ادامه سخنان خود، فعالیت های زنان در امور اجتماعی و تأثیرات فاطمیه را بر آنان مورد بررسی قرار داد و گفت: خانم هایی در آن زمان بودند که فعالیت اجتماعی داشتند اما نمی توانستند با حجاب در این عرصه ها شرکت و ایمان کامل را حفظ کنند؛ البته بودند کسانی که این ارکان را نیز حفظ می کردند؛ زمانی که فاطمیه تأسیس شد، زنانی به آنجا آمدند که هم متدین بودند و هم متمول، ولی عده ای فکر می کردند هر کس پوشش پلشتی داشته باشد، مؤمن تر و اگر کسی را شسته رفته می دیدند، فکر می کردند،

از خدا بی خبر است؛ اینقدر جامعه از لحاظ فکری عقب افتاده بود؛ برخی از خانم هایی که ادعای ایمان می کردند، حتی سواد خواندن قرآن را نداشتند و

گروه فعالیت های قرآنی؛ دختر مرحوم عابدزاده با بیان خاطراتی درباره مرحوم پدرش گفت: بنای فاطمیه که ایشان تاسیس کرد سبب شد تا بانوان بسیاری در مشهد با قرآن آشنا شوند و در یک جمله، بنای فاطمیه قرآن را در میان بانوان احیاء کرد.



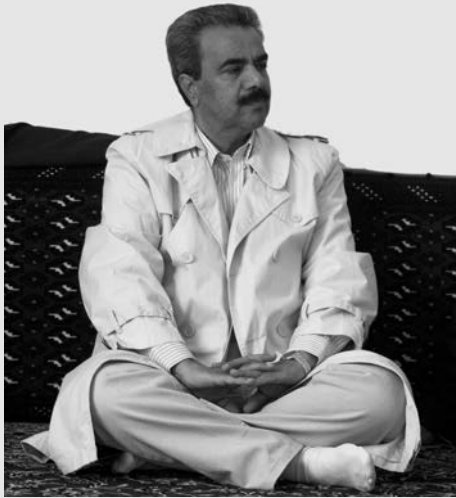
«ربابه عابدزاده» از جمله دختران مرحوم عابدزاده است که علاوه بر بهره مندی از وجود پدری دلسوز، مهربان و قاطع، شش سال از سال های تحصیل خود را در مدارس پدر مرحومش مشغول به تحصیل بوده و از آموزش های دینی و علمی این مدارس بهره فراوانی برده است. وی در گفت و گو با خبرنگار خیرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) که در منزل مرحوم پدرش انجام شد درباره ایشان اظهار کرد: پدرم آنقدر که با مردم بود، شاید با خانواده نبود. ایشان ۱۲ بنا در مشهد تأسیس کرد که هزینه آنها را به جز مهدیه به وسیله کمک های مردمی و زحمات خود تأمین می کرد. پدرم به صورت یک عمه و بنا در این بناها کار می کرد تا جایی که از بس در آفتاب مانده بود پوستش سوخته و قهوه ای شده بود، پدرم شخص ویژه ای بود و اسراف در کار او راه نداشت.

وی در ادامه از وضعیت این بناها پس از فوت استاد عابدزاده سخن به میان آورد و گفت: این بناها بعد از فوت پدرم تقریباً هم پاشید و دیگر به شکل قدیم فعال نبود. البته برای احیای آن هم ما کاری نکرده ایم چرا که در توانمان نبود، ما از زمانی که چشم باز کردیم این برنامه ها را دیدیم و فکر نمی کردیم از هم بپاشد و منحل شود. ربابه عابدزاده به فعالیت های مذهبی در این بناها اشاره و عنوان کرد: این بناها هر یک به نام یکی از ائمه ساخته شد و تنها محمدیه و رضویه ساخته نشد، پدرم با کمک مردم به مناسبت وفیات و اعیاد ائمه به نام همان معصوم در بنای مربوط مجلسی را برگزار می کرد و بر برنامه های خود نظارت داشت.

این دختر مرحوم عابدزاده به توجه استاد به نماز و تطهیر شاگردان مدارس اشاره و خاطر نشان کرد: ما شنیده ایم ایشان در زمستان، خود برای بچه ها آب، گرم می کردند تا

دختر مرحوم عابدزاده:

راز ماندگاری حاج پدرم خلوص او بود؛ او همه کارهایش را بر رضای خدا استوار کرده بود و مطلقاً دوست نداشت ریاست کند



داماد کوچک

عابدزاده:

رفتار

عابدزاده

الگوی

دوستان و

آشنایان بود

گروه فعالیت های قرآنی: رفتار و منش مرحوم حاجی عابدزاده به صورتی بود که فامیل، آشنایان و شاگردان از ایشان الگو برداری می کردند.

«محمدعلی صهبایی قدیمی» داماد کوچک مرحوم عابدزاده در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) به برخی از ویژگی های خانواده مرحوم عابدزاده به ویژه همسر ایشان در تربیت فرزندان که متأثر از عمل به قرآن و آموزه های اهل بیت (ع) است، اشاره کرد و گفت: همسر مرحوم عابدزاده، فرزند آیت الله غروی است، ایشان مادری توانمند است و هر دوی این بزرگواران (حاجی عابدزاده و همسرشان) این توانمندی را داشته اند که با در دست داشتن اطلاعات لازم، فرزندان خوبی تربیت کنند. البته حاجی عابدزاده تنها جنبه نظارتی بر تربیت فرزندان داشته اند، چراکه خط مشی های لازم را همسر مرحوم عابدزاده به تنهایی به فرزندان می دادند و چون مسیر مشخص بوده و پسران حاجی عابدزاده هم در مدارس پدرشان در دوره ابتدایی تحصیل می کردند، تربیت شده خود ایشان بودند و استادان مدارس نیز توجه خاصی به آنان داشتند و اگر در مواردی لازم بود، حاجی عابدزاده را در جریان قرار می دادند تا توصیه های جداگانه ای نیز به آنان داشته باشند.

وی ادامه داد: من داماد کوچک این خانواده هستم و چندان در جریان دوران کودکی و نوجوانی فرزندان ایشان نبودم، ولی چیزی که بدیهی است این است که فرزندان ایشان بسیار آماده پذیرش تربیت دینی بوده اند؛ به عنوان مثال همسر من دروس دینی را یاد می گرفته و در بخشی دیگر خود آن را درس می داده. آنان در جشن های فاطمیه مجری بودند به صورتی که مقاله هایی را به مدت ۲/۵-۲ ساعت قرائت می کردند.

داماد کوچک خانواده استاد عابدزاده، خاطر نشان کرد: همانگونه که گفته شد، دختران حاجی از مدرسان فاطمیه بودند و برنامه دعای ندبه هم صبح هر جمعه بیشتر در بنای حسینیه برای خانم ها به صورت مداوم و مستمر، توسط مدرسان فاطمیه برگزار می شد، البته در زمان های مرتبط با جشن ها و عزاداری ها هم مجالس خاصی در این بناها برای خواهران برگزار می شد که دختران ایشان در برپایی این مراسم نقش ایفا می کردند.

وی در ادامه سخنان خود بعد تربیتی و اجتماعی این خانواده را مورد بررسی قرار داد و گفت: حاجی عابدزاده در عمل به صورتی رفتار می کرد که فامیل هم از ایشان الگو برداری کنند، با توجه به اینکه بعضی از خانم ها یا دختران اعضای پیروان قرآن هم، در فاطمیه و مراسم آن شرکت می کردند، هرگونه انحراف و اطلاعات از طریق خانواده ها و یا هیئت امنا به حاجی منتقل می شد و مرحوم عابدزاده موارد تذکر یا پیشنهاد را به صورتی زیبا بیان می کردند.

خانواده ها به دخترانشان اجازه نمی دادند به مدرسه بیایند و سواد یاد بگیرند، اصلاً سواد را برای دختران لازم نمی دانستند، ولی گروهی برای ثواب خواندن قرآن هم که شده، دخترانشان را به مکتب می فرستادند.

این دختر استاد عابدزاده ادامه داد: زنان در فاطمیه آگاه و روشن شدند و از احکام دینی اطلاع یافتند؛ این در زمانی بود که خیلی ها حتی وضو و نماز و دیگر کارهای روزمره را نمی دانستند، آقایان هم نمی توانستند آگاهی های لازم را به زنان بدهند؛ فاطمیه آموزش های بسیار ارزنده ای را به خانم ها ارائه کرد و زنان آنقدر استقبال شدید نسبت به آن داشتند که گاهی از نیروی انتظامی برای نظم و اداره صحیح آن کمک می گرفتند مدتی بعد هم این جلسات را برای خانم ها در فاطمیه یک روز در میان کردند که سه روز را عده ای و سه روز دیگر را گروه بعدی می آمدند، گروه ها با کارت های رنگی وارد فاطمیه می شدند تا همه بتوانند از این خدمات استفاده کنند و در کل فاطمیه به زنان مشهد، خدمت بسیار کرد و قرآن را از غربت بیرون آورد، قرآن در فاطمیه به صورت نوین تدریس می شد؛ قرآن به باسوادان در چند ساعت تعلیم داده می شد و هر کسی یاد می گرفت، خود آن درس را تدریس می کرد از این رو خانم ها از هر سن و شرایطی در این کلاس ها شرکت می کردند و قرآن را آموزش می دیدند. وی در ادامه خانم شیخ الاسلامی را در این مدرسه مسئول تدریس احکام در سالن اجتماعات این مدرسه معرفی کرد و گفت: درس عربی، قرآن، بیان تفسیر و احکام، از دروسی بود که در فاطمیه تدریس می شد. این دختر مرحوم عابدزاده پدر خود را شخصی قانونمند معرفی کرد و اظهار داشت: پدرم قبل از سربازی بودجه ای را کنار گذاشته بودند چون فوق العاده قانونمند بودند، از مادر بزرگم شنیدم که زمانی که خدمت می کردند از غذای آنجا نمی خوردند و آنقدر در پادگان در بین نظامیان اعتبار کسب کرده بودند که مافوق هایش به او اجازه می دادند که شب به خانه برود و صبح بازگردد او نیز از این فرصت سوء استفاده نمی کرد و رأس ساعت در آنجا حاضر می شد.

ربابه عابدزاده، احساس مسئولیت مرحوم عابدزاده را در وقایع مختلف، مورد بررسی قرار داد و بیان کرد: پدرم، امین مردم بود و در اتفاقاتی مثل سیل و زلزله در برابر آسیب دیدگان بسیار احساس مسئولیت می کرد، وی در این مواقع مهدیه را که مردم مملو از پول و اجناس می کردند بار می زد و به سمت منطقه آسیب دیده به راه می افتاد که برای نمونه می توانم زلزله طبس را مثال بزنم، پدرم در شرایطی که همه فرار می کردند در آنجا می ماندند و حتی خودش از کمک های مردمی، نمی خوردند و می گفتند این غذا برای زلزله زدگان است.

ربابه عابدزاده راز ماندگاری حاج علی اصغر عابدزاده را خلوص ایشان معرفی کرد و گفت: همه کارهای پدرم بر رضای خدا استوار بود، ایشان مطلقاً دوست نداشت ریاست کند و اگر غریبه ای وارد انجمن پیروان قرآن می شد، نمی توانست تشخیص دهد ایشان رئیس انجمن هستند؛ پدرم هر هفته برای قشر خاصی در مهدیه جشن می گرفتند و در این راستا حتی وقت لباس عوض کردن نداشتند و فقط به کارها نظام می دادند.

قرآن و شاگردان مدارس پدرم، برای تشییع پوشانده بودند و بچه سیدها، جلوی جنازه حرکت می کردند؛ به نظر من برای هیچ زنی تا آن زمان، چنین تجلیلی صورت نگرفته بود، تمام خیابان برای ایشان قرق شده بود.

وی ادامه داد: تشییع جنازه مادر بزرگم به علت نبود پدرم مظلومانه بود، ولی نبود پدرم هم خیری به دنبال داشت و خیر آن این بود که اگر ایشان بودند، دولت نمی گذاشت چنین تجلیلی از مادر بزرگم به عمل آید. مردم خیلی دلشان می سوخت برای مادری که فرزندش را ندیده، دل از دنیا بریده است چرا که این قضیه نادر بود و به همین دلیل مردم خیلی باشکوه عزاداری کردند.

دختر مرحوم عابدزاده تصریح کرد: مادر بزرگم زنی مهربان و دلسوز بود، گاهی شب‌ها صدای گریه ایشان را از داخل اتاق می شنیدم سپس به اتاق ایشان می رفتم و می پرسیدم، مادر چرا تنهایی و گریه می کنی، چرا برق اتاقت خاموش است و او می گفت، برای تنهایی شب اول قبرم گریه می کنم و می خواهم به تاریکی عادت کنم.

وی دلیل این امر را مردمی بودن استاد عابدزاده دانست و گفت: پدرم آنقدر که با مردم بود، شاید با خانواده نبود؛ ما با هم رابطه رسمی داشتیم و اگر چیزی از ایشان می خواستیم حالت درخواست داشت ولی هیچ وقت در برابر خواسته ما نه نمی آوردند، هیچگاه دروغ در زندگی ما جانداداشت و زندگی ما روال به خصوصی داشت چرا که ما کمتر پدرم را می دیدیم و ایشان بیشتر به کارهای اجتماعی، اشتغال داشت. فاطمه عابدزاده در ادامه به زندگی مرحوم عابدزاده اشاره داشت و گفت: پدرم در کودکی، پدر خود را از دست داده بود و سرپرستی خانواده اش را برعهده داشت وقتی به سن رشد رسید یعنی تقریباً از سن ۱۷-۱۶ سالگی به دنبال خواندن درس و فقه رفت؛ ایشان خیلی باتقوا بودند و من کسی را در زندگی به تقوای ایشان ندیده ام. وی به حلال و حرام بسیار توجه می کردند و سعی بر آن داشتند تا دین کسی برگردنشان نباشد.

وی در ادامه به نقش پدرش در آموزش و تربیت جوانان و نوجوانان مشهد اشاره و بیان کرد: ایشان با جهل و بی سواد، در عمل مبارزه می کردند با سخن؛ خیلی ها، اهل منبر بودند و در منبر تنها سخن می گفتند و عملاً فعالیت نداشتند ولی ایشان عملاً با جهل مبارزه می کرد و در باب دینی هم مردم را با ائمه آشنا کردند.

وی در ادامه پیشه پدرش را آئینه سازی معرفی کرد و توضیح داد: پدرم در بالای مهدیه کارخانه آئینه سازی داشتند و هزینه زندگی ما از آنجا تأمین می شد گرچه کارهای دیگری را نیز انجام می داد ولی روزی ما را تنها از پیشه آئینه سازی به دست می آورد. این دختر مرحوم عابدزاده به رفتار پدرش و حرمت نهادن ایشان به اسم ائمه اشاره کرد و بیان داشت: پدرم اگر می خواست با ما صحبت کند بسیار آرام بود و درشتی نمی کرد و برای اسم من بسیار حرمت قائل بود و به حرمت نام من به من خیلی لطف داشت و تنها با کلمه شما و بسیار محترمانه با من برخورد می کرد.

وی در ادامه گفت: پدرم در سال ۵۶ ه. ش سکت کرده و طی هشت سال چندین مرتبه این مسئله تکرار شد تا حدی که تارهای صوتی ایشان از کار افتاده بود، هم اکنون ۲۱ سال از فوت ایشان می گذرد ولی هنوز هرگاه یادش می کنیم متأثر می شویم؛ خدمتی که پدرم به مردم مشهد کردند ناگفتنی است؛ و در یک جمله «خراسانی بود و عابدزاده». پدرم در سرداب مهدیه، عبادت می کردند ولی یک سال سیل آمد و گل آنجا را پوشاند و دیگر نتوانستند از آنجا استفاده کنند. ما در زمان حیات پدرم، درک نمی کردیم وضعیت ایشان جدای از دیگران است و به دلیل این موقعیت خاص همه اوقاتشان را صرف امور مردمی می کند، ابعاد شخصیتی ایشان طوری بود که برخلاف پدرهای دیگر که بیشتر با خانواده هستند بیشتر با مردم بود. وی تأکید کرد: برای پدرم اسراف مهم بود و ما فرزندانمان هم با تأسی از رهنمودهای دین مبین اسلام و رفتار پدرمان می بخشیم ولی اسراف نمی کنیم.



مرحوم عابدزاده بر دوری از اسراف اهتمام فراوانی داشت

گروه فعالیت های قرآنی: برای پدرم پرهیز از اسراف بسیار مهم بود و ما فرزندانمان هم با تأسی از رهنمودهای دین مبین اسلام و رفتار پدرمان سعی می کنیم از این گناه دوری کنیم.

بدون تردید شخص مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده و خدمات ایشان در سال های قبل از انقلاب و در عرصه ای که افکار التقاطی بر جامعه آن زمان سایه افکننده بود بسیار حائز اهمیت است. و در این میان نمی توان سخن از فردی تاثیرگذار به میان آورد و از نقش تربیتی مادرش سخنی نگفت.

«فاطمه عابدزاده» دختر مرحوم عابدزاده در گفت و گو با خبرنگار ایکن که در یکی از روزهای سرد پائیزی سال ۸۶ در مشهد و در منزل آن مرحوم انجام شده است با مروری بر خاطرات خود از پدرش گفت: زمانی که ساواک، برای گرفتن پدرم به خانه ما ریختند، مادر بزرگم داشت وضو می گرفت و به علت آنکه سرش باز بود به راهروی حیاط پناه برد؛ ساواکی ها فکر کردند او می خواهد چیزی را پنهان کند و به دنبال او رفتند و مادر بزرگم از این موضوع خیلی ترسید؛ در آن روز آنان کتاب های پدرم را جمع کردند و با خود بردند. در این مدت مادر بزرگم بسیار بی تابی می کرد و می گفت «نمی دانم او را کجا بردند»، ایشان در اثر این واقعه، بسیار سخت مریض شدند و شش ماه بعد از بردن پدرم که حتی از محل ایشان خبر نداشتیم، فوت کردند.

وی افزود: مادر بزرگم، همیشه فکر مرگ بود و هر وقت پدرم می خواست به مکه یا کربلا سفر کند، ایشان بسیار گریه می کرد و نالان می شد. مادر بزرگم همیشه این غصه را داشت که پسر و تنها محرمش که نیست جنازه اش غریبانه دفن می شود ولی در فوت مادر بزرگم که پدرم هنوز در زندان بودند میدان پدرم این مراسم را بسیار باشکوه برگزار کردند که ما با مشاهده آن باور نمی کردیم؛ روزی که مادر بزرگم فوت کردند من را به دنبال دایی ام فرستادند که به ایشان این واقعه را اطلاع دهم، من وقتی برگشتم با منظره ای روبه رو شدم که خودم هم متعجب شده بودم، تمام خیابان را اعضای انجمن پیروان

راضیه عابدزاده:

پدرم فردی خلاق و مبتکر بود

بودند که اگر سؤالی بپرسند و مخاطب دروغ بگوید، مسئول کسی است که آن سؤال را می پرسد، لذا سؤال نمی پرسید، مادر زندگی، هم آزاد بودیم و هم رفتار پدرمان را قبول داشتیم.

وی الگوی رفتاری خود را متأثر از رفتار خواهرهای بزرگ تر عنوان کرد و گفت: من در زندگی، الگوی رفتار سایر اعضای خانواده ام بود و عمل آنان را بسیار قبول داشتم به عنوان مثال برای حجاب از خواهران دیگرم الگو می گرفتم و حجاب آنان را که می دیدم خود را مقید می کردم که باید من هم اینگونه باشم و سؤالی نبود که چرا باید اینگونه حجاب کنیم و این را قبول داشتیم که حتماً این کار خوب است که از ما پدرم می خواهند.

راضیه عابدزاده گفت: پدرم از رفتار ما و تربیت مادرم خاطر جمع بود و این اعتقاد را داشت که اولین مشکلی که برای فرزند پیش آید، مادر آنقدر نکته سنج هست که دیگر ناراحتی از این باب نداشته باشند پدر و مادرم با هم تضاد اخلاقی نداشتند و در یک راه بودند هر دو متدین و خدانشناس بودند و خیالشان راحت بود.

وی در ادامه به انجمن پیروان قرآن اشاره کرد و خاطرنشان ساخت: تمام افراد این انجمن، افرادی خوش نام بودند که تنها برای رضای خدا کار می کردند و هیچکس به فکر پول و موقعیت و مقام نبود و از پدرم حرف شنوی داشتند و کلام پدرم را حتی در سنین بالا می پذیرفتند و اگر کسی می خواست حرفی وارد کند بالاتر از آن نظریه پیدا نمی کرد چرا که پدرم فردی خلاق و مبتکر بود که با اندیشه سخن می گفت و حرف هایش حساب شده و با تفکر بود.

دختر کوچک مرحوم عابدزاده به مهدیه مرحوم عابدزاده که با بودجه خود در آغاز جوانی ساخت اشاره کرد و بیان داشت: برخی از برنامه های پدرم در مهدیه بود ایشان در ماه رمضان ۱۲-۱۳ دیگ چند منی را اجاق می زدند و خود آشپزی آن را هم می کردند البته دستیار داشتند ولی نظارت آن را خود عهده می گرفتند، پدرم در این شب ها حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر را افطاری می دادند و برای آنان سوپی به نام بش درست می کردند؛ در این افطاری افرادی دعوت می شدند که واقعاً نداشتند و اکثراً طبقه محروم شهر بودند که پدرم هر شب برای عده ای کوین کارت می گرفتند و به آنان افطاری می دادند البته عده ای ظرف می آوردند و غذای خود را به منازلشان برده و همراه خانواده میل می کردند، پدرم تمام غذا را خود می کشیدند ولی خود از آن نمی خوردند و تا افطار همه را نمی دادند افطار نمی کردند پس از اتمام مراسم شخصی را به خانه می فرستادند تا افطاری ایشان را برایشان به مهدیه ببرد. میهمانی فامیلی ما هم نهم ماه رمضان بود.

راضیه عابدزاده باری دیگر بر تأکید مرحوم عابدزاده جهت علم آموزی اشاره داشت و خاطرنشان کرد: پدرم با بی فرهنگی، بی سواد و بی ایمانی مبارزه می کردند و بر این امر بسیار معتقد بودند.

گروه فعالیت های قرآنی: پدرم فردی خلاق و مبتکر بود که با اندیشه سخن می گفت و حرف هایش حساب شده و با تفکر بود.

راضیه عابدزاده، دختر کوچک خانواده مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) القاب پدرش را مورد بررسی قرار داد و گفت: در آستانه چراغ های حرم امام رضا (ع) را پدر بزرگم روشن می کرد که در آن زمان این سمت، سمت بالایی بوده است و به هر کسی داده نمی شد لذا پدرم به خاطر شغل پدرشان در کنار حاجی آئینه چی به دلیل پیشه اشان ملقب به چراغچی باشی آستان نیز بودند.



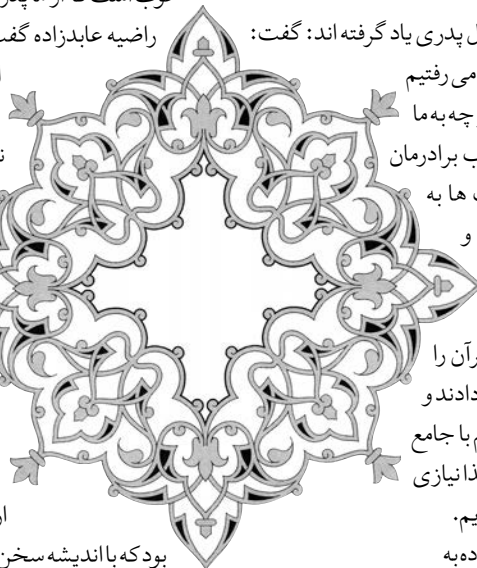
وی با توجه به اینکه خواندن و نوشتن را در منزل پدری یاد گرفته اند: گفت:

در آن زمان برای رفتن به مدرسه باید بی حجاب می رفتیم و به آن دلیل که استعداد های ما طوری بود که هر چه به ما می گفتند سریعاً فرا می گرفتیم و از روی کتاب برادرمان همه چیز را آموخته بودیم به دلیل محدودیت ها به مدرسه نرفتیم ولی ما حافظه خوبی داشتیم و مشکلی در این زمینه نبود و تا رفع نیاز خواندن و نوشتن را بلد بودیم، بعد از اینکه فاطمیه راه افتاد، آموزش تجوید و روخوانی قرآن را خواهرهای بزرگ تر من در فاطمیه آموزش می دادند و من این دروس را در آنجا یاد گرفتم، عربی را هم با جامع المقدمات در فاطمیه زیر نظر اساتید آموختیم لذا نیازی نبود برای خواندن و نوشتن به جای دیگری برویم. وی با ذکر خاطره ای از پدر به توجه مرحوم عابدزاده به

خواندن کتب و مطالعه اشاره داشت و خاطرنشان کرد: در بعد از ظهر های فصل پائیز که برگ هادر حیاط می ریخت من گاهی به حیاط می رفتم و برگ ها را جمع می کردم، پدرم که برای تجدید وضو به خانه می آمدند و این صحنه را ملاحظه می کردند خطاب به من می گفتند، این کار را نکن برو کتاب بخوان، پشت سرت برگردی دوباره برگ ریخته است؛ پدرم این کار را بیهوده می دانستند و می گفتند این عمر را بیهوده تلف نکن و کتاب بخوان.

وی با اشاره به آنکه مهدیه کتابخانه ای داشت که انواع کتب اسلامی، دینی، عربی و فارسی در آنجا در دسترس ما بود، توضیح داد: پدرم روزها تا شب، وقت خود را در این کتابخانه می گذراندند و بعد از ظهر های پنجشنبه که به حرم می رفتند و در مهدیه هم کسی رفت و آمد نداشت، پدرم در دفتر را باز می گذاشت تا ما بعد از ظهر پنجشنبه به آنجا برویم و کتاب های خوانده شده مان را سر جایش گذاشته و کتاب های جدید را چون قصص الانبیاء بر می داشتیم.

وی جو خانه خود در زمان حیات مرحوم عابدزاده را مورد بررسی قرار داد و گفت: در خانه مادروغ اصلاً جایی نداشت و ما یاد نگرفته بودیم که دروغ بگوییم؛ اخلاق دیگری که پدرم داشت آن بود که هیچگاه از کسی سؤال نمی کردند و بر این اعتقاد



سخنرانی های «عابدزاده» حتی بزرگان مشهد را هم به پای منبر می کشاند



گروه فعالیت های قرآنی: سخنان حاج «علی اصغر عابدزاده» به گونه ای بود که موجب جذب جوانان می شد و حتی تا آنجا پیش می رفت که برخی از بزرگان مشهد نیز در سخنرانی های او حاضر می شدند.



«محمد طوسی» داماد مرحوم عابدزاده در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: خداوند حاج آقا عابدزاده را در سخنرانی ها، هدایت

طوسی در ادامه تأکید کرد: دایی من از مریدان حاج آقا عابدزاده بود و نقل می کرد یک روز به جوادیه رفتیم و حاج آقا مشغول بنایی بودند، به ایشان گفتیم فلانی شما را برای نهار دعوت کرده، حاج آقا گفتند ما می خواهیم چلوکباب بخوریم تو هم اگر مایلی بمان، من به لحاظ این که از قبل شنیده بودم حاج آقا غذای بازار را احتیاط می کردند متعجب شدم، بعد از نماز ظهر حاج آقا پولی به من دادند و گفتند برو و نان و حلوا ارده بگیر، اگر می خواهی برای خودت هم بگیر و بعد گفتند شکم انسان که پنجره ندارد تا ببیند چلوکباب می خوری یا نان و حلوا ارده، اگر انسان این گونه زندگی کند همیشه راحت است.

طوسی تصریح کرد: حاج آقا عابدزاده

با خانواده بسیار مهربان بود و هیچگاه با صدای بلند صحبت نمی کرد، خیلی با احترام برخورد می کرد و در زمان بیماری، دختران حاج آقا مانند پروانه دور ایشان می چرخیدند.

داماد مرحوم عابدزاده که داماد دوم ایشان و دارای ۶۳ سال سن است عنوان کرد: هر سال از اول محرم تا دهه آخر صفر ایشان درباره آیه ای از قرآن صحبت می کردند و هیچ شبی صحبت تکراری نداشتند همچنین حاج آقا بسیار بر نماز اول وقت تأکید داشتند و می گفتند هنگام سربازی از پادگان تنها برای نماز فرار می کردم، من خیلی علاقه داشتم پشت سر ایشان نماز بخوانم زیرا با حالتی خاص نماز می خواندند و به دعاهای مقدمات نماز نیز مقید بودند.

طوسی اظهار کرد: وقتی ما به همراه پدرم خدمت حاج آقا عابدزاده برای خواستگاری رسیدیم حاج آقا به پدر من گفتند آیا من در کارها با شما مشورت نمی کنم، پدرم گفت: بله. حاج آقا فرمودند آیا این پسر تو به درد من می خورد، پدر من گفتند تا وقتی من زنده ام این گونه خواهد بود، من داماد دوم حاج آقا شدم و برادر من هم داماد بعدی حاج آقا شدم.

طوسی در پایان گفت: ایشان با من ارتباط نزدیکی داشتند و از سفر حجی که به اتفاق حاج آقا و همسرشان رفته بودیم خاطرات شیرینی دارم.

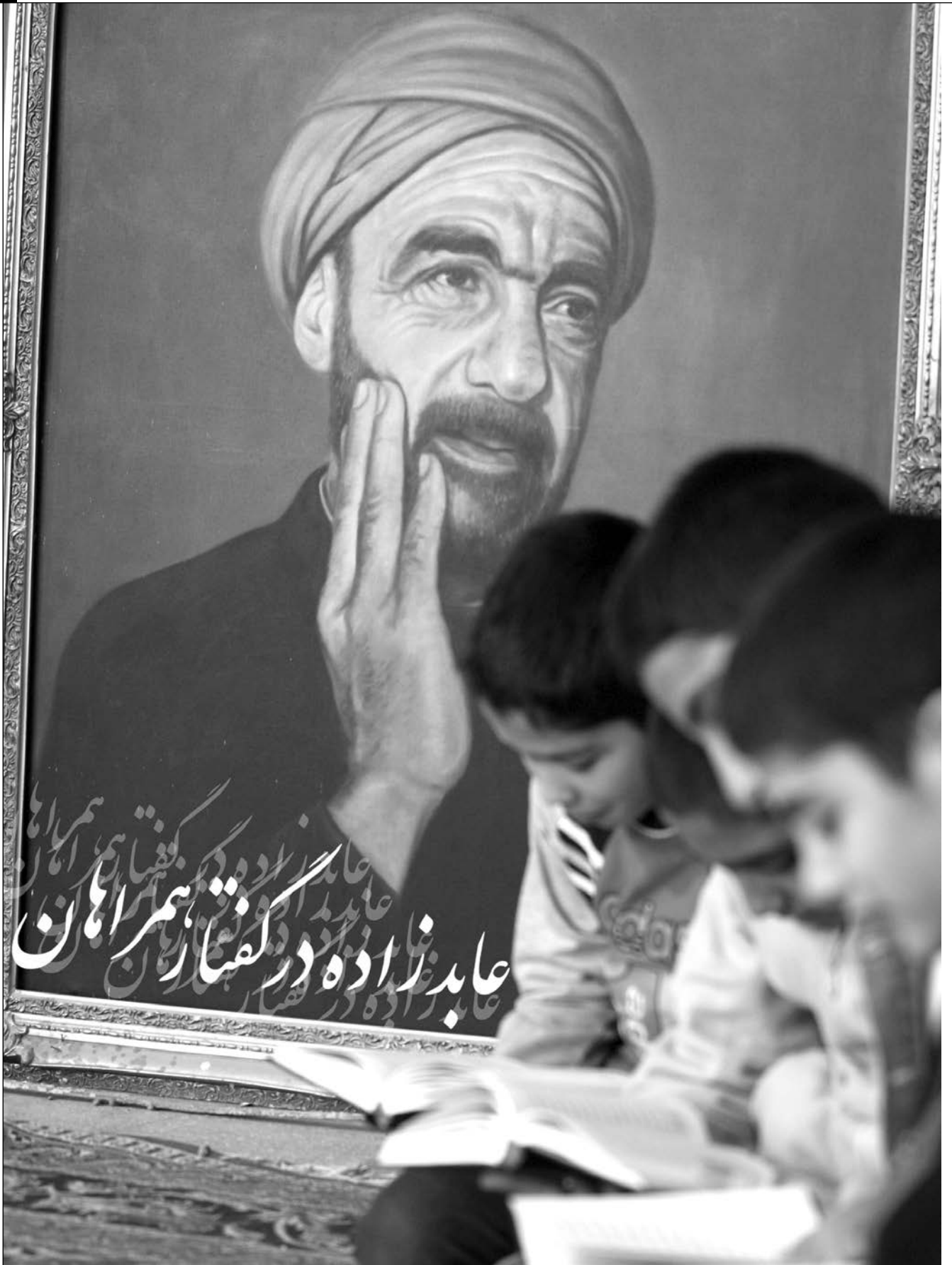
می کرد و به همین دلیل بود که صحبت های ایشان به دل مردم می نشست و این موضوع تا جایی پیش رفت که کسانی مانند میرزا آقای «تهرانی» با وجود علم فراوان پای منبرهای حاج آقا عابدزاده شرکت می کردند و در تمام مجالس ترحیم حاج آقا نیز شرکت داشتند. وی درباره ارتباط خود با مرحوم عابدزاده تصریح کرد: در آن سال ها که در خدمت حاج آقا بودم بسیار جوان بودم و قدر حاج آقا را شاید نمی دانستم اما بعدها که به طور مثال در کلاس های صبح جمعه استاد «انصاری» شرکت می کردیم، ایشان بعد از دعای ندبه تفسیر قرآن می کردند و می گفتند علم و دانایی انسان به جایی می رساند که خداوند به آن الهاماتی می کند و ما تازه با شنیدن این سخنان متوجه حالات مرحوم عابدزاده می شدیم.

وی عنوان کرد: حاج آقا عابدزاده به ویژه دهه سوم محرم سه مرتبه در روز منبر داشتند و در سرای سلطانی هم که سه هزار متر بود سخنرانی می کردند و به دلیل

استقبال فراوان مردم حتی در خیابان ها هم بلندگو نصب می کردند و مدت زیادی منبر ایشان طول می کشید. ایشان بسیار قوی و عظمی می کرد. من منبرهای ایشان را ضبط می کردم و حاج آقا صبح ها مجددا سخنرانی هایشان را گوش می دادند.

«محمد طوسی» داماد حاج آقای عابدزاده:

حاج آقای عابدزاده با خانواده بسیار مهربان بود و هیچگاه با صدای بلند صحبت نمی کرد و خیلی با احترام برخورد می کرد و این موضوع سبب شد در زمان بیماری ایشان دختران حاج آقا مانند پروانه دورش می چرخیدند.



عابدزاده در گفتار عمرامان

عابدیان، دوست مرحوم عابدزاده: سبک مدیریتی عابدزاده همه را مجنوب خود می کرد



و همه در مجالس او حاضر می شدند. عابدیان محور سخنرانی های مرحوم عابدزاده را در منابر، تکیه بر قرآن و تربیت نسل جوان از لحاظ قرآنی معرفی کرد.

این دوست و همراه مرحوم عابدزاده، در بخش دیگر سخنانش، فعالیت های انقلابی عابدزاده را یاد آور شد و گفت: ایشان فعالیت های قرآنی بسیار داشتند و در زمان نیاز با توجه به محدودیت هایی که حکومت برای ایشان داشتند با حضور خود حرکت های انقلابی را حمایت می کردند.

وی نقش حاج علی اصغر عابدزاده را در زمان مصدق و در جریان ملی شدن صنعت نفت، بسیار مهم ارزیابی کرد و گفت: ایشان در این زمینه نیز خدمات بایسته ای را ایفا کردند و پس از آن هم، مرکز حرکت در انتخاباتی در مشهد را مهدیه قرار دادند که البته با اختلاف بین هیئت نظارت و با بروز اعتراض مردم، به دستور مصدق لغو شد. عابدیان در ادامه سخن به همزمانی دستگیری خود با حضرت امام (ره) در سال ۴۲ اشاره کرد و یاد آور شد: من در زمان دستگیری در منزل آیت الله قمی حضور داشتم و در آنجا دستگیر شدم و ۱۲ روز در زندان بازجویی می شدم، علت این دستگیری هم حضور در منزل آیت الله قمی و در دست داشتن اعلامیه ای از حضرت امام بود و پس از چند روز بیگناهییم ثابت و آزاد شدم.

تقدیر از مدیریت عابدزاده

عابدیان در ادامه از سبک مدیریتی ایشان سخن به میان آورد و گفت: استاد با مدیریتی قوی و جامع به گونه ای برخورد کرده بود که همه مردم را مشتاقانه گرد خود جمع کرده و همه در مجالس او حاضر می شدند.

عابدیان از رابطه مرحوم عابدزاده با حوزه و علماسخن گفت و تصریح کرد: رابطه ایشان با آیت الله العظمی میلانی تا جایی خوب بود که آیت الله میلانی فرمود «آقای عابدزاده من حاضر ثواب هایی که در حوزه طلبگی و درس و دیگر مقاطع داشته ام را تقدیم شما کنم و شما ثواب خود در رابطه تربیت اطفال دارید را به من بدهید.

این همراه مرحوم عابدزاده، ادامه کلام خود را به ذکر خاطره ای از ایشان اختصاص داد و بیان داشت: مرحوم عابدزاده، در ولادت همه ائمه اطهار (ع) جشن می گرفتند که مهمترین جشن ایشان، جشن نیمه شعبان بود که تقریباً نصف شهر، گروه گروه به آنجا دعوت شده و بچه ها در آنجا سرود و قرآن می خواندند و این مسائل از تصمیمات بکر و نابی بود که تنها به مدارس ایشان اختصاص داشت.

عابدیان در پایان سخنان خود به ذکر آثار ایشان در جامعه بسنده و اظهار کرد: تربیت شاگردانی متدین تحصیل کرده از آثار مثبتی است که از حاجی بر جای مانده است؛ در آن زمان هر که شاگرد مناسبی برای کار خود می طلبید از استاد عابدزاده مدد می جست و به وی رجوع می کرد و در حال حاضر نیز هر جا این شاگردان سخن بر زبان جاری و مردم رفتار و کردار آنان را مشاهده می کنند به وضوح درمی یابند که این شخص، شاگرد حاجی عابدزاده است.

گروه فعالیت های قرآنی: حاجی عابدزاده با مدیریتی قوی و جامع به گونه ای برخورد کرده بود که همه مردم را مشتاقانه گرد خود جمع می کرد و همه در مجالس او حاضر می شدند.

حاج علی اصغر عابدیان خراسانی (متولد ۱۳۰۱) از دوستان مرحوم عابدزاده در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب و پس از یادآوری خاطرات مرحوم عابدزاده با دلی شکسته از فقدان حضور این شخصیت ارزشمند، وی را شخصی مؤمن، محترم، متدین، باسواد، خدمتگذار به اسلام، دین و اجتماع معرفی کرد که در اجتماع نمی توان دیگر چنین شخصیتی را یافت.

عابدیان گفت: نظر عمده ایشان بر آن بود که ۱۴ بنا به نام ۱۴ معصوم بسازند تا در آنجا فرزندان مسلمانان را درس دهند و نیازهای دینی آنان رفع کنند که البته در این هدف موفق شد و در این راستا اولیای دانش آموزان نیز استقبال زیادی نشان دادند و با قدردانی فراوان در جهت تحقق بیشتر این هدف تلاش کردند.

این یار شفیق مرحوم عابدزاده در ادامه کلام گفت: ایشان برای تعظیم شعائر اسلامی، زحمات زیادی را متحمل شدند و بناهایی را به نام ائمه احداث کردند و در مراسم شادی و مصیبت هر یک از ائمه در همان بنا مراسم بزرگداشت ایشان را به جا می آوردند و خدمتگزار همیشگی دین بودند.

وی باب آشنائی خود با مرحوم عابدزاده را پس از خروج از مدرسه دانست و گفت: من در مدرسه دیگری تحصیل می کردم و از سال ۱۳۲۰ یعنی پس از تصمیم ساخت اولین بنای استاد عابدزاده (مهدیه) و پس از واقعه گوهرشاد با ایشان آشنا شدم.

وی صداقت و ایمان را از ویژگی های برجسته مرحوم عابدزاده دانست که همه را شیفته خود کرده بود.

عابدیان در ادامه از سبک مدیریتی ایشان سخن به میان آورد و گفت: استاد با مدیریتی قوی و جامع به گونه ای برخورد کرده بود که همه مردم را مشتاقانه گرد خود جمع کرده



خاطراتی از «محمدرضا عرفانیان»

پیر مرد ۱۰۰ ساله در باره مرحوم «عابدزاده»

گروه فعالیت های قرآنی: به اعتقاد «محمدرضا عرفانیان» دوست و همراه نزدیک مرحوم عابدزاده، راز موفقیت و علت نفوذ حاج «علی اصغر عابدزاده» میان مردم، درستی و صداقت ایشان بوده است.

■ ■ ■

«محمدرضا عرفانیان» پیر مرد ۱۰۰ ساله مشهدی و از دوستان و نزدیکان حاج «علی اصغر عابدزاده» در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) گفت: صبح های جمعه ما جلسه ای در بازار «وزیر نظام» داشتیم که حاج آقا «یاسین» سخنران آن جلسات بودند. یک روز به دلیل کپهولت سن پیشنهاد کردند شخص دیگری به جای ایشان جلسات را اداره کند و گفتند شب های شنبه به منزل حاج میرزا «محمد سنگ تراش» که سنگ تراش آستان مقدس حضرت امام رضا (ع) بود بروید و از سخنران مجالس آن هادعوت کنید.

وی تصریح کرد: ما به تبعیت از امر حاج آقا یاسین به منزل حاج میرزا «محمد سنگ تراش» رفتیم و گفتیم می خواهیم روحانی شما در جلسات ما صحبت کنند و ایشان به ما گفتند اگر حاج آقا عابدزاده قبول دعوت کنند جمعیت حاضر در مجالس شما چند برابر می شود. هنگامی که ایشان وارد شدند طاقه ای به سر و طاقه ای به کمر و قیای شالی خشنی به تن داشت و حاج میرزا سنگ تراش ایشان را به ما معرفی کردند و ما تقاضای خودمان را به ایشان گفتیم و مرحوم عابدزاده گفتند من نمی آیم زیرا باید مستمعان مطالبی که من هر هفته می گویم هفته بعد جواب دهند و باین شرط قول دادند و تشریف آوردند.

عرفانیان افزود: حاج آقای عابدزاده در جلسات حدود نیم ساعت مسأله می گفتند و سخنان ایشان برای مردم به قدری جذاب بود که می پرسیدند شما به این آقا چقدر مردم می دهید و ما می گفتیم ایشان برای سخنرانی پولی دریافت نمی کنند تا روزی حاج آقای عابدزاده فرمودند من دیگر در جلسات شما سخنرانی نمی کنم زیرا فرزندان این مستمعان در سرما و گرما اذیت می شوند و پیشنهاد دادند در صورت تمایل جلسات را در مدرسه «میرزا جعفر» برپا کنیم و ما قبول کردیم.

محمدرضا عرفانیان عنوان کرد: روزی حاج آقا عابدزاده گفتند من می خواهم بدانم مستمعان برای پذیرایی در جلسه حاضر می شوند و یا به درس توجه دارند و به همین منظور پذیرایی را حذف کردیم، باین حال شاهد استقبال مردم از سخنرانی های حاج آقا بودیم.

وی اظهار کرد: مدت طولانی جلسات سخنرانی حاج آقا عابدزاده ادامه داشت تا اینکه حاج آقا با هزینه خودشان جنب باغ نادریه «مهدیه» را به وسعت ۱۸۰۰ متر بنا کردند و به محض ساخت مهدیه حاج آقا گفتند مهدیه را فرش و برای برپایی کلاس آماده کنید، سالن اصلی مهدیه را هم خود حاج آقا فرش کردند و افراد برای شرکت در کلاس های مهدیه ماهی دو تومان و یا برخی به دلخواه بیشتر پرداخت می کردند به این ترتیب شب های شنبه جلسات برگزار می شد و به مناسبت اعیاد و وفیات هم مراسم داشتند به طور مثال به مناسبت نیمه شعبان در مهدیه ده شب ویژه آقایان جشن می گرفتند و روزها هم از زن ها و بچه ها پذیرایی می شد.

عرفانیان تاکید کرد: حاج آقا عابدزاده کارخانه تولید شیشه و آینه در بالای مهدیه داشتند و اموراتشان از آن راه تأمین می شد. شب چهاردهم ماه شعبان برای چراغانی، برق ها را آزمایش می کردند یک سال در هنگام آزمایش برق ها ناگهان جرقه ای ایجاد شد و هر چه پارچه در آن مکان بود سوخت و هیاهوی زیادی برپا شد، حاج آقا از سر و صدای ناراحت شدند و مردم را آرام کردند و گفتند فدای سر امام زمان برای ایجاد آرامش در مردم صلوات فرستادند و بلافاصله قناری ها و بچه های سرودخوان را پشت خانه حاج آقا (که چسبیده به مهدیه است) بردند.

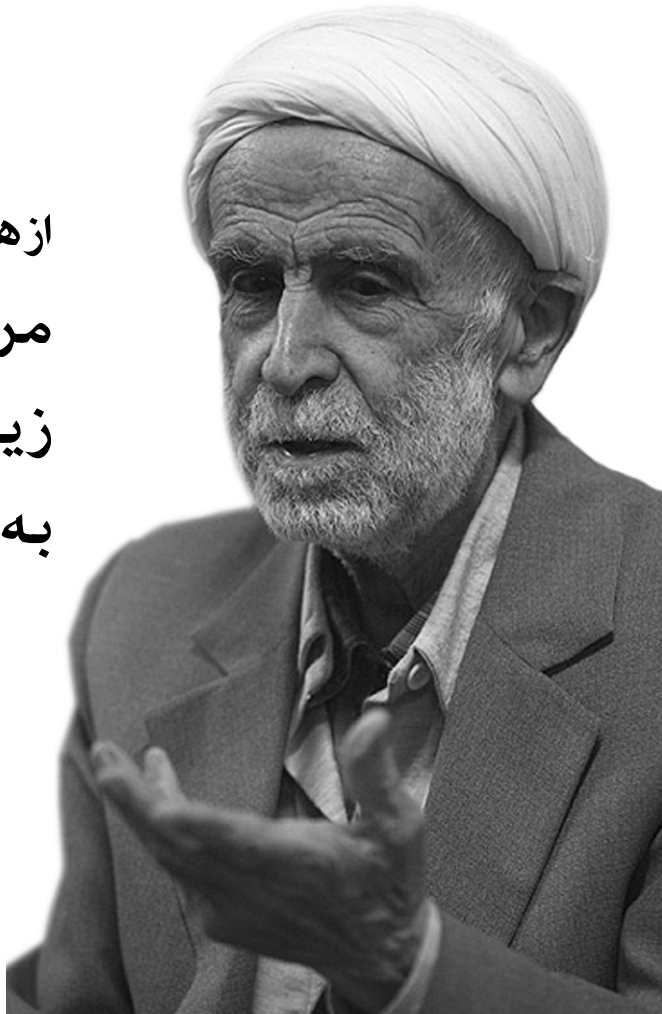
عرفانیان با اشاره به خاطره ای از مرحوم عابدزاده یاد آور شد: یک سال در روز عاشورا ما را به منزل مرحوم آقا «شیخ حسین» پیش نماز جمعه مشهد در زمان طاغوت دعوت کردند. کسی

به حاج آقا عابدزاده گفت در کوچه سرخوس حسینی ای هست که خرابه شده و الان زباله دان است و حاج آقا فرمودند برویم و آن مکان را ببینیم. ما به اتفاق مداحان «غنیان» و «اثنی عشری» رفتیم و حاج آقا فرمودند اینجا عسگریه (بنای عسگریه را در اینجا احداث کردند) است و به غنیان گفت، مصیبت حسین بن علی (ع) را بخوان و سپس این مکان را از جمله اماکن انجمن پیروان قرآن قرار دادند و تمام بناهایی که حاج آقا با کمک های مردمی می ساختند به انجمن پیروان قرآن اختصاص می دادند.

این دوست و همراه نزدیک مرحوم عابدزاده در باره کودکی و نوجوانی حاج علی اصغر عابدزاده گفت: ایشان در تمام ابعاد فعال بود به طور مثال در شنا و ورزش معروف بود و در تمام مکان ها که حاضر می شد مردم را تشویق به دین می کرد. مادر حاج آقا می گفتند «من بدون وضو به اصغر شیر ندادم». زمان فوت ایشان (مادر حاجی عابدزاده) تمام خیابان های مشهد شلوغ شد و تشیع این زن مومن بسیار باشکوه بود و در نهایت هم در صحن آزادی حرم حضرت رضا (ع) دفن شد.

عرفانیان در باره مقطع زندانی شدن حاجی عابدزاده افزود: دولت طاغوت از ترس نفوذ حاج آقا عابدزاده ایشان را به زندان بردند و ممنوع الملاقات بود. حاج آقا هم پیغام داده بود شما به فعالیت های مذهبی ادامه دهید و زمانی که اجازه ملاقات با حاج آقا را دادند من به اتفاق ۱۰ نفر از دوست داران حاج آقا به تهران رفتیم و با دیدن ایشان گریه می کردیم، مأمور زندان به ما گفت من ۳۳ سال است که زندان بان هستم ولی زندانی مثل حاج آقا عابدزاده ندیدم او دائم قرآن می خواند و از سلول هم خارج نمی شود.

وی در پایان یاد آوری کرد: سال هاپس از آزادی حاج آقا عابدزاده (سال های ۵۶ و ۵۷) یک روز حاج آقا را به راهپیمایی بردیم و هنگام مواجهه با جمعیت گفتند هیچ دولتی نمی تواند این جمعیت را شکست دهد، حاج آقا عابدزاده در این راهپیمایی شعاری سردادند که مردم هم به تبعیت از ایشان این شعار را با این عنوان که «این شاه آمریکایی اعدام باید گردد» تکرار می کردند و در همان روز حاج آقا حالشان بد شد و سخته مغزی کردند و در بیمارستان بستری شدند و سال هادر بستر بیماری بودند تا اینکه وفات کردند و مقبره ایشان هم در مهدیه که خود ایشان بنا کرده واقع است.



از همراهِان عابدزاده: مرحوم «عابدزاده» تاکید زیادی بر آموزش تفسیر قرآن به مردم داشت

به خانه ما برویم و خانه را هم تفتیش کن، گفتم من نه مفتشتم و نه جاسوس، آمده ام که درس بخوانم، گفت، درس خوان، مرتب می آید، بنابراین من از آن شب، تصمیم گرفتم، مرتب سر کلاس حاضر شوم. درس ایشان در مدرسه نواب و طبقه فوقانی، مختص بازاری ها بود و به طلاب و افاضل داخل حوزه، درس نمی داد چرا که تدریس ایشان شبانه بود و روز به کارهای شخصی اشتغال داشت.

وقوعی افزود: استاد عابدزاده تدریس را بعد از نماز مغرب و عشاء شروع می کرد و تا ساعت ۲۱:۳۰ به طول می انجامید، کل درس ایشان تا سیوی طی بیشتر پیش نرفت و استاد آن را به آخر نرساند، البته این تقصیر شاگردان بود. (سیوطی، یکی از درس هایی است که طلاب می خوانند و هزار بیت شعر دارد و کل نحو در آن به شعر گفته شده است) در مدرسه نواب ما مقداری از دروس مقدماتی مانند جامع المقدمات را یاد گرفتیم و بعد ایشان مجلسش را به مدرسه فاضلیه در ضلع شمالی صحن انقلاب، بردند، ایشان در این مدرسه سردر مجلس را به کلاس خود اختصاص داد و مجلس دوم، مربوط به فضلا و طلاب بود؛ ایشان منطق کبری معمولی را به من گفتند و از اول مقدمات تا آخر «سببیه» شیخ بهایی را در مدرسه جعفریه به من درس دادند. حاجی عابدزاده، کتابخانه ای در مدرسه جعفریه داشتند که خود می گفت، در مشهد (در آن زمان) چنین کتابخانه ای وجود ندارد و ایشان این کتابخانه را در اختیار همگان قرار می دادند تا همه هر کتابی را به زبان عربی یا فارسی بتوانند بردارند و مطالعه کنند، ایشان هیچگاه، از پیشبرد افکار دینی و علمی اشخاص ممانعت نمی کرد، او سعی داشت اصحاب در سش ترقی و جهش خوبی داشته باشند.

عابدزاده و مخالفت با سهل انگاری

استاد عابدزاده، در برابر سهل انگاری شاگردان در درس با نگاهی پیام خود را به گونه ای به آنان ابلاغ می کرد که تویببخش به شاگردان جهت می داد و این تویببخس محرک بود و افراد را به یادگیری مطالب تشویق می کرد او تا به آن حد جذابیت سخن داشت که هرگاه با کسی رو به رو می شد او را مجذوب خود می ساخت؛ مرحوم آیت الله

گروه فعالیت های قرآنی: حاجی عابدزاده توجه چندانی به تجوید قرآن نداشت اما بر آموزش تفسیر قرآن به مردم و دانش آموزان تاکید زیادی داشت.

■ ■ ■

شیخ «محمد وقوعی» ۸۳ سال سن دارد و از دوستان و نزدیکان مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده است. وی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) که در منزل ایشان انجام شد، آغاز کلام را به آشنایی خود با حاجی عابدزاده اختصاص داد و گفت: آشنایی من با حاجی عابدزاده به وسیله دوستی با یکی از فرزندان مرحوم آقا شیخ «مهدی حائری مشهدی» که پیش نماز نوقان مشهد بود، آغاز شد، ما در کنار آقای محولائی روضه خوان، به کسب علم اقدام و با فراگیری جامع المقدمات تحصیل را شروع کردیم، پس از مدت کوتاهی ایشان به علت فراموشی این علوم، ما را به حاجی عابدزاده معرفی کرد و به مدرسه نواب در بالاخیابان فرستاد، من تا سن ۲۶-۲۷ سالگی، نکاتی را از اخلاقیات خوانده بودم و از آغاز کار در مدرسه حاجی به دروس دینی و عربی پرداختم، ولی در کلاس های ایشان به صورت آزمون و امتحانی شرکت کردم و به صورت پراکنده حاضر می شدم، شبی حاجی به من گفت، وقوعی، تو، جاسوسی یا مفتشی؟ گفتم نه، پرده صندوق خانه را بالا زد و گفت، برو همه چیز را ببین، من چیزی ندارم، می خواهی

وی شیوه تدریس خود را متأثر از شیوه حاجی دانست و بیان داشت: زمانی که من درس می‌گفتم به تجوید و قصص هیچ تذکری (بلد نبودم) نداشتم ولی وقتی درس بالا رفت، تفسیر صافی را از اول تاسوره‌های توبه برای رفقا گفتم، ولی درس تجوید و قرآن و قراء در مخرجه بنده نبود و از قرائت و تجوید کنار می‌گرفتم. حاجی عابدزاده بر این نظر بود که قرائت و تفسیر را یاد بگیریم، ولی به تجوید علاقه نشان نمی‌داد و تنها تأکید بر یادگیری قرآن و تفسیر و تدریس آن به مردم داشت. در آن زمان تفسیرهای متعددی چون تفسیر مجمع البیان، تفسیر ابوالفتح رازی، تفسیر ملافتح الله کاشانی در دسترس بود ولی تفسیر صافی جنبه عربی داشت بنابراین از آن بیشتر استفاده می‌شد چرا که تفسیر مجمع البیان کمی سخت بود و در دسترس همه نبود و ترجمه تفسیر صافی حدود ۱۰ سال است که توسط حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحمان عبد بخشایشی ترجمه شده ولی در آن زمان تدریس می‌شد، از مرحوم فیض هم سه تفسیر صافی، اصفی و دیگری مصفی وجود داشت که تفسیر صافی مشهورتر بود و آن را علما و بزرگان روی منبر می‌خواندند و مرحوم شیخ نجف آبادی در مسجد گوهرشاد بعد از نماز از آن سخن می‌گفت، در حوزه های علمیه نیز بیشتر این تفسیر مدنظر افاضل بود و تفسیر مجمع البیان و دیگر تفاسیر در آن زمان خیلی در دسترس بزرگان نبود.

وی پیدایش علم تجوید را از زمان صاحب کشف الظنون، حاج خلیفه عنوان کرد و ادامه داد: این مطالب از زمان حاج خلیفه و از سنه ۹۰۰ هجری در آمده و پیش از آن این مطالب مطرح نبوده و در سال های اخیر هم در کتاب مرحوم سید محمد کاظم یزدی، رساله های امام، منهاج آیت الله خوبی و آیت الله حکیم، شاهرودی و منتخب آیت الله بروجردی این مطالب نیست و علم تجوید در آن دیده نمی‌شود و هیچ یک به آن تکیه نکرده اند استاد عابدزاده هم بر آن اصراری نداشتند.

وی در ادامه افزود: بیشتر این علم از خارجی ها انتساب گرفته است، علم تجوید، غیر از علم قرائت است، علم قرائت مربوط به ۷ نفری است که قاریان قرآن بودند و معنای علم قرائت آن است که در نحوه خواندن قرآن توجه کنند. مقصود از قراء کسانی غیر از اهل تجویدند و اهل تجوید آنانند که می‌گویند کلمه ای را حلقی و ... بخوان اینان برای حروف ۱۰ صفت قائلند ۵ صفت ظاهری و ۵ صفت عارضی ولی این بیانات در فقه فقهای ماهیچ جایی ندارد و در رساله های علمای مانیز وجود ندارد و هیچ فقهی به آن اعتنا نکرده است همه فقها فرموده اند رعایت حال تجوید علمای این علم لازم نیست، در هر رساله ای استفتاء کنید حتی فقه مبسوط طوسی در ۸ جلدش هیچ یک از این بیانات دیده نمی‌شود.

این دوست و شاگرد حاجی عابدزاده در ادامه بحث، رابطه مرحوم عابدزاده با علما را یاد آور شد و بیان کرد: ایشان با آیت الله حسن قمی، اخوت عجیبی داشت و به مرحوم آیت الله علی اکبر نهایندی که در مسجد گوهرشاد و در شبستان غربی نماز می‌خواند ابراز ارادت می‌کرد و خود می‌گفت، من از زمان سربازی در درس مرحوم نهایندی حاضر می‌شدم و نماز ایشان را هم ترک نمی‌کردم، ایشان درس آقا شیخ هاشم قزوینی را کاملاً یاد گرفتند و مکاتب و دروس دیگر را از ایشان به طور کامل آموختند و او را استاد خود می‌دانستند.

عابدزاده در زندان

مرحوم عابدزاده، در صحنه های انقلابی، کاملاً مطیع و خیر خواه بود؛ یکسال او را در زندان تهران زندانی کردند و دو ماه در حبس انفرادی بود و پس از اثبات بی

مروارید اخیراً در کتاب «تنبیهات حول تفسیر عدل و المعاد» که کتابی خواندنی است، فرموده، مؤمن کمی تندخوست چرا که، لاقیدی هایی را می‌بیند یا می‌شنود بنابراین فروخته می‌شود، حاجی به این عنوان برافروخته می‌شد. این دوست حاجی عابدزاده در ادامه کلام به کسب و کار حاجی عابدزاده اشاره کرد و یاد آور شد: ایشان کاسب بودند و کارخانه آئینه سازی داشتند و آئینه های دو رو با آرم عابدزاده تولید می‌کردند که یک رویش آئینه و روی دیگر قاب بود. حاجی، روز را مشغول کار کارخانه بود و اداره امور آن را به حاج مهدی امیری سپرده بود و امیری تمام امور را در دست داشت و مدیریت می‌کرد، کارخانه حاجی در آخر یکسال ۸۰۰۰ تومان اضافه آورد و حاج مهدی امیری به او این مبلغ سود را گفت و خواست خمس آن را که ۱۶۰۰ تومان می‌شد را بپردازد ولی حاجی گفت که این پول را کلاً به حاجی مصباح مشهدی بده، امیری گفت، پول دیگری نداریم و حاجی گفت، خدا را داریم.

ایشان وقتی کمی پول به دست آوردند به مخیله اش افتاد که مدرسه ای را بسازند و آن را با نام مبارک امام زمان متبرک کنند؛ زمین مهدیه را از زمین های حمیدالدوله از یک نفر سلمانی به مبلغ ۱۳۰۰ تومان خرید و مدرسه را بنا کرد؛ این مدرسه سه سالن داشت که یکی سالن درسی، دیگری سالن سخنرانی و یک سالن برای حضور بانوان در مراسم بود که محفوظ و محجوب باشند، ایشان اتاق های متعددی در طرفین مهدیه ساختند که هر یک مربوط به جمعیتی باشد تا شاگردان در هر کدام درس خاصی را بیاموزند. درس ایشان در سالن مهدیه برگزار می‌شد، ایشان بر این عقیده بود که دانش آموزان هر چه یاد گرفته اند باید آن را به دیگران بیاموزند و زمانی که درس را شروع می‌کردند رعایت سکوت را ملزم دانسته و از همه می‌خواستند که گوش فرا دهند پس از اتمام درس، مباحثه و مطالعه و رفع اشکال در آن درس را از شاگردان طلب می‌کردند تا همه درس را درک کنند، همچنین ایشان از شاگردان می‌خواست تا دروس بعدی را در خانه مطالعه کنند کما اینکه مرحوم شیخ طوسی نیز در کتاب آداب المتعلمین، می‌فرماید «طلبه باید هر درسی را سه مرتبه بخواند، یکبار پیش استاد، یکبار در مباحثه و دیگر بار در مطالعه و درس بعدی را هم باید قبل از تدریس مطالعه کند»، کسانی که این توصیه را می‌پذیرفتند در این مسیر موفق تر بودند. حاجی عابدزاده در شب بعد، دروس گذشته را از شاگردان می‌پرسید. مرحوم عابدزاده، در سال بعد از اخلاقیات شروع کرد و تا آخر دیات، پیش رفت، بعد خواست سیوطی را بار دیگر بخوانیم ولی بنده دیگر حاضر نشدم سیوطی بخوانم، بنابراین به ایشان گفتم اگر درس دیگری می‌دهید، بیایم، پس از دادن امتحان به حاجی به کلاس درس حاجی محقق (شخصیت عالی در ادبیات نوقان) رفتم.

وقوعی با یادآوری آن که چطور تدریس را در مهدیه آغاز کرد، گفت: ما درس حاجی را تعطیل، ولی مهدیه را تعطیل نکردیم بنده در آن زمان خود کاسب بودم از ۸ صبح درس می‌خواندم و ظهرها هم در دکان یک نفر میرزا بودم، پس از آن، شب ها در پایین خیابان درس می‌دادم، ایشان پس از ساخت مهدیه یک روز با من رو به رو شد و از من پرسید، وقوعی تو درس برای خدایم دهی یا برای خودت، گفتم برای خدا، از من خواست در مهدیه برای تدریس حاضر شوم، شاگردان من همه به دنبال این مسئله به مهدیه آمدند به استثنای دو نفر و ما در آنجا به تدریس علوم حوزوی پرداختیم.

تأکید بر آموزش تفسیر

انگشتی بر دیگ نمی زد تا حتی مزه آن را بچشد و از غذای منزل، میل می کرد. وی افزود: مرحوم عابدزاده، ارادت کامل به شیخ محمود حلبی داشت، شیخ محمود حلبی کسی بود که به فلسفه کاملاً تسلط داشت و می فرمود هیچکس در برابر من در فلسفه نمی تواند طاقت بیاورد و از شاگردان آقامیرزا میری اصفهانی بود که استاد کل در فلسفه بود؛ حاجی عابدزاده به این آقایان بسیار علاقه مند بود. این مدرس مدرسه مهدیه، پیدایش انجمن پیروان قرآن را از جمله کارهای دیگر استاد بیان کرد و گفت: این ایده از مهدیه با هدفی فرهنگی سرچشمه گرفت، اعضای این انجمن هم، از منابر پر محتوا و خالصانه حاجی که سه ساعت طول می کشید و همچنین مهدیه و برنامه های آن، جذب این انجمن شدند. ایشان دفترچه ای را در انجمن پیروان قرآن تهیه کرد و مرامنامه عقیدتی را در ۳۰۰ موضوع نوشت و قبل از چاپ آن را با مسائل دینی تطبیق داد و خدمت آیت الله میلانی برد و ایشان هم موضوعات را تأیید کرده و خود نیز دو موضوع را بر آن افزودند و سپس استاد (عابدزاده) آن را به چاپ رساندند. ایشان همچنین میز و صندلی شاگردان را رو به قبله گذاشتند و دیگران هرچه تلاش کردند، به دلیل کم نوری آن را برگرداندند، گفتند چراغ ها را روز هم روشن کنید ولی درس دینی باید رو به قبله باشد.

وی حتی از معلمان خواسته بود دیکته و مشق شاگردان را از رساله ها بگیرند بطوری که پسران آیت الله مرورید که بسیار خوش خط بودند، از این دیکته ها رساله ای را برای عسگریه به یادگار گذاشتند. ایشان همچنین به یادگیری قرآن بسیار تأکید داشت و علاوه بر آن می گفت «شاگردان در دوران کودکی یک دور رساله علما را یاد بگیرند تا وقتی بیرون رفتند کاملاً در علوم فقهی حاذق باشند؛ وی در برنامه درسی خود قرآن را جزء دروس حتمی شاگردان قرار داده بودند و بدون قرآن هیچ کلاسی غیر از کلاس اول آغاز نمی شد. مرحوم عابدزاده، علاوه بر تدریس قرآن در کلاس های درسی، در ماه رمضان هم، دبستان ها را به مسجد گوهرشاد می برد و در ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد آنها را جمع می کرد و همه با هم مشغول قرائت قرآن می شدند و هر کس در ۱/۵ - ۱ ساعت یک جزء قرآن را می خواند.

استقبال از نواب صفوی

شیخ محمد وقوعی، از ملی شدن صنعت نفت سخن به میان آورد و اضافه کرد: مرحوم نواب صفوی به مشهد آمد و استاد به پیشباز وی رفت و او را در بغل گرفت و همانند آیت الله میلانی به مهدیه برد و از او خواست هر سخنرانی که دارند، در آنجا بگویند؛ استاد همانطور که نواب صفوی با مصدق مخالف بود با مصدق مخالفت می کرد اما در ملی شدن صنعت نفت، اولین کسی بود که تابلو بلند کرد و بر سر درخت نفت مشهد نصب کرد، او معتقد بود، نفت، ذخیره ملی و در دست مسلمانان است بنابراین باید بیت المال حفظ شود. آیت الله کرباسی و دیگر علما هم در منابر خود در مسجد گوهرشاد بسیار بر این مطلب مصر بودند و حاجی عابدزاده با نواب صفوی مجدانه آن را دنبال می کردند.

وی در پایان سخنان خود از سکنه و بیماری حاجی عابدزاده در سال های پایانی حیات سخن گفت و ادامه داد: ایشان در پایان عمر، در اثر مشاهده مسائل انقلابی و شهید شدن مردم و نیز ظلمی که به آنان می شد مریض شدند در این مدت، روزی من به ملاقاتشان رفته بودم حاجی آن روز به من گفت «در آخر الزمان، مؤمنین، قلبشان در جسمشان از مطالب منکرانی که می بینند و نمی توانند حرف بزنند، ذوب می شود.»

گناهیشان، یکسال و اندی حبس نظری برایشان قرار دادند و او را به مهمان خانه ای در تهران بردند؛ علت گرفتاری ایشان هم آن بود که جعفری، استاندار وقت به فاطمیه آمد و از یک نفر پرسید، فاطمیه چقدر خرجش شده و آن شخص ناوارد رقمی داد و از حاجی پرسیده بودند و او مبلغی دیگر را به او گفت بنابراین حاجی را گرفتند چرا که فکر می کردند کارهای ایشان بدین گونه است؛ لازم به ذکر است ایشان ۱۲ بنا در مشهد به نام مقدس ائمه ساختند و تنها موفق به ساخت محمدیه و رضویه نشدند.

از خاطراتی که استاد خود، در خصوص زندان رفتنشان بیان کردند، آن بود که می گفت: (ساواک) از من پرسیدند، شما چند نفرید و من گفتم یک نفر، گفتند، چطور و من پاسخ دادم، اگر کسی دیگر بود الان در اینجا حضور داشت، ما هیچ بانندی نداریم و تنها جشنی داشتیم و حرفی در مقام اهل بیت (ع) گفته ایم، حزب نیستیم که جهت و نکته خاصی را دنبال کنیم. از سؤالات دیگری که از ایشان در تهران پرسیده بودند آن بود که چرا نواب صفوی را جادادی و ایشان فرموده بود، من با اجازه اداره شهربانی مشهد این کار را کردم.

وقوعی ادامه داد: عابدزاده در بی مال دنیا نبود و می گفت من ۱۵ سال است که همین قبارا به تن دارم، ایشان وقتی اولین مدرسه (عسگریه) را پس از مهدیه و از پول مردم ساختند برای رعایت حق الناس و معلوم بودن سهم افراد، اوراق مشارکتی، چاپ کردند و عکس مقابر ائمه را بر روی آن انداختند و به آن مبلغ دادند تا مردم هرچه می خواهند، اهدا کنند و به میزان آن اوراق بگیرند، مردم همه به ایشان اعتماد داشتند. ایشان ۱۲ مدرسه در مشهد به نام ائمه ساخت؛ وقتی عسگریه حاضر شد، سر در آن این شعر را نوشتند: باز شد بابی به فردوس برین زین بنای عسگریه فادخلوها خالدین / این ندا از جنان روح الامین هذ جنات عدن ازلفت للمتقین وقوعی تأکید کرد: حاج علی اصغر عابدزاده، بی نهایت به یتیمان و خانواده های بی سرپرست و کم بضاعت توجه داشت و هر قدر می توانست به آنها می رسید، ایشان در شب عید در مدارس خود، مجد بود برای فرزندان خانواده های کم بضاعت، لباس تهیه کند. وی برای هر مدرسه مقداری لباس به تعداد کسانی که محروم بودند، تهیه می کرد.

وی در ادامه توجه استاد را به رسیدگی به آسیب دیدگان بلایای طبیعی یاد آور شد و اظهار داشت: ایشان بد طولایی برای رسیدگی به زلزله زدگان و به عنوان مثال آسیب دیدگان طبس داشت و تا مقداری که میسرورش بود به آنان کمک می کرد، ایشان بر آن نظر بود که خود باید این کمک ها را به دست زلزله زدگان برساند.

حساسیت عابدزاده به حفظ بیت المال

این شاگرد حاج علی اصغر عابدزاده گفت: در زمان حیات حاجی عابدزاده به ایشان پیشنهاد شد که حسینییه ای در کربلا بسازد، یک نفر از آقایون مقداری پول گرفت تا به کربلا برود و به دست حاجی برساند، این شخص پول را رساند و هزینه سفر خود را از آن کم کرد و به مسئول این امر داد، حاجی وقتی از این ماجرا مطلع شد، آتش گرفت و بالرز از ترس ضایع شدن بیت المال، گفت «چه کسی تو را وکیل کرد برای این کار. او از حیف و میل بیت المال و امانت می هر اسید بنابراین پول را برگرداند و او را بسیار ملامت کرد.

وقوعی گفت: ایشان برای افراد در ایام ماه مبارک رمضان آتش شله می پخت و بسیار در این کار استاد بود و در مهدیه خود آن را به دست افراد می داد ولی خودش حتی

جلسات دعای ندبه در سراسر کشور از دعای ندبه مرحوم عابدزاده انشعاب گرفت



بناهای ۱۴ معصوم، نام ائمه اطهار (ع) را در شهر مقدس مشهد زنده کردند و تا زمان حیات ایشان دوازده بنا ساخته شد و دو بنای «رضویه و محمدیه» ناتمام ماند. این بناها سالانه شاگردان بسیاری داشتند همه بناها بیش از ۲۰۰ شاگرد داشت، به طور مثال نقویه ۳۰۰ شاگرد و جوادیه در سال ۴۰۰ شاگرد داشت و خود من عضو هیئت مدیره آن مکان بودم و حاج آقا مقید به سرکشی به همه بناها بودند و تلاش می کردند اوقات بچه ها به بطالت نگذرد. حسن زاده چمنی اظهار کرد: مرحوم عابدزاده برای سخنرانی ها هیچ پولی دریافت نمی کردند و درآمد ایشان از کارخانه شیشه و آینه بود. تمام امور مالی حاج آقا دست آقای «امیری» بود، حاج آقا بسیار مخلص و مقید به واجبات دینی بودند.

وی در باره تشکیل انجمن پیروان قرآن عنوان کرد: حاج آقا عابدزاده ایده، آمال و آرزوی عجیبی در باره تشکیل انجمن پیروان قرآن و بناهای ۱۴ معصوم (ع) داشتند و در این بناها به مناسبت اعیاد و وفیات مراسم برگزار می کردند و مقید به برگزاری نماز اول وقت در حین مراسم بودند.

چمنی تصریح کرد: در کل نام مرحوم عابدزاده با توجه به حالات روحی فوق العاده ای که داشتند ناشناخته مانده است و به لطف رهبر معظم انقلاب اسلامی نام ایشان دو باره زنده شده است.

چمنی با اشاره به زندگی نامه خانوادگی مرحوم عابدزاده افزود: اسم پدر مرحوم عابدزاده، زین العابدین چراغی چی آستانه بود و به وی ملاعابد می گفتند به همین جهت ایشان با نام عابدزاده معروف شدند، حاج آقای عابدزاده توصیه می کردند برای رضای خدا فعالیت کنید و بسیار مقید بودند افرادی که برای تدریس در مدارس استخدام می شوند به طور حتم سواد قرآنی هم داشته باشند. به خاطر دارم جوانی در مهدیه برای گزینش تدریس در مدارس حاج آقا به ایشان مراجعه کردند و مرحوم عابدزاده تأکید قرائت سوره ای از قرآن را داشتند به طور کلی حاج آقا در گزینش معلمان دقت فراوانی مبذول می داشتند و بسیار مراقب بودند تا معلمان با دانش آموزان به نرمی برخورد کنند و با تنبیه بچه ها شدیداً مخالفت می کردند.

وی در ادامه افزود: حاج آقا عابدزاده در زمان زلزله طبس بسیار به زلزله زدگان کمک می کردند و مقید بودند کمک های مردمی و محصلاتی که برای زلزله زدگان جمع شده بدون دستخوردگی در اختیار نیازمندان قرار گیرد به طور مثال عروسکی در میان کمک های مردمی برای زلزله زدگان بود و حاج آقا مقید بودند که حتماً به دست کسی که مستحق آن است برسد همچنین حاج آقا عابدزاده حق و حقوق متقابل دوستان را رعایت می کردند و اگر گاهی عصبانی می شدند تنها برای رضای خدا بود.

سید جعفر حسن زاده چمنی در باره انس حاج آقا عابدزاده با قرآن گفت: حاج آقا با قرآن بسیار مأیوس بودند و زیر نظر مرحوم «ملا هاشم» جامع المقدمات را گذرانده بودند و استخاره های عجیبی با قرآن می گرفتند تا جایی که حتی نیت ها را تشخیص می دادند و این از مراتب روحانی مرحوم عابدزاده و انس ایشان با قرآن نشأت می گرفت. وی در باره زندانی شدن حاج آقا علی اصغر عابدزاده گفت: هنگامی که به ملاقات حاج آقا در زندان رفتم بسیار گریه می کردم و یکی از مأموران زندان گفت ناراحت نباشید این زندانی از اولیاء خداست زیرا هر زمانی که مانزدیک ایشان می شوم می بینم که در حال عبادت و قرائت قرآن است، مادر مرحوم عابدزاده زمانی که ایشان در زندان بود فوت کردند و تشییع جنازه بسیار باشکوهی داشتند و جمعیت فراوانی برای تشییع حاضر شده بودند.

حسن زاده چمنی عنوان کرد: حاج آقا عابدزاده بسیار مقید به مسائل شرعی بودند به طور مثال در رساندن کمک های مردمی به زلزله زدگان بسیار دقت داشتند. من از شاگردان مرحوم عابدزاده بودم و دو سال در بنای حسینیه و یک سال در بنای نقویه درس خواندم و در این مدارس شاهد تأکیدات ایشان بر نماز اول وقت به صورت جماعت بودم همچنین معلمان ما هم بسیار مومن و معتقد به مسائل دینی و مذهبی بودند.

وی در ادامه اظهار کرد: در ایام ماه مبارک رمضان کسانی بانی خیر می شدند و پنج شنبه ها برای پذیران افطاری می دادند، حاج آقا عابدزاده از پولی که بابت تهیه افطاری دریافت می شد غذای ساده تری می دادند و اگر قرار بود پنج شب افطاری بدهند هفت شب افطاری می دادند و به دلیل رعایت مسائل شرعی می گفتند کارکنان حق افطار کردن را ندارند و حاج آقا تنها به مستحقان افطاری می دادند و حتی چای افطاری کارکنان را از بودجه خودشان تهیه می کردند.

این شاگرد مرحوم عابدزاده در پایان یاد آور شد: حاج آقا عابدزاده مدت هفت سال در بستر بیماری بودند و در ۷۴ سالگی فوت کردند و جمعیت گسترده و عظیمی برای تشییع جنازه ایشان حاضر شده بودند و علما از جمله حاج آقا «طبسی» نیز در تشییع جنازه ایشان شرکت داشتند.

گروه فعالیت های قرآنی؛ با وجود سخت گیری های رژیم پهلوی و خفقان دوران طاغوت مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» فعالیت های مذهبی و خدمات شایانی در راستای تربیت دینی انجام دادند به گونه ای که جلسات دعای ندبه در سراسر کشور از جلسات ایشان انشعاب گرفت.



سید «جعفر حسن زاده چمنی» در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب به تبیین شخصیت مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده پرداخت و گفت: مرحوم عابدزاده، جامع المقدمات را خوانده بودند و تا قبل از ساختن مهدیه در مدرسه میرزا جعفر گوشه صحن سخاخانه برای یک عده از علاقه مندان تدریس می کردند. پس از بنای مهدیه ضمن برگزاری کلاس های قرآنی، جشن های مفصلی برای ائمه اطهار (ع) می گرفتند که حتی مردم از اطراف خراسان برای بازدید از این جشن های آمدند و از سال دوم ساختن مهدیه من افتخار آشنایی با حاج آقا عابدزاده را داشتم.

وی تصریح کرد: در همان سال های ابتدای آشنایی با حاج آقا عابدزاده دریافتیم که ایشان مرد الهی، تارک دنیا و مقید به اعتقادات دینی و مذهبی و فرمایشات ائمه اطهار (ع) و مقید به خواندن نماز اول وقت و بسیار علاقه مند به امام زمان (عج) بودند و تمام جلسات دعاهای ندبه ایران از دعای ندبه مرحوم عابدزاده منشعب شده است، حتی روزی به خاطر دارم که خدمت ایشان رسیدم و در ایوان مقصوره دعای ندبه را شروع کردند و جمعیت مستمعان به حدود دو هزار نفر رسید، در آن زمان انجمن پیروان قرآن ۳۰ شعبه داشت و این نشان دهنده گستردگی عملکرد حاج آقا عابدزاده بود.

این همراه مرحوم عابدزاده عنوان کرد: مرحوم عابدزاده با ساختن

«شاید ۹۹ درصد یاران و نزدیکان حاجی عابدزاده، اسم قبلی ایشان را ندانند و از جریان مربوط به نوجوانی ایشان مطلع نباشند. در پیام مقام معظم رهبری در وصف این عالم والامقام شاهد چند کلمه ای هستیم که ایشان برای کمتر فردی آن را به کار برده اند، صفاتی چون مجاهد، خستگی ناپذیر، دارای عزم قوی، صاحب اراده».

این جمله ها بخشی از سخنانی جعفر حسین زاده ملکی، مدیرکل اسبق آموزش و پرورش استان خراسان و یکی از شاگردان دبستان عسگریه و نقویه مرحوم عابدزاده بود که در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران درباره مرحوم عابدزاده عنوان کرد.

وی در ادامه سخنانش افزود: من در بسیاری از مسائل و برنامه هایی از این قبیل که در راستای کار و زندگی برایم پیش می آمد، الگویم را از کارهای مرحوم عابدزاده می گرفتم و به دنبال اقدامات خود، به این فکر افتادم که همایشی را با نام حاجی در شب نیمه شعبان در علویه و در کنار برگزاری جشنواره خیرین مدرسه ساز، برگزار کنم و البته در این راه دلهره بسیاری را هم داشتم از آنکه مردم بگویند که به دو دهه قبل بازگشته اند ولی ادای دین بود، به هر حال این تصمیم را گرفتم. البته مردم با اطلاع از این همایش، مجلس را از دست ما گرفتند و چند شب هم آن را ادامه دادند و فراخوان و عکس های آن حتی به روزنامه ها و سایت های خارج از کشور هم رفت و این مراسم نشان داد که استاد عابدزاده در قلب و ذهن مردم همچنان جای داشته و تنها در زبان ها و چشم ها نیامده بود.

جعفر حسین زاده ملکی در ادامه به بیانیه ای که مقام معظم رهبری در خصوص این شخصیت وارسته صادر کرده بودند، اشاره کرد و توضیح داد: ساعت ۲۱ شب اول برگزاری این مراسم، مقام معظم رهبری نیز پیامی داده بودند که این پیام برای یک همایش استانی گرفته شد و ما هم شبانه از آن جزوه ای را آماده و بین مردم توزیع کردیم.

ملکی ضمن ابراز تأسف از اینکه در یک رشته هنری و دیگر زمینه هادر خصوص کوچکترین مسئله، کتاب ها می نویسند و تحقیقاتی می کنند ولی مساجدی داریم که ۸۰۰ سال در آن نماز خوانده اند و کمتر کسی رفته تا در خصوص تاریخچه آن اطلاع یابد و به آن بپردازد.

مدیرکل اسبق آموزش و پرورش استان خراسان، در ادامه این گفت و گو، از شخصیت حاج علی اصغر عابدزاده، سخن به میان آورد و گفت: مرحوم عابدزاده از دهه ۲۰ فعالیت خود را آغاز کرد و آن را بر محوریت قرآن قرار داد و برنامه هایش را قرآن محور پیش می برد، حاجی در آن زمان، کار خود را از جلسات قرآنی شروع کرد، او فردی بسیار قوی از لحاظ شخصیتی و تأثیرگذار بر اطرافیان بود؛ حاجی عابدزاده، فردی هوشمند بود، او مسائل آموزشی را در مشهد نهادینه کرد و در زمان خود هم بسیار نوگرا بود.

ملکی ادامه کلام خود را به ذکر خاطره ای از فرزند کوچک ایشان اختصاص داد و از زبان ایشان گفت: پدرم در مهدیه همیشه کاسه ای آب، گوشه حوض برای کبوترها می گذاشت. یک روز من آن را برداشتم و به سوی کبوتر پرتاب کردم ولی به مهبابی خورد و مهبابی شکست ما هم با دقت همه خرده های آن را جمع کردم و بیرون ریختم و جارو زدم تا آثارش معلوم نشود پدرم تا وارد شد گفت، مهبابی را شما شکسته ای گفتم، نه، گفت، دروغ نگو، نگاهی انداخت و گفت، تو این کاسه را برداشته ای، پرت کرده ای بالا به چیزی که می خواستی نخورده، خورده به



مدیرکل اسبق آموزش و پرورش استان خراسان:

عابدزاده احیاگر برنامه های قرآن محور در مشهد بود

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم عابدزاده از دهه ۲۰ فعالیت خود را آغاز کرد و آن را بر محوریت قرآن قرار داد و برنامه ها را قرآن محور پیش می برد، حاجی در آن زمان، کار خود را از جلسات قرآنی شروع کرد و فردی بسیار قوی از لحاظ شخصیتی و تأثیرگذار بر اطرافیان بودند.



بخواند و دیگران یاد بگیرند و از این طریق نماز جماعت را آموزش می داد؛ مرحوم حاجی دعای ندبه ای را در مسجد گوهرشاد بنا نهاد که مهدیه تهران و دیگر نقاط از اینجا الگو گرفتند. شهید رجائی که به مشهد آمد گفت: «من الگوی مدارس اسلامی را از مدارس حاجی گرفتم» زمانیکه مکتب خانه ها در حال جمع شدن بود ایشان مدرسه ساخت و فعالیت ها را به روز پیش برد.

یکی از ویژگی هایی که جشن های ایشان در مشهد داشت بحث بهره گیری وسیع از مردم بود، او از پارچه ها و اجناسی که مردم برای برگزاری مراسم می آوردند کو بیسم و طرح های زیبایی درست می کرد، قالیچه های شامی را در این مجالس پهن می کرد ساعت های قدیمی را در آنجا قرار می داد که با هم شروع به زدن می کردند. حاجی تمام کوچه و مهدیه را با اینها تزئین می کرد و شاگردان سرودهایی در وصف امام زمان (عج) می خواندند که همه دینی بود. ایشان برای شرکت مردم در مراسم قیوضی را به افراد می داد تا بدانند نوبت شرکت آنان در مراسم چه زمان است. وی آنان را در این مراسم به ترتیب توانمندی می نشانید؛ وی افرادی متین را انتخاب می کرد تا تنها دم در از مردم تشکر کنند و آیات عظام که می آمدند خود برای پیشواز می رفت و در مجموع فردی بسیار تشکیلاتی بود.

ملکی در ادامه آداب و ورود به مدارس حاجی را گوشزد کرد و گفت: ما برای ورود به مدرسه که محیطی مقدس است درگاه آن را می بوسیدیم چرا که محیط تعلیم و تربیت آنقدر حرمت داشت که دانش آموزانی که حتی دیرشان شده بود هم در را می بوسیدند. ما در اول صبح دعای خاصه آن روز را می خواندیم و ظهر با زیارت امام رضا از آنجا خارج می شدیم. بچه ها در مدارس حاجی از نظر دینی و دعا مشکلی نداشتند در حالیکه اول انقلاب، بلد نبودن نماز جماعت در برخی جاها مشکل ساز شده بود. ایشان بر کرامت سادات بسیار توجه داشتند و سادات در مدارس ایشان پیش از دیگران حرکت می کردند. این مراکز قرآن محور برای استان خراسان مراکز نیرو سازی شد چرا که در خراسان افرادی مبدع و مبتکر پرورش یافته بودند که برای مثال می توان به شهید مطهری به عنوان یک چهره تاریخی که به ارائه اسلام ناب پرداخت اشاره کرد و یا استاد شریعتی و پدرشان که مخاطبشان روشنفکران علمی بودند و عامه مردم در دستگاه حاجی از همه تیپ ها دیده می شدند.

این شاگرد دبستان عسگریه و نقویه حاجی عابدزاده که متولد (۱۳۲۰) است و مدتی در سمت مسئول آموزش سپاه و دارای سابقه کاری در امور اجرایی آموزش و پرورش در شهرها و استان های مختلف به مدت ۱۴-۱۳ سال و تربیت معلم به مدت ۱۰-۷ سال و مشارکت در بعضی بحث های ستادی مطرح مثل تغییر نظام آموزش و پرورش در دهه اول انقلاب و یا تأسیس دارالقرآن ها و مدارس شاهد و یا مجتمع آموزشی رزمندگان بوده است، در ادامه عنوان کرد: بعد از انقلاب که نهادهایی در خراسان شکل گرفت و من هم مسئولیتی داشتم، برای انجام امور دینی در پی الگوهایی در ذهن می گشتم و در آن زمان، بلافاصله یاد الگوهای قدیم و حاج علی اصغر عابدزاده می افتادم.

وی توضیح داد: معمولاً در فضای بعد از انقلاب، متدینین قدیم و چهره های انقلابی شهر مشهد، بیشتر همدیگر را از مدارس حاجی عابدزاده می شناختند ولی مرحوم عابدزاده در این زمان دیگر مطرح نبود و در اثر موج قوی که بعد از انقلاب در کشور وارد شده بود دیگر افراد قبل از انقلاب به فراموشی سپرده شدند.

مهنمایی و ظرف را دوباره آب کرده ای و گذاشتی سر حوض، غافل از آنکه من همیشه این کاسه را پر نمی کردم. این موضوع نشان گر دقت خاص حاجی در مسائل بود.

ملکی بخش دیگر سخنان خود را به تبصره مرحوم عابدزاده در امور مختلف اختصاص داد و یاد آور شد: استاد از کارگری گرفته تا معماری و دیگر امور صاحب نظر بود و مردم نیز او را به عنوان بهترین آشپز و آئینه ساز زمان خود می شناختند؛ ایشان در معماری بسیار متبحر بود و نقویه را با کمترین امکانات به شکل گل و بلبل ساخت و طوری آن را رنگ می کرد که گویی سنگ مرمر در آن به کار رفته، در کل ایشان شخص باسلیقه ای بود و به شدت قدرت سازماندهی داشت و با عزم و اراده ای قوی و هوشمندی بالا و اخلاص فراوان امور خود را دنبال می کرد.

مدیرعامل انجمن پیروان قرآن به نفوذ استاد عابدزاده بین اقشار مختلف اشاره و عنوان کرد: مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده، در آن زمان موفق شد در بین قشر بازاری نفوذ کند و با مشارکت در مسائل مختلف و اجتماعی کردن جریان تعلیم و تربیت بین مردم و گرفتن مشارکت حداکثری از آنان بخصوص متدینین، بستر لازم را برای مردمی کردن امر تعلیم و تربیت پدید آورد.

وی در ادامه به مقایسه مدارس حاجی عابدزاده با مدارس فعلی پرداخت و بیان کرد: ایشان با توجه به محدودیت های زمان شاه این مدارس را ساخت و اگر مدارس ایشان را با مراکز آموزشی فعلی مقایسه کنیم می بینیم مدارس فعلی هر یک به امر خاصی اختصاص یافته و یکی از جهت فضا، دیگری از حیث علمی و بعدی از بعد تربیتی خوب است. مدرسه دیگری هم مدرسه خیریه است ولی مدارس حاجی همه موارد را یکجا در خود جمع کرده بود؛ مدارس فعلی از منبع های متنوع تغذیه می شوند اما حاجی حتی یک ریال از جایی کمک نمی گرفت و خودکفا بود و جالب بود که در این مدارس ۶۰٪ از شاگردان رایگان ثبت نام می شدند و بچه ها از هر قشر هیچ منعی برای ورود به این مدارس نداشتند و تنها بحث تدین آنان مدنظر قرار می گرفت.

ملکی بخش دیگر سخنان خود را به فعالیت های قرآنی استاد اختصاص داد و گفت: حاجی برنامه های قرآن محور را در زمانیکه هرگونه اجتماعی (تجمع)، حساسیت برانگیز بود دائر کرد و در ماه رمضان دانش آموزان راه را می انداخت و به مسجد گوهرشاد، شبستان نهانندی می آورد. این اجتماع بزرگی بود و تا آنجا که من به یاد دارم استاد شجریان ختم قرآن می کرد و مرحوم عابدزاده با صدای بلند می گفت: شجریان بخوان.

وی در ادامه آداب قرآنی خوانی شاگردان مدارس حاجی را مورد بررسی قرار داد و بیان کرد: این شاگردان قرآن را که بر می داشتند می بوسیدند و آداب قرآنی را رعایت می کردند که مخصوص این مدارس بود، حاجی در ابتدا، جلسات قرآنی را تشکیل داد که در سال های پایانی این جلسات به ۵۰-۶۰ جلسه رسید و بعد از تشکیل این جلسات شروع به مدرسه سازی کرد و زمینی را خرید و بلندگویی را آنجا نصب کرد که در ابتدای کار، اذان و در ماه رمضان دعای سحر پخش می شد، او در زمان شهادت امامان (ع) یک دهه برنامه برگزار می کرد تا به سرعت وجوهی جمع شود و آن بنا ساخته شود.

ایشان اهتمامشان بر آموزش های سه گانه قرآن، معارف و احکام و مبانی اسلام و تشیع و آموزش زبان عربی و ترویج نماز بود؛ ایشان نماز را به شکل خاصی می خواند و یک نفر را که قرائتش خوب بود به جلوی صف می برد تا بلند نماز را

گروه فعالیت های قرآنی: حاجی عابدزاده فرقی بین فقرا و پولدارها قائل نبود، به مستمندان احترام زیادی می گذاشت و ارزش هر کس را به میزان تدین و ایمان او می دانست.

■ ■ ■

«محمدحسن یوسف زاده» از همراهان و شاگردان مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با اشاره به چگونگی آشنایی خود با مرحوم عابدزاده، گفت: من از جمله جوانانی بودم که از مهدیه (یکی از بناهای ساخته شده توسط مرحوم عابدزاده در مشهد) با حاجی عابدزاده آشنا شدم، یعنی از زمانی که حاجی عابدزاده همه هست و نیست خود را خرج کردند و مهدیه را ساختند، در آن زمان حاجی آئینه ساز بود و اصل کسبشان از این طریق تأمین می شد و آئینه ها را به شهرهای دیگر هم می فرستادند.

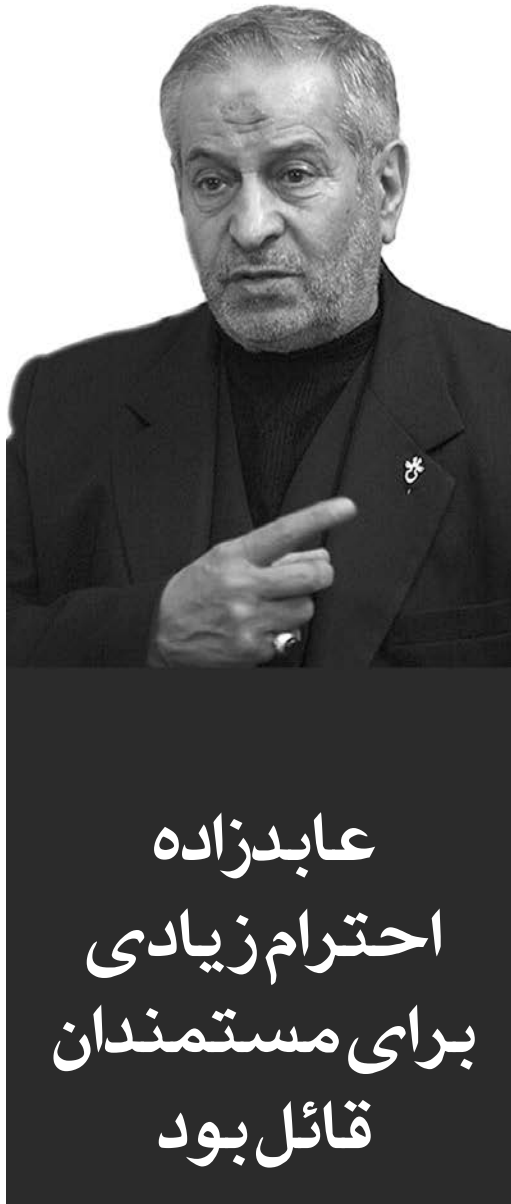
یوسف زاده گفت: ما با چند نفر از دوستان چون محمود قائمی که درس خارج می خواند و حتی وصیت نامه حاج آقا را بسیار خوش خط و به خط نستعلیق نوشت و در مهدیه قاب گرفت و نصب کرد، با حاجی آشنا شدیم حاجی در مهدیه کتابخانه بزرگی داشت که انواع و اقسام کتاب ها آنجا بود.

■

آتش سوزی مهدیه

وی خاطرات خود را از آتش سوزی مهدیه آغاز کرد و گفت: این حادثه آنقدر بزرگ بود که هیچگاه نمی توان آن را فراموش کرد؛ پسر بزرگ من در مهدیه جزء بچه های کوچکی بود که تمرین سرود می کرد، در آن سال مهدیه را بسیار مجلل، چراغانی کرده بودند که آتش سوزی رخ داد، یک مرتبه دیدم چند میلیون تومان اشیاء قیمتی و مخمل های گرانبه که سقف مهدیه را پوشانده و آذین بسته بود، در آتش فرورفته، من در این فکر بودم که حاج آقا الان سخته می کند ولی در عین گریه و لرز ما، حاج آقا بلند فریاد می زد، سلامتی امام زمان (عج) صلوات ختم کن؛ حاجی با این کلمات قوت قلب و ایمان رادر همه قوت داد؛ آن شب همه خبرگزاری های لبنان و سوریه گزارش دادند که مهدیه انجمن پیروان قرآن مشهد، در شب میلاد امام زمان (عج) آتش گرفت.

وی ادامه داد: فناری هایی را دوستان به مهدیه می آوردند تا هنگامی که بچه ها سرود می خوانند، فضای آنجا را زیبا کند، در آن شب همه فناری ها سوختند، ما دور هم گریه می کردیم و حاجی ذکر می گفت؛ پس فردا، شب میلاد حضرت ولی عصر (عج) بود و مرحوم میراحمدی که مخمل ها را برای مهدیه می فرستاد، گفتند



عابدزاده احترام زیادی برای مستمندان قائل بود

از یاران عابدزاده:

نزد حاجی فقیر و غنی یکسان بود و تنها کسی محترم تر شمرده می شد که متدین تر باشد و راز این موفقیت ها نتیجه ساده زیستی و خلوص حاجی بود او حتی پیش پای مستمندان بلند می شد

هر چقدر مخمل می خواهید بفرستم. بعد از طرف آستان قدس رضوی دعوت به عمل آمد که مراسم را در آنجا برگزار کنند و صحن آزادی را در اختیار حاجی قرار دادند و بچه ها بلافاصله آنجا را از صبح تا شب تزئین کردند و جشن میلاد امام زمان (عج) در آنجا در زمان طاغوت و با آن عظمت، برگزار شد.

وی در ادامه شجریان را یکی از سرودخوانان مهدیه نام برد و بیان کرد: وقتی شجریان با تعدادی از بچه ها می خواند، حاجی کمی آن طرف تر می ایستاد و اشک می ریخت؛ دو تا از رفقا با آموزش هایی که حاجی در مدارس به دانش آموزان می داد، خطبه شقشقیه نهج البلاغه را می خواندند، مرحوم آیت الله میلانی و آیات دیگر در آن مجلس، حضور داشتند، دیدم آیت الله میلانی، مرتب خم می شود تا ببیند این خطبه از حفظ خوانده می شود و یارو خوانی است و فرمود از حفظ می خواند؟ گفتم، بله، بعد ایشان با چشمانی پر اشک گفتند «متأسفانه طلاب ما بلد نیستند از روی کتاب هم بخوانند».

وی در ادامه سخنانش اظهار کرد: در ایران مهدیه ای وجود نداشت مهدیه های ایران، نشأت گرفته از مشهد است که حاجی به خرج خود و بدون کوچکترین کمکی بنا کرد و همه رفقایش به وسیله شاگردی حاجی در دیگر شهرها شعبات آن را بنا کردند، مهدیه ای در تهران نبود، مرحوم

کافی با تماشای مهدیه مشهد در صدد تأسیس مهدیه تهران برآمد و به نظر من الان در تمام شهرستان ها بنایی به نام آقا امام زمان (عج) هست.

یوسف زاده عنوان کرد: شاگردان حاجی عابدزاده در ماه رمضان از بناهای مختلف چون عسکریه، جوادیه، نقویه، جعفریه و... به ترتیب صف از دبستان ها به حرم می آمدند

از خیابان طبرسی، خیابان امام رضا (ع)، (تهران سابق) از بالاخیابان، پایین خیابان و... راه می افتادند و در مسجد گوهرشاد، شبستان شهید نهایندی جمع می شدند و جلسه قرآن می گرفتند، حاجی خود در آنجا می نشستند و مرحوم حاج عباسعلی تقی زاده مجری آن جلسه بودند.

می کردند. حاجی همه وجودش قرآن بود و در مدارس خود به امتیازاتی که آموزش و پرورش می داد، اصلاً توجه نداشتند و می گفتند: کسی که وارد اداره جات می شود، به ظلم و ناشایستگی ها خدمت کرده و بر این نظر بود که اشخاص در هر منصبی اگر متدین باشند، جامعه متدین و درست خواهد بود.

■ موفقیت های شاگردان نشأت گرفته از خلوص عابدزاده بود

یوسف زاده، یکی از ویژگی های حاجی را شناخت اقتضائات زمان نام برد و گفت: حاجی در مسیر انقلاب بود، در زمان زلزله طبرس در مسجد گوهرشاد برای کمک به آنان پول جمع می کردند. گروه های متعددی برای این عمل در مسجد آماده شده بودند و جایی که حاجی در مسجد نشسته بود یک صندوق پر می شد و یکی دیگر را می آوردند و پر می کردند، ولی در دیگر گروه ها، حتی صندوق اول هم پر نمی شد، ایشان آنقدر امین مردم بودند و بر مسائل تسلط داشتند که همه به این باور رسیده و سمت او می رفتند؛ ما به طبرس رفتیم، دیدیم تمام لب و دهان حاجی زخم شده است و با وجود آنکه کمک هایی را خود به آنجا برده بود، اما از آنها استفاده نمی کرد و تنها نان و سیب زمینی می خورد و به کمک رسانی می پرداخت و می گفت: این کمک ها متعلق به آسیب دیدگان است.

وی در ادامه به سفر حجی که همراه حاجی رفته بود اشاره کرد و گفت: ما ۱۰-۱۲ نفر بودیم که در این سفر، خدمت حاج آقا بودیم، دیدیم حاجی چنان عصبانی هستند و بغض کردند که خدا می داند گفتیم حاج آقا چرا شمایی حالد؟ اگر کار خلافی کردیم بگوئید، گفت: شما آمده اید واجب به جا آورید؟ گفتیم: اگر مادر اینجا کار درستی انجام داده ایم ثوابش مربوط به شماست و اگر خطا مربوط به خودمان، بعد گفت: آمده ایم واجب به جا آوریم، یک ساعت به اذان صبح مانده است و اگر هوایمان راه بیفتند نماز را در آسمان چه کنیم؟ من تبسم کردم و حاجی بیشتر عصبانی شد، ببینید حاج آقا اینقدر نسبت به نمازش حساس بود، البته سرانجام با تعداد زیادی از تهرانی ها در هوایمان به جماعت نماز را خواندیم.

این همراه استاد عابدزاده از حبس حاجی عابدزاده سخن به میان آورد و ادامه داد: مأموری که حاجی را گرفته بود برای ما تعریف می کرد، از زمانیکه حاجی را از مهدیه گرفتیم و سوار ماشین کردیم، می خواستیم به او دستبند بزنیم، گفت: نیازی نیست و تا وقتی که او را سوار قطار کرده و بعد تحویل زندان دادیم، حتی یک سر سوزن حال ایشان تغییر نکرد و تنها در زمان نماز، اجازه بدهید نماز را بخوانم.

این همراه استاد عابدزاده بعد تربیتی فعالیت های استاد عابدزاده را مورد بررسی قرار داد و بیان کرد: حاجی تنها هدفش، دیانت، تقوا و ایمان به خدا بود و معتقد بود کاسب باید متدین باشد او شخصی نادر بود و جوانان را به سمت قرآن و احکام جذب می کرد.

وی با توجه به توطئه هایی که دشمنان اسلام علیه دین و انقلاب می کنند توضیح داد: ما الان غصه کفار را نداریم. از آن بدتر وهابیت است اینان کافر مطلقند و دین ندارند اگر اهل سنت بودند برادران ما بودند ولی متأسفانه وهابیت دست ساخته آمریکاست و سازمان سیا (CIA)، آن را پدید آورده است. این هدف که بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کند، اینان تبلیغاتی راه انداختند تا علیه شخصیت مسلمانان و اسلام تبلیغ کنند و اگر اینان نبودند شاید عراق هم تاکنون نجات یافته بود و به حتم اگر استاد عابدزاده در قید حیات بودند یقیناً در این زمینه مبارزه می کردند.

وی به دوران تحول حاجی در جوانی اشاره کرد و یاد آور شد: شنیده ام، حاجی عابدزاده، جزء دانش غلام ها بوده اند اما دانش غلام های متدین نه خلاف کار، ایشان در قبرستان ها می رفتند و اگر از او کاری می خواستند انجام می دادند و از مردم پذیرایی می کردند.

وی با اشاره به توجه حاجی به مال شبهه ناک، به گوشه ای از خاطرات خود از ایشان اشاره کرد و گفت: حاج اسماعیل چراغی، معمار و از رفقای انجمن بیرون قرآن و هیئت مدیره نقویه بود، من هم از ابتدای ساخت و ساز در نقویه بودم، در سال اول ساخت نقویه، تمام سقف و دیوارهایش پارچه بود و حاجی اوراقی چاپ کرده بود و در ازای میزان پول مردم برای کمک به ساخت آنجا به آنان قبض می داد، چراغی یکی از متمولین (پولدارها) را آورده بود که پیش حاجی از او تعریف کند و او به کارهای خیر حاج آقا کمک کند و پس از تعریف های بسیار حاجی چراغی، استاد عابدزاده گفت: خداوند آنان را که به کار خیر مشغول اند، توفیق خیر دهد. در این اثنا یک گاریچی بود که وارد نقویه شد و پرسید حاجی عابدزاده کجاست؟ ما گفتیم: چکار داری؟ گفت: می خواهم پول برای ساخت اینجا بدهم، گفتیم: خوب بده، گفت: نه فقط دست خودش می دهم، شاید چند قرانی به حاجی داد و حاجی کسی را فرستاد و گفت به مسئول قبض بگوئید به فلان مبلغ قبضی بنویسند و تقدیم آقا کنند؛ این برای ما جای سؤال شده بود که چرا اینقدر فرق گذاشتند، روزی در تنهایی با حاجی نشسته بودیم یکدفعه خواستیم این عقده را باز کنیم و دلیل را پرسیدیم، حاجی فرمود: از چند قرانی که او داد، چند بچه مسلمان بیرون می آید ولی بعضی پول ها معلوم نیست که چه اثری به جای خواهد گذاشت.

وی شهید چراغی، که اکنون یادگانی در اندیمشک به نام اوست را از شاگردان نقویه حاجی عابدزاده نام برد و گفت: نقویه، شهید بسیار داشت، شهید کاوه نیز از شاگردان جعفریه بود.

این همراه حجت الاسلام عابدزاده که ۶۶ سال از عمرش سپری شده است، به رسیدگی مرحوم عابدزاده به مستمندان اشاره و عنوان کرد: ماه رمضان از شب اول تا شب عید فطر، حاجی شبی ۱۰۰۰-۵۰۰ نفر را افطار می داد و خود برای آنان آشپزی می کرد و خودش افطاری را برای همه می کشیدند.

وی در ادامه به توصیف مهدیه در آن زمان پرداخت و یاد و خاطره استاد مرحوم قائمی را گرامی داشت و گفت: مهدیه ۲۰-۱۰ اتاق داشت و ما با چراغ توری شب ها برای درس آن را روشن می کردیم. استاد ما مرحوم قائمی پدر شهید قائمی بود؛ ما خودمان اول جوانیمان بود و در آنجا درس عربی می خواندیم مهدیه در حال حاضر هم به برکت حاجی طوری برنامه ریزی شده که کسی نمی تواند آن را خراب کند و طلاب خارجی اعم از طلاب پاکستانی، هندی و دیگر کشورها در آنجا درس می خوانند.

وی موفقیت های شاگردان حاجی را نشأت گرفته از خلوص استاد عابدزاده دانست و خاطر نشان کرد: در نزد حاجی فقیر و غنی یکسان بود و تنها کسی محترم تر بود که متدین تر باشد و راز این موفقیت ها نتیجه ساده زیستی و خلوص حاجی بود او حتی پیش پای مستمندان بلند می شد.

وی بخش دیگر سخنان خود را به بررسی ابعاد سیاسی شخصیت حاجی اختصاص و نقش وی را در انقلاب مورد بررسی قرار داد و خاطر نشان کرد: در راهپیمایی های سیاسی انقلاب، صحنه هایی که حاجی در آن حضور داشت، پرشورترین صحنه ها را می آفرید، همه به آنجا می رفتند و همراه حاجی تظاهرات

توجه به شرایط حاکم در زمان طاغوت چگونه بود عنوان کرد: تمامی والدین خواستار این بودند که فرزندانشان در کنار کسب علم و دانش به مسائل اعتقادی و دینی واقف شوند و مدارس حاج آقا عابدزاده ضمن تدریس کتب آموزش و پرورش، تعلیم قرآن، اصول عقاید و مسائل دینی مورد نیاز شاگردان را ارائه می کردند و دانش آموزان ضمن تحصیل با مسائل دینی نیز آشنا می شدند.

این عضو انجمن پیروان قرآن تأکید کرد: در مدارس مرحوم عابدزاده درس عملی دینی به دانش آموزان ارایه می شد به طور مثال هر روز نماز جماعت برگزار می شد و اصول نماز را آموزش می دادند و آنچه که درباره آشنایی بچه ها با دین ممکن بود رعایت می شد. این عملکرد برای این محصلان نسبت به

از همراهان عابدزاده:

«عابدزاده»

با جان و دل به مردم خدمت می کرد

دانش آموزان مدارس دیگر یک امتیاز بود.

سعیدی نژاد در جواب به این سؤال که شیوه تدریس مرحوم عابدزاده در مدارس چگونه بود، تصریح کرد: مرحوم عابدزاده از ابتدا دانش آموزان را با حروف و حرکات عربی آشنا می کردند و بعد آیات قرآن را به صورت آشنایی با

سعیدی نژاد:

همراهی و همدلی نزدیک حاج آقا عابدزاده با مردم از ویژگی های بارز ایشان بود، به طور مثال در ساخت بناها پا به پای کارگران کار می کردند و این موضوع کارگران را به شوق می آورد. همچنین مرحوم عابدزاده فردی دلسوز نسبت به اجتماع بودند

حروف و مفاهیم تعلیم می دادند و آموزش آن زمان به شکل جامع و مطابق آموزش های کنونی نبود اما حاج آقای عابدزاده تا جایی که ممکن بود به شیوه های جذاب و روان به دانش آموزان آموزش می دادند.

گروه فعالیت های قرآنی: اخلاص حاج «علی اصغر عابدزاده»، تحمل زحمات فراوان ایشان در ساخت بناها، خدمت به مردم و مقید بودن ایشان در عملکرد خوب و دلسوزانه نام ایشان را ماندگار کرد.

■ ■ ■

همراهی و همدلی نزدیک حاج آقا عابدزاده با مردم از ویژگی های بارز ایشان بود، به طور مثال در ساخت بناها پا به پای کارگران کار می کردند و این موضوع کارگران را به شوق می آورد. همچنین مرحوم عابدزاده فردی دلسوز نسبت به اجتماع بودند و خواسته ایشان هدایت مردم به سوی مسیری بود که خدا می پسندد و مورد قبول ائمه اطهار (ع) است. افرادی که کاسب بودند نمی توانستند با زبان عربی که اساسنامه فهم قرآن است آشنا شوند، مرحوم عابدزاده به فکر بودند که این افراد را با برنامه های دینی و الفاظ عربی و به ویژه قرآن و ادبیات عرب آشنا کنند و به همین دلیل شب ها افراد را برای تحصیل در بنای مهدیه می پذیرفتند و افراد فراوانی از این طرح بهره بردند و با احادیث و روایات ائمه اطهار (ع) آشنا شدند.

این جملات بخشی از سخنان «احمد سعیدی نژاد» عضو انجمن پیروان قرآن و از شاگردان و همراهان مرحوم عابدزاده است، وی در سال ۱۳۳۰ با مهدیه که از بناهای ساخته شده توسط حاج آقا عابدزاده است آشنا شد و در کلاس های عربی مرحوم عابدزاده شرکت کرد. از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۳ در بنای عسگریه تدریس داشت.

وی در گفت و گویی با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) به بیان خاطرات و ماندگارهای ذهنی خود از مرحوم عابدزاده و خدمات ایشان پرداخت و گفت: متأسفانه در زمان طاغوت مردم بیشتر به سمت هواهای نفسانی حرکت می کردند و کمتر به دین توجه داشتند، مرحوم عابدزاده می گفتند من از این افراد و بزرگان مملکتی ناامیدم و باید از پایه شروع کنیم و بچه هایی که تازه وارد مرحله دانش آموزی می شوند از پایه با اصول و عقاید مذهبی آشنا کنیم تا در آینده شاهد شکل گیری شخصیت افرادی متدین باشیم و در این راستا به لطف خدا ثمره های فراوانی دیده شد و تمامی افرادی که در مدارس مرحوم عابدزاده تحصیل کردند از افراد خوب و متدین هستند.

سعیدی نژاد در باره تشکیل انجمن پیروان قرآن افزود: مرحوم عابدزاده از پول شخصی خودشان مهدیه را بنا کردند و بعد از مهدیه بنای عسگریه ساخته شد، به دلیل اینکه مردم هنور با برنامه های حاج آقا عابدزاده آشنا نبودند در عین سادگی، ساخت این بنا حدود هفت سال طول کشید و کار به کندی انجام شد اما بناهای بعدی که حاج آقا مشغول ساخت می شدند به سبب آشنایی مردم و دیدن ثمره فرهنگی و دینی این کلاس ها با کمک بیشتر مردم زودتر ساخته شد و حاج آقا شروع به تدریس نونهالان و دانش آموزان کردند.

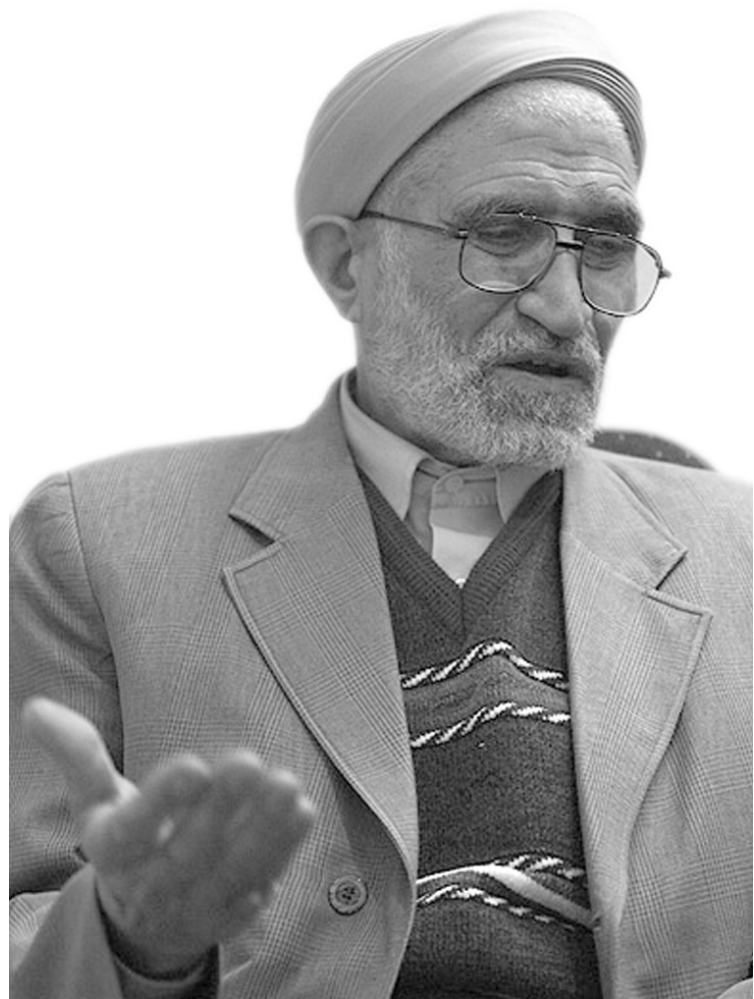
سعیدی نژاد در پاسخ به این سؤال که مدیریت آموزشی حاج آقا عابدزاده با

وفیات مراسم برگزار می شد و در بقیه مواقع سال تعطیل و بلا استفاده می ماند، حاج آقا می خواستند که این گونه نباشد و از این طرح بهره فراوان بردند. وی درباره فعالیت های اجتماعی و سیاسی حاج آقا عابدزاده عنوان کرد: عملکرد مرحوم عابدزاده در زمان طاغوت به گونه ای بود که بتوانند به فعالیت های آموزشی و دینی ادامه دهند و به ظاهر با رژیم مخالفت نمی کردند به طور مثال از کتب آموزش و پرورش آن زمان استفاده می کردند اما در ضمن پی گیر فعالیت های دینی هم بودند. ایشان معتقد بودند که جبهه گیری در مقابل رژیم طاغوت مانع از پرداختن به مسائل مذهبی و دینی می شد در عین حال بارها و بارها رژیم طاغوت به ایشان فشار آوردند و حتی حاج آقا را مدتی زندانی کردند اما حاج آقا دست از فعالیت در مدارس بر نمی داشتند، به خاطر دارم حتی برای واگذاری مدارس به رژیم طاغوت مقاومت می کردند. سعیدی نژاد اظهار کرد: حاج آقا عابدزاده دروس عربی، اصول و عقاید، خطبه های نهج البلاغه و روایات و احادیث دینی را آموزش می دادند و علاقه مند به شرکت بچه ها در این کلاس ها بودند. حاج آقا برای تدریس و سخنرانی هیچ پولی دریافت نمی کردند و تمایل داشتند فرزندان ثروتمندان را هم آموزش دهند تا آن ها در آینده سخنگو شوند و به دلیل تأمین بودن از لحاظ مالی برای سخنرانی مذهبی هیچ مزدی دریافت نکنند تا اثرگذاری کلامشان بیشتر شود.

وی در ادامه افزود: پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی افراد فعالیت هایی کردند که باعث رکود بناهای مرحوم عابدزاده شود و به طور مثال می خواستند این بناها را به آموزش و پرورش واگذار کنند، اعضا انجمن پیروان قرآن معتقد بودند در زمان خفقان طاغوت این مدارس را اداره کردند و پس از پیروزی انقلاب و به فراغ بال نیز باید این کار را ادامه دهند و بالاخره برخی از این بناها در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفت و برخی تحت نظر انجمن پیروان قرآن هنوز فعالیت می کنند.

سعیدی نژاد در جواب به این سؤال که آیا معلمان برای تدریس در بناهای مرحوم عابدزاده گزینش می شدند، تصریح کرد: لیاقت، دیانت و علاقه فرد نسبت به تدریس، شایستگی در تحصیلات، رفتار صحیح با دانش آموزان نیز ملاک برای تدریس در مدارس مرحوم عابدزاده بود و من هم در مدارس ایشان دروس ابتدایی مانند ریاضی و ادبیات را تدریس می کردم.

این عضو انجمن پیروان قرآن در پایان یادآوری کرد: اطلاعات جوانان امروز از برنامه های دینی ضعیف است، چه خوب است که در مدارس ما معلمان برای آشنایی با عقاید دینی باشند و حداقل عقاید دینی را آموزش دهند. به یاد دارم ما در کلاس ششم برنامه ای داشتیم که به دانش آموزان می گفتیم دفتر ۳۰۰ برگ بگیرند و توضیح المسائل مجتهد وقت را تهیه کنند و شبی دو صفحه از آن را به عنوان تکلیف شب بنویسند و پایان سال یک توضیح المسائل را کامل نوشته بودند، چنین فعالیت هایی برای جوانان امروز هم لازم است.



وی درباره انس مرحوم عابدزاده با قرآن کریم تأکید کرد: مرحوم عابدزاده با قرآن بسیار مأنوس بودند و در منبرهایشان آیات و روایاتی که عنوان می کردند آنچنان جذاب بود که خطبای خوب نیز پای منبر ایشان کشانده می شدند و از سخنرانی های مرحوم عابدزاده به دلیل این که از دل سخن می گفتند بسیار

«احمد سعیدی نژاد»

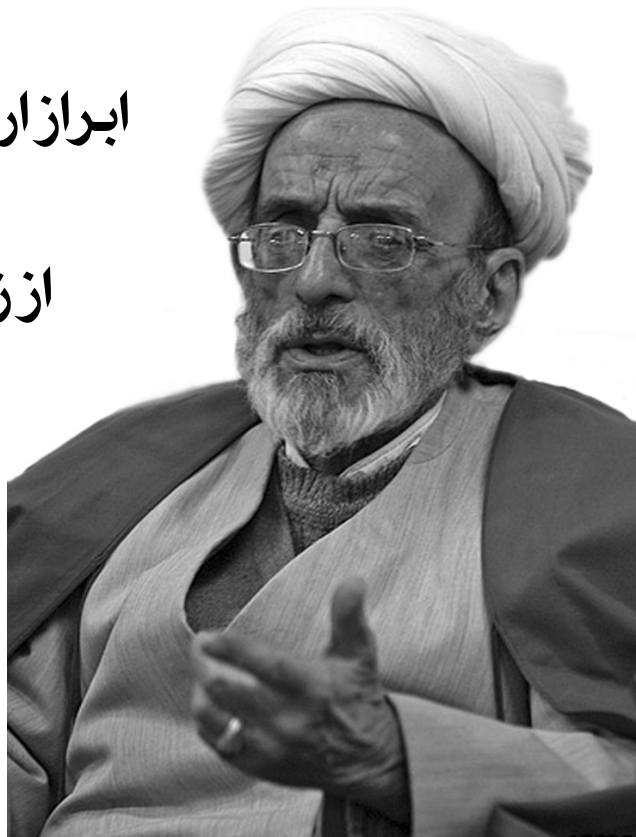
عضو انجمن پیروان قرآن:

اطلاعات جوانان امروز از برنامه های دینی ضعیف است، چه خوب است که در مدارس ما معلمان برای آشنایی با عقاید دینی باشند و حداقل عقاید دینی را آموزش

دهند

استقبال می کردند. مرحوم عابدزاده قصد داشتند ۱۴ بنا به نام چهارده معصوم (ع) بسازند و می خواستند در این بناها تعطیلی نباشد و در تمام ایام سال بچه ها مشغول تحصیل باشند زیرا حسینیه ها که ساخته می شد تنها در اعیاد و

ابراز ارادت آیت الله «بروجردی» به مرحوم عابدزاده از زبان یکی از شاگردانش



چشمگیر ایشان را به دنبال داشت تا جایی که آیت الله «بروجردی» در این باره گفته بودند من از مشهد به خاطر حضور حاج آقا عابدزاده مطمئن هستم و خیالم راحت است. وی افزود: حاج آقا در ساخت بناها بسیار فعال بودند و دقت داشتند و با وجود محدودیت های آن زمان دیدن این بناها در این روزها نشان دهنده معماری دقیق و درست این بناها است که گویی تازه ساخته شده اند.

وی در پاسخ به این پرسش که ارتباط مرحوم عابدزاده با روحانیون و علمای زمان چگونه بود، اظهار کرد: بسیار ارتباط خوبی داشتند و در وفيات، اعیاد و جشن های نیمه شعبان علما و بزرگان در مراسم سخنرانی مرحوم عابدزاده شرکت می کردند و ایشان بسیار به علما احترام می گذاشتند.

حجت الاسلام والمسلمین طلوعی در ادامه افزود: من از مرحوم پدرم و حاج آقا عابدزاده توصیه داشتم که از سهم امام مصرف نکنم و تاکنون هم از سهم امام استفاده نکرده ام و توأم بودن درس و کارم را یک نعمت الهی می دانم.

وی افزود: مرحوم عابدزاده علاوه بر آموزش قرآن و ساخت بناها در فعالیت هایی چون کمک رسانی به زلزله زدگان شرکت داشتند و در زمینه جمع آوری کمک های مردمی بهترین خدمات را داشتند.

وی تصریح کرد: به خاطر دارم پیش از ظهرها در دفتر عسگریه به همراه شش نفر از دوستان از جمله «رضا روغنی و محمد باقریه» در خدمت حاج آقا عابدزاده بودیم و ایشان تفسیر «مجمع البیان» را باز و شروع به تجزیه و ترکیب می کردند و معتقد بودند که این کار ضمن مباحثه و مطالعه، یادآور گذشته ها است.

این شاگرد مرحوم عابدزاده در باره شیوه تدریس ایشان، تأکید کرد: مرحوم عابدزاده بسیار به تفسیر قرآن کریم علاقه مند و به آموزش قرآن اهمیت می دادند و به معنای واقعی خدمت رسان مردم بودند و این ۸۴ شعبه

انجمن پیروان قرآن گویای علاقه مرحوم عابدزاده به ترویج فرهنگ آموزش قرآن کریم بوده است و تمام وقت مرحوم عابدزاده صرف خدمت رسانی به مردم و ساخت بناها می شد و در نتیجه تألیفی از ایشان به جا مانده است. حاج آقا عابدزاده تأسف می خوردند که اگر بیشتر درس می

حجت الاسلام والمسلمین «خلیل طلوعی»:

مرحوم عابدزاده بسیار به تفسیر قرآن کریم علاقه مند و به آموزش قرآن اهمیت می دادند و به معنای واقعی خدمت رسان مردم بودند و تأسیس ۸۴ شعبه انجمن پیروان قرآن توسط ایشان گویای علاقه مرحوم عابدزاده به ترویج فرهنگ آموزش قرآن کریم بوده است

خواندند بسیار پیشرفت می کردند.

حجت الاسلام والمسلمین طلوعی در پایان یادآور شد: به خاطر دارم سال ۴۳ مکه مشرف شدم و هنگام پیاده شدن از هواپیما حاج آقا عابدزاده را دیدم و توصیه خوبی به من کردند و گفتند لا اله الا الله اثبات خدا و نفی الهه های دیگر است و این درس بسیار جالب و به یادماندنی برای من بود.

گروه فعالیت های قرآنی: مدیریت مرحوم عابدزاده موفقیت چشمگیر ایشان را به دنبال داشت تا جایی که آیت الله «بروجردی» در این باره گفته بودند من از مشهد به خاطر حضور حاج آقا عابدزاده مطمئن هستم و خیالم راحت است.



حجت الاسلام والمسلمین «خلیل طلوعی» از شاگردان، نزدیکان و همراهان مرحوم حاج آقا علی اصغر عابدزاده در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب، درباره مرحوم عابدزاده گفت: مرحوم عابدزاده به دفعات این جمله را تکرار می کردند که در انجام کارها مشورت کنید و در صورتی که انجام کار به مصلحت شما بود

توکل به خدا کنید و رمز موفقیت مرحوم عابدزاده توکل ایشان به خدا بود.

طلوعی افزود: من از کلاس ششم ابتدایی به بعد درس عربی را شروع کردم و شب هادر مدارس مرحوم عابدزاده عربی می خواندم و روحانی شدن من از عسگریه که از بناهای مرحوم عابدزاده است شکل گرفت، درس خواندن من با کار توأم بود و بعدها هم خودم

مشغول تدریس در کلاس های شبانه مهدیه (از بناهای ساخته شده توسط مرحوم عابدزاده) شدم. وی تصریح کرد: من از طریق مجالس و شرکت در کلاس های قرآن مرحوم عابدزاده و تحصیل در مدارس ایشان با حاج آقا عابدزاده آشنا شدم و در سخنرانی ها و مجالس ایشان شرکت مستمر داشتیم همچنین برای تدارکات جشن های نیمه شعبان مهدیه کمک می کردم.

حجت الاسلام والمسلمین طلوعی عنوان کرد: مدیریت مرحوم عابدزاده موفقیت

ماجرای ملاقات مرحوم عابدزاده با آیت الله بروجردی از زبان یکی از شاگردانش



دردشمار تسکین می دهد سپس آیت الله امینی گفت در دبا من عجبین شده اگر برای تسکین است نمی خواهم. عرفانیان در بخش دیگری از سخنان خود به احساس مسئولیت استاد عابدزاده در برابر ناراحتی دیگر انسان ها خصوصاً آسیب دیدگان بلائی طبیعی اشاره و بیان کرد: در سال ۱۳۴۱ بوئین زهرای قزوین زلزله ای آمد، حاج آقا عابدزاده به محض اطلاع از این واقعه در مسجد گوهرشاد سخنرانی کردند و ۱۴ کامیون بار از آنجا برای قزوین حمل شد و بعد از آن فرماندار قزوین به خدمت حاجی عابدزاده آمد و به حاجی گفت: هر کس از هر شهری که آمده تحت مدیریت شما کار می کند و اداره امور و کمک رسانی را به استاد عابدزاده واگذار کرد؛ در سال ۱۳۵۷ هم زلزله گناباد اتفاق افتاد؛ جوانان با وجود اینکه هر کدام مشغول کاری بودند کافی بود حاجی زبان باز کند و آنها کار را اول می کردند و به راه می افتادند؛ حاجی عابدزاده کمی عصبانی مزاج بود ولی کسی از او ناراحت نمی شد چرا که جنبه فرماندهی داشت او از پاسخ منفی بدش می آمد و وقتی کسی را به دنبال چیزی می فرستاد و کاری از او می خواست دلش می خواست که به صورت کامل آن کار صورت گیرد؛ زلزله گناباد در اوج انقلاب یعنی مهر ۱۳۵۷ بود حاجی با گروهی به سمت گناباد حرکت کرد، از سوی آیت الله قمی که تازه از تبعید آزاد شده بودند نیز گروهی در آنجا بودند، باز هم فرماندار و استاندار آمدند و همکاری خودشان را با حاجی عابدزاده اعلام کردند.

وی به ایام انقلاب و سکنه استاد عابدزاده اشاره و اظهار کرد: در ۹ دی ۱۳۵۷ خدمت حاجی عابدزاده رسیدیم و به او گفتیم که حضرت امام فرموده اند «زن و مرد در تظاهرات شرکت کنند» همه با هم به راه افتادیم و تیراندازی اتفاق افتاد و ایشان بین فلکه برق و فلکه ضد، حالشان به هم خورد و سکنه کردند، این وضع بیماری ادامه پیدا کرد تا ایشان در مهديه در سال ۱۳۶۵ فوت کردند و در همان جا هم به خاک سپرده شدند.

شود، حاجی وارد شد و نشست، آیت الله بروجردی به او گفت: حاج آقا عابدزاده یک مصیبت از امام حسین (ع) راست برای من بخوان و حاجی گفت: بسم الله الرحمن الرحيم در سال ۶۱ هـ. ق امام حسین از مکه به سرزمین نینوا حرکت کردند و روز دهم معرکه به درجه شهادت رسیده و خانواده اش اسیر شدند و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. آیت الله بروجردی تمام صورتش از اشک خیس شده بود، از حاجی پرسیدند همین و عابدزاده جواب داد: مصیبتی که ما از حاجی عابدزاده اطلاع داریم فقط همین است و دیگر چیزی نیست، آیت الله بروجردی به استاد عابدزاده گفته بود تا زمانی که تو در مشهد هستی من خیالم از مشهد راحت است؛ آیت الله بروجردی در سال ۱۳۳۹ فوت کرد و سه روز ایران عزادار شد؛ حاجی عابدزاده برای شرکت در مراسم دومین سال رحلت آیت الله بروجردی آماده می شد که شب قبل از حرکت، ساواک به منزل او ریخت و رفتن حاج آقا به این مراسم را کنسل کرد.

این شاگرد استاد عابدزاده به آتش سوزی مهديه اشاره کرد و گفت: آتش سوزی مهديه در سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاد؛ هر سال از ۴۰ روز جلوتر از نیمه شعبان خدمت گزاران به امام زمان (عج) شروع به آذین بندی مهديه می کردند و این ۴۰ روز را از صبح تا شب در اختیار حاجی عابدزاده بودند و به طور کلی در این مدت کار را می کردند جشن بی نهایت بزرگی بود و ده شب طول می کشید که در هر شب از مردم یک منطقه از شهر دعوت به عمل می آمد، مردم با دست داشتن کارت در این مجالس حاضر می شدند، در این مراسم، روزها خانم ها حضور پیدا می کردند و شب ها مردان؛ آتش سوزی مهديه در شب چهاردهم شعبان از سالن روبروی راهرو و با جرقه سیم برقی شروع شد در این زمان همه فرار می کردند که از آتش سوزی جان سالم به در برند ولی حاجی عابدزاده ذکر صلوات گرفته بود و می گفت: برای سلامتی آقا امام زمان (عج) صلوات؛ در این آتش سوزی حاجی عابدزاده فقط می گفت فدای سر امام زمان و بعد از مردم خواست هر کس می خواهد بیاید و غرامت خود را بگیرد چرا که اجناسی که در مهديه بود و آتش گرفته بود امانات مردم بود که برای برگزاری مراسم مهديه آورده بودند.

وی در ادامه با بیان این مطلب که نظام از حاجی عابدزاده خواسته بود که ماه ذی القعدة و ذی الحجة را خارج از کشور حضور داشته باشد خاطر نشان کرد: در سال ۱۳۵۱ حاجی عابدزاده که هر سال همراه حاج آقا مؤمن به مکه مشرف می شد و بعد از آن به کربلا می رفتند به محضر آیت الله امینی، صاحب کتاب الغدير رفتند در آن زمان آیت الله امینی در بستر بیماری به سر می برد و به محض اینکه از حضور حاجی مطلع شد او را پذیرفت و گفت: مراد عاکن، من می دانم شما در مشهد غوغا می کنید و حرف اول را می زنید و نمونه اید.

وی ادامه داد: در این میان دکتر معالج آیت الله امینی برای تسکین درد ایشان در صدد تزریق دارو به ایشان بود آیت الله امینی پرسید این درد را تسکین می دهد و یا مرادمان می کند، پزشک گفت:

گروه فعالیت های قرآنی: آیت الله بروجردی ارادت ویژه ای به مرحوم عابدزاده داشتند و وقتی مرحوم عابدزاده به اتفاق جمعی از دوستان و شاگردانش در سال ۱۳۳۸ برای ملاقات آیت الله بروجردی که در آن زمان بیمار بودند به قم رفتند ایشان خطاب به عابدزاده فرمودند تا شما در مشهد هستید من خیالم از آنجا راحت است.

«احمد عرفانیان» از شاگردان استاد عابدزاده در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب، آشنایی خود با مرحوم عابدزاده را از زمان کودکی عنوان کرد و گفت: مرحوم عابدزاده از دهه ۲۰ فعالیت خود را در مشهد آغاز کرد و آن را بر محوریت قرآن قرار داد و برنامه های خود را با این محوریت پیش برد.

■ ■ ■

وی در ادامه به اتفاقاتی که در سال ۳۵ تا ۵۷ برای مرحوم عابدزاده رخ داد، اشاره و آن را به ۹ بخش تقسیم کرد و توضیح داد: مرحوم عابدزاده در سال ۱۳۳۵ به جرم فعالیت در عرصه سیاسی دستگیر شد، یک سال و نیم به زندان رفت در مدتی که در زندان به سر می برد یعنی در ۱۳۳۶/۵/۱۵ مادر ایشان فوت کرد؛ قبل از فوت ایشان پدر من با چند تن از رفقا از جمله آقایان عابدیان و چمنی به دیدن ایشان در زندان قرق قلع رفتند آنان که حاجی را از دور دیدند زدنند زیر گریه، رئیس زندان که دید همه در حال گریه هستند، پرسید برای چه گریه می کنید، من ۲۵ سال است که زندانبان هستم و در طول این سال ها چنین آدمی راننده ام، دوستان حاجی عابدزاده پرسیدند: برای چی و زندانبان گفت: همه زندانی ها آرزو دارند از زندان بیرون بیایند و در حیات بنشینند ولی این زندانی را هر چه می گویم بیاتو حیاط، می گوید نه، من زندانی هستم و باید اینجا باشم؛ وقتی برگشتم به مشهد، به جای رفتن به خانه به مهديه رفتم، مادر حاج آقا در آنجا بود به او گفتیم ما دیدن حاجی رفته بودیم و حال او بسیار عالی بود، سپس مادر حاجی حرفی زد که اشک از چشمان همه جاری شد، او گفت: این پسری که من دارم توی آتش هم برود صحیح و سالم بیرون می آید، ما دلیل را از او جویا شدیم و مادر استاد عابدزاده گفت: من بدون وضو به این بچه شیر ندادم.

وی افزود: حاج آقا عابدزاده در زندان بودند که خبر فوت مادر را به او دادند، تشییع جنازه ای برای ایشان صورت گرفت که به نظرم قریب به دو ساعت راه مهديه تا حرم امام رضا (ع) بسته شده بود، آنقدر این تشییع باشکوه بود که همه از این تشییع جنازه تعجب می کردند که چه شخص مهمی است؟

عرفانیان در بخش دیگر سخنان خود در خصوص ارتباط مرحوم عابدزاده با آیت الله بروجردی سخن گفت و اظهار کرد: در سال ۱۳۳۸ آیت الله بروجردی، مرجع تقلید آن زمان و پرچمدار دین اسلام در جهان، مریض بودند در آن زمان در مهديه حاج آقا پیشنهاد کرد که به دیدن آیت الله بروجردی برویم، آیت الله بروجردی اجازه ملاقات نمی دادند ولی وقتی مطلع شدند که حاج آقا عابدزاده در آنجا حاضر شده اند، گفتند بگویند وارد

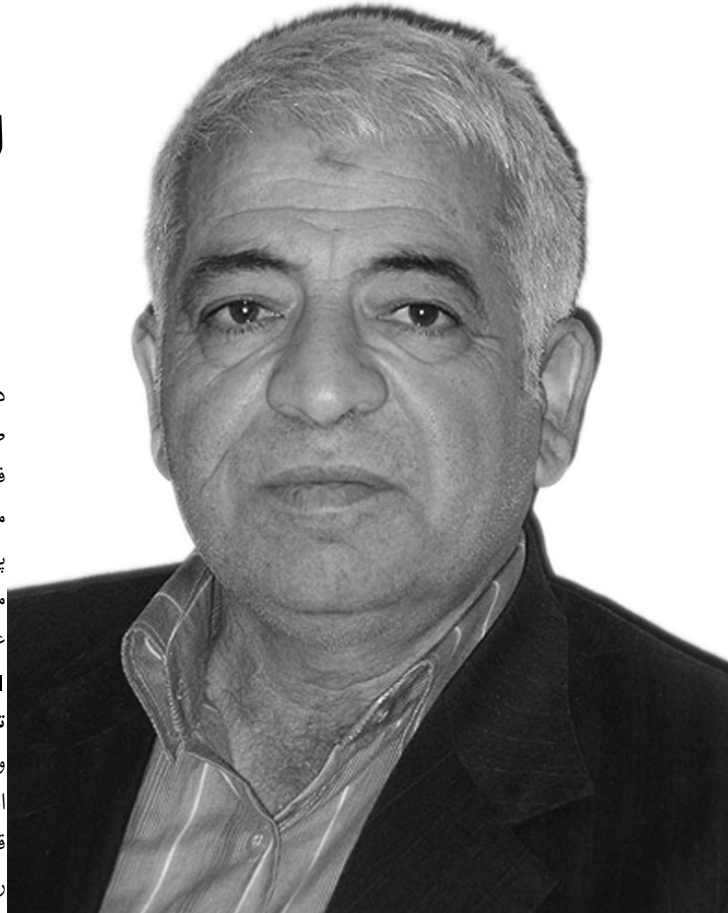
پرورده بسی شهید عابدزاده اساس زندگی مرحوم عابدزاده بر تقوا استوار بود

دوش می گذاشت و به اصطلاح به meetingهای مرحوم عابدزاده در صحن نو و یا فلکه آب می برد، مادر آن زمان محتوای سخنان رانمی فهمیدیم، ولی بعدها پدرم برایمان می گفت که حاج آقا از چه مباحثی صحبت می کردند، ما از آن زمان با مرحوم پدرم در انجمن پیروان قرآن رفت و آمد داشتیم؛ با افتتاح «باقریه» من در این مدرسه مشغول تحصیل شدم و بعد از گذراندن مقطع ابتدایی، کلاس عالی عربی را داشتیم که معلممان هم مرحوم عابدزاده بود.

تحولی عظیم در مرحوم عابدزاده

وی افزود: در دوران جوانی، حاجی هم جوانی خود را داشت ولی اساس زندگیش بر تقوا استوار بود و به اصطلاح ذات و مایه دینی را از قبل داشت، ایشان حتی در زمان سربازی به گفته پدرم حاضر نشد، ریشش را بزند. استاد عابدزاده وقتی خود از دوران تحولش تعریف می کرد، می گفت: به مسجد گوهرشاد آمدم و از آنجا اول شاید مجازاً در کوچه (مسیر) دین افتادیم ولی به گفته خود استاد «المجاز قنطرة الحقیقه» ما از مجاز شروع به حرکت کردیم و به یک حقیقت رسیدیم؛ ایشان می گفتند در مسجد گوهرشاد دیدم که کسی صحبت می کند و حرف های او مرا گرفت و گفتم چرا به راه دیگری رفته ام بنابراین به این راه آمدم و به حقیقتی رسیدم. اثنی عشری گفت: ایشان در هر بعد که فکر کنید واقعاً یک بود، مثلاً منبری که می رفتند در آن زمان در حد منبر آقای فلسفی عنوان می شد، مثلاً آقای فلسفی یک

منبر رفته بود و یک منبر را عابدزاده در مشهد در این خصوص، آن وقت وسایل ارتباطی این قدر پیشرفته نبود که به هم بگویند در چه مورد صحبت شود ولی آنچه ایشان در مشهد صحبت کرده بود، آقای فلسفی در تهران گفته بود، در یک کلام آنان حرف همدیگر را می خواندند و استاد با بضاعت علمی که داشت، خود خلاق سخن بود.



گروه فعالیت های قرآنی: اساس زندگی مرحوم عابدزاده بر تقوا استوار بود و به اصطلاح ذات و مایه دینی را از بدو تولد داشت.



«محمد جواد اثنی عشری کرمانی»

فرزند عباس متولد ۱۳۲۳ از شاگردان مرحوم عابدزاده در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) آشنایی خود با مرحوم عابدزاده را از زمان کودکی و از طریق ارتباط پدرش با حاجی عابدزاده

عنوان کرد و گفت: در زمان کودکی عابدزاده، دریاچه بازی باب (تفریح مردم) بود و هر جا حاجی می آمد سایرین از آنجا بیرون می رفتند ولی پدرم با ایشان مأنوس بود؛ پس از مدتی حاجی عابدزاده پس از تحصیل علوم در مسیر دین و تعلیم و تعلم افتاد و پدر من را هم با خود به این راه آورد. به یاد می آورم در زمان فعالیت مؤتلفین اسلامی به دلیل کمی سن، پدرم مرا بر

ویژگی بارز عابدزاده

وی علی رغم مشورت با دیگران، هرگاه امری را صحیح تشخیص

می داد بر حرف خود پابرجا بود و آن را با قاطعیت اجرا می کرد و بر

مدیریت واحد امور تأکید داشت

داشته باشند.

وی افزود: برخی بر دولتی کردن مدارس حاجی اصرار داشتند تا از این راه بتوانند مدرک بگیرند ولی حاجی در جواب می گفت فرهنگ الان زمانه ما بد است، اگر توانستیم از این فرهنگ تأثیر نپذیریم، مدارس را دولتی می کنیم، اگر بچه ها مثل گوهرشادی (یکی از شاگردان حاجی) شدند دولتی می کنیم ولی الان مدارس نباید دولتی شود.

اثنی عشری تصریح کرد: خصوصیت منحصر به فرد ایشان (عابدزاده) که برخی از آن بر علیه حاجی استفاده می کنند، آن بود که با وجود مشورت با دیگران، هرگاه امری را صحیح تشخیص می داد بر حرف خود پابرجا بود و آن را با قاطعیت اجرا می کرد و بر مدیریت واحد امور تأکید داشت.

وی با اشاره به حادثه مهدیه گفت: خاموش کردن حادثه آتش سوزی مهدیه که در اثر جرقه سنجاقی در سیم برق اتفاق افتاد و تقریباً آنچه بود جز قناری ها و حیوانات، سوخت و وضعیتی اتفاق افتاد که همه روحیه خود را از دست داده بودند، حاج آقا به دلیل بیماری دستش را به کمر گذاشته و داد می زد برای سلامتی امام زمان صلوات و با این کار، عجیب به مردم روحیه می داد و مردم صدای او را که می شنیدند جور دیگری کار می کردند. ایشان ۱۲ بنا در مشهد با مشکلات بسیار ساخت، مهدیه را با هزینه خود بنا کرد و سایر بناها را با کمک های مردمی ساخت این بناها تشکیلاتی بود که با نبودن پول و با اعتمادی که مردم به حاجی داشتند، با مدیریتی قوی پیش می رفت؛ ایشان همچنین بر حلال و حرام، حفظ آبرو و نوامیس مردم بسیار تأکید داشت.

اثنی عشری افزود: حاجی عابدزاده کاملاً به مسائل سیاسی وارد بود و رابطه عالی با حوزه و علما داشت ولی با عالم نماها سرسازش نداشت ایشان با آیت الله میلانی، قمی، نواب صفوی و... آشنا بود.

مخالفت با دولتی کردن مدارس

اثنی عشری با تأسف از آنکه قدر حاجی دانسته نشده است، یاد آور شد: روز ۱۰ دی سال ۵۶ که در معیت حاج آقا بودم و با رفقای انجمن به راهپیمایی جلوی شهربانی و چها راه شهدا آمدم حاجی هم با ما بود. حاجی از آن روز متأسفانه در خانه افتاد البته قبل از آن

هم در زلزله طبرس کمی ناراحتی داشت ولی در جریان انقلاب دیگر ایشان در خانه افتاد و هفت - هشت سال بستری شد. ایشان در انقلاب اسلامی هم سهم بسزایی داشت چون انقلاب ما بر اسلامیت شکل گرفته و هدفش آن است که

مردم، متدین بار آیند. سرانجام هم به خاطر بیماری وفات کردند، به یاد دارم در زمان فوت حاجی، آقای «سبزی» مرثیه خوانی می کرد و در شأن حاجی می خواند:

گرچه نشد شهید و در بستر مرد پرورده بسی شهید عابدزاده

گوشه هایی از ابعاد شخصیتی عابدزاده

ایشان در تبلیغات دینی اصلاً یک ریال هم در کوچه دین منتفع نبود و رزق خود را از کسب کارخانه به دست می آورد، به یاد دارم در سال های حدود سال ۱۳۳۷، آقای امیری رئیس کارخانه، آماری به حاج آقا عابدزاده داد و برای کارخانه در آن سال ۱۲ هزار تومان سود خالص برآورد کرد، ایشان پیش مرحوم شیخ غلامحسین تبریزی رفتند و آن را مخمس و بقیه را در مدارس خرج کردند و ذره ای برای خود مال اندوزی نمی کردند.

وی افزود: ایشان آشپزی ماهر بود و در این کار تبحر زیادی داشت همچنین در کارهای دیگر بسیار با دقت بود، زمانی که مهدیه را نقاشی می کردند، نقاش در طراحی پلی که می کشید آن را خراب کرد و توان اصلاح آن را نداشت، حاجی از پله های نردبان بالا رفت و آن پل را بسیار زیبا و ماهرانه طراحی کرد و پایین آمد.

وی دنباله بحث را به انجمن پیروان قرآن اختصاص داد و گفت: انجمن پیروان قرآن در حال حاضر رنگی را که حاجی عابدزاده می خواست به خاطر وضعیت پیش آمده ندارد، البته الان درصدد ترمیم و قوت آن هستند و امید که منتج به نتیجه خوبی شود چون به واقع استاد عابدزاده زحمت بسیاری در این زمینه کشیده ولی قدر ایشان مجهول مانده است؛ ثمرات زحمت هایی که حاجی کشیده در جامعه دیده می شود و هر کسی که در مشهد کار خیری انجام می دهد از شاگردان حاجی و جزء انجمن پیروان قرآن است ولی باید بدان بیشتر توجه کرد چون این ثمرات در حال قطع شدن است.

شیوه های تربیتی استاد عابدزاده در مدارس

این شاگرد عابدزاده اظهار داشت: حاجی عابدزاده مدارس را با هدف آموزش به وجود آورد و تأکید داشت که بر تعلیمات دینی و قرآن بیش از دیگر علوم تکیه شود او می گفت: بچه ضمن آنکه درس می خواند باید پایه اش را قوی کنیم که اگر پایه اش محکم باشد در اجتماع نمی لغزد، چون بنیه ایمانیش قوی شده است. به خاطر دارم روزی در کلاس عالی عربی درس می خواندیم و از اداره فرهنگ، برادر آقای محمدتقی شریعتی، به آنجا آمدند تا ببینند در

عسگریه، به بچه ها چه یاد می دهند ایشان پس از ورود در کلاس از بچه ها سوالاتی پرسیدند به من که رسیدند، گفتند، «واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» را معنا کن، من به ظاهر گفتم، وقتی جاهلی به آدم می رسد و برخوردی می کند ما نباید جز سلام و سلامت با او برخورد

کنیم، ایشان گفت یعنی اگر توی گوش ما زد تشکر کنیم، گفتم خیر این ظالم پروری است، منظور این آیه آن است که جواب سالمی به او بدهیم، ایشان گفت، احسنت. ببینید بعد تربیتی حاجی عابدزاده به این قضیه اختصاص داشت که دانش آموزان مسائلی را یاد بگیرند که برخورد صحیحی در جامعه

ارتباط عابدزاده با علما

حاجی عابدزاده کاملاً به مسائل سیاسی وارد بود و رابطه عالی با حوزه و علما داشت ولی با عالم نماها سرسازش نداشت ایشان با مرحوم امام خمینی، آیت الله میلانی، قمی، نواب صفوی و... آشنایی کامل داشت

شاگرد مرحوم عابدزاده:

رویکرد مردمی مرحوم «عابدزاده» نامی جاودان از او به یادگار گذاشت

سازی و تعلیم قرآن کریم در مدارس مشغول بودند و بیشتر به عنوان یک منبری و خدمت گذار با تقوا شهرت داشتند، مرحوم عابدزاده در مدارس مقید به تدریس احکام دینی به جوانان و نوجوانان بودند تا جایی که زمانی از طرف رژیم طاغوت دستوری برای واگذاری این مدارس داده شد، حاج آقا ترجیح دادند مدرسه تعطیل شود اما شیوه های غیر دینی و بدون تأیید ایشان در آن جا تدریس نشود و به دولت طاغوت واگذار نکردند.

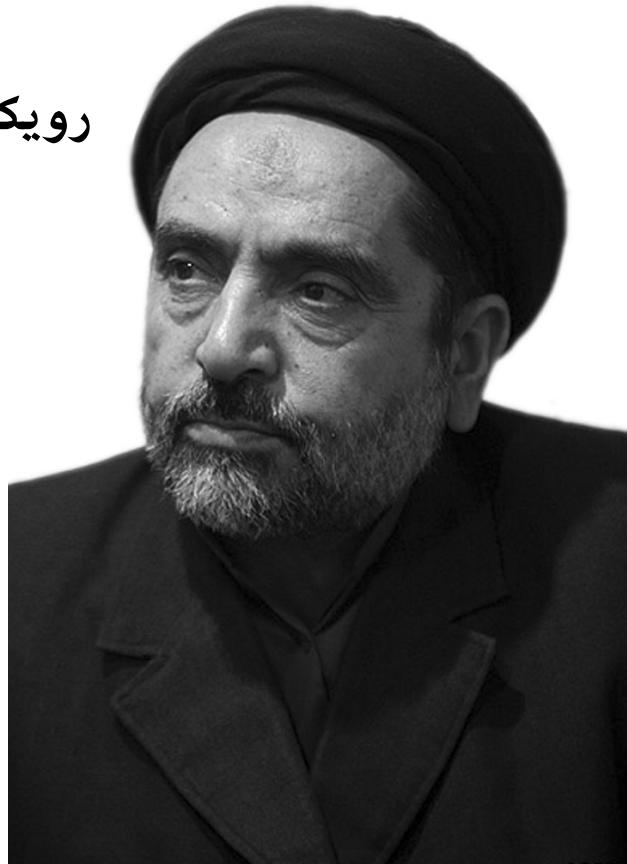
■ اخلاص، ساده زیستی و معنویت، سه ویژگی بارز عابدزاده

موسوی در باره ویژگی های شخصیتی حاج علی اصغر عابدزاده تصریح کرد: ایشان زندگی، لباس و پوشاک بسیار ساده ای داشتند. در اخلاص و معنویات حاج آقا عابدزاده به حدی من را مجذوب کرده بود که حدود ۲۰ سال مداوم در کنار ایشان بودم و در مجالس سخنرانی حاج آقا شرکت می کردم، در زندگی شخصی نیز بسیار متواضع و ساده بودند و در ابتدای این که از سربازی برگشته بودند کارخانه شیشه داشتند و پس از مدتی به دلیل این که ایشان مشغول تدریس، آموزش و فعالیت های قرآنی و مذهبی شدند، کارگران آن جا را اداره می کردند و از این طریق امرار معاش می کردند.

وی در پاسخ به این پرسش که حاج آقا عابدزاده تا چه حد مقید به حلال و حرام در کسب و کار بودند، عنوان کرد: حاج آقا عابدزاده در کسب مال حلال و دوری از مال حرام و شبهه ناک بسیار دقیق و حساس بودند و این موضوع یکی از دلایل اعتماد مردم به ایشان بود. به طور مثال در ساخت ۱۲ بنا هیچ وقت از مردم به صورت مستقیم پول نگرفتند که با اموالشان مخلوط نشود. یک حسابداری داشتند که پول های هر بنا را جداگانه می گرفت و به هر حال ایشان بسیار دقیق عمل می کرد.

سید محمدباقر موسوی در زمینه مسائل سیاسی و فعالیت های انقلابی حاج آقا عابدزاده اظهار کرد: مرحوم عابدزاده در زمان خودشان در مشهد مقدس حرف اول را در مسائل انقلابی می زدند، هیچ توجهی به شاه و رژیم طاغوت نداشتند و در سخنرانی ها مردم را به تقوا و مخالفت با بی دینی و طاغوت دعوت می کردند. همچنین در راهپیمایی ها شرکت داشتند که در نهایت در راهپیمایی یکشنبه خونین مشهد (سال ۱۳۵۷) نیز سکنه مغزی کردند و در بستر بیماری افتادند.

وی در ادامه افزود: من چهار سال تعلیم درس عربی را در خدمت ایشان بودم و به اتفاق برخی شاگردان دیگر ایشان شب ها هم در مهدیه اسکان داشتیم، بسیاری از شاگردان مرحوم عابدزاده در کنار کار و مشاغل در مهدیه درس می خواندند و به واسطه آموزش های ایشان بعدها برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه وارد شدند. سید محمدباقر موسوی در پایان یاد آور شد: در مسجد گوهرشاد که مسئولیت کارهای صوتی منبر و سخنرانی های حاج آقا عابدزاده با من بود ارتباط نزدیکی با ایشان داشتم و حس کردم حالات معنوی عجیبی در ایشان وجود داشت.



گروه فعالیت های قرآنی: رویکرد مردمی، تواضع، اخلاص و دلسوزی نسبت به جوانان باعث شد تا مرحوم حجت الاسلام «علی اصغر عابدزاده» محبوب قلوب مردم و یاد او ماندگار شود.



سید «محمدباقر موسوی» از شاگردان و همراهان حاج علی اصغر عابدزاده که هم اکنون در طبقه دوم بازار رضای مشهد در مغازه شخصی خود به کسوت انگشتر فروشی اشتغال دارد، در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب در باره نفوذ مرحوم عابدزاده در دل مردم گفت: حاج آقا عابدزاده برای نسل جوان فعالیت های بسیاری داشتند و به آموزش قرآن، احکام و آداب دینی در مدارس بسیار رسیدگی می کردند و توده مردم را از نظر معنوی و مالی حمایت می کردند به طور مثال در حوادث طبیعی چون زلزله طبس، حاج آقا عابدزاده حدود یک ماه از نزدیک حضور داشتند و به کمک رسانی مشغول بودند.

وی در باره چگونگی آشنائیش با مرحوم عابدزاده تصریح کرد: پس از پایان سال ششم ابتدایی مشغول فیروزه تراشی شدم و در اطراف حرم حضرت رضا (ع) در سرای ملکوت بازار بزرگ مشهد مشغول کار بودم. حدود ۴۰ سال قبل در مسجد صدیق هاشم سر آیت الله خامنه ای (پدر مقام رهبری) نماز می خواندم و در آن زمان به واسطه دوستان در آن مسجد با منبرهای حاج آقا عابدزاده آشنا شدم و پای منبرها و در کلاس های عربی ایشان در مهدیه شرکت کردم. حاج آقا عابدزاده در مسجد گوهرشاد دعای ندبه و کمیل هم می خواندند.

این همراه و شاگرد مرحوم عابدزاده اظهار کرد: زمانی که با حاج آقا عابدزاده آشنا شدم مراحل سیاسی و زندان های رژیم طاغوت را گذرانده بودند و به مدرسه



عابدزاده در روایت یکی از شاگردانش

گروه فعالیت های قرآنی: صادق سپهری از جمله شاگردان مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده است که هم اکنون نمایندگی ایران خودرو در مشهد را عهده دار است و در سال های نه چندان دور با شرکت در مجالس و بناهای ایشان به شاگردی می پرداخت.

«صادق سپهری» در گفت و گو با خیرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره آشنایی خود با مرحوم عابدزاده گفت: من با استاد عابدزاده از ۱۳۰۱۴ سالگی آشنا شدم و در مهدیه که مرکز انجمن پیروان قرآن بود و جلسات کارمندی در شب های شنبه در آنجا برگزار می شد، شرکت می کردم و در کارهای حاجی نیز در حد توان دخالت داشتم چرا که حاج آقا عابدزاده در طول سال اعیاد را جشن می گرفتند و در سوگواری ها مجالس سوگواری برپا می کردند، ما هم در آن مراسم شرکت کرده و کار می کردیم، برادر من در کارخانه آئینه سازی حاج آقا در مهدیه کار می کرد و من از این طریق با استاد عابدزاده آشنا شدم.

■ ■ ■

وی حاج آقا عابدزاده را فردی متدین و پرکار معرفی کرد و در ادامه توضیح داد: در مجالسی که استاد به مناسبت جشن با سوگواری برگزار می کردند خود توانایی انجام همه کارها را داشتند و هر کار سختی که رفقا نمی توانستند انجام دهند او خود آن کار را انجام می داد خصوصاً در زمانی که مهدیه را با چوب بندی آذین می کردیم و کسی نمی توانست کارهایی را انجام دهد او خودش کارها را به طور احسن انجام می داد.

سپهری خاطرنشان کرد: استاد در نظر داشت ۱۴ بنا را به نام چهارده معصوم بنا کند و در این راستا مهدیه را به هزینه شخصی خود ساخت و در دیگر بناها مردم هم کمک می کردند و ایشان در آن بناها که بچه ها درس های مذهبی را می خواندند سرکشی می کردند؛ وی پول هر بنا را که مردم می دادند جداگانه نگه می داشت چه رسد به آنکه بخواهد سوء استفاده کند.

وی در ادامه این گفت و گو به ابعاد تربیتی استاد عابدزاده در مدارس اشاره کرد و بیان داشت: بچه هایی که در مدارس حاج علی اصغر عابدزاده تحصیل می کردند افراد ممتازی بودند، در بین این شاگردان آنان که خود یا خانواده هایشان به دنبال مدرک تحصیلی بودند در امتحانات نهایی آموزش و پرورش شرکت کرده و مدرک سال ششم را کسب می کردند چون سطح تربیتی استاد عابدزاده در این مدارس بسیار بالا بود.

نماینده ایران خودرو در مشهد اضافه کرد: حاجی دوره های قرآنی را به نام شعبه در سطح شهر دایر کرد که من هم در چند شعبه عضو بوم و به نظرم آخرین

شعبه ای که در آن عضو بوم شعبه شماره ۶۴ بود که ختم قرآن داشتند. مسئول تولید کنندگان و خدمات فنی تولیدکنندگان در مشهد فعالیت های سیاسی استاد را مورد بررسی قرار داد و گفت: ایشان در تمام دوران مبارزات با طاغوت مبارزه می کردند و به این دلیل مدتی هم در زندان قزل قلعه بودند چرا که مانع فعالیت آنان می شدند، ما در زمان حبس ایشان دو ماه در تهران بودیم و وقتی برای ایشان بی تابی می کردیم، رئیس زندان ما را دلداری می داد و می گفت، ایشان روزی یا هفته ای یکبار ختم قرآن می کنند چرا برای ایشان غصه می خورید؟ خوشحال باشید که او مردی پاک و منزه است.

سپهری در ادامه این گفت و گو عنوان کرد: ایشان در همه کارها پرکار بودند و می گفتند نمی شود و ندارم را نگوئید، زمانی که برنامه داشتیم می گفت نگوئید نیست که باید همه چیز آماده شود.

وی با اشاره به ابعاد شخصیتی عابدزاده و با بیان اینکه حاجی در مهدیه مقبره ای برای خود ساخته بودند که شب ها به آنجا می رفتند و مناجات می کردند در پاسخ به این سؤال که جامعه ما چقدر به وجود عابدزاده و امثال او نیازمند است، بیان داشت: اگر شیوه آموزشی ایشان الان هم در کشور اعمال شود بسیار مؤثر خواهد بود.

شروع کرد.

صالحی فرد، مرحوم عابدزاده را مورد اعتماد بسیاری از مردم مشهد در زمان حیات وی دانست و گفت: بنده در سال ۱۳۳۲ که دانش آموز بودم، در مدرسه از وجود ایشان بهره می بردم. گرچه وی فعالیت خود را از سال ۱۳۳۰ با جمعی که اکثریت آن را بازاریان معتقد تشکیل می دادند آغاز کرده بود. وی یاوران مرحوم عابدزاده را حدود ۱۲۹ نفر دانست و تصریح کرد: این گروه هسته اولیه یک کار فرهنگی بزرگ را در مشهد پایه ریزی کرده بودند که البته از این ۱۲۹ نفر الان فقط ۳ نفر زنده هستند.

صالحی فرد یکی از این ۳ نفر را فردی به نام عابدیان خواند و گفت: الان عابدیان بیمار است و در منزل بستری است که می تواند زمینه مناسبی برای تبیین بسیاری از زوایای پنهان فعالیت های ارزشمند مرحوم عابدزاده باشد. صالحی فرد تصریح کرد: در همیاری این جمع ۱۲۹ نفره برنامه ریزی شد که به نام ۱۲ امام و چهارده معصوم، مدرسه سازی شود و فرزندان آنها که مایلند، در این مدارس جذب شوند و در سطوح ابتدایی آموزش ببینند. البته در آن زمان آموزش و پرورش مدرک این مدارس را قبول نداشت؛ اما این دانش آموزان پس از ۶ سال تحصیل در این مدارس مرحوم عابدزاده، به عنوان دانش آموزان شبانه امتحان داده و گواهینامه ششم ابتدایی می گرفتند و می توانستند به تحصیل دبیرستان و سایر مقاطع تحصیلی بپردازند.

وی افزود: هر کارمند مشهدی که مؤمن و معتقد باشد، قریب به یقین شاگرد مدارس مرحوم عابدزاده بوده است. در زمان حیات مرحوم عابدزاده تعدادی از این مدارس ساخته شد که دو تا از آنها یکی به نام رضویه و دیگری به نام محمدیه نامگذاری شد که الان حجت الاسلام والمسلمین نوراللهیان برای بازسازی و تکمیل این مدارس اهتمام خاصی می ورزند.

وی با بیان اینکه مدارس مرحوم عابدزاده دایر شده بود و فعالیت می کرد، گفت: معلمین این مدارس اغلب از معتمدین حوزه و بازار بودند و من به جرأت می گویم که اغلب مسئولان و علاقه مندان به نظام و انقلاب اسلامی، دانش آموزان مدارس مرحوم عابدزاده بودند.

صالحی فرد با اشاره به فعالیت های انقلابی دانش آموزان مدارس مرحوم عابدزاده گفت: اینها در دوران طاغوت که بیشترین سخت گیری از سوی ساواک اعمال می شد، زمینه ای را ساختند که با زده شدن اولین جرقه های انقلاب اسلامی در سال ۵۶، دور هم جمع شوند و هسته های متعددی تشکیل داده و فعالیت انقلابی می کردند.

وی تصریح کرد: در زمان طاغوت که عده ای از معلمان مشهد اعتصاب کرده بودند، دانش آموزان مدارس ابتدایی مرحوم عابدزاده که اغلب بازاری بودند، وارد تحسن شده و ضمن تشویق متحصنین، به آنها می گفتند که شما تحصنتان را ادامه دهید، ما حقوقتان را پرداخت می کنیم.



صالحی فرد:

مرحوم عابدزاده شروع تحول اعتقادی کشور را از مدارس می دید

گروه سیاسی: مرحوم عابدزاده با آینده نگری که داشت، به این نتیجه رسیده بود که برای دگرگون سازی کشور از نظر فکری و اعتقادی باید اساس کار را از مدرسه شروع کرد.

■ ■ ■

صالحی فرد در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) به شرح شخصیت گرانبار مرحوم عابدزاده و فعالیت های قرآنی وی در زمان حیاتش پرداخت و گفت: مرحوم عابدزاده یکی از شخصیت های بسیار روشنفکر و برجسته مشهد بود. ایشان با آینده نگری که داشت، به این نتیجه رسیده بود که برای دگرگون سازی کشور از نظر فکری و اعتقادی باید اساس کار را از مدرسه

صالحی فرد تصریح کرد: در جلساتی که اخیراً با برخی فعالان این حوزه داشتیم، به علت احترامی که آنان برای مرحوم عابدزاده قائل بودند، اعلام کردند که خود آمادگی داریم این مدارس را بازسازی کنیم ولی چون منابع مالی زیادی را می‌طلبند و اهداف حجت الاسلام والمسلمین نوراللهیان (رئیس سازمان مدارس و حوزه های علمیه خارج از کشور) بسیار وسیع تر از آنست که در گذشته بوده، اجرای این کار نیازمند یک حرکت مسنجم است.

وی ادامه داد: ما برای این عده مشتاق به کار، ضرب العجل گذاشته ایم که تا پایان سال ۸۶ برنامه های عملیاتی خود را در بازسازی این مدارس اعلام کنند وگرنه ما با پایان یافتن سال ۸۶ کار خود را آغاز می‌کنیم.

صالحی فرد به تشریح فعالیت های صورت گرفته در بازسازی این مدارس پرداخت و گفت: تا به حال تمام مدارس نقشه برداری و مکان یابی شده و مکان ها مشخص است. سازمان نوسازی مدارس هم یک سری نقشه های مدرن را تهیه کرده و سالن تدریس و خوابگاه در آنها پیش بینی و ایجاد یک مدرسه شبانه روزی کامل در آن تدارک شده است.

وی در تشریح شخصیت مرحوم عابدزاده گفت: شغل اصلی آن مرحوم شیشه بری بود که شیشه در و پنجره مغازه ها و منازل را نصب می کرد اما در کلیه ایام تولد ائمه و شهادت ایشان برنامه ریزی کرده و در ایام محرم و صفر برنامه های مفصل عزاداری برقرار می کرد تا از هر فرصتی برای جمع کردن مردم و انتقال افکار و ایده های معنوی استفاده کند.

صالحی فرد افزود: او به اسلام ناب محمدی (ص) که امام (ره) با آن پایه های انقلاب را گذاشت می اندیشید و اعتقاد محض به مبانی اسلام داشت و همواره معتقد بود که باید آموزش به بچه ها را جدی گرفت و از ابتدا که کودک وارد مدرسه می شود مسائل مذهبی و اعتقادی را در ذهن او کاشت.

وی تصریح کرد: در ۷۰ سال عمرم کسی را ندیدم که در مدارس عابدزاده تحصیل کرده باشد و یک آدم معتقد و مؤمن نباشد. ما مدارس بسیاری را در کشور داریم ولی قابل مقایسه با کار تربیتی مرحوم عابدزاده نیستند.

صالحی فرد:

شغل اصلی آن مرحوم شیشه بری بود که شیشه در و پنجره مغازه ها و منازل را نصب می کرد اما در کلیه ایام تولد ائمه و شهادت ایشان برنامه ریزی کرده و در ایام محرم و صفر برنامه های مفصل عزاداری برقرار می کرد

صالحی فرد:

در ۷۰ سال عمرم کسی را ندیدم که در مدارس عابدزاده تحصیل کرده باشد و یک آدم معتقد و مؤمن نباشد. ما مدارس بسیاری را در کشور داریم ولی قابل مقایسه با کار تربیتی مرحوم عابدزاده نیستند

صالحی فرد:

در مشهد مثلثی تأثیرگذار شامل حضرت آیت الله خامنه ای، آیت الله طبعی و مرحوم شهید هاشمی نژاد بود که فکر دهنده و هدایت کننده تمام انقلابیون در مشهد بودند

صالحی فرد:

روزهای جمعه مرحوم عابدزاده در یکی از سالن های بزرگ مسجد گوهرشاد برای ما دعای ندبه می خواند و سخنرانی می کرد و جمع کثیری از مردم مشهد پای منبر ایشان حاضر می شدند

صالحی فرد ادامه داد: در مشهد مثلثی تأثیرگذار شامل حضرت آیت الله خامنه ای، آیت الله طبعی و مرحوم شهید هاشمی نژاد بود که فکر دهنده و هدایت کننده تمام انقلابیون در مشهد بودند و شاگردان مرحوم عابدزاده که یکی از آنان حجت الاسلام والمسلمین نوراللهیان بود، بین این گروه ۳ نفره و سایر مردم در زمان انقلاب واسطه بودند. وی افزود: بنده در زمان دانش آموزی با دو نفر از همکلاسیان به نام های «سرمعی» و «سنجر موسوی» شب های چهارشنبه به مهدیه می رفتیم و از تدریس قرآن مرحوم عابدزاده بهره می بردیم. این شخص متواضع برای ما چای می ریخت و ضمن تدریس قرآن، آیات لازم را برای ما تشریح می کرد.

صالحی فرد ادامه داد: روزهای جمعه مرحوم عابدزاده در یکی از سالن های بزرگ مسجد گوهرشاد برای مدعای ندبه می خواند و سخنرانی می کرد و جمع کثیری از مردم مشهد پای منبر ایشان حاضر می شدند.

وی افزود: سال های ۳۲ یا ۳۳ بود که شهید نواب صفوی به مشهد آمد و شاگردان مرحوم عابدزاده برنامه ملاقات و مذاکره با ایشان را برقرار کردند و با ایشان نشست داشتند.

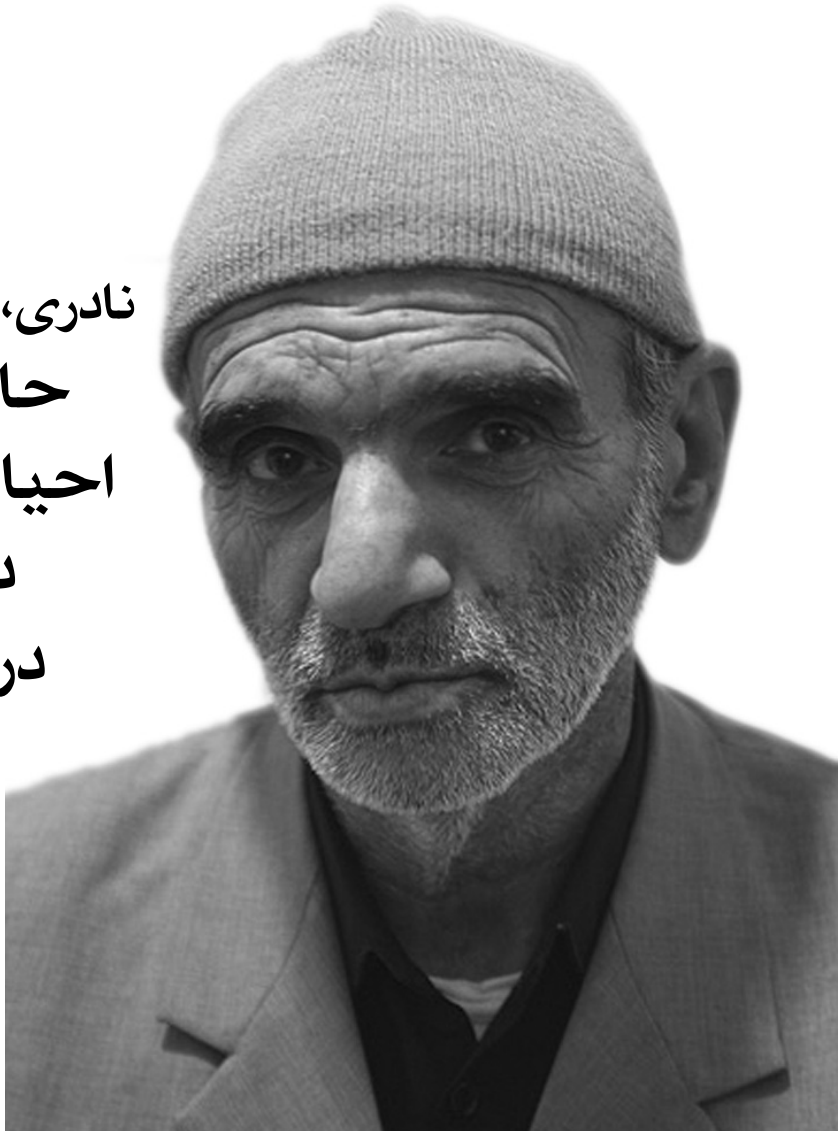
صالحی فرد با بیان اینکه مرحوم عابدزاده به دلیل ابتلا به بیماری سکنه مغزی فوت شد، تصریح کرد: با فوت وی به تدریج محوریت افراد فعال در کنار ایشان از بین رفت و تحرک آنان را کم و این مدارس یکی پس از دیگری تعطیل شد و الان چند تا از این مدارس دایر است که آن هم در اختیار آموزش و پرورش است و در آن، برنامه ریزی های مرحوم عابدزاده اجرائی نمی شود.

وی با اشاره به پیگیری های حجت الاسلام والمسلمین نوراللهیان برای احیاء دوباره این موضوع با مذاکره در محضر مقام معظم رهبری و

ایجاد زمینه های بازسازی مدارس و احیای تفکرات مرحوم عابدزاده اظهار داشت: قرار است دوباره این مدارس در همان چهارچوب سنتی مورد نظر مرحوم عابدزاده احیا شده و به کار خود ادامه دهد.

وی افزود: حتی مدنظر است که این مدارس در سطوح راهنمایی و دبیرستان توسعه یابد و به صورت شبانه روزی مدیریت شود؛ چون این امور بنیادین و زیربنایی است و هیچ کاری به اندازه مسائل تربیتی و آموزشی نمی تواند پایه های انقلاب را محکم کند.

نادری، از نزدیکان عابدزاده: حاجی عابدزاده احیاگر احکام اسلام در زمان شاه در مشهد بود



با این فعال دینی رفت و آمد داشتیم و برای خدمت به وی حاضر می شدیم و این آشنایی تا پایان فعالیت ایشان ادامه داشت. نادری به جشن نیمه شعبان استاد که هر ساله برگزار می شد اشاره کرد و یادآور شد: مقدمات این جشن از حدود یک ماه قبل چیده می شد تا همه چیز برای این جشن ده روزه مهیا شود.

همدردی عابدزاده با آسیب دیدگان بلایای طبیعی این همراه استاد عابدزاده در ادامه، از همدردی مرحوم عابدزاده با آسیب دیدگان بلایای طبیعی سخن گفت و تصریح کرد: ما گاهی برای کمک رسانی به آسیب دیدگان، چون خانواده های زلزله زده خضری و دشت بیاض که زلزله بسیار مهیبی بود می شتافتیم، در این واقعه نیز با کامیونی از تجهیزات به سمت این شهرستان حرکت کردیم و ساعت ۱۰ صبح، وارد منطقه شده و تا قبل از ظهر امکانات اولیه را با راهنمایی مرحوم عابدزاده در اختیار آسیب دیدگان قرار دادیم و تا پایان شب، کلیه وسایل خواب، خوراک، چراغ و وسایل اولیه را بین آنان توزیع کردیم. وی افزود: گروهی از تهران برای حمایت از

مهندس و معمار بودن می توان او را یک اسوه معرفی کرد.



سبزی کار حقیقی، در ادامه از رابطه و نحوه آشنایی خود با استاد سخن گفت و عنوان کرد: ما در بناهای ایشان یکی از میلیون ها نفری بودیم که

نادری:

اطلاع یافتن از تظاهرات در میدان
شهدا و شهادت افراد دلیل سکنه
حاجی عابدزاده شد و او را حدود
چند سال زمین گیر کرد

گروه فعالیت های قرآنی: حاجی عابدزاده احیاگر احکام اسلامی و دینی در دوران تاریک شاه در مشهد مقدس بودند و در این راه زحمات زیادی را متحمل شدند.

«محمدابراهیم سبزی کارحقیقی» معروف به نادری، فرزند علی اکبر (متولد ۱۳۱۸) از نزدیکان استاد عابدزاده و از همراهان ایشان، در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان اینکه عابدزاده شخصی دینی بود که بر دل ها نفوذ داشت، گفت: آنچه از مرحوم عابدزاده به یاد دارم آن است که ایشان کارآمدترین فرد دینی، مؤمن، معتقد و وارد به مبانی اسلامی بود که با دارا بودن خصوصیات دیگری چون مدرس، مبلغ،

آن ممنوع بود به همراه داشت که توسط من از گمرک به راحتی رد شد. وی تصریح کرد: ما حدود یک ماه مانده به ایام حج به مکه می رسیدیم و طواف اولیه ای در خانه داشتیم که نظیر نداشت و اگر حاجی آنجا نبود طوافی با آن کیفیت نصیب ما نمی شد.

نادری در ادامه گفت: ایشان در مشهد شهره بودند و تمام مشهدی ها وی را می شناختند چرا که در کلیه اعیاد و وفیات ائمه مجلس برگزار می کردند. حاجی اولین کسی بود که جلسه قرآن، دعای ندبه و کمیل را در مسجد گوهرشاد و ایوان مقصوره برپا کرد و بچه ها را گرد هم آورد و به قرآن توجه داشت.

این اواخر که جلوی مدارس ایشان را گرفتند، اغلب بناهای عابدزاده در اختیار حوزه قرار گرفت و من هم حدود یک سال درس حوزه نزد ایشان خواندم و روی این حساب با ایشان رفت و آمد درسی پیدا کردم.

سبزی کار حقیقی:

مرحوم عابدزاده در روز شهادت امام صادق (ع) دعوت حق را لبیک گفت و با تشییع جنازه ای با عظمت پیگیر این فرد سرشناس مذهبی در بنای مهدیه مشهد دفن شد

شجاعت کم نظیر عابدزاده وی در ادامه، شجاعت استاد را یادآور شد و تصریح کرد: در زمان آیت الله کاشانی، ایشان بلندگو به دست مقابل نیروهای نظامی که با ماشین و مسلسل پیش روی ایشان ظاهر شده و سمت ایشان می آمدند، بدون کوچکترین هراسی حرکت می کردند.

نادری، به ساخت مهدیه ای در نیشابور، توسط حاجی اشاره کرد و متذکر شد: مهدیه مشهد را استاد با بودجه خود تأسیس کرد و سایر بناها را با کمک از بودجه های مردمی، ایشان مهدیه ای را نیز در نیشابور بنا کردند که هنوز هم دایر است و خود نیز یک بار در این بنا در سال ۱۳۴۰ و ظهر روز جمعه که برای رحلت آیت الله بروجردی عازم قم بود، برای اقامه نماز و استراحت حضور یافتند.

نادری به بیان خاطراتی از عابدزاده در دوران انقلاب پرداخت و اظهار کرد: در دوران انقلاب حاج آقا پرچی را خطاب به ارتش نوشتند که بسیار توجه افراد را جلب می کرد و این حرکت در نهایت جلوی استانداری مشهد با حمله و رشدن مأموران استانداری خنثی شد و همه متفرق شدند.

وی درباره علت بستری شدن مرحوم عابدزاده در پایان عمرش، گفت: یک شب در میدان شهدا، چند نفر شهید شدند و وقتی این خبر را به حاجی عابدزاده دادند موجب سکت ایشان شد و او را حدود چند سال زمین گیر کرد و در نهایت در روز شهادت امام صادق (ع) دعوت حق را لبیک گفت و با تشییع جنازه ای با عظمت پیگیر ایشان که فردی سرشناس در مشهد بود، دفن شد.

آسیب دیدگان آمده بودند، این گروه طی این مدت نتوانسته بودند کاری از پیش ببرند و مشاهده حل این مشکل توسط گروه کوچک حاجی در این فرصت اندک و رفع سریع مشکلات، سبب شد که تا شب، چند چادر تجهیزات از سوی آنان در اختیار گروه مرحوم عابدزاده قرارگیرد و آنان آنجا را ترک کردند.

نادری نحوه مدیریت ایشان در کلیه امور از جمله ساخت وساز، معماری و مهندسی، بسیار قوی معرفی کرد و گفت: ایشان در کلیه امور زندگی و مسائل مذهبی، کارهای شایسته و بایسته ای داشتند و در تعمیق فرهنگ قرآنی، بسیار فعالیت کردند.

نقش حاجی عابدزاده در تربیت شاگردان ممتاز

این همراه استاد عابدزاده در بخش دیگری از سخنانش نحوه تدریس و مدیریت ایشان در مدارس را یادآوری و بیان کرد: نظارت ایشان در

مدارس آنقدر قوی بود که باعث شد تا شاگردانش و کسانی که در این مدارس تحصیل کرده اند بعدها بتوانند در مناصب دولتی و حکومتی خدمات شایانی انجام دهند.

سبزی کار حقیقی، سخنان خود را به بیان نقش حاجی در جریان انقلاب اختصاص داد و به دلیل کمی سن در آن زمان به خاطرات شنیده شده از دیگران در این

زمینه اکتفا کرد و توضیح داد: حاجی عابدزاده با مرحوم نواب صفوی ارتباط داشتند ولی من از سال ۳۸ به بعد با ایشان آشنا شدم یعنی بعد از آزادی ایشان از زندان و بازگشتشان به مشهد البته در ایام عدم حضور ایشان در مشهد (حبس) در بنای مهدیه رفت و آمد داشتیم.

وی از همراهی خود با حاجی در چند سفر به مکه یاد کرد و گفت: ما ایشان را تا داخل قطار همراهی می کردیم و وقتی

می خواستند خدا حافظی کنند به من گفتند «تو کی می آیی»، دل من بسیار شکست و سه روز بعد در روز جمعه که مصادف با شهادت امام صادق (ع) نیز بود، برنامه مسافرت ما شروع شد و از مشهد عازم - تهران - سوریه و سپس جده شدیم ولی ساکم در جده مفقود شد و چند روزی را در جده ماندیم.

یک روز در گمرک دنبال ساک می گشتم که رفیقمان «حاج مهدی امیری» که اداره کارخانه آئینه سازی حاجی را برعهده داشت به یکباره فریاد زد، نادری حاجی تشریف آورد. حاجی که بنده را آنجا دیدند از این عمل متحیر گشته و فرمودند «تو اینجا چه کار می کنی» (دلیل این تعجب فاصله اندک پاسپورت گرفتن و انجام امور بعدی و تدارک سفر بود). در آن سفر حاجی، مقداری مهر، تسبیح و مفاتیح که انتقال

کسب حلال و پرهیز از مال شبهه دار از ویژگی های بارز مرحوم «عابدزاده» بود

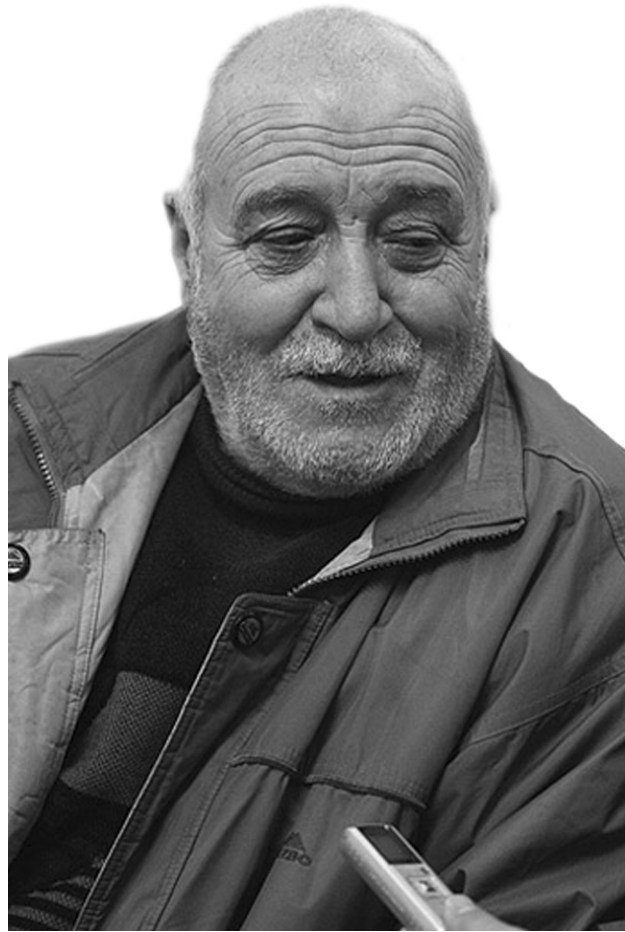
بودیم مقدمات و موخرات نماز را می خواندند و تأکید فراوان بر نماز اول وقت داشتند. دهقانی با اشاره به خاطره ای از مرحوم عابدزاده عنوان کرد: روز وفات امام حسن عسگری (ع) من از بالای پشت بام عسگریه افتادم و بسیار حالم بد بود دوستان کمک کردند و من را کنار منبر حاج آقا بردند ایشان یک ذره تربت امام حسین (ع) که آیت الله «امینی» به ایشان هدیه کرده بودند در دهان من گذاشتند و مراسم عزاداری شروع شد و حاج آقا منبر رفتند و مجلس با شور و حالی بود بعد از آن روز حال من کم کم بهتر شد حتی بیماری که از گذشته داشتم کاملاً رفع شد و این را از برکت نفس و معنویت مرحوم عابدزاده می دانم.

«امرالله دهقانی فیروزآبادی»:

حاج آقا عابدزاده همیشه تأکید می کردند خدا را فراموش نکنید و در نماز بسیار مخلص بودند و ما مجذوب نماز خواندن ایشان بودیم مقدمات و موخرات نماز را می خواندند و تأکید فراوان بر نماز اول وقت داشتند

این شاگرد مرحوم عابدزاده عنوان کرد: حاج آقا عابدزاده بسیار بر کسب حلال و دوری از مال شبهه ناک و حرام تأکید و در دریافت پول های مردم برای ساخت بناها بسیار دقت داشتند تا جایی که هر بنا حسابدار مخصوص داشت و خودشان به هیچ وجه از دست مردم پولی نمی گرفتند و حسابدارها مسئول بودند، ما یک مغازه حلاجی داشتیم و آتش گرفته بود حاج آقا توصیه کردند که صبر کنید، خداوند بزرگ است و در کسب حلال مبادرت بورزید.

دهقانی فیروزآبادی در پایان بایان خاطره ای از مرحوم عابدزاده یاد آور شد: قبل از انقلاب اسلامی تمامی هیأت های شهر برای انتخابات شروع به فعالیت کردند و می خواستند حاج آقا عابدزاده به دلیل اعتباری که میان مردم داشتند آقای «قائم مقام» را معرفی کنند. روزی در مهدیه جمع شدند و حاج آقا عابدزاده در انبوه جمعیت سخنرانی کردند و بر خلاف انتظار جمعیت گفتند همه مرا می شناسید من کسی نیستم که این آقایان را معرفی کنم، یکی از افراد جمعیت گفت حاج آقا برای گفتن این حرف ها پول گرفته و حاج حیدر که از مریدان مرحوم عابدزاده بود با این فرد درگیر و شد و او را از مهدیه بیرون کرد.



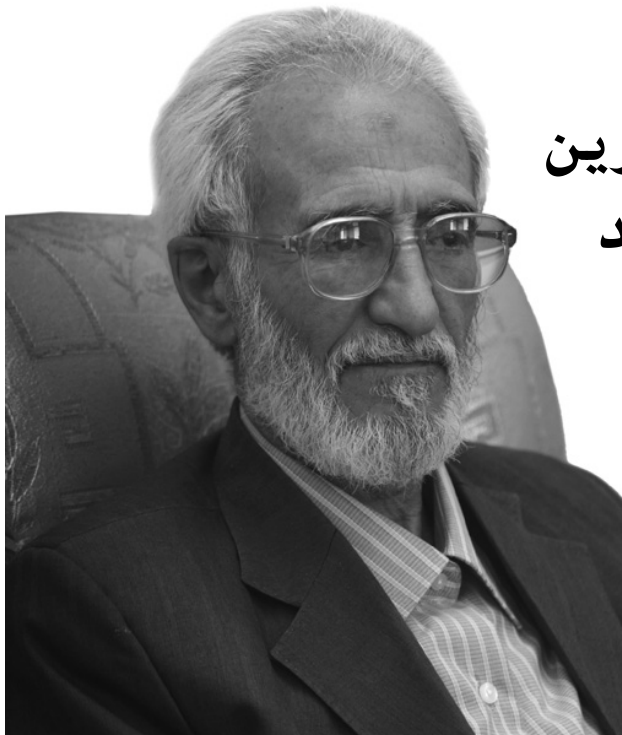
گروه فعالیت های قرآنی: حاج آقا عابدزاده بسیار بر کسب حلال و دوری از مال شبهه ناک و حرام تأکید و در دریافت پول های مردم برای ساخت بناها بسیار دقت داشتند.



«امرالله دهقانی فیروزآبادی» از نزدیکان و همراهان مرحوم علی اصغر عابدزاده که بیش از ۷۵ سال از عمرش سپری شده است، در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) بایان این مطلب درباره مرحوم عابدزاده گفت: از زمانی که بنای جوادیه تأسیس شد من در حدود ۱۵ سال سن داشتم و در جلسات حاج آقا عابدزاده شرکت می کردم، زندگی و شخصیت فیلسوفانه مرحوم عابدزاده من را مجذوب کرد و ایشان از اخلاق خوبی هم بهره مند بودند.

وی درباره تحول روحی حاج آقا عابدزاده در جوانی تصریح کرد: مرحوم عابدزاده می گفتند من نفهمیدم و در ابتدای جوانی به بیراهه رفتم و شما دقت کنید تا از ابتدا با قرآن کریم و مفاهیم و مسائل مذهبی مأنوس شوید و همیشه به دنبال کسب علم باشید و به همین منظور مرحوم عابدزاده در صدد تأسیس ۱۴ بنای آموزشی و مذهبی برآمدند.

دهقانی در ادامه افزود: حاج آقا عابدزاده همیشه تأکید می کردند خدا را فراموش نکنید. در نماز بسیار مخلص بودند و ما مجذوب نماز خواندن ایشان



یکی از شاگردان عابدزاده: قدرت ابداع و نوآوری از بارزترین ویژگی مرحوم عابدزاده بود

گروه فعالیت های قرآنی: از مهمترین ویژگی مرحوم عابدزاده که میوه اخلاص و معرفت او و منحصر به فرد نیز بود، قدرت ابداع و نوآوری ایشان بود. سید «هادی مرادی محدث» از شاگردان مرحوم عابدزاده در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب افزود: در نوآوری و خلاقیت در ۵۰ سال اخیر هیچ کس را مانند مرحوم عابدزاده ندیده ام، در چندین جایگاه دارای نقطه نظر نو بود که همه را نیز به سرانجام می رساند.

محدث، تدبر در آیات قرآن را از نوآوری های ایشان دانست و گفت: این امر را عصرهای جمعه با برگزاری جلسه تفسیر با مسئولان آموزشی مدارس در مهدیه محقق می کرد و برداشت های خود از قرآن را عنوان می کرد چنان که آیت الله میلانی به او غیظه می خورد.

محدث یاد آور شد: مرحوم عابدزاده در زمان خود در امر آموزش تحولی عظیم به وجود آورد و اعلام کرد برای تربیت نسل جدید در این وضعیت که مدارس کشور مذهبی و اسلامی نیست، ناگزیر هستیم مدرسه تأسیس کنیم و این امر را نیز محقق کرد؛ شیوه عزاداری ایشان نیز بسیار چشمگیر بود؛ در ایام سوگواری دسته عزاداری حاجی عابدزاده در مشهد به راه می افتاد و به صورت منضبط حرکت می کرد و پیام های بسیار ارزنده ای ارائه می داد و این مراسم با برنامه ریزی، هدفمند و اصولی بود.

وی رونق زبان عربی با هدف فهم قرآن را از دیگر مصادیق نوآوری مرحوم عابدزاده دانست و تصریح کرد: ایشان به ایجاد پیوند بین مردم و اهل بیت (ع) و احیای شعائر اسلامی همت والایی داشت و جشن های او در نیمه شعبان به قدری عظمت داشت که مردم علاوه بر جذب مراسم بسیار متحیر می شدند.

شاگرد مرحوم عابدزاده اظهار کرد: حاجی عابدزاده برای احیای علاقه مردم به اهل بیت (ع)، به احیای هنر و معماری اسلامی پرداخت و از این رهگذر بناهایی با نام اهل بیت (ع)؛ حسینی، حسینی، نقویه، عسگریه، مهدیه و... را ساخت که هر کدام با سبکی خاص ساخته شده و هیچ کدام هم شبیه هم نیستند.

محدث، تأسیس انجمن پیروان قرآن را از دیگر وجوه نوآوری مرحوم عابدزاده عنوان و بیان کرد: بعد از گذشت ۱۰ سال از تأسیس انجمن پیروان قرآن نزدیک به ۱۰۰ شعبه از این انجمن در شهر مشهد تأسیس شد و این امر به واسطه هدایت و تبلیغ صحیح حاجی عابدزاده بود.

وی طریقه آشنایی خود با مرحوم عابدزاده را از پای منبر دانست و گفت: جذب سخنان شیوای مرحوم عابدزاده شدم به صورتی که بطور شبانه و در ایام تابستان به یکی از مدارس تأسیسی ایشان (عسگریه) رفتم.

محدث با اشاره به یکی از سخنرانی های مرحوم عابدزاده در مهدیه با حضور آیت الله میلانی از مراجع تقلید بزرگ آن دوره، بیان کرد: بعد از پایان جلسه، آیت الله میلانی رو به حاجی عابدزاده گفت که این برداشت های ناب را از کجا آورده ای، من می خواهم با تو همفکری داشته باشم ولی استاد عابدزاده تواضع کردند و مرتبه

آیت الله میلانی را بسیار بالاتر دانستند، چند سال بعد در سفری که همراه استاد به حج تمتع مشرف می شدیم آن ماجرا را یاد آور و عاقبت را جویا شدم که گویا دو سال بعد دوباره آن اتفاق افتاده بود و آن دو با یکدیگر عهد برادری بسته بودند. محدث ساده زیستی، بلند همتی، جمع گرایی، بینش سیاسی خوب، متعبد بودن، عامل و زاهد بودن را از خصایص عابدزاده برشمرد و افزود: بخل و تنگ نظری در مرام ایشان جای نداشت علاوه بر این همیشه مرا نصیحت می کرد که من عمری تجربه کرده ام، هیچ گاه نماز اول وقت را ترک نکن.

این شاگرد مرحوم عابدزاده اظهار کرد: حاجی نهضتی را در مشهد آغاز کرد که اثر بخش است و ادامه خواهد داشت، کمتر منبری از ایشان بود که جوانان را منقلب نکند چون از ته دل و از سر اعتقاد سخن می گفت لذا قشر جوان را متحول می کرد، هزاران هزار پیر و جوان و در کسوت های مختلف، ارادتمند و طرفدار صادقانه داشت.

وی ادامه داد: ایشان هیچ وقت از منبر تأمین معیشت نمی کردند و تمام هزینه های زندگی را از کارخانه آئینه سازی که در آن فعالیت داشتند به دست می آوردند، اخلاصی که حاجی عابدزاده داشت باعث شده بود تا نفوذ زیادی بین مردم داشته باشد تمام مردم و سرمایه داران مشهد به او اطمینان داشتند.

محدث با بیان خاطره ای از استاد عابدزاده گفت: ایشان در مدرسه عسگریه درسی با عنوان «انس با آیات برگزیده قرآن» داشتند و روزی برای آشنایی بچه ها با معنای زهد گفتند، زهد یعنی اگر به من اعلام کنند در نیمه شب جوی خیابان از طلا پر می شود و تا طلوع آفتاب هر چقدر بخواهی از آن طلا مال تو خواهد شد ولی به درد آخرت تو نمی خورد من از جای خودم تکان نمی خورم.

وی عابدزاده را فردی مستغرق در قرآن قلمداد کرد و افزود: مرحوم عابدزاده آنچنان در آموزه های قرآن غرق بود که در تمام سخنان و محافل هر چه می گفت از قرآن بود، ایشان فردی عارف و قرآنی بود که برای فراگیر کردن قرآن برای توده مردم بسیار اهتمام داشت و انس با معارف قرآن و اهل بیت (ع) را در راس فعالیت های خود قرار داشت.

مدیر کارخانه آئینه سازی عابدزاده: حاجی عابدزاده فردی مقتدر و قاطع بود



حلال و دوری از مال حرام و شبهه ناک بسیار دقیق و حساس بودند و این موضوع یکی از دلایل اعتماد مردم به ایشان بود؛ او حتی ذره ای از مال مردم را برای خود صرف نمی کرد و حتی برای امور خیر نیز مال شبهه ناک را دریافت نمی کرد و بر این عقیده بود که این مال در آینده انسان بسیار تأثیرگذار است، ایشان زندگی، لباس و پوشاک بسیار ساده ای داشتند و در اخلاص و معنویات همه را مجذوب خود می کردند، حاج آقا عابدزاده در کسب مال حلال و دوری از مال حرام و شبهه ناک بسیار دقیق و حساس بودند و ذره ای برای خود مال اندوزی نمی کرد. این همراه استاد عابدزاده تصریح کرد: ایشان در زندگی شخصی بسیار متواضع و ساده زیست بودند و وقت خود را بیش از هر چیز به انجام صحیح فرایض دینی و تربیت دانش آموزان اختصاص می داد.

امیری به تأسیس انجمن پیروان قرآن اشاره کرد و یاد آور شد: مرحوم عابدزاده، مؤسس انجمن پیروان قرآن بود؛ این انجمن متشکل از شعبه های متعددی در اقصی نقاط مشهد بود که در اکثر این جلسات، مطالب قرآنی آموزش داده می شد. امیری به بناهایی که استاد عابدزاده در شهر مشهد برای تربیت فرزندان این شهر ساخته است اشاره داشت و گفت: ایشان ۱۲ بنا را در مشهد ساخت و در این بناها کلاس قرآن تشکیل می داد؛ مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» برای خود جایگاه ویژه و جدا از مردم قائل نبود و کمک رسانی به مردم را برای خود تکلیف می دانست و همین روحیه مردمی چهره ای ماندگار از ایشان بر جا گذاشت. وی در ادامه این گفت و گو به روی دادن بلاای طبیعی در اقصی نقاط ایران و احساس مسئولیت مرحوم عابدزاده در برابر این بلاها اشاره کرد و گفت: مرحوم عابدزاده در برابر بروز بلاای طبیعی در اقصی نقاط کشور، اولین کسی بود که قیام می کرد و مورد اعتماد مردم بود، مردم به مجرد شنیدن پیامی از حاجی عابدزاده به کمک او می شتافتند که می توان نمونه بارز این اعتماد را در زلزله طبرس مثال زد که ماشین های شیر و خورشید رژیم طاغوت به گدایی می پرداختند و مردم به آنان اعتنا نمی کردند ولی به محض آنکه کامیون هایی از جانب حاجی برای جمع آوری کمک های مردمی می آمد مردم آن را پر می کردند تا برای کمک به آسیب دیدگان بشتابند.

یاد آوری می شود، مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده از جمله خادمان قرآن و فعالان مذهبی در دوران پهلوی است که بر تربیت شاگردان در مدارس بر پایه تعلیمات دینی و قرآن تأکید داشت و بر آن عقیده بود که باید پایه های دینی شاگردان را قوی کنیم که در جامعه نلغزند، بخشی از خدمات ایشان به جامعه بنای ۱۲ مدرسه در آن روز است. وی به نقلی در سال ۱۲۹۰ به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۵ در مشهد دیده از جهان فرو بست.

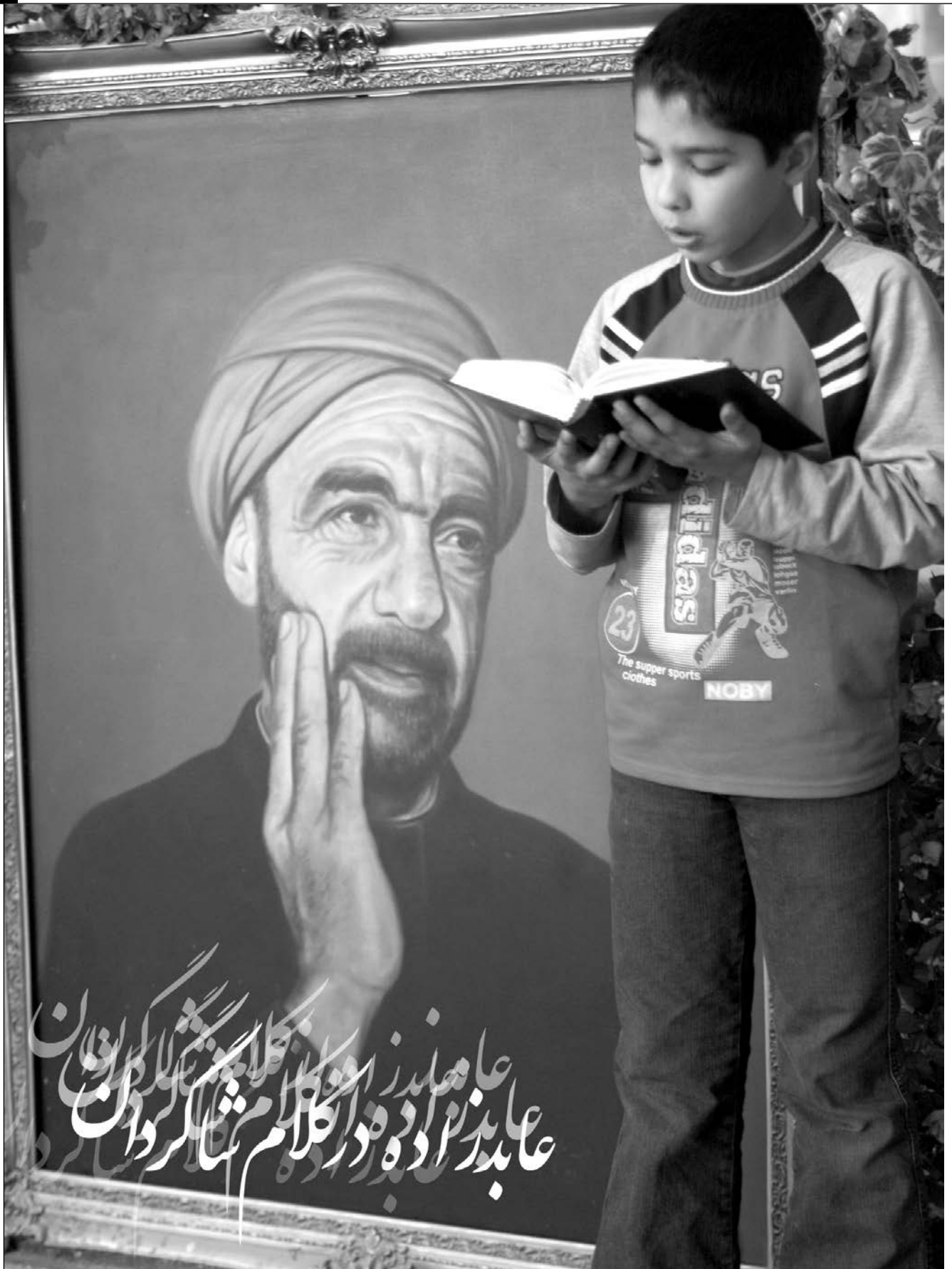
کروه فعالیت های قرآنی: حاجی عابدزاده فردی مقتدر بود و با وجود روحیه مشورت با دیگران، هرگاه امری را صحیح تشخیص می داد بر حرف خود پابرجا بود و آن را با قاطعیت اجرامی کرد و بر مدیریت واحد در امور تأکید داشت.



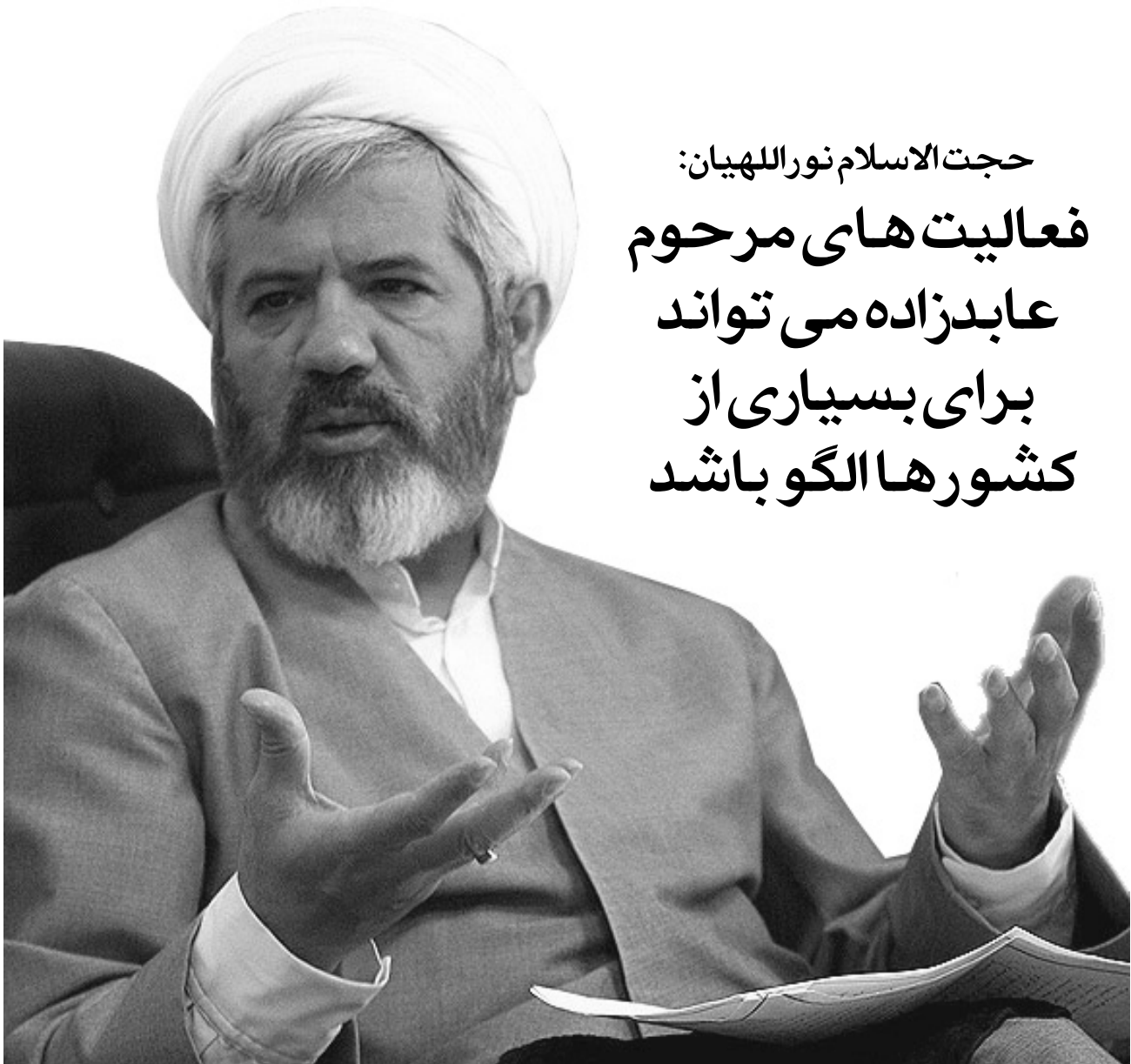
عبارات فوق بخشی از سخنان «امیری» مدیر کارخانه مرحوم عابدزاده است که در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) مطرح کرده است؛ امیری در این گفت و گو از اعتماد مردم به استاد عابدزاده یاد کرد و بیان داشت: در زمان جنگ دوم جهانی، حلبی سازی و آئینه سازی بدترین شغل بود در این زمان حاجی مقداری شیشه و آئینه خرید و پس از جنگ، یک دفعه این اجناس ترقی کرد و تاجری آمد و این شیشه و آئینه ها را با قیمتی خوب از حاجی خرید و حاجی سود خوبی کرد؛ حاجی عابدزاده از این پول زمین مهدیه را خریداری کرد و آن را ساخت، او در این محل کلاس های قرآنی و مجالس دینی را برگزار می کرد که می توان برای مثال به مراسم نیمه شعبان اشاره داشت که حاجی در این مکان برپا می کرد و مردم که همه به استاد عابدزاده اعتماد شدید داشتند، فرش ها، مخمل ها و سایر اجناس مورد نیاز را می دادند تا برای برگزاری این مراسم از آنها استفاده شود؛ کارخانه آئینه سازی حاجی هم در بالای بنای مهدیه قرار داشت که اداره آن به من واگذار شده بود.

وی در تکمیل این بخش از سخنان خود به آتش سوزی بنای مهدیه در آستانه نیمه شعبان در آن دوران اشاره داشت و عنوان کرد: استاد پس از این آتش سوزی، مجلس را در صحن آزادی در حرم امام رضا (ع) به مدت سه شب برگزار کردند، حاجی عابدزاده در دیگر اعیاد و شهادت ها در بناهای مربوطه مراسم جشن یا مرثیه خوانی می گرفتند که تماماً با هدف تعظیم شعائر اسلامی بود.

مدیر کارخانه آئینه سازی حاج آقا عابدزاده متذکر شد: حاجی در کسب مال



عابدینز اراده در کلام شاکر دین
 عابدینز اراده در کلام شاکر دین



حجت الاسلام نوراللهیان: فعالیت های مرحوم عابدزاده می تواند برای بسیاری از کشورها الگو باشد

رئیس هیئت امناء انجمن پیروان قرآن با اشاره به حضور در مدرسه جوادیه، بیان کرد: شاگرد اول و شاگرد ساعی بودم و چندین سال در مدرسه برای اقامه نماز، امام جماعت می شدم و بچه ها پشت سر من نماز می خواندند و در آغاز هشت سالگی، سخنرانی یا مقاله خوان مراسم مهدیه، جوادیه، نقویه و عسگریه را نیز عهده دار شدم.

حجت الاسلام نوراللهیان ادامه داد: اولین سخنرانی من مقاله آقای «افشار» درباره میلاد امام جواد(ع) بود که من آن را حفظ کردم و در شب جشن که با حضور دو تا سه هزار نفر برپا بود، مقاله را ارائه دادم، این فعالیت ها به من جهت بخشید که بنویسم و مطالعه کنم.

گروه فعالیت های قرآنی: در کشورهایی مانند؛ کشمیر، سریلانکا و بسیاری کشورهای دیگر که در شرایط سال های ۲۰ تا ۳۰ کشور ایران به سر می برند، می توانند از فعالیت های عابدزاده استفاده کنند و الگو بگیرند.

حجت الاسلام والمسلمین «محمد رضا نوراللهیان» مشاور و دستیار ویژه دفتر مقام معظم رهبری در امور تبلیغی و آموزشی خارج از کشور در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب نحوه آشنایی خود با مرحوم عابدزاده را از سال ۱۳۳۹ با حضور در یکی از مدارس ایشان عنوان کرد و گفت: من از سال ۱۳۳۹ وارد یکی از مدارس ۱۴ گانه مرحوم عابدزاده برای تحصیل شدم و تا سال ۱۳۴۴ در آن مدارس تحصیل کردم.

۱۲ سال مصاحبت با مرحوم عابدزاده

وی با اشاره به حضور ۱۲ ساله خود در کنار مرحوم عابدزاده اظهار کرد: حدود ده سال در مدارس و بناهای حاجی سخنرانی کردم، وقتی در بنای مهدیه آتش سوزی شد و شاه فشارهای زیاد بر روحانیت آورد، من یک متن انقلابی با بهره گیری از خطبه مالک اشتر نهج البلاغه تهیه کردم که در همان کودکی زمینه ای برای دستگیری من در ساواک فراهم کرد و با مخفی شدن منجر به عدم دستگیریم شد.

رئیس هیئت امناء انجمن پیروان قرآن درباره ویژگی های شخصیتی و اخلاقی مرحوم عابدزاده بیان کرد: tendی خلق یک از ویژگی های ایشان بود که خود نیز بر اصلاح آن تأکید زیادی داشت، مرحوم عابدزاده بیشتر با شدت عمل می کرد تا با ملایمت، که این امر هم باعث می شد تا عده ای از بزرگان و همراهان مانند «عبدالرضا غنی» در کنار ایشان نمانند و در نیمه های راه ایشان را ترک کنند.

حجت الاسلام نوراللهیان شخصیت عابدزاده را استثنایی دانست و گفت: وی مردی دارای ذوق ادبی، طبع شعر و صوت زیبا بود که خودش هم شعر می گفت و تواشیح را در آن زمان (که در آن زمان به نام سرود خوانی معروف بود) در مشهد یک فرهنگ کرد و بچه ها را در گروه های مختلف دسته بندی برای اجرای تواشیح دسته بندی کرده بود که عطر تازه ای را در فضا منتشر می کردند.

روح تواشیح زیر سایه خلاقیت عابدزاده

وی با اشاره به فعالیت این گروه ها با موضوع امام زمان (عج) و قرآن تصریح کرد: ایشان با کار مصری ها در این حیظه آشنایی نداشت و با تواشیح قرآنی نیز آشنا نبود و اصلاً تواشیح در بین ایرانی ها در سال ۳۰ هـ.ش وجود نداشت ولی ایشان چندین گروه در جوادیه، عسگریه، و بناهای مختلف تشکیل دادند.

وی در ادامه بیان کرد: در زمانی که مردم از حضور بچه ها در مدارس آموزش و پرورش که به ابتداء می رفت، پرهیز داشتند ایشان تأکید بر حضور بچه ها در مدارس آکادمیک داشتند و چند صد هزار نفر در مدارس تاسیسی خود تربیت کرد که هر کدام در جاهای مختلف چه داخل و چه خارج از کشور، منشا آثاری شدند.

رئیس هیئت امناء انجمن پیروان قرآن با اشاره به فعالیت خاص مرحوم عابدزاده درباره تأسیس مدارس، تأکید کرد: این فکر را نه علمای و نه متدینین داشتند و نه سیستم حکومتی اجازه می داد ولی او این کار را با فعالیت فرهنگی و با ایجاد فضای اسلامی و هدفمند ایجاد کرد.

وی مرحوم عابدزاده را از حیث شخصیت، سخنوری بسیار توانا و یک مرد شجاع و نترس در بحث انقلابی قلمداد و اظهار کرد: همراهی استاد

«محمدتقی جعفری»، حجت الاسلام والمسلمین «محمود حلبی»، «نواب صفوی» شاهدی بر این موضوع بود که در عرصه دفاع از اسلام و حفظ عقیده نسل جوان خیلی تأثیر گذاشت و منجر به زندان و حبس ایشان در تهران شد که در همین زمان نیز مادر ایشان در مشهد فوت و مشهد یکپارچه عزادار شد.

حجت الاسلام نوراللهیان افزود: هنرمندی عابدزاده از سرانگشتانش بروز می کرد، معماری بناهای جوادیه، علویه و... از استعداد ایشان ناشی می شد، ذهن خلاق داشت و در مدیریت و کارهای عظیم هنری به بهترین نوع فعالیت می کرد، در عرصه امداد و کمک رسانی بسیار فعال بود، شخصیت او این چنین بود که بدون بودجه و اعتبار و بدون توقعی از نظام شاه و با حس تنفر از آنان، با تکیه بر مردم دست به کارهای بزرگ بزند.

اخلاص، ویژگی بارز مرحوم عابدزاده

وی با اشاره به چهره کاریزماتیک مرحوم عابدزاده و اذعان دکتر شریعتی به این نکته گفت: مرحوم عابدزاده با همکاری مردم امکانات را جذب و با مدیریت این امکانات توانست افرادی مانند محمدرضا شجریان تا عالمان مجاهد، فقیه و تفسیرگوی را در دامان خود تربیت کند. چیزی که خود من تحت تأثیرش بودم این بود که عابدزاده همه استعداد، صلاحیت، پایداری و محبوبیت مردمی را با یک اخلاص فوق العاده عجین کرده بود و آن قدر رگه های خلوص در شخصیت او هویدا بود که راضی نبود هیچ اسم و تبلیغی از او در میان باشد و اصلاً برای خودش کار نمی کرد و در تمامی نشست و برخاست ها تمام توجه ها را به سمت خدا جلب می کرد.

وی ادامه داد: او تمام جسم، عمر و اموال، استعداد خودش را در راه خدا وقف کرد، آنقدر که وقتی «رجایی» به عنوان نخست وزیر وقت به مشهد آمد، در نماز جمعه اعلام کرد: مردم من مواضع سیاسی عابدزاده را نمی دانم ولی خودم را یکی از شاگردهای ایشان می دانم.

وی با اشاره به پیام آیت الله خامنه ای درباره عابدزاده، با عنوان مجاهد سخت کوش و مبارز خستگی ناپذیر گفت: عابدزاده از چهره هایی است که قابل تکثیر در دنیای اسلام است در سال ۱۳۲۰ که ایشان به پامی خیزد، سوسیالیسم داشت تمام خانه ها را ویران می کرد و افراد این چنینی مانند سدی جلوی کمونیست شدن جوانان را گرفتند، امروزه نیز فتنه ها و ایده های فکری به وسیله اینترنت و تلویزیون وارد عرصه می شوند و به مردانی مثل عابدزاده که توان لازم سازماندهی کار را داشته باشند با علم و دانش بالا بیش از گذشته نیازمند هستیم.

حجت الاسلام نوراللهیان روح تعاون و مردم یاری در مرحوم عابدزاده را بسیار شاخص دانست و تأکید کرد: این خصوصیات در همه اعصار یک ارزش بوده و در شخصیت عابدزاده موج می زد، در زمان سیل و زلزله ایشان محوری

رئیس هیئت امناء انجمن پیروان قرآن:

او تمام جسم، عمر و اموال، استعداد خودش را در راه خدا وقف کرد، آنقدر که وقتی «رجایی» به عنوان نخست وزیر وقت به مشهد آمد، در نماز جمعه اعلام کرد: مردم من مواضع سیاسی عابدزاده را نمی دانم ولی خودم را در یکی از شاگردهای ایشان می دانم

می شدند که مردم تمام کمک های خود را به ایشان می سپردند.

وی با اشاره به وجود پر خیر و برکت مرحوم عابدزاده در طول حیاتش افزود: امر هدایت برای او بسیار مهم بود و برای این امر بارها خود را فدا کرد، او مشعل هدایت را قرآن و اهل بیت (ع) می دانست، خیلی جوان گرا بود و علاوه بر این نفوذ بسیاری به جامعه داشت و به مردم نیز ایمان داشت. مرحوم عابدزاده در اوج فعالیت بهائیت که «هویدا»، «آموزگار» و «اسدالله علم» آن را باب کرده بودند، جمع عظیمی از منتظران، عاشقان و شیفتگان عامل در انتظار تربیت کرد.

رئیس سابق سازمان مدارس و حوزه های علمیه خارج از کشور، حرکت ۴۰ دستگاه اتویوس به قم برای اربعین آیت الله بروجردی با تلاش عابدزاده و با تکیه به مردم را از جمله فعالیت هایی دانست که با قدرت مردم انجام می شد و عابدزاده نیز به عنوان یک مدیر مبتکر و باورمند بر این جریان نظارت داشت؛ عابدزاده به اصول علم مدیریت معتقد بود و اقبال مردم هم این احساس مسئولیت را بارورتر کرده بود، او یک مدیر فرهنگی و قوی بود و آنقدر در خانه ها تأثیرگذار بود که گروه های مبارزه با فقر، هسته های قرآنی، آموزشی و حوزه های علمیه کوچک ایجاد می شد که تمامی این الگو از فعالیت های عابدزاده گرفته شده بود.

وی تأکید کرد: در آن زمان دعای ندبه و کمیل جریان مرسوم جامعه ما نبود و با توجه به این که رضا شاه حتی جلسه عزاداری سیدالشهدا (ع) را تعطیل کرده بود، عابدزاده این رسانه تأثیرگذار را در یک جایگاه رفیع قرار داد و منبرهای عابدزاده به قدری باشکوه بود که در هنگام برگزاری آن خیابان ها تعطیل می شد و این امر هم نمایانگر مدیریت پذیرفته شده و مردمی عابدزاده بود.

اهتمام به نماز اول وقت

رئیس سابق سازمان مدارس و حوزه های علمیه خارج از کشور به اهمیت مرحوم عابدزاده به نماز اول وقت و تلاوت دائم قرآن اشاره و تأکید کرد: دوره فعالیت مرحوم عابدزاده را می توان به سه مرحله تقسیم کرد؛ مرحله اول که مربوط به دوران حکومت رضاخان است که دارای یک چهره انقلابی، روشن فکر، شجاع و مبارز است که رفتن به زندان و استقبال از نواب صفوی شاهی بر این گفته است، دور دوم که به سکوت به واسطه حفظ مدارس گذشت و دور سوم که مرحوم عابدزاده با پرچم انجمن پیروان قرآن در صف اول تظاهرات شرکت می کرد و بسیاری از متدینان را تحت تأثیر قرار داد.

وی با اشاره به دیندار بودن حاجی عابدزاده بیان کرد: او وقتی به یقین می رسید کاری برای خدا است به هر قیمتی آن کار را انجام می داد و در تمام این دوره ها او یک نسل جوان مبارز تربیت کرد و در تمام این دوران روح مبارزه را ترویج کرد و روحیه بسیار بالایی برای قیام در راه خدا و ارزش

های دینی داشت.

حجت الاسلام نوراللهیان در ادامه تصریح کرد: وی در کارهای قرآنی به احیای احکام قرآن اهتمام داشت و به کارهایی چون؛ حفظ، قرائت و زیبایی های تلاوت در مراحل بعدی توجه داشت و با تمام وجود به پیاده سازی و احیای احکام قرآنی می پرداخت، همچنین تشکیل انجمن قرآن و شعبه های آن را به منظور جهت گیری جوانان متدین تأسیس کرد.

رئیس هیئت امناء انجمن پیروان قرآن اظهار کرد: مرحوم عابدزاده بر حفظ و نگهداری قرآن و مفاهیم تأکید داشت تا بر حفظ و از بر کردن آیات قرآن و در راه صیانت قرآن اهتمام خاصی داشت و در انجمن ها به روخوانی قرآن که در حال کمرنگ شدن در جامعه بود توجه داشت و قرائت ها را تصحیح می کرد که کار بسیار ارزنده ای بود.

وی با اشاره به ترویج قرآن خوانی در محلات شهر توسط مرحوم عابدزاده، گفت: ایشان مراسم قرآن خوانی رمضان را رشد داد و قرآن خوانی های شب های یکشنبه، دوشنبه، چهارشنبه و پنجشنبه را در محلات ترویج داد، همچنین از ۱۰ نقطه خراسان طی ماه مبارک رمضان دانش آموزان را طی صف های زیبایی به مسجد گوهرشاد اعزام می کرد.

حرکت قرآنی عابدزاده یک منظومه بود

حجت الاسلام نوراللهیان ادامه داد: حرکت قرآنی عابدزاده یک منظومه بود که در آن به ظواهر کارهای قرآنی کمتر از عمق و حقیقت قرآن توجه می شد، وی تمام وقت، جسم، عشق، جوانی و وجودش را برای تربیت نسلی معتقد صرف کرد.

وی با اشاره حرکت امام خمینی (ره) که تشنگی جوانان را از معارف قرآن سیراب می کرد، افزود: عابدزاده نیز چنین حرکتی را انجام می داد و امیدوارم این تکیه در عالمان دین کمرنگ نشود که اگر این اتفاق بیافتد با تهدیداتی در آینده روبه رو خواهیم بود.

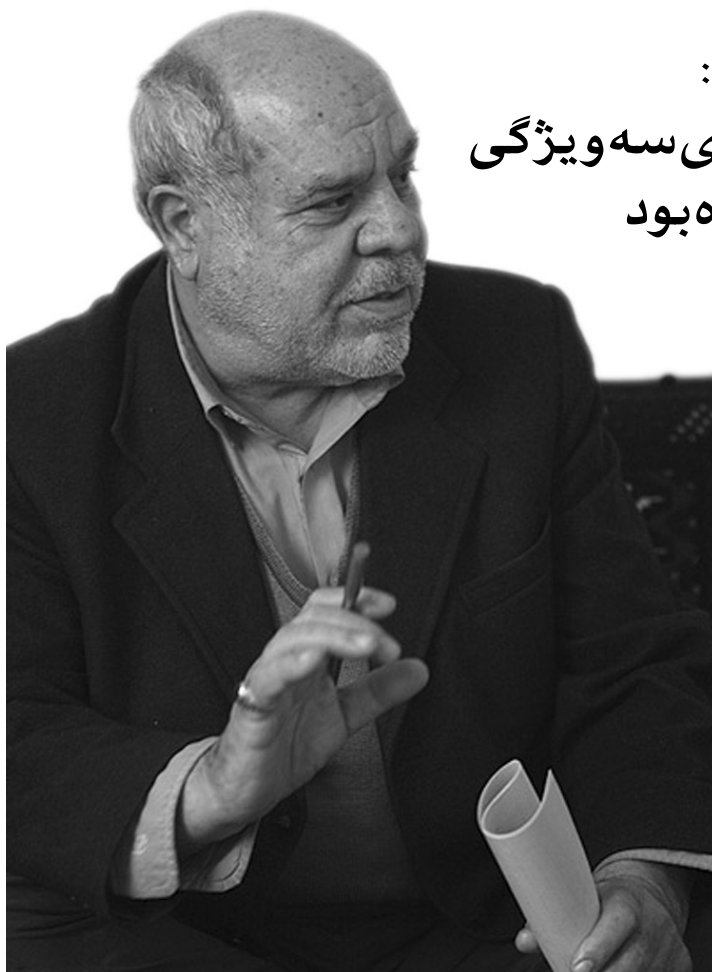
رئیس هیئت امناء انجمن پیروان قرآن به آیه «و رتل القرآن ترتیلا» اشاره و اظهار کرد: عابدزاده همانطور که قرآن را تلاوت می کرد حق آن را هم به جا می آورد و در یک جمله او مرد خدا، کوشا و موفق بود و خدا هم دست او را گرفت.

حجت الاسلام نوراللهیان بیان کرد: گفته های ناگفته از مرحوم عابدزاده بسیار است که کار ارزنده شما می تواند مقدمه ای برای پایان نامه ها، فیلم و مستندهایی در این زمینه باشد که در داخل و خارج ایران تأثیر الگویی دارد و یک جهت دهی فکری برای دیگران ایجاد کند.

رئیس هیئت امناء انجمن پیروان قرآن در پایان گفت: مرحوم عابدزاده یک شخصیت استثنایی بود و از خدا می خواهم هر لحظه اجر او را افزون کند و بر رهروان او توفیق بدهد که مثل او غیور باشند.

حجت الاسلام نوراللهیان:

حرکت قرآنی عابدزاده یک منظومه بود که در آن به ظواهر کارهای قرآنی کمتر از عمق و حقیقت قرآن توجه می شد، وی تمام وقت، جسم، عشق، جوانی و وجودش را برای تربیت نسلی معتقد صرف کرد.



شاگرد مرحوم عابدزاده:

دقت نظر، شکیبایی و مردم داری سه ویژگی اخلاقی مرحوم عابدزاده بود

گروه فعالیت های قرآنی: دقت نظر، شکیبایی، مردم داری، فراست و خدمت به جامعه از جمله ویژگی های برجسته اخلاقی است که در وجود مرحوم عابدزاده متجلی بود.



بدون تردید حاج علی اصغر عابدزاده، از موفق ترین اساتید در حوزه تعلیم و تعلم جوانان مشهد در قرن اخیر بوده است و خدمات ارزنده ای را در عرصه های علمی، اخلاقی، تعمیق تعالیم قرآنی و دینی در شهر مشهد انجام داده است؛ وی با دقت نظر، شکیبایی مردم داری، فراست و خدمت به جامعه اسلامی خدماتی ستودنی به مردم این شهر ارائه داد. عبارات فوق بخشی از سخنان «محمد رضا ملکی» مدیرعامل انجمن پیروان قرآن و از شاگردان و دوستان مرحوم عابدزاده است که در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) اظهار کرده است. وی درباره منش و مرام مرحوم عابدزاده می افزاید: از خصوصیات ویژه مرحوم عابدزاده آن بود که کارهای جنبی که انجام می داد هیچ یک را حتی به نام انجمن پیروان قرآن که خود مؤسس آن بود، ثبت نمی کرد، ایشان اگر کاری را برای کمک به زلزله زدگان انجام می دادند، هم نامی بر آن نمی گذاشتند و تمام تلاش خود را در این خصوص به کار می گرفتند و با توجه به اینکه در این مراسم همراهانی را نیز داشتند، ولی کوتاهی نمی کردند و خود نیز تمام توان خود را در این زمینه به کار می گرفتند.

شاگرد مرحوم عابدزاده:

ایشان اگر کاری را برای کمک به زلزله زدگان انجام می دادند، هم نامی بر آن نمی گذاشتند و تمام تلاش خود را در این خصوص به کار می گرفتند

که بدون اغراق روحانیون برجسته و عجیبی هم می شدند؛ چرا که پرورش یافته قدرت و مدیریت حاجی بودند. این شاگردان ذهن بازی داشتند که از این میان می توان از حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی (امام جمعه مشهد) از شاگردان عسگریه، مرحوم مروی، مشاور عالی رئیس قوه قضائیه (شاگرد عسگریه) حجت الاسلام والمسلمین نوراللهیان، رئیس سازمان مدارس و حوزه های علمیه خارج از کشور (از شاگردان جوادیه) نام برد. بطور کلی شاگردان او هر کدام مشغول هر شغلی که بودند، از افراد برجسته و سرشناس و مورد اعتماد می شدند.

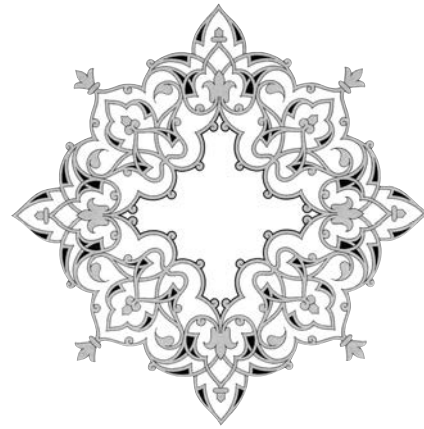
ملکی در پایان از فعالیت های سیاسی حاج علی اصغر عابدزاده سخن به میان آورد و یاد آور شد: حاجی عابدزاده نیازی به فعالیت سیاسی نداشت و وقتی وارد صحنه ای می شد، دیگران هم به صورت دار و دسته و زنجیروار به دنبال ایشان به راه می افتادند و نیازی به اعلام حضور عمومی برای آنان نداشتند.

وی به خدماتی که مرحوم عابدزاده به جامعه انجام داده اشاره و بیان کرد: حاج علی اصغر عابدزاده، مسجدی را در روستای نریمانی که نیمی سنی و نیمی شیعه هستند ساختند و آن را به نام روستای نریمان نامگذاری کردند و باز هم حتی نامی از انجمن پیروان قرآن نبردند؛ استاد عابدزاده تنها به دلیل تفهیم و تعمیق دین در جامعه به هیچ معیار فرقه گرایانه ای توجه نمی کرد و خدمات خود را ارائه می داد؛ ایشان حسینیه ای را نیز در کربلا به همت مردم مشهد ساخته و تأسیس کردند و آن را به نام حسینیه خراسانی ها نام نهادند و به کارها جنبه عمومی می دادند.

وی به خرید زمین مهدیه اشاره کرد و گفت: مرحوم عابدزاده از پول شخصی خود این بنا را ساخت و بعد از آن با کمک های مردمی بنای عسگریه و دیگر بناها ساخته شد، چرا که تا آن زمان مردم آشنایی چندانی با برنامه های مرحوم عابدزاده و شخصیت وی نداشتند.

این شاگرد حاج علی اصغر عابدزاده در ادامه، شیوه تعلیم و تعلم دروس مرحوم عابدزاده را مورد بررسی قرار داد و گفت: شاگردان مدارس حاجی، پس از اتمام کلاس ششم از این مدارس خارج می شدند چرا که بیش از کلاس ششم در این مدارس تدریس نمی شد؛ از بین این شاگردان عده ای به حوزه علمیه می رفتند

نماینده تهران: مرحوم عابدزاده هرگز برای تبلیغ مزد نمی گرفت



ایشان بود.

گروه فعالیت های قرآنی: عابدزاده سخن پیامبر (ص) را مبنی بر اینکه «من برای تبلیغ خودم اجری مطالبه نمی کنم» در عمل اجرا کرد و هرگز برای تبلیغ بهره مادی نمی خواست و به همین دلیل هم مردم از فعالیت های ایشان استقبال می کردند.

■ ■ ■

مخالفت عابدزاده با دروس آموزشی رژیم گذشته نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به کتاب های متفاوتی که در مدارس احدائی توسط آقای عابدزاده تدریس می شد، اشاره و اظهار کرد: وی زیر بار این موضوع که مدرسه ها زیر پوشش آموزش و پرورش برود، نرفت و متون جداگانه با مدارس را به دانش آموزان تعلیم می داد و در پایان دوره شش ساله ابتدایی، دانش آموزان در یک آزمون شرکت می کردند و مدرک پایان دوره ابتدایی را دریافت می کردند.

وی با اشاره به عدم وجود و انتقال پیام های مورد نظر رژیم پهلوی در کتب و متون درسی مدارس ساخته شده توسط عابدزاده تصریح کرد: مهمترین مقوله در آموزش، متون مورد استفاده در مدارس بود که عمده این مطالب توسط شخصیت های علمی و فرهنگی تهیه شده بود، همچنین مرحوم عابدزاده از معلمان مسلمان، متعهد و مقید که بر شخصیت دانش آموزان تأثیرگذار بودند برای تدریس بهره می گرفت و همواره بر رفتار معلمان نظارت داشت و در صورت لغزش، مسئله را با بیان و صحبت مرتفع می کرد و در صورت عدم اصلاح مشکل با برخورد قاطع و تا حد اخراج نیز پیش می رفت.

وی قرائت قرآن در هر روز صبح را از ویژگی های مدارس مرحوم عابدزاده برشمرد و افزود: ایشان محیط با طراوتی را به واسطه نقش دهی به دانش آموزان فراهم کرده بود.

نماینده مردم تهران به تفاوت بین نوع تدریس در مدارس مرحوم عابدزاده و دیگر مدارس اشاره و اظهار کرد: حتی عناوین درس انشاء که در این مدارس آموزش داده می شد حاوی پیام های اخلاقی و تربیتی بود، دعای اول صبح به صورت روزانه سر صف قرائت می شد که در مدارس دیگر مرسوم نبود و تمام این فعالیت ها توسط خود دانش آموزان انجام می شد و به این واسطه آن ها مسئولیت پذیری را یاد می گرفتند؛ دانش آموزان به صورت فردی یا گروهی در محافل به فعالیت می پرداختند و ادای دکلمه، مقاله و برگزاری مسابقه، اجرای سرودهای مذهبی و قرائت قرآن و خواندن مقاله های

حجت الاسلام والمسلمین «غلامرضا مصباحی مقدم» نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب، آشنایی خود با مرحوم عابدزاده را از سال ۱۳۳۷ که در مدرسه مهدیه و عسگریه به تحصیل دوران شش ساله ابتدایی اشتغال داشته است، عنوان و اظهار کرد: ایشان اشراف و تسلط کاملی بر جریان فعالیت مدارس داشت، معلمان را تحت مراقبت قرار می داد و مکرراً بر آن ها سرکشی می کرد.

استاد دانشگاه امام صادق (ع) با اشاره به اینکه مرحوم عابدزاده در مناسبت های مختلف اعیاد و وفیات، مراسم مختلف برگزار می کرد، افزود: به مناسبت نیمه شعبان در مدرسه مهدیه آذین بندی مفصلی انجام می داد که گاهی آن برنامه یک تا دو ماه به طول می انجامید و جمعیت زیادی را به این برنامه جذب می کرد و از علمای به نام نیز برای حضور در این برنامه ها دعوت می کرد و آن ها هم استقبال می کردند.

حجت الاسلام مصباحی مقدم به حضور آیت الله «میلانی» بزرگ ترین شخصیت علمی و روحانی آن زمان در مشهد، آیت الله «حسین قمی»، آیت الله سید «علی علم الهدی» به محافل و برنامه های ترتیب داده شده توسط عابدزاده اشاره کرد و گفت: ایشان یک تشکلی به نام «پیروان قرآن» ترتیب داده بود که کارهای فرهنگی مانند ساخت مدارس را برعهده داشتند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در پاسخ به این پرسش که شیوه آموزشی در مدارس و بناهای ساخته شده توسط مرحوم عابدزاده چه ویژگی هایی داشت، تأکید کرد: ایشان ۱۲ مدرسه بنیان گذاشت و تربیت فرزندان خانواده های مومن را به صورت متفاوت از تربیتی که در آموزش و پرورش انجام می شد، بر عهده گرفته و تربیت افراد معتقد و دین باور از اهداف

شکوه اتحاد در میان دانش آموزان مدارس حاجی

وی به نما و منظره زیبایی که از این راه پیمایی به وجود می آمد و نمایانگر انسجام و اتحاد بود اشاره کرد و گفت: بچه ها به نوبت در مسجد گوهرشاد به قرائت قرآن می پرداختند که این امر وجد غیر قابل توصیفی را در آن ها به وجود می آورد.

نماینده مردم تهران در ادامه تأکید کرد: ایشان یک آدم متفکر و مبتکر بود. وی با این که تحصیلات بالایی نداشت ولی بسیار با تقوا و دلسوز بود و همین امر موجب شده بود که خداوند به او عنایت ویژه ای داشته باشد و راه را پیش او قرار دهد. ایشان از راه فعالیت های فرهنگی امرار معاش نداشت و ممر معاش او از حلبی سازی و آئینه کاری بود.

حجت الاسلام مصباحی مقدم به بیانی از پیامبر اکرم (ص) مبنی بر اینکه «من برای تبلیغ خودم اجری مطالبه نمی کنم» اشاره و تأکید کرد: عابدزاده این سخن پیامبر (ص) را در عمل اجرا کرد و هنگامی که مردم ببینند فردی با تمام وجود کار می کند و بهره مادی نیز نمی خواهد از او استقبال می کنند. وی گردهم آوردن متدینان و علمای مشهد را در مجمع پیروان قرآن نمایانگر جاذبه و توانایی مرحوم عابدزاده اعلام و بیان کرد: جلسات و گفت و گوهای این محافل نیز یکی از عوامل ایجاد موفقیت وی بود و به طور عمده تمامی این برنامه ها محصول ابتکار ایشان بود.

نماینده مردم تهران در مجلس در جواب به این سؤال که ویژگی های شخصیتی استاد عابدزاده را چگونه توصیف می کنید، تأکید کرد: ایشان فرد قاطعی بود و وقتی به تصمیم درست می رسید قاطعانه عمل می کرد، متواضع بود و خیلی خاکی برخورد می کرد با اینکه در وضعیت مالی خوبی به سر می برد زندگی بسیار ساده ای داشت.

تاسیس ۱۲ بنا توسط عابدزاده

وی در پاسخ به این پرسش که میزان تأثیرگذاری فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مرحوم عابدزاده در عصر و محدوده جغرافیایی خود تا چه حدی بود، بیان کرد: تأسیس ۱۴ مدرسه در جای جای شهر مشهد خود نمایانگر تحت تأثیر بودن تمام مردم شهر از ایشان است، همچنین ایشان در زمان رژیم شاه در سطح شهر مشهد جزء نخستین افراد تأثیرگذار به لحاظ فرهنگی بود.

حجت الاسلام مصباحی مقدم با اشاره به نقش افراد دیگری مثل مرحوم محمدتقی شریعتی با راه اندازی کانون نشر حقایق دینی، افزود: مرحوم «فخرالدین حجازی» با ایراد سخنرانی و مرحوم «تدین» با ساختن مدرسه تعلیمات دینی افراد موثری بودند، اما نقش اول را در فعالیت های فرهنگی به ویژه دینی مرحوم عابدزاده برعهده داشت.

این نماینده مجلس به بازداشت ایشان از طرف ساواک در زندان قزل قلعه تهران و منتسب کردن ایشان به خارج از کشور اشاره و عنوان کرد: مدت بازداشت ایشان در خاطر نیست ولی بعد از آزادی از ایشان پرسیدند از شما چه می خواستند و او پاسخ داد: از اهداف من در تشکیل و راه اندازی مدارس و همچنین منابع تأمین بودجه می پرسیدند.



منتخب در جمع چند هزار نفری به بچه ها احساس شخصیت می داد. وی به برنامه های ویژه ماه مبارک رمضان در این مدارس اشاره و اظهار کرد:

حجت الاسلام مصباحی مقدم:

ایشان فرد قاطعی بود و وقتی به تصمیم درست می رسید قاطعانه عمل می کرد، متواضع بود و خیلی خاکی برخورد می کرد با این که در وضعیت مالی خوبی به سر می برد زندگی بسیار ساده ای داشت

هر سال در ماه مبارک رمضان دانش آموزان به صورت دسته جمعی از تمام مدارس با پای پیاده به سمت مسجد گوهرشاد می رفتند و در آن مکان گردهم می آمدند.

کرد؛ در ابتدا یک حزب از قرآن را می خواند و در طول این سه ساعت با چنان لحنی صحبت می کرد که مردم جذب می شدند و به اصطلاح همه میخکوب بودند، کسی خسته نمی شد و تا پایان گوش می کردند.

حجت الاسلام مصباحی مقدم در ادامه به پایگاه مردمی وسیع عابدزاده اشاره کرد و افزود: گاهی در منبر خودش را مخاطب قرار می داد و می گفت: علی اصغر حلبی ساز خودت را گم نکنی و با این کار هم نهبی به خود می زد و هم به حامیانش درس می داد.

وی در پاسخ به این سؤال که چگونه می توانیم در نظام آموزشی کشور چنین انسان هایی تربیت کنیم، به مدیریت افراد موثر اشاره و بیان کرد: آیت الله مجتهدی به رحمت خدا رفت، وی در طول ۵۰ سال دوره فعالیت، نقش آفرینی موثری در تربیت طلاب داشت همچنین اثر وجودی او از نظر اخلاقی بارزتر بود و تأثیر بسزایی روی افراد داشت، همچنین آیت الله مهدوی کنی با چنین شخصیتی وقتی با دانشجویان برخورد دارد تأثیر شگرفی بر آن ها دارد و این چنین برخوردهایی در تربیت افراد مخلص تأثیر دارد.

معلمان و مدیران شایسته باید عهده دار نظام آموزشی کشور شوند
حجت الاسلام مصباحی مقدم افزود: چنین شخصیت هایی باید مدیریت مدارس ما را بر عهده بگیرند، همچنین رهبری و هدایت در سازمان آموزش و پرورش و آموزش عالی نیز باید توسط چنین افرادی باشد و آن چه مهمتر است، مدیریت مستقیم در جامعه ما است.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به خاطره ای از دوران ابتدایی و نقش معلم در زندگی خود اشاره و بیان کرد: معلم ریاضی ما در مقطع ابتدایی بسیار انسان وارسته و خوش اخلاقی بود اما در مکان هایی که دانش آموزان حضور نداشتند، سیگار می کشید. در پایان دوره ابتدایی موقع خدا حافظی خطاب به ما گفت: من به واسطه این که معلم شما بودم حقی به شما پیدا کردم و به این دلیل نکته ای را به شما به عنوان نصیحت گوشزد می کنم، من سیگار می کشم و اشتباه کردم، شما این کار را نکنید.

وی با اشاره به رعایت کردن موارد تربیتی در مدارس مرحوم عابدزاده، گفت: شاید شما باور نکنید ولی این عامل باعث شد من در تمام طول عمرم لب به سیگار نزنم و تعارف های دیگران در این زمینه را به واسطه آن حرف مطلقاً نپذیرم، رفتار و اخلاق و نوع برخورد معلم روی دانش آموز بسیار موثر است.

وی در پایان نقش معلم را بعد از خانواده در اولویت خواند و گفت: گاهی این نقش بر نقش اول نیز غلبه دارد و اگر معلمان از نظر شخصیت، والا، باعزت نفس، تهذیب شده و دلسوز باشند حتماً روی دانش آموزان و شیوه تربیت آن ها تأثیر فوق العاده ای خواهند داشت، زیرا منش معلم روی دانش آموزان بسیار موثر است و البته هر چه نوع آموزش غیرمستقیم تر باشد کارآمدتر خواهد بود.

وی به عدم ذکر اسم عابدزاده در تمام مجموعه های احداثی اشاره و عنوان کرد: در همان زمان هم به صورت رسمی هیچ اسمی از خود در بناها به جای نگذاشت و تنها به عنوان انجمن پیروان قرآن مطرح بود.

حجت الاسلام مصباحی مقدم با اشاره به ساده زیستی فوق العاده مرحوم عابدزاده گفت: زندگی او بدون تشریفات بود و از درآمد شخصی خود برای کارهای فرهنگی استفاده می کرد و هر چه داشت در طبق اخلاص می گذاشت، همچنین همت بلند از ویژگی های غیرقابل انکار ایشان است که در هنگام بنیان گذاشتن مهدیه گفت: از این جا شروع می کنم و به نام ۱۴ معصوم پیش خواهم رفت، بنابراین از اول همت بلند داشت.

مدیریت شایسته، ویژگی بارز عابدزاده

نماینده مردم تهران ساختمان های محکم، بزرگ و نمونه و با گنجایش زیاد را از دیگر نشانه های همت بلند او دانست و گفت: این امر بسیار جالب است که حتی مدتی هم که ایشان به واسطه فعالیت های سیاسی در زندان بودند، امور را به گونه ای سامان داده بودند که خللی در کارها به وجود نیاید و بر طبق روال پیش رود. ایشان از نظر عاطفی هم فوق العاده بودند و دانش آموزان را بچه های خود خطاب می کرد و به آنان شخصیت می داد و اگر فردی با بچه ها با خشونت رفتار می کرد، متعاقباً ایشان هم با او به خشونت رفتار می کرد.

حجت الاسلام مصباحی مقدم در ادامه به بیان خاطره ای در زمینه عطف و مهریابی مرحوم عابدزاده در قبال بچه ها پرداخت و افزود: ایشان به طور سرزده به مدارس رفت و آمد داشت، روزی سر صف مدیری را دید که بچه ها را با چوب و فلک تنبیه می کرد، این مرد با این که سن و سالی از او گذشته بود چنان چوب و فلک را پرتاب کرد که به پشت بام طبقه دوم انداخته شد.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به این موضوع که مرحوم عابدزاده راه تربیت را برخورد خشن نمی دانست، اظهار کرد: ایشان آن مدیر را توسط معلمان با چوب و فلک تنبیه و او را اخراج کرد، البته آن مدیر با دادن تعهد و وساطت به مدرسه بازگشت و تعهد داد با بچه ها با خشونت رفتار نکند.

حجت الاسلام مصباحی مقدم گفت: عابدزاده روحیه مقاومت بالایی در مقابل رژیم شاه داشت در حالیکه از او خواسته بودند مدارسش را تحت نظر آموزش و پرورش قرار دهد، قبول نکرد و حتی از این که مدرک تحصیلی دانش آموزان را آموزش و پرورش صادر کند نیز زیر بار نرفت.

وی با اشاره به حمایت شدید علمای آن دوره از عابدزاده به سخنرانی های پر حرارت وی اشاره و اظهار کرد: گاه روی منبر سه ساعت سخنرانی می کرد؛ در ابتدا یک حزب از قرآن را می خواند و در طول این سه ساعت با چنان لحنی صحبت می کرد که مردم جذب می شدند و به اصطلاح همه میخکوب بودند، کسی خسته نمی شد و تا پایان گوش می کردند.

وی با اشاره به حمایت شدید علمای آن دوره از عابدزاده به سخنرانی های پر حرارت وی اشاره و اظهار کرد: گاه روی منبر سه ساعت سخنرانی می



عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم:

عابدزاده جلسات قرآن را در فضایی برگزار می کرد که قرآن غریب بود

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم عابدزاده در فضا و شرایطی که قرآن غریب بود جلسات و محافل قرآنی را برگزار می کرد و سعی در جذب افراد در این زمینه داشت.

حجت الاسلام والمسلمین سید «ابوالفضل موسویان» عضو هیئت علمی دانشگاه مفید و از شاگردان مرحوم عابدزاده در گفت و گو با خیرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب اظهار کرد: ایشان در طول سال کلاس های قرآن را به صورت مداوم در مدرسه مهدیه برگزار و از بهترین قاریان استفاده می کرد تا افراد را به قرائت و تلاوت قرآن تشویق کند.

■ ■ ■

حجت الاسلام موسویان با اشاره به تحصیل خود از سال ۴۱ تا ۴۷ در مدرسه نقویه، گفت: در گذشته مدارس مختلط بود و عمدتاً از خانم های غیرمحبوبه به عنوان معلم استفاده می شد به همین منظور افراد مذهبی فرزندان خود را به این مدارس نمی فرستادند، بنابراین مکتب هایی در مشهد بود که بچه ها برای تحصیل به آنجا می رفتند که به سبک و سیاق قدیمی برگزار می شد.

وی تصریح کرد: در مکتب ها کمتر به مسائل علمی توجه می شد ولی حاجی عابدزاده مدارس خود را به سبک جدید تأسیس و در تمام نقاط شهر مشهد ۱۴ بنا به نام ۱۴ معصوم (علویه، حسینی، حسینی، باقریه، سجادیه و...) بنا کرد که ارائه مطالب علمی از برنامه های این مدارس بود.

این عضو هیئت علمی دانشگاه مفید بیان کرد: من در ابتدای تحصیل به دارالتعلیم رفتم که به سبک قدیم اداره می شد و دو ماه در آن جا تحصیل کردم اما به علت سختگیری های موجود تحمل نکردم و از مدرسه فرار کردم، هنگامی که پدرم متوجه شد مرا به مدرسه نقویه فرستاد و دیدم که این مدرسه با این که دینی است با دارالتعلیم بسیار متفاوت است.

حجت الاسلام موسویان به اهمیت درس هایی مانند: احکام، قرآن در این مدارس اشاره و اظهار کرد: آموزش سیاق هم که نوعی نگارش خاص عددی بود به همراه خوشنویسی از دیگر مطالب مورد آموزش ما بود که با مدارس سنتی قدیمی و مدارس دولتی بسیار متفاوت بود.

وی با اشاره به برگزاری مراسم طی ماه مبارک رمضان در مسجد گوهرشاد، گفت: مرحوم عابدزاده در ماه مبارک رمضان از همه مدارس، بچه ها را جمع می کردند که در مسجد گوهرشاد قرائت قرآن داشته باشند و این حضور در داخل شهر

انعکاس جالبی داشت و خیلی از بچه های مدارس دولتی هم راغب به حضور در مدارس مامی شدند و این کار در ترویج تفکر و اندیشه اسلامی بسیار موثر بود. این عضو هیئت علمی دانشگاه مفید به اعطاء جایزه و تشویق از سوی حاجی عابدزاده به دانش آموزان اشاره و عنوان کرد: ایشان بعد از پایان جلسات قرائت قرآن، از افرادی که در این امر اهتمام زیادی داشتند قدردانی می کرد.

حجت الاسلام موسویان مراسم نیمه شعبان را که شب ها در مهدیه برگزار می شد بسیار باشکوه قلمداد کرد و افزود: گروه های سرود مدارس هر کدام به نوبت برنامه خود را اجرا می کردند و جمعیت آن قدر زیاد بود که افراد حتماً باید با کارت دعوت وارد مراسم می شدند.

وی با اشاره به خلوص نیت مرحوم عابدزاده بیان کرد: حاجی عابدزاده در

برگزاری همین مراسم گاهی خود برای مهمانان چای می ریخت و از آنان پذیرایی می کرد در حالیکه افراد زیادی برای انجام این کارها حضور داشتند، در سال ۴۷ نیز در کربلا ایشان را دیدم که در کنار دیگ غذا ایستاده بود و به مردم غذا می داد و اصلاً چیزی به عنوان غرور در وجود او به چشم نمی خورد.

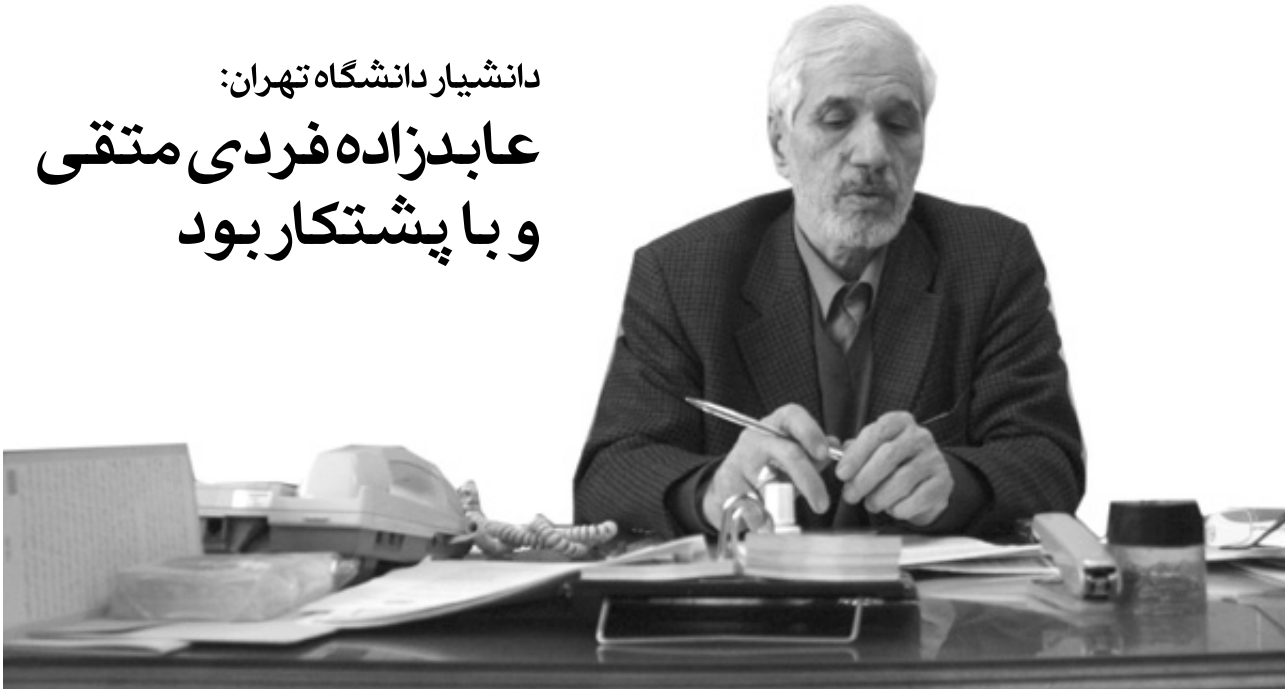
این شاگرد مرحوم عابدزاده در پایان تأکید

کرد: یکی از مواردی که بعدها درباره مرحوم عابدزاده متوجه شدم عملکرد زیرکانه ایشان درباره مدارس بود، ایشان برای هر مدرسه هیئت امناء تشکیل داده بود تا مدارس دارای مالک شخصی نباشند.

حجت الاسلام موسویان:

یکی از مواردی که بعدها درباره مرحوم عابدزاده متوجه شدم عملکرد زیرکانه ایشان درباره مدارس بود، ایشان برای هر مدرسه هیئت امناء تشکیل داده بود تا مدارس دارای مالک شخصی نباشد

دانشیار دانشگاه تهران: عابدزاده فردی متقی و با پشتکار بود



در ادامه تصریح کرد: مرحوم عابدزاده فردی پر جوش و خروش، مومن و سخت گیر بود، حتی از کوچک ترین خطای فردی که با ایشان همکاری داشت اغماض و چشم پوشی نمی کرد و برخوردی بسیار قاطع با فرد خاطی می کرد. از ویژگی های دیگر ایشان این بود که نسبت به تجدد بسیار بدبین بود و مردم را تشویق می کرد فرزندان نشان را به جای مدارس دولتی در مدارس ایشان ثبت نام کنند تا با علوم قرآنی آشنا و از انحراف های موجود در جامعه دور شوند.

دانشیار دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در ادامه گفت: حاجی عابدزاده از نفوذ کلام بالایی برخوردار بود، گفتارش در مردم عادی بسیار تاثیرگذار بود. او در سازندگی نیز ید طولانی داشت به طور مثال اگر حادثه ای رخ می داد سریعاً با کمک افراد نیکوکار و داوطلب سازماندهی می کرد و به کمک آسیب دیدگان می شتافت، حاجی عابدزاده فردی بسیار تأثیرگذار بود و با کمک قشر بازاری که سخت به ایشان معتقد بودند مجالس عزاداری و مانند آن برپا می کرد؛ به نظر من حاجی عابدزاده بینانگذار مجالس دعاهای کمیل و ندبه در کشور است و اگر هم مجلسی در این باره، در آن زمان در کشور برپا می شد به باشکوهی و پربراری این مجالس نبود. برنامه ها و فعالیت های سیاسی ایشان علیه دولت بسیار کم رنگ بود چرا که ظاهراً پس از یک دوره فعالیت سیاسی و زندان رفتن ترجیح داده بود به فعالیت های فرهنگی بپردازد.

فدایی تاکید کرد: مرحوم عابدزاده معتقد بود که فعالیت های سیاسی، او را از اهدافش دور می کند البته دستگاه حکومتی هم جهت برگزاری مجالس

گروه فعالیت های قرآنی؛ دانشیار دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران گفت: مرحوم عابدزاده در اجرای امور قرآنی با پشتکار و خستگی ناپذیر بود و علاقه فراوانی به آشنا کردن دانش آموزان با تعالیم دینی و قرآنی داشت.

■ ■ ■

بعد از ظهر یک روز سرد زمستانی در دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران فرصتی دست داد تا دکتر فدایی دقایقی درباره مرحوم عابدزاده برایمان سخن بگوید.

دکتر «غلامرضا فدایی» دانشیار و مدیر گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است، وی تدریس در مدارس مرحوم عابدزاده را که در زمان رژیم گذشته به نوبه خود مدارس موفق بود، از بهترین و پربارترین دوران زندگی خود می داند و به نیکی از آن یاد می کند و با گرامی داشت یاد و خاطره آن مرحوم اظهار می کند: مرحوم عابدزاده فردی متقی، پرهیزگار، با پشتکار، خستگی ناپذیر و قانع بود، حاجی عابدزاده با زحمتی که می کشید و درآمدی که از طریق کارگاه شیشه بری داشت علاوه بر تامین مخارج زندگی خود به دیگران هم کمک های مالی می کرد و یا به نوعی در راه خدا صرف می کرد. او بسیار علاقه مند به تربیت کودکان و نوجوانان و آشنا کردن آن ها با تعالیم قرآنی بود، اهل مطالعه بود و نسبت به اعتقاداتش پای بند و در راه رسیدن به اهدافش بسیار قاطع بود و وقتی راجع به موضوعی تصمیمی می گرفت حتماً آن را عملی می ساخت، ایشان فردی زاهد بود و از بنیه و توان جسمی بالایی نیز برخوردار بود. وی

کرد، افرادی که در مدارس مرحوم عابدزاده به عنوان معلم فعالیت می کردند باید در جلساتی نظیر دعای ندبه، کمیل و غیره و تمام مراسم مختلف دینی و قرآنی این مدارس حضور می یافتند و یکی از برنامه های مهم حاجی عابدزاده برپایی مراسم چراغانی باشکوه به مناسبت سال روز تولد امام زمان (عج) بود که بالطبع تمام معلمان و دانش آموزان مدارس حاجی عابدزاده در برنامه های جنبی مدارس به ویژه این جشن حضور و فعالیت داشتند.

وی تصریح کرد: معلمان آن زمان در این مدارس دارای مدارک تحصیلی بالایی نبودند (البته بعضی ها مدرک حوزوی داشتند) تنها معلمی که تا مقطع دیپلم تحصیل و گواهینامه دیپلم داشت، من بودم، حاجی عابدزاده تصمیم گرفته بود که به نیت چهارده معصوم (ع)، مدارس چهارده گانه ای جهت ارائه درس های دینی و قرآنی تأسیس کند که خوشبختانه تا حدودی در احداث و راه اندازی این بناها موفق شد و البته در این مدارس علاوه بر درس دینی و قرآنی دروسی دیگر مانند مدارس دولتی به دانش آموزان ارائه می شد.

فدایی در ادامه گفت: هیئت مدیره مدارس از کسبه و بازاریان آن زمان مشهود بودند و در رأس این مسئولان حاجی عابدزاده قرار داشت، بعد از دو سال اشتغال در مدرسه عسگریه به تشخیص آن ها و شاید خود مرحوم عابدزاده به مدرسه کاظمیه واقع در بالا خیابان مشهد منتقل شدم و تدریس دروس کلاس های چهارم و پنجم ابتدایی را به من واگذار کردند.

وی یادآور شد: اعتقاد مرحوم عابدزاده این بود که برای دانش آموزان این مدارس، تحصیل تا مقطع پنجم ابتدایی کافی است. او می گفت: «دانش آموزان درس های دینی و قرآنی را باید در این دوره فرا گیرند و پایه های دینی و قرآنی خود را محکم کنند و پس از

دریافت مدرک مقطع ابتدایی این مدارس نیازی به فراگیری درس های مقاطع تحصیلی بالاتر ندارند. آنها به جای حضور در مدارس دولتی قبل از انقلاب باید به دنبال کسب و کار باشند.» به همین دلیل اولیای دانش آموزان را از ثبت نام فرزندانشان در مدارس دولتی منع می کرد.

فدایی در ادامه گفت: اکثر این اولیاء به حضور حاجی عابدزاده آمده و از عشق و علاقه فرزندانشان به ادامه تحصیل با او صحبت می کردند ولی مرحوم عابدزاده همین اندازه تحصیل را کافی می دانست و می گفت: «همین مقدار کفایت می کند چراکه دانش آموزان با تحصیل در مدارس دولتی به انحراف کشیده شده و از دین و قرآن نیز دور خواهند شد.»

فدایی در ادامه افزود: در این زمان من شاهد علاقه مندی دانش آموزان و اولیای آنان به ادامه تحصیل بودم و بارها از ادامه تحصیل آنان با وی چه به

قرآنی و دینی وی مانع و مزاحمت جدی ایجاد نمی کرد. در برنامه هایی که توسط مرحوم عابدزاده ارائه می شد جریان مبارزات ضد رژیم پهلوی گنجانده نشده بود ولی کسانی هم که در بناهای ایشان تربیت می شدند به دولت آن زمان خوشبین نبودند البته ایشان به زعم خود از طریق آموزش تعلیمات دینی و قرآنی به دانش آموزان با دولت وقت مبارزه می کرد.

مدیر گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران یادآور شد: مرحوم عابدزاده اگر چه مخالف رژیم بود ولی مبارزه فرهنگی و آموزش مباحث قرآنی و دینی به دانش آموزان را بهترین راه مبارزه با رژیم می دانست بنابراین مبارزه علنی و سیاسی را نمی پسندید چرا که برای فعالیت مطلوب و شایسته در امور قرآنی و دینی نیازمند آرامش بود.

فدایی درباره نحوه آشنایی خود با مرحوم عابدزاده اشاره کرد: آشنایی من با مدارس و انجمن پیروان قرآن از بناهای مرحوم حاجی عابدزاده به سال ۱۳۴۲ زمانی که دیپلم گرفتم باز می گردد. در آن زمان که اوج خفقان ایجاد شده توسط رژیم بود تازه من دیپلم گرفته بودم و قرار بود به خدمت سربازی اعزام شوم. ولی با توصیه و تحریک پدرم که فردی روحانی بود مرا از رفتن به سپاه دانش باز داشت و به اصرار ایشان و بعضی از اهالی محل به مدرسه

عسگریه که یکی از مدارس مرحوم عابدزاده و نزدیک منزل ما بود هدایت شدم، پدرم تمایلی به حضور من در سپاه دانش و خدمت در دولت وقت نداشت وی مدام مرا به فعالیت های دینی و مذهبی ترغیب می کرد که این مطلب هم مصادف با دستگیری امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۴۲ در قم و آیت الله «قمی» از شخصیت های برجسته قرآنی در مسجد گوهرشاد مشهد بود و همین امر تشنج و

التهایی فوق العاده در جامعه مذهبی آن زمان به وجود آورده بود و اختلاف بیشتری نیز بین روحانیت و دولت را در پی داشت و خفقان هم در جامعه شدت گرفت و این سال همزمان با فارغ التحصیلی و دریافت مدرک دیپلم من بود، در آن زمان شیوه اداره مدرسه به گونه ای بود که مرا مجذوب خود کرد و تصمیم گرفتم کار تدریس را در مدرسه عسگریه شروع کنم. همین مطلب موجب همکاری من با این مدرسه که دروس مقطع ابتدایی ارائه می کرد، شد و می توانم بگویم این دوران یکی از بهترین و پربارترین مراحل زندگیم بود. فدایی در ادامه افزود: دو سال بعد مرا به کاظمیه و سال بعد به مهدیه فرستادند تا دوره پیشرفته را اداره کنم. مهدیه منزل شخصی وی بود و آن را به نام امام زمان (عج) نامگذاری کرده بود و هر ساله در ایام ولادت امام زمان علیه السلام به مدت ده روز با چراغانی های مفصل در آن جا برنامه اجرا می

دکتر فدایی:

معلمان آن زمان در این مدارس دارای مدارک تحصیلی بالایی نبودند (البته بعضی ها مدرک حوزوی داشتند) تنها معلمی که تا مقطع دیپلم تحصیل و گواهینامه دیپلم داشت، من بودم، حاجی عابدزاده تصمیم گرفته بود که به نیت چهارده معصوم (ع)، مدارس چهارده گانه ای جهت ارائه درس های دینی و قرآنی تأسیس کند که خوشبختانه تا حدودی در احداث و راه اندازی این بناها موفق شد و البته در این مدارس علاوه بر دروس دینی و قرآنی دروسی دیگر مانند مدارس دولتی به دانش آموزان ارائه می شد



و پیشبرد امور این مدارس صرف می‌کرد شاید همین مطلب که ایشان خود اهل کسب و کار بود از دلایل عمده اصرار ایشان به اینکه دانش آموزان بعد از پایان تحصیلات ابتدایی در مدارس وی بهتر است که به کسب و کار بپردازند، همین باشد.

وی با اشاره به آیه شریفه «فلینظر الانسان الی طعامه» یاد آور شد: انسان باید نسبت به تهیه غذای ظاهری و باطنی خود دقت کند که از چه منبع و آبشخوری آن را می‌گیرد، تهیه روزی حلال شامل بسیاری از موارد نظیر اعتقاد به رفتار و عمل کردن بر اساس سنت پیامبر اکرم (ص)، حضور در اماکنی خوب و پرهیز از شرکت در برنامه‌های نادرست و مانند آن می‌شود و در این امور بسیار دشوار، فرد باید متکی بر اعتقادش باشد در واقع انتخابش در باره هر موردی بسیار مهم است.

فدایی در باره مدرسه پیشرفته مهدیه که نخستین بنای ساخته شده توسط مرحوم عابدزاده است، اظهار کرد: مدرسه پیشرفته مهدیه درست پشت منزل مرحوم عابدزاده و رو به روی باغ نادری مشهد مقدس تأسیس شده بود، مرحوم حاجی عابدزاده که فردی اهل مطالعه بود در این مدرسه کتابخانه بزرگ اختصاصی داشت و اغلب روزهای تعطیل به مطالعه می‌پرداخت، دایر شدن مدرسه پیشرفته مهدیه موجب شد تا دانش آموزان زبده مدارس چندگانه بتوانند به تحصیل ادامه

دهند و به سطوح بالایی در حوزه ودانشگاه دست یابند ولی متأسفانه راه اندازی مدرسه پیشرفته به دلیل اینکه تعریف درستی از نحوه اداره و پیشبرد اهداف آن نشده بود تعطیل شد.

فدایی یاد آور شد: حقوقی که حاجی عابدزاده به معلمان این مدارس می‌پرداخت بسیار اندک بود ولی مسئولیتی که برعهده آنها گذاشته می‌شد، خیلی زیاد بود، بارها نزد ایشان رفته و راجع به این

مطلب با او صحبت کردم و ایشان فقط مرادلداری می‌داد و می‌گفت: «زیاد سخت‌نگیر، فکر نمی‌کنم این‌طور باشد».

وی در ادامه گفت: حدود سه سال در مدرسه مهدیه مرحوم عابدزاده به فعالیت و خدمت پرداختم و شاید یکی از دلایل عمده ترک فعالیت از این مدرسه حقوق ناچیز و فعالیت شدید و زیاد باشد و بعضی از دوستانم که در مدرسه مهدیه همکارم بودند مرا تشویق به شرکت در آزمون دانشگاهی و اصرار به ادامه تحصیل در مقطع عالی می‌کردند.

فدایی با اشاره به پایبندی مرحوم عابدزاده به کسب مال حلال در باره اعتقاد

طور مستقیم و یا از طریق اولیای دانش آموزان این موضوع را مطرح می‌کردم و پیشنهاد ایجاد مقاطع بالاتر را با حاجی عابدزاده در میان می‌گذاشتم تا سرانجام توفیقی ضمنی دست داد و ایشان با همه سماجت و اصرار بر توقف آموزش در سطح ابتدایی متقاعد شده بود تا کلاسی در سطح بالاتر از ابتدایی دایر کند و این شاید فتح الفتوحی شده بود که او چنین تصمیمی گرفته بود، حاجی عابدزاده خیر تاسیس مدرسه پیشرفته برای دانش آموزان مدارس ابتدایی خود را پیشاپیش در مراسم دعای کمیل یا ندبه در مسجد گوهرشاد به اطلاع مردم رساند و موجب خوشحالی عده کثیری از دانش آموزان و اولیای آنان شد.

وی در ادامه افزود: حاجی عابدزاده با تشویق مردم و با جلب مشارکت آن‌ها مدرسه مهدیه (مدرسه پیشرفته) راه‌اندازی کرد و در نخستین سال این مدرسه پیشرفته حدود ۸۰،۹۰ نفر از دانش آموزان مستعد فارغ‌التحصیل مدارس ابتدایی وی به نام‌های عسگریه، جوادیه، کاظمیه، باقریه و مانند آن ثبت‌نام کردند و تنها معلمشان نیز من بودم، در سال اول همه دروس اعم از ادبیات، ریاضیات، عربی، قرآن و غیره را به تنهایی تدریس می‌کردم. او تدریس زبان انگلیسی را اجازه نمی‌داد. مهدیه چون منزل وی بود بنابراین او همیشه به طور مستقیم بر اداره این کلاس‌ها نظارت داشت و تا دو سال

بعد برگزاری آن کلاس‌ها دوام یافت و به دلیل وجود تعداد بالایی دانش آموزان و ورودی‌های جدید از دوستان و معلمان دیگر دعوت به همکاری کردم.

فدایی درباره نحوه راه‌اندازی مدارس توسط مرحوم عابدزاده یاد آور شد: مرحوم عابدزاده با نفوذ کلام و پشتکاری که داشت اقدام به ساخت مدارس چهارده‌گانه کرد و این مدارس را در محله‌های مختلف شهر احداث و با عنوان‌های «علویه، کاظمیه،

عسگریه، جوادیه، مهدیه و ...» راه‌اندازی کرد که فکر می‌کنم تا الان نیز تعدادی از آنها فعال هستند و این مدارس در زمان خود بسیار تأثیرگذار بودند و مردم مشهد حاجی عابدزاده را به عنوان فردی که به تربیت دینی و قرآنی خردسالان و کودکان علاقه‌مند بود، می‌شناختند.

دکتر فدایی در ادامه سخنان خود درباره اصرار عابدزاده به روی آوردن دانش آموزان بعد از دوران تحصیلات ابتدایی به فعالیت‌های اقتصادی، تصریح کرد: حاجی عابدزاده یک کارگاه شیشه‌بری داشت که به سرپرستی و اداره آن می‌پرداخت و از درآمد آن علاوه بر تأمین مخارج منزل، به ساخت

دکتر فدایی:

مرحوم عابدزاده معتقد بود که فعالیت‌های سیاسی، او را از اهدافش

دور می‌کند البته دستگاه حکومتی هم جهت برگزاری مجالس

قرآنی و دینی وی مانع و مزاحمت جدی ایجاد نمی‌کرد. در برنامه

هایی که توسط مرحوم عابدزاده ارائه می‌شد جریان مبارزات ضد

رژیم پهلوی گنجانده نشده بود ولی کسانی هم که در بناهای ایشان

تربیت می‌شدند به دولت آن زمان خوشبین نبودند البته ایشان به زعم

خود از طریق آموزش تعلیمات دینی و قرآنی به دانش آموزان با

دولت وقت مبارزه می‌کرد

انتظار تربیت افراد فرهیخته، متخصص و کارشناس به وسیله رسانه‌ها را داشت. وی در ادامه در اهمیت نقش رسانه‌ها گفت: رسانه‌ها به عنوان هدایت کننده نقش رهبری را به عهده دارند و می‌توانند در این زمینه به الگوسازی و شخصیت پروری پردازند در واقع رسانه‌ها باید قرآنی فکر و عمل کنند چرا که قرآن تمام برنامه‌ها و خطوط اصلی را ترسیم کرده و رسانه‌ها باید تحت رهبری رهبران فرهیخته افکار، رفتار و مسیر حرکت‌های خود را ارزیابی کنند و منتقدانی از اقشار مختلف دلسوزانه به انتقادات سازنده و نه گزنده پردازند و پی‌گیر اثرات آن نیز باشند.

فدایی افزود: به نظر من قرآن آن قدر صحنه‌ها، جلوه‌ها و دیالوگ‌های جالب و حساسی دارد که چه به صورت مستقیم مثل بعضی از فیلم‌هایی که درباره زندگی پیامبران است و چه به طور غیرمستقیم که می‌توان موارد عدیده‌ای را با الهام و الگو گرفتن از مفاهیم قرآنی، سناریوسازی کرد و برای جامعه در سطوح مختلف سنی فیلم ساخت و نمایشنامه درست کرد اما این به سه ویژگی اصلی نیاز دارد یک سواد قرآنی، دوم خلاقیت و هنرمندی و سوم شناخت دقیق جامعه مخاطب و زمانی که وی در آن زندگی می‌کند.

فدایی تأکید کرد: گاهی رسانه ملی اقدام به تهیه و پخش برنامه‌هایی که هیچ سودی ندارد، می‌کند یعنی فقط به طرح معضل می‌پردازد و دلیل عمده‌شان نیز مطرح کردن واقعیات است اما به نظر من بدون طرح راه حل فقط رفع تکلیف و یا سلب مسئولیت است. اخیراً تحلیل فیلم‌ها کار خوبی است که صورت می‌گیرد این کار باید خیلی پررنگ تر انجام شود. به نظرم

جوایزی که به تهیه فیلم داده می‌شود باید به نقادان فیلم‌ها هم داده شود و نقدهای سازنده‌ای از طرف کارشناسان و خبرگان انجام و به همراه پخش فیلم ارائه شود.

وی در ادامه اظهار کرد: گاهی اوقات برای اینکه مردم به سمت ماهواره نروند برنامه‌ها را مبتذل می‌کنند و خیلی بیشتر از آنچه هست در این باره مسئله را بزرگ می‌کنند و بعضی اوقات آنچه را که مربوط به جامعه دیگری است به زور به خورد مردم می‌دهند و از همه مهم‌تر اینکه همیشه ما آسیب‌ها را نشان می‌دهیم و کمتر فرصت‌ها را به نمایش می‌گذاریم. همچنین رسانه‌ها نباید آثار را فقط برای عده قلیلی بدون در نظر گرفتن عده کثیری از مخاطبان تهیه کنند.

به این موضوع و تاثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی گفت: روزی حلال یک مسئله بسیار مهمی است و باید کارشناسان فن در این مورد پاسخ دهند یعنی اینکه چگونه مال حلال را براساس اعتقاد، ایمان و احتیاط‌های لازم به دست آورد و خود این مطلب نیاز به تلاش و کوشش فراوان دارد و تمهیداتی را می‌طلبد به ویژه در عصر حاضر هم این موضوع، با توجه به تعدد و تنوع کارها و مشاغل کار بسیار حساس تر و دشوارتر شده است. وی با اشاره به آیه شریفه «فلینظر الانسان الی طعامه» یادآور شد: انسان باید نسبت به تهیه غذای ظاهری و باطنی خود دقت کند که از چه منبع و آبشخوری آن را می‌گیرد، تهیه روزی حلال شامل بسیاری از موارد نظیر اعتقاد به رفتار و عمل کردن براساس سنت پیامبر اکرم (ص)، حضور در اماکنی خوب و پرهیز از شرکت در برنامه‌های نادرست و مانند آن می‌شود و در این امور بسیار دشوار، فرد باید متکی بر اعتقاداتش باشد در واقع انتخابش درباره هر موردی بسیار مهم است.

فدایی تصریح کرد: فردی که نسبت به کسب روزی حلال تلاش می‌کند در واقع باید آن‌اموری را انتخاب کند که به درستی آن مطمئن است و به مصرف هرچه و در هر شغلی که به فعالیت می‌پردازد، نسبت به آن‌ها واقف و آگاه

باشد؛ نباید کم بگذارد یا کم فروشی کند به اصطلاح قرآن «مطفف» نباشد. این مطلب نه تنها فقط در کسب و تجارت مطرح است بلکه در همه مشاغل مطرح است و این امر باید در تمام امور زندگی فرد به طور پررنگ رعایت شود و مشهود باشد. فرد باید به مسئولیت‌پذیری هم‌بهای بیشتری دهد.

وی در ادامه افزود: آنچه که کسب حلال تلقی می‌شود روی تربیت

فرزندان به طور حتم تاثیرگذار خواهد بود و از نظر آرامش روحی و روانی تاثیر بسیار مثبتی خواهد داشت.

اگر همه برنامه‌های ظاهری و باطنی انسان‌ها بر پایه شناخت حلال و حرام انجام شود به طور حتم تاثیر بهینه‌ای در فرایند امور فردی و اجتماعی وی خواهد داشت.

فدایی درباره نقش رسانه‌های کشور در تعیین و تثبیت جایگاه کسب روزی حلال در جامعه اظهار کرد: نقش رسانه‌ها در نشان دادن جایگاه حلال و حرام در جامعه بسیار پررنگ است و حتی به عنوان آموزگار، مربی و مرشد و حتی به عنوان یک رهبر هدایت کننده می‌توانند وارد عمل شوند جایی که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «رسانه ملی بزرگ‌ترین دانشگاه است» طبیعتاً باید

دکتر فدایی:

به نظر من قرآن آن قدر صحنه‌ها، جلوه‌ها و دیالوگ‌های جالب و حساسی دارد که چه به صورت مستقیم مثل بعضی از فیلم‌هایی که درباره زندگی پیامبران است و چه به طور غیرمستقیم که می‌توان موارد عدیده‌ای را با الهام و الگو گرفتن از مفاهیم قرآنی، سناریوسازی کرد و برای جامعه در سطوح مختلف سنی فیلم ساخت و نمایشنامه درست کرد اما این به سه ویژگی اصلی نیاز دارد یک سواد قرآنی، دوم خلاقیت و هنرمندی و سوم شناخت دقیق جامعه مخاطب و زمانی که وی در آن زندگی می‌کند

وی در تکمیل سخنان خود افزود: من در این مراسم ها بیشتر برنامه را به صورت انفرادی برگزار می کردم، مادر این ایام هر روز با ترانه «همه تشنه وصل جمال تو، همه ذاکر وصف کمال تو» خطاب به امام زمان (عج) این مجالس را مملو از عشق مردم به امام مهدی (عج) می کردیم.

ارادت شدید عابدزاده به امام زمان (عج)

خادم الخمسه، در ادامه به حالات روحی مرحوم عابدزاده در حین برگزاری این مراسم اشاره کرد و یاد آور شد: وقتی اشعاری مانند «تو امید منی، تو پناه منی، تو سپیده چشم سیاه منی» را بر زبان جاری می ساختم، این خدمتگزار بزرگ اسلام، ناخواسته اشک می ریختند و آن را تکرار می کردند و در یک کلام می توان بیان داشت که توسل مرحوم عابدزاده به امام زمان، بسیار زیاد بود.

وی توصیف زیبایی از فضای ملکوتی این بنای ارزشمند (مهدیه) ارائه داد و یاد آور شد: وقتی وارد این مکان می شویم، فضای روحانی آن و حضور مقبره مرحوم عابدزاده سبب می شود نور، سراسر قلب انسان را فرا گیرد و گاهی علاقه مندان به مناسبت های مختلف در آنجا حضور می یابند و به قرائت فاتحه می پردازند.

مدیر عامل بیمارستان خیریه صاحب الزمان مشهد در ادامه بیان کرد: حدود یک ماه و نیم، چراغانی فضای مهدیه به طول می انجامید، تمام این بنا را دست اندرکاران و یاران استاد چون حاج آقا عرفانیان که از یاران صدوق استاد عابدزاده بودند چوب بست می کردند.

وی در ادامه، نظارت قاطعانه حاج آقا عابدزاده بر این فعالیت ها را مثال زدنی عنوان و یاد آور شد: حاج آقا عابدزاده سعی می کرد این مجلس را در شأن منجی عالم بشریت به بهترین شکل مهیا کند، گفتنی است که تمام چراغانی این مجلس با پارچه و آئینه های ساخت مرحوم عابدزاده، قاب و چراغ انجام می شد.

خادم الخمسه به دقت این مجاهد دینی در امور مختلف اشاره کرد و گفت: در مراسم نصب آئینه و پارچه و دیگر امکانات، دقت نظر وی قابل مشاهده بود.

اختلاف استاد با رژیم شاه

ساواک از استاد می خواست در کنار جشنی با آن عظمت که همه اقشار جامعه مشهد در آن حضور می یابند عکس شاه را بر سردر این مجلس نصب کند و حاجی از این کار ظفره می رفت

حاج آقا عابدزاده ۱۰ شب را به مناسبت نیمه شعبان جشن می گرفت و تمام همت خود را برای تعظیم شعائر اسلامی و بار آوردن عده ای جوان و تضمین آینده مملکت با اعتقادات محکم مذهبی بکار می برد.

وی خلأ حضور مرحوم عابدزاده را در جامعه کنونی بسیار ملموس دانست و عنوان کرد: در آن زمان، وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات بسیار محدود بود و اگر جامعه فعلی با وجود این امکانات از حضور وی بهره مند می شد می توانست کارهای شگرفی را انجام دهد ولی در کل باید گفت وی در آن زمان هم



شاگرد مرحوم عابدزاده:

تعظیم قرآن و شعائر اسلامی مهمترین دغدغه مرحوم عابدزاده بود

گروه فعالیت های قرآنی: تمام دغدغه استاد عابدزاده، تعظیم شعائر اسلامی و قرآن و بار آوردن عده ای جوان و تضمین آینده مملکت با اعتقادات محکم مذهبی بود.

■ ■ ■

«محمود خادم الخمسه» مدیر عامل بیمارستان خیریه صاحب الزمان (عج) مشهد و از شاگردان حاج «علی اصغر عابدزاده» در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) به ذکر خاطراتی از مرحوم عابدزاده پرداخت و گفت: دوران ابتدایی را در مدارس مرحوم عابدزاده به پایان رساندم و به دلیل داشتن صدای خوب در همان اوایل دبستان، جزء گروه سرود یکی از مدارس ایشان شدم و در جشن های مفصل نیمه شعبان حاج آقا عابدزاده که در بنای مهدیه برگزار می شد (و در زمان خود نمونه بود) به اتفاق دیگر دوستان به مدیحه سرایی در شأن حضرت ولی عصر (عج) به مدت ۱۰ شبانه روز می پرداختم.

به سهم خود کارهای بزرگی را انجام داد.

■ خلأ حضور مرحوم عابدزاده در جامعه ملموس است

شاگرد مرحوم عابدزاده در باره اهتمام عابدزاده به تعظیم شعائر اسلامی تأکید کرد: جشن نیمه شعبان، یکی از اعمال او برای تحقق این هدف بود. در این مدت (مراسم جشن های حضرت مهدی) هر شب به مدت سه ساعت آیاتی چند از قرآن کریم تلاوت و سرودهای غیرتکراری و مقاله خوانی و مناظره برگزار می شد که شعرای این مجالس در آغاز معلمان مدارس مرحوم عابدزاده و در سال های آخر، شاعران برگزیده کشورمان چون «شفق» بودند. وی یادآور شد: هر شب در این مجالس از قشر خاصی از شهر و حتی طرفداران شاه دعوت به عمل می آمد و استاد سعی می کرد کلام دین را به گوش همه اقشار جامعه برساند.

■ دعوت از همه اقشار در مجالس

خادم الخمسه در بخش دیگر سخنان خود به اختلاف مرحوم عابدزاده با رژیم طاغوت اشاره کرد و گفت: ساواک از استاد عابدزاده درخواست داشت تا در کنار جشنی با آن عظمت که همه اقشار جامعه مشهد در آن حضور می یابند، استاد عکس شاه را بر سردر این مجلس نصب کند ولی حاجی از آن طفره می رفت.

وی اختلاف دیگر عابدزاده با رژیم را، تدریس کتب و دروس خاصه که به دست خود مرحوم عابدزاده تدوین می شد، معرفی کرد و توضیح داد: استاد عابدزاده بر طبق آموزه هایی که دانش آموزان نیازمند یادگیری آن بودند کتب درسی مدارس خود را تدوین، چاپ و در اختیار دانش آموزان قرار می داد و

خادم الخمسه:

استاد عابدزاده در تربیت شاگردان طبق سلیقه خود و بر مبنای اعتقادات شخصی بر خورد می کردند و با دبیرستان مخالف بودند و بعد از سال ششم ابتدایی شاگردان را بر آن می داشتند که دروس حوزوی را تعلیم ببینند

بدین جهت مدارک شاگردانی که در مدارس ایشان تحصیل می کردند مورد قبول آموزش و پرورش نبود ولی باید گفت، اطلاعات آنان حتی بیش از شاگردان کلاس های بالا در مدارس آموزش و پرورش بود.

■ تدوین و تدریس دروس خاصه در مدارس مرحوم عابدزاده

خادم الخمسه ادامه داد: برخی از شاگردان به علت مسائل دینی و اصرار خانواده ها از مدارس دیگر در کلاس ششم مرحوم عابدزاده شرکت می کردند

و زمینه های اعتقادی خود را تقویت می کردند، که این بیانگر استحکام و قوت درس های ایشان از نظر علمی، اخلاقی، اعتقادی و تربیتی بود. مدیر عامل بیمارستان خیریه صاحب الزمان مشهد اظهار کرد: اگر دولت بخواهد یکی از برنامه های حاجی عابدزاده را برگزار کند شاید متحمل میلیاردها تومان هزینه شود ولی استاد عابدزاده با صرف کمترین هزینه به بهترین نحو آن را برگزار می کرد.

وی به بناهایی که مرحوم عابدزاده در مشهد تأسیس کرده است که یکی از آنها (فاطمیه) و مربوط به بانوان و ۱۱ بنای دیگر به آقایان اختصاص دارد اشاره کرد و متذکر شد: در هر یک از این مدارس، حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ دانش آموز، مشغول آموزش بودند، در ماه رمضان، همه مدارس عصر هر روز رو به حرم با ذکر صلوات خاصه امام رضا (ع) درس را به پایان می رساندند و با صف مرتبی به سوی مسجد گوهرشاد روانه شده و در شبستان شهید نهانندی حاضر می شدند.

شاگرد مرحوم عابدزاده، نظم برگزاری این مراسم در مسجد گوهرشاد را وصف ناشدنی عنوان کرد و گفت: در شبستان نهانندی، جایگاه هر یک از مدارس مشخص شده و شاگردان کلاس دوم تا ششم هر یک از مدارس پس از ورود به این مکان در جایگاه خود و پشت رحل های چیده شده، قرار می گرفتند و قاریان ماهر هر مدرسه، در صف اول این مجلس جای می گرفتند و قرآن تلاوت می کردند.

وی نظارت مرحوم عابدزاده بر این مجالس را بسیار قوی معرفی کرد و ادامه داد: معلمان مدارس، موظف بودند در حین برگزاری این جلسات بین صفوف شاگردان قدم زده و مانع هرج و مرج و بی دقتی شاگردان شوند. گفتنی است که زائران حرم ثامن الائمه (ع) آن قدر مجذوب این مجلس می شدند که در پشت شیشه راهرو و این شبستان می نشستند و نظاره گر این برنامه می شدند. تمام مردم مشهد نیز این حرکت دینی را می دیدند و تحت تأثیر آن قرار می گرفتند و در یک کلام مرحوم عابدزاده با زبان بی زبانی دین را به این شکل در مشهد ترویج می داد. خادم الخمسه اضافه کرد: در ایام شب های قدر، دانش آموزان در مسیر مدرسه تا مسجد گوهرشاد شعری را در وصف شهادت و ضربت خوردن امیرالمؤمنین (ع) زمزمه می کردند و مردم در خیابان نظاره گر آن می شدند و به عزاداری می پرداختند.

وی به تجهیزاتی که استاد عابدزاده در این ایام برای شاگردان، جهت برگزاری این مراسم در نظر می گرفت اشاره کرد و گفت: استاد در این روزها برای شاگردان بازوبندهای مشکلی را در نظر می گرفتند و پرچم های سیاهی را به نشانه عزاداری به دست آنان می دادند و از مدرسه به سمت مسجد گوهرشاد به حرکت در می آمدند.

مدیرعامل بیمارستان خیریه صاحب الزمان مشهد به اقدامات مرحوم عابدزاده در دیگر ایام مانند وفیات ائمه (ع) اشاره کرد و گفت: استاد برای هر وفات به

امام رضا (ع) از مدرسه خارج می شدیم که این مسائل، بر اعتقادات مذهبی شاگردان بسیار مؤثر بود.

خادم الخمسه با اشاره به حادثی که منجر به انقلاب شد، گفت: از شاگردان استاد عابدزاده کمتر کسی را داشته ایم که در دوران انقلاب که مسائل کمونیستی و مادی گری در آن اوج گرفته بود و جوانان را با ترفندهای مختلف منحرف می کردند، کسی وارد حوزه این تفکرات شده باشد.

وی در ادامه به شخصیت های برجسته و نخبه جامعه مانند استاد شجریان که از شاگردان مرحوم عابدزاده بودند اشاره و تصریح کرد: قرآنی که در آن زمان استاد شجریان در این مدرسه تلاوت کرده شاید هنوز هم در دسترس مردم باشد. وی هیچ زمان با وجود این که در رشته نوازندگی اشتغال یافته بود اشعار زشت و وقیح را بر زبان جاری نساخت و تنها غزلیات حافظ را می خواند که می توان آن را برگرفته از ریشه های عمیق اعتقادی وی دانست.

خادم الخمسه با اشاره به رابطه مرحوم عابدزاده با حوزه و علما عنوان کرد: علما و حوزویان رابطه عمیقی با این خدمتگزار اسلام داشتند و در مجالس ایشان حضور می یافتند و استاد حتی به دست بوسی مراجع می رفتند، مرحوم عابدزاده مورد نظر و توجه شدید تنها مرجع بزرگ عالم تشیع در آن زمان یعنی آیت الله بروجردی بودند.

تعامل مناسب میان مرحوم عابدزاده و روحانیون مدیر عامل بیمارستان خیریه صاحب الزمان مشهد در ادامه بیانات خود یاد آور شد: استاد عابدزاده در عین اینکه یک خطیب توانا و دانشمند برازنده بودند در عین حال یک کاسب آئینه ساز بودند که رزق خود را با تلاش تأمین می کردند. باید گفت ایشان ضمن آنکه یک کاسب توانا بود معماری باتجربه هم بود که در امور بسیاری توانمندی داشت.

وی در پایان بیان کرد: استاد عابدزاده در صورت بروز هرگونه بلایای طبیعی در هر نقطه، خود را مسئول می دانست و مرد میدان بود و در سریع ترین زمان خود همراه گروهی از یارانش و با امکانات مردمی عازم می شد و به کمک آسیب دیدگان می شتافت که برای مثال می توان به اقدامات ایشان در سیل قوچان و زلزله طبس اشاره کرد.

تناسب ۵ یا ۱۰ شب را در بنایی که به آن معصوم اختصاص داشت مراسم عزاداری را در شأن ایشان برگزار می کرد و با انتشار اطلاعیه ای از مردم برای شرکت در این برنامه دعوت به عمل می آورد.

مدیرعامل بیمارستان خیریه صاحب الزمان مشهد به آتش سوزی بنای مهدیه در آستانه نیمه شعبان در آن دوران اشاره و اظهار کرد: استاد پس از این آتش سوزی، مجلس را در صحن عتیق، یا صحن آزادی فعلی در حرم امام رضا (ع) به مدت سه شب برگزار کردند و در دیگر اعیاد نیز به مدت دو شب جشن می گرفتند که تماماً با هدف تعظیم شعائر اسلامی بود.

خادم الخمسه بخش دیگر سخنان خود را به تربیت شاگردان توسط این مخلص الهی اختصاص داد و گفت: ایشان در تربیت شاگردان طبق سلیقه خود و بر مبنای اعتقادات شخصی و با باورهای مذهبی برخورد می کردند و با «دبیرستان» (به علت شرایط خاص حاکم بر مدارس زمان شاه) مخالف بودند و بعد از سال ششم ابتدایی شاگردان را بر آن می داشتند که دروس حوزوی را تعلیم ببینند و خود نیز در مهدیه حوزه ای را تشکیل دادند و در آنجا دروس عربی و حوزوی را تعلیم می دادند.

اهتمام والای استاد عابدزاده به مسائل تربیتی

وی در ادامه به جلسات کارمندی شب های شنبه حاج علی اصغر عابدزاده اشاره کرد و افزود: تمام معلمان که در مدارس وی تدریس می کردند موظف بودند در این مجلس، حضور یابند تا از نظر اسلامی دائماً تحت نظر بوده و تقویت شوند. ایشان در شب های شنبه از مبانی اسلامی در هر رشته ای سخن به میان می آوردند. خادم الخمسه گفت: وی از ابتدای ورود شاگردان به مدارس یعنی از کلاس اول برای مسائل تربیتی بسیار مایه می گذاشتند و حتی خود هر روز به یک مدرسه سر می زدند و از درستی

اجرای این برنامه ها در مدارس اطمینان حاصل می کردند تا همه شاگردان از بدو کودکی با دین و اسلام و ائمه اطهار (ع) رابطه داشته باشند و این اعتقادات در آنان نهادینه شود.

وی اظهار کرد: ما هر روز صبح قبل از ورود به مدرسه می بایست دعای صبحگاهی را تلاوت می کردیم و در پایان درس هم با ذکر صلوات خاصه

این شاگرد مرحوم عابدزاده:

هر شب در مجالس نیمه شعبان از قشر خاصی از شهر و حتی ساواک دعوت به عمل می آمد و استاد سعی می کرد کلام دین را به گوش همه اقشار جامعه برساند

وی در پایان بیان کرد: استاد عابدزاده در صورت بروز هرگونه بلایای طبیعی در هر نقطه، خود را مسئول می دانست و مرد میدان بود و در سریع ترین زمان خود همراه گروهی از یارانش و با امکانات مردمی عازم می شد و به کمک آسیب دیدگان می شتافت که برای مثال می توان به اقدامات ایشان در سیل قوچان و زلزله طبس اشاره کرد.

وی اظهار کرد: ما هر روز صبح قبل از ورود به مدرسه می بایست دعای صبحگاهی را تلاوت می کردیم و در پایان درس هم با ذکر صلوات خاصه



شهردار منطقه ۲۱ تهران:

معماری سنتی و اسلامی بناهای عابدزاده الگوی مناسبی برای ساخت مدارس جدید است

گروه فعالیت های قرآنی؛ یکی از خصوصیات بارز مدارس ساخته شده توسط مرحوم عابدزاده، رعایت معماری سنتی و اسلامی به طور کامل بود که می تواند الگوی مناسبی برای مدارس کنونی باشد.



سید «محمد موسوی» شهردار منطقه ۲۱ تهران و از شاگردان مرحوم عابدزاده در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب، آغاز آشنایی خود با مرحوم عابدزاده را حضور در مدرسه «نقویه» و شاگردی در محضر ایشان عنوان کرد و افزود: پدرم اعتقاد داشت ما نباید به مدارس دولتی که شاه احداث کرده برویم به همین دلیل به مدارس مرحوم عابدزاده که از همه جهت مورد اعتماد بود، رفتیم، دو برادر دیگرم نیز تا کلاس پنجم ابتدایی در مدارس تأسیسی مرحوم عابدزاده مشغول تدریس بودند و من نیز سال اول تحصیل خودم را در مدرسه نقویه پشت سر گذاشتم.

وی با اشاره به همزمانی تعطیلی مدارس حاجی عابدزاده با خاتمه کلاس اول خود اظهار کرد: حوالی سال ۵۲ هنگامی که من کلاس اول را به پایان رساندم رژیم شاه متوجه فعالیت های سیاسی غیر مستقیم این مدرسه شد و تمامی مدارس را تعطیل کرد و بنده از مدرسه نقویه به مدارس آموزش و پرورش (مدرسه جمشید) مراجعه کردم، هنگامی که برای ثبت نام سال دوم به مدرسه جمشید مراجعه کردم کارنامه سال اول من با نمره ۲۰ را قبول نکردند و من سال اول را یک مرتبه دیگر در این مدرسه خواندم.

وی با اشاره به همزمانی تعطیلی مدارس حاجی عابدزاده با خاتمه کلاس اول خود اظهار کرد: حوالی سال ۵۲ هنگامی که من کلاس اول را به پایان رساندم رژیم شاه متوجه فعالیت های سیاسی غیر مستقیم این مدرسه شد و تمامی مدارس را تعطیل کرد و بنده از مدرسه نقویه به مدارس آموزش و پرورش (مدرسه جمشید) مراجعه کردم، هنگامی که برای ثبت نام سال دوم به مدرسه جمشید مراجعه کردم کارنامه سال اول من با نمره ۲۰ را قبول نکردند و من سال اول را یک مرتبه دیگر در این مدرسه خواندم.

وی به برپایی انجمن پیروان قرآن در سطح مشهد توسط مرحوم عابدزاده اشاره و تصریح کرد: در همان زمان نزدیک به ۸۰ جلسه در سطح مشهد برپا می شد ولی به دلیل تعدد جلسات و مراکز فرهنگی و هیئت های زیاد بعد از انقلاب، تعداد این جلسات به ۱۰ عدد رسیده است و هم اکنون نیز تمام افرادی که در آن انجمن حضور داشتند به نوعی از بزرگان مشهد هستند.

شهردار منطقه ۲۱ تهران با اشاره به وقوع زلزله در حدود سال ۵۵ در طبس و تشکیل ستاد برای کمک رسانی به زلزله زدگان توسط مرحوم عابدزاده بیان کرد: ایشان چندین ستاد برای تهیه ملزومات و تدارکات در مشهد به کمک؛ مرحوم هاشمی نژاد، آیت الله طبسی و حضرت آیت الله خامنه ای و بسیاری دیگر از بزرگان تشکیل داده بود، این ستادها در طبس به رهبری مرحوم عابدزاده کالاهارابین مردم توزیع می کرد و درست بعد از اتمام این فعالیت ها بود که ایشان مریض و در بیمارستان امام رضا (ع) بستری شدند و بنده به همراه دو برادر و پدرم بطور مدام به او سر می زدیم.

وی با اشاره به ساخت ۱۲ مدرسه با نام های علویه، حسینی، حسینی، سجادی، باقریه، جعفریه، کاظمیه، جوادی، نقویه، عسگری، مهدیه و فاطمیه توسط

مرحوم عابدزاده را فردی قاطع، با اخلاص و معقول دانست و گفت: ایشان روی نونهالان سرمایه گذاری و به شکل اصولی فعالیت می کرد و نوع آموزش نیز به گونه ای بود که تمام مطالب آن بر ذهن دانش آموزان حک می شد، من مطالبی که در آن دوره در سال اول ابتدایی آموزش دیدم هنوز به یاد دارم، من جلسات قرآن زیادی شرکت کرده ام ولی استاد و مشوق اصلی بنده برای حفظ قرآن کریم، مرحوم عابدزاده بود، او تمام ۳۰ شب ماه مبارک رمضان را افطار می داد و بیشتر اطعام نیز مخصوص فقرا بود و هر سال بدون استثنا این مراسم در مهدیه برگزار می شد.

موسوی به بیان خاطره ای از پدرش درباره عابدزاده اشاره کرد و گفت: شب های جمعه از نیمه های شب در قبری که در بنای مهدیه برای خود درست کرده بود دعای کمیل می خواند که این راز و نیاز تا نزدیک اذان صبح ادامه داشت، همچنین وصیت کرده بود که مراد همین مکان دفن کنند.



شاگرد عابدزاده: محافل قرآنی عابدزاده، مانوری در برابر فضای دین زدایی طاغوت بود

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم عابدزاده در طول سال روزهای پنج شنبه در منازل شاگردان، محافل انس با قرآن برپا و با این رفتار خود هر هفته و هر روز، مانور دینی مثبت و جهش داری را در برابر فضای دین زدایی آن زمان ایجاد می کرد.

■ ■ ■

حجت الاسلام والمسلمین حسین پویا مفرد، مشهور به گیوه چی، استاد معارف دانشگاه های مشهد و از شاگردان مرحوم عابدزاده در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به تشریح خصوصیات اخلاقی حاج علی اصغر عابدزاده پرداخت و اظهار کرد: حاجی عابدزاده هر روز در ایوان بنای مهدیه نماز می خواندند و در حین بجا آوردن نماز، شاگردانی نیز وارد حجره های اطراف شده و مشغول درس هایی چون عربی، قرآن، صرف، نحو و امثالهم می شدند.

حجت الاسلام والمسلمین پویا مفرد تصریح کرد: ایشان در نماز، معمولاً هفت تکبیر و الله اکبر مستحب نماز را می گفت و پس از آن دعاها را مخصوصه «لیبیک و سعیدیک و الخیر فی یدیک و الشریس الیک و...» را بر زبان جاری می ساختند.

عضو هیئت مؤسس و معاون فرهنگی مؤسسه غیر انتفاعی سلمان مشهد یاد آور شد: من نیز گاهی همراه ایشان نماز می خواندم و با وجود آنکه در آن زمان، عربی را به دلیل اطلاعات محدود در این زمینه بدرستی درک نمی کردم و به خوبی نمی دانستم که چه عبارات پر محتوایی را ایشان بر زبان جاری می سازند، آنقدر تحت تأثیر معنویت و طنین صوت و لحن ایشان قرار می گرفتم که مو به تنم سیخ می شد؛ چرا که این نماز در هوایی گرگ و میش و با دلی شکسته اقامه می شد و معنویت آن هر کسی را متحول می کرد و فضایی معنوی را در بین آنها حاکم می نمود.

این استاد معارف دانشگاه های مشهد متذکر شد: شبی به خاطر دارم پس از سلام نماز، ایشان به شدت بر زانوی خود کوفتند و گفتند، مجتهد هم نمی تواند، هیچ انسانی نمی تواند، منظور ایشان از این کلام آن بود که هر چه انسان تلاش کند که از

اول تا پایان نماز به یاد خدا باشد نمی تواند شیطان و وسوسه گر، حواس آدمی را پرت می کند.

پویا مفرد، عابدزاده را از لحاظ اخلاق و رفتار در امور شخصی بسیار مصمم دانست و یاد آور شد: ایشان با قاطعیت و جدیت فراوان، بسیار مصرانه اداره

امور را در دست می گرفتند تا حدی که گاهی این قاطعیت با خشونت اشتباه گرفته می شد.

وی گفت: حاج علی اصغر عابدزاده در منابر و سخنرانی های خود از هرگونه بی توجهی و بی دقتی خشمگین می شد و بر این باور بود که تمام حواس باید در این مجالس جلب رضایت پروردگار باشد، او معتقد بود هر عمل نیکی که افراد انجام می دهند باید به تأیید پروردگار برسد که هم اوست که پاداش امور نیک را خواهد داد بنابراین هیچگاه در انجام امور از کسی تشکر نمی کرد و عطای پاداش اعمال نیک را

به خدا واگذار می کرد، ایشان همچنین با هرگونه سبکسری و بی فکری در گفتار و رفتار مخالف بود و به شکلی کاملاً عالمانه و محترمانه با آن ها برخورد می کرد. وی در ادامه به وضعیت تحصیلی خود در مدرسه جوادیه حاجی عابدزاده اشاره و متذکر شد: من ۶ سال دوره ابتدایی را در مدرسه جوادیه حاجی عابدزاده به پایان رسانیدم و ایشان نیز گاهی به آنجا سر می زدند و از رویه کاری آنجا اطلاعات کاملی را کسب می کردند، مرحوم عابدزاده بر این باور بود که تحول اعتقادی از مدارس آغاز می شود بنابراین با مدیریت قوی و تأکید فراوان بر مسائل مذهبی و اعتقادی و رسیدگی مستمر به مدارس، سبب تحکیم اصول اعتقادی در مدارس شد.

استاد معارف دانشگاه های مشهد توضیح داد: مرحوم عابدزاده در این مدرسه جدای

از ثباتی که در رویه کاری و تحصیلی داشتند در ماه رمضان دانش آموزان را در مسجد گوهرشاد گرد هم می آورد و تا پایان این ماه، همگی قرآن را حداقل یک دور ختم می کردند اما در غیر از ماه رمضان نیز برنامه ای مخصوص شاگردان داشتند و هر هفته آنان را دسته

وار همراه یک پرچم با توجه به مرتب بودن پوشش در صف قرار می دادند و پیراسته ترین افراد را در رأس این صف می گذاشتند و بقیه به دنبال آن به صورت یک ستون نظامی وارد خیابان می شدند، این عمل سبب می شد تا روزانه از اطراف شهر دانش آموزان ۸ تا ۱۰ بنا به سمت مسجد گوهرشاد به راه می افتادند.

وی در پایان تأکید کرد: در کل می توانم بگویم حاجی عابدزاده با این رفتار خود هر هفته و هر روز مانور دینی مثبت و جهش داری را در برابر فضای دین زدایی آن زمان به نمایش می گذاشت.

مدرس معارف دانشگاه های مشهد:

حاجی عابدزاده از لحاظ اخلاقی در امور شخصی بسیار مصمم بود و با قاطعیت فراوان بسیار مصرانه اداره امور را در دست می گرفت تا حدی که گاهی این قاطعیت با خشونت اشتباه گرفته می شد

فعالیت‌های مرحوم عابدزاده می‌تواند سرمشقی برای مسئولان آموزشی کشور باشد

وی در ادامه به ارتباط اولیاء و مربیان با مرحوم عابدزاده در مدارس ایشان در مشهد اشاره کرد و یاد آور شد: ارتباط اولیای دانش آموزان با این مدارس بسیار تنگاتنگ بود و استاد عابدزاده علاوه بر تربیت دانش آموزان، برنامه‌هایی را نیز برای اولیاء دانش آموزان در زمینه دینی و معنوی در نظر داشت و دقت زیادی در بحث‌های تربیتی مبذول می‌کرد و بر بحث راستگویی والدین در خانه تأکید فراوان داشت، همچنین در مراسم سخنرانی و جلسات خود مطالب را در سطح فهم همه بیان می‌کرد به طوری که به دل همه می‌نشست.

حجت الاسلام صدیقی در باره اداره مدارس مرحوم عابدزاده، بیان کرد: مرحوم عابدزاده در اداره مدارس خیلی دقیق بود و بر حاکمیت نظم، بسیار تأکید داشت، سیستم آموزشی این مدارس به دلیل تدریس کتاب‌های اختصاصی و جو حاکم، متفاوت با دیگر مدرسه‌ها بود و در تدوین کتاب‌های تدریسی مدارس از فضلا حوزوی و معتمدان استفاده می‌شد.

وی با اشاره به جلسات عمومی آموزش قرآن مرحوم عابدزاده، عنوان کرد: آموزش قرآن نقش پررنگی در زندگی حاجی عابدزاده داشت به طوری که جلسات عمومی قرآن را به صورت هفتگی برگزار می‌کرد و برنامه تشویقی خاصی در مقوله قرآن داشت و در سخنرانی‌ها خود نیز از بحث‌های مفهومی قرآن بهره می‌گرفت.

وی به کم‌رنگ شدن جشن‌های مذهبی در زمان حال اشاره کرد و گفت: برنامه‌های مرحوم عابدزاده در مراسم جشن و اعیاد مذهبی بسیار باشکوه برگزار می‌شد، زنده نگه داشتن یاد حضرت مهدی (عج) از جمله این مراسم در نیمه شعبان بود که باشکوه فراوان در مدرسه مهدیه برپا می‌شد، در واقع ایشان همانطور که مراسم عزاداری‌ها را با عظمت برگزار می‌کرد برای برپایی مراسم جشن نیز اهتمام خاصی داشت.

برپایی جلسات قرآن از برنامه‌های ثابت مدارس مرحوم عابدزاده

حجت الاسلام صدیقی یکی از مراسم خاص مرحوم عابدزاده را جلسات قرآن روزهای ماه مبارک رمضان در مسجد گوهرشاد دانست و افزود: دانش آموزان مدارس به صورت منظم و در قالب گروه‌های مشخص و با پرچم‌های خاص در این مجالس حاضر می‌شدند و بعد از اقامه نماز ظهر و عصر به صورت جماعت، در شبستان نهانندی، دانش آموزان منتخب که از صدای خوبی برخوردار بودند و تجویدران نیز به خوبی رعایت می‌کردند، به تلاوت قرآن می‌پرداختند.

وی برگزاری جلسات قرائت قرآن را از برنامه‌های معین مدارس عنوان و اظهار کرد: دانش آموزان بین کلاس‌ها به مسجد می‌رفتند و بعد از پایان مراسم قرائت نیز به مدرسه بازمی‌گشتند که مرحوم حاجی تقی زاده راهنمایی و ارشاد جلسات را برعهده داشت و بعد از قرائت قرآن بچه‌ها روایت می‌خواندند و قرآن را ختم می‌کردند.

شاگرد مرحوم عابدزاده ادامه داد: حاجی عابدزاده تمام هم و غم خود را برای تربیت دانش آموزان گذاشته بود و چون پایبند به اصول اسلام بود آموزش خود را نیز بر مبنای اسلام گذاشته بود و برای این امر به صورت اساسی اقدامات را انجام می‌داد، یک مجموعه ۱۴ قسمتی در مشهد پایه گذاشت با سیستم آموزشی مستقل که کتاب‌های مدارس را نیز به صورت جداگانه چاپ کرد و از استادان فاضل و دلسوز برای اداره هر مدرسه استفاده کرد.

این هم‌راه استاد عابدزاده در پایان بعد تربیتی فعالیت‌های استاد عابدزاده را مورد بررسی قرار داد و تصریح کرد: مرحوم عابدزاده تنها هدفش؛ دیانت، تقوا و ایمان به خدا بود و معتقد بود که تربیت اسلامی لازمه رشد صحیح دانش آموزان است.



گروه فعالیت‌های قرآنی؛ استفاده از روش و عملکرد مرحوم عابدزاده برای مسئولان آموزشی کشور اثر مثبتی بر سیستم آموزشی کشور خواهد داشت و می‌تواند راه‌گشا و سرمشقی برای مسئولان این حیطه باشد.

مثبت و جهش داری را در برابر فضای دین زدایی آن زمان ایجاد می‌کرد.



حجت الاسلام والمسلمین سید «محمد حسن صدیقی» از همراهان و شاگردان مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با اشاره به این مطلب که فرهیختگان مشهدی عموماً از دانش آموزان مدارس عابدزاده هستند، گفت: حقی که مرحوم عابدزاده دارد بسیار زیاد است و می‌توان چکیده و چشم‌اندازی از مجموعه فعالیت‌ها و عملکردشان تهیه و در اختیار مسئولان آموزشی کشور قرار داد، تا اثر مثبت آن بر سیستم آموزشی کشور مشخص شود.

وی با اشاره به چگونگی آشنایی خود با مرحوم عابدزاده، اظهار کرد: در یک خانواده مذهبی بزرگ شدم به همین جهت در سال ۱۳۴۵ به مدرسه حسینی‌ه رفتیم، که جزء مدارس تأسیسی مرحوم عابدزاده بود و از مدارس مذهبی به شمار می‌رفت، ناگفته نماند که دو برادر بزرگتر و کوچکتر من نیز به این مدرسه می‌رفتند.

حجت الاسلام صدیقی با اشاره به آشنایی با حسین پسر حاجی عابدزاده، گفت: از دیگر علل آشنایی من با مرحوم عابدزاده هم کلاسی بودن و آشنایی با پسر ایشان حسین آقا بود، همیشه می‌دیدم که حسین همچون ماکه از یک خانواده متوسط بودیم رفتار می‌کرد و هیچ امتیاز خاصی برای خود قائل نمی‌شد و خود یکی از بچه‌های مذهبی شهر بود.

وی به برگزاری جشن‌های نیمه شعبان در بنای مهدیه که مرکز مدارس بود، اشاره و اظهار کرد: مراسم بزرگ جشن نیمه شعبان که از ۱۵ روز قبل آغاز می‌شد با آن تزئینات و مراسم، خاطره‌ای وصف‌ناشدنی برای ما بود، از معلمان و شاگردان برای حضور در این مراسم دعوت می‌شد و گروه‌های سرود مدارس با هماهنگی خاص به اجرای برنامه می‌پرداختند.

وی به آموزش بحث‌های اسلامی، مذهبی در کنار درس دیگر در این مدارس اشاره کرد و افزود: این مدارس دارای یک سیستم مستقل آموزشی بودند و چنان‌که تربیت دانش آموزان در این مدارس اهتمام داشتند که می‌توان گفت بیشتر بچه‌های مذهبی‌های مشهد تربیت شده این مدارس هستند.



مردمی بودن

مرحوم «عابدزاده»

از وی چهره‌ای

ماندگار به جا گذاشت

صالحی اظهار کرد: مرحوم عابدزاده مدرسی داشتند با عناوین ۱۴ معصوم (ع) و تمام دانش آموزان این مدارس، ماه مبارک رمضان بعد از ظهرها در مسجد گوهرشاد جلسه قرائت قرآن داشتند، من هم در کودکی در این جلسات و در جلسات نیمه شعبان شرکت می‌کردم، تلاش مرحوم عابدزاده در این مدارس ایجاد محیط مذهبی و اعتمادسازی در راستای آموزش برای مردم مذهبی بود، تا سال ۴۹ این مدارس متون خاص خودشان را داشتند و علاوه بر برنامه آموزشی برنامه تدوین کتب درسی هم در این مدارس انجام می‌شد. صالحی در ادامه افزود: از ویژگی‌های مرحوم عابدزاده مدیریت قوی، تأکید عمده بر مسائل مذهبی و اعتقادی و رسیدگی مستمر به مدارس بود همچنین تلاش قابل توجهی در نوع‌گزینش معلمان داشتند، بخشی از این معلمان تأثیرات ژرفی روی بچه‌ها و تربیت مذهبی آن‌ها داشتند و در این راستا جلسات مستمر قرائت قرآن و احکام برگزار می‌کردند.

وی در جواب به این سؤال که مدارس حاج آقا عابدزاده در چه حد بر روی تربیت مذهبی دانش‌آموزان تأثیرگذار بود، عنوان کرد: حاج آقا عابدزاده با وجود شرایط خفقان طاغوت در محیط این مدارس بذرهایی برای حفظ هویت مذهبی کاشتند و از طریق نوع آموزش و انتخاب معلمان که ارتباطات روانی خوبی با دانش‌آموزان برقرار می‌کردند تأثیراتی بر روی پرورش نسل آینده ایجاد کردند و مدارس حاج آقا عابدزاده کانونی برای شکل‌گیری هویت دینی بود.

وی در پایان درباره انس مرحوم عابدزاده با قرآن کریم تأکید کرد:

برنامه‌های مستمر دینی و کلاس‌های قرآن مدارس حاج آقا عابدزاده، شرکت بچه‌ها در جلسات قرآن مسجد گوهرشاد و دقت ایشان در گزینش معلمان داشتند نشانه توجه شدید ایشان به محوریت قرآن و موانست خود شخص ایشان با قرآن کریم بوده است.

گروه فعالیت‌های قرآنی: مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» برای خود جایگاه ویژه و جدا از مردم قائل نبود و کمک‌رسانی به مردم را برای خود تکلیف می‌دانست و همین روحیه مردمی چهره‌ای ماندگار از ایشان بر جا گذاشت.

■ ■ ■

«سیدعباس صالحی» فرزند آیت‌الله «صالحی» استاد حوزه علمیه مشهد و از نزدیکان و همراهان مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: اخلاص و مردمی بودن از ویژگی‌های برجسته مرحوم عابدزاده بود، پدر من همراه ایشان به

سفر حج مشرف شدند. پدرم نقل می‌کردند حاج آقا عابدزاده در آن سفر بسیار به مردم خدمت و حتی برای کاروان آشپزی هم می‌کردند. وی تصریح کرد: آشنایی من با حاج آقا عابدزاده از سال ۱۳۲۶

همزمان با شرکت در کلاس‌های عربی شبانه مهدیه شروع شد و این کلاس‌ها در حقیقت برای کسانی تشکیل می‌شد که در روز مشغول کسب و کار بودند، پدر من هم از جمله افرادی بود که در کلاس‌های شبانه مهدیه تدریس می‌کردند.

«صالحی» از شاگردان مرحوم عابدزاده:
تلاش مرحوم عابدزاده در مدارس ایجاد محیط مذهبی و
اعتمادسازی در راستای آموزش برای مردم بود، تا سال ۴۹ این
مدارس متون خاص خودشان را داشتند و علاوه بر برنامه آموزشی
برنامه تدوین کتب درسی هم در این مدارس انجام می‌شد



آقای «کافی» افتخار می‌کرد که شاگرد عابدزاده است

بسیار به مردم خدمت‌رسانی می‌کردند و یا در سیلی که در نزدیک مشهد آمد و باعث خرابی خانه‌ها شده بود بسیار خدمت کردند و در آن منطقه بانی ساخت حمام، مدرسه و مسجد شدند.

وی اظهار کرد: مرحوم عابدزاده را چندین بار برای سخنرانی و تشکیل کلاس

گروه فعالیتهای قرآنی: رمز موفقیت و راز ماندگاری حاج «علی اصغر عابدزاده» اخلاص، پشت کار و جدیت در فعالیت‌ها بود، او عقیده داشت هر کس یک ریال بابت تبلیغ دین و منبر رفتن بگیرد اثر آن را کم می‌کند و خودش هیچگاه بابت سخنرانی و تدریس پولی نمی‌گرفت.

■ ■ ■

«محمد علما» از شاگردان و نزدیکان حاج علی اصغر عابدزاده در گفت‌وگو با خیرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: مرحوم عابدزاده بسیار مخلصانه و برای وجود مقدس امام‌زمن (عج) خدمت می‌کردند و این موضوع نیز از دلایل ماندگاری ایشان بود، حاج آقا از سحر که مشغول فعالیت می‌شدند ابتدا به حرم مطهر امام رضا (ع) می‌رفتند و سپس مشغول فعالیت‌های روزانه می‌شدند. بنده از کودکی به همراه پدرم پای منبرهای حاج آقا عابدزاده حاضر می‌شدم، در دعای ندبه جمعه صبح‌ها، دعای کمیل و دعای سمات عصرهای جمعه که ابتکار مرحوم عابدزاده بود شرکت می‌کردیم. به گفته پدرم قدیم ترها عزاداری تنها ویژه دهه عاشورا بود و مرحوم عابدزاده ضمن ساخت بنای مهدیه نظم خاصی به عزاداری‌های ائمه اطهار (ع) دادند و جلسات قرآن را در تمام سطح شهر با نام انجمن پیروان قرآن برای کمک به ارتقاء سطح مذهبی و دینی مردم برپا می‌کردند. وی تصریح کرد: مرحوم عابدزاده عقیده داشتند که بچه‌ها باید از کودکی تعلیم دینی ببینند و بنای اعتقادی آنها شکل بگیرد به همین دلیل حاج آقا عابدزاده در

های قرآنی به تهران دعوت کردند اما ایشان تنها به دلیل هم‌جواری که با حرم امام رضا (ع) داشتند قبول دعوت نکردند و آقای کافی که از شاگردان ایشان بود به تهران رفت و بسیار هم شهرت پیدا کرد.

علما با اشاره به این موضوع که آن زمان به حاج آقا تهمت جاسوسی و دریافت پول از انگلیسی‌ها برای ساخت بناها زدند و به این واسطه حدود دو سال هم زندانی بودند، عنوان کرد: حاج آقا عابدزاده به دلیل داشتن عرق ملی و مذهبی در راهپیمایی‌های قیام از پیروزی انقلاب با شنیدن خبر کشتار دسته جمعی مردم و مبارزان علیه طاغوت بسیار ناراحت و دچار سکت مغزی شدند و پس از ایشان

بناها بلا تکلیف ماند و مدتی بعد با تشکیل شورا توسط رفقا و شاگردان مرحوم عابدزاده مدارس را به آموزش و پرورش محول کردند.

وی در ادامه افزود: مرحوم عابدزاده در ساختن بناها و در دریافت پول و کمک‌های مردمی بسیار دقت داشتند و برای هر بنایی ضمن تشکیل هیئت امناء، سند جداگانه می‌زدند تا دولت نتواند بر این بناها تسلط پیدا کند و هزینه‌های

دریافتی برای هر بنا را فقط برای همان بنا خرج می‌کردند، مرحوم عابدزاده بنای مهدیه را از هزینه شخصی خودشان برای برپایی مجالس و سخنرانی‌های مذهبی ساختند و عقیده داشتند هر کس یک ریال بابت تبلیغ دین و منبر رفتن بگیرد اثر آن را کم می‌کند و هیچگاه بابت سخنرانی و تدریس پولی نمی‌گرفتند و به همین دلیل خیلی از روحانیون با ایشان مخالف بودند. محمد علما در پایان یادآور شد: حاج آقای عابدزاده به ترویج و تعلیم دین و عقاید مذهبی از کودکی تأکید می‌کردند. مرحوم عابدزاده در مدارس ساعتی را برای تعلیم قرآن داشتند و هر سال در روزهای ماه مبارک رمضان در مسجد گوهرشاد جلسه قرآن برگزار می‌کردند. ایشان معلم بسیار خوبی بودند و روان‌شناسی کودک می‌دانستند همچنین شیوه تدریس ایشان برای بچه‌ها بسیار جذاب بود و این شیوه منحصر به فرد وی کمک به جذب جوانان به قرآن و دین می‌کرد.

«محمد علما» از شاگردان و نزدیکان حاج علی اصغر عابدزاده:

قدیم ترها عزاداری تنها ویژه دهه عاشورا بود و مرحوم عابدزاده

ضمن ساخت بنای مهدیه نظم خاصی به عزاداری‌های ائمه

اطهار (ع) دادند و جلسات قرآن را در تمام سطح شهر با نام انجمن

پیروان قرآن برای کمک به ارتقاء سطح مذهبی و دینی مردم

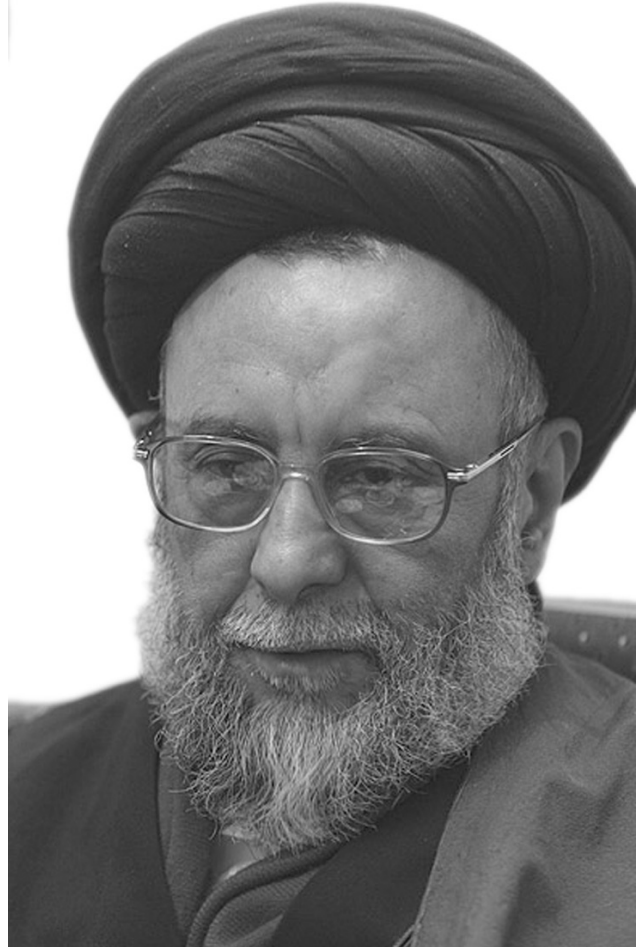
برپا می‌کردند

صد ساختن ۱۴ بنا به نام‌های ۱۴ معصوم (ع) برآمدند و شاگردان فراوانی تربیت کردند که به طور مثال آقای «کافی» افتخار می‌کردند که شاگرد حاج علی اصغر عابدزاده بودند. علما درباره ویژگی‌های جلسات قرآنی و سخنرانی‌های حاج آقا عابدزاده عنوان کرد: سخنرانی‌های مرحوم عابدزاده بسیار طرفدار داشت و در زمان طاغوت حتی مطرب‌های پای

منبر ایشان می‌نشستند و بسیاری از آن‌ها متحول شدند و به راه دین بازگشتند، به طور کلی سخنان حاج آقا عابدزاده انسان‌ساز و مذهبی بود و ایشان احیاگر آئین عزاداری و بزرگداشت اعیاد مذهبی بودند.

این شاگرد مرحوم عابدزاده در پاسخ به این پرسش که مدارس مرحوم عابدزاده و شیوه تدریس قرآن ایشان تا چه حد در الگو برداری مدارس دیگر بعد از انقلاب تأثیر داشته است، تأکید کرد: بسیاری از شاگردان مرحوم عابدزاده پس از ادامه تحصیل در حوزه و یا مقاطع دیگر موفق به کسب مدارج عالی شدند و به طور مثال فرزند آیت الله مرواید، آیت الله «علم الهدی»، حاج آقا نوراللهیان، حاج آقا شهیدی و آقای سیدی از شخصیت‌های شناخته شده امروز از شاگردان مرحوم عابدزاده بودند.

علما در ادامه افزود: مرحوم عابدزاده در حوادثی چون زلزله طبس و بوئین زهرا



امام جماعت حرم مطهر امام رضا(ع): پیوند محکم با قرآن و ویژگی بارز مرحوم «عابدزاده» بود

گروه فعالیت های قرآنی: پیوند محکم با قرآن و عترت که توصیه خاص پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) است، از اصول عقیدتی و از ویژگی های بارز حاج آقا عابدزاده بود.



حجت الاسلام والمسلمین سید «ناصر حسینی» عضو انجمن پیروان قرآن و از یاران و همراهان مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: از ویژگی های بارز شخصیتی مرحوم حاج آقا علی اصغر عابدزاده می توان

به علاقه شدید وی به ائمه اطهار(ع)، معارف اسلامی و پیوند محکم و ناگسستنی با قرآن کریم اشاره کرد، ایشان به حدی که قرآن کریم توجه و علاقه داشتند که قبل از هر منبر و سخنرانی، حدود یک ربع ساعت مشغول تلاوت قرآن کریم بودند و به زیبایی از آیات قرآن در سخنرانی هایشان برای ارتقاء سطح دینی و مذهبی مستمعان استفاده می کردند.

وی تصریح کرد: ترویج فرهنگ غربی و نابودی فرهنگ اسلامی یکی از کارهای اصلی رژیم پهلوی بود. ارتباط مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده با مراجع تقلید به ویژه مرحوم آیت الله «بروجردی» آغاز یک کار فرهنگی زیبا در آن زمان در مشهد مقدس بود، یکی از کارهای فرهنگی ایشان بنای ۱۴ معصوم است که یکی از این ۱۴ بنا با عنوان «مهدیه» راز مال شخصی خودشان بنا کردند و بعد از آن هم به طور متناوب در قسمت های مختلف شهر با نیازسنجی درست، بنایی برای ایجاد پایگاه فرهنگی و دینی می ساختند و در این اماکن به برگزاری مراسم اعیاد و وفیات مذهبی می پرداختند.

حسینی افزود: تاثیرگذاری کارهای فرهنگی ایشان تا حدی بود که رژیم طاغوت احساس خطر و ایشان را مدتی با اعمال شاقه راهی زندان کرد که پس از مدتی با وساطت آیت الله بروجردی و مراجع عظام مشهد و پی گیری های مستمر آن ها، حاج آقا عابدزاده از زندان آزاد شدند ولی دست از کار فرهنگی بر نداشتند و حتی زمانی که آیت الله بروجردی رحلت کردند، حاج علی اصغر عابدزاده کاروانی برای رفتن به شهر قم و تجلیل از روحانیت به ویژه مرجعیت جهان اسلام تشکیل دادند و این عمل مورد توجه و استقبال مردم آن زمان قرار گرفت و ادامه داشت تا سال سوم که این کاروان برای تعظیم شعائر و ارتباط با روحانیت و انجام کار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در مقابل رژیم طاغوت که بسیار کارساز هم بود به صورت گسترده آماده شد اما رژیم طاغوت به دلیل احساس خطر، تعدادی از ساواکی ها را به مهدیه فرستاد و مانع از رفتن کاروان به قم شدند.



حضور بی وقفه و بدون چشمداشت در

صحنه

حجت الاسلام حسینی در جواب به این سؤال که تفاوت کار فرهنگی حاج آقا عابدزاده با توجه به محدودیت مالی و سخت گیری های رژیم و تاثیرگذاری خوب ایشان، با فعالیت های فرهنگی امروزی چگونه است، عنوان کرد: تاثیرگذاری ژرف ایشان به

حجت الاسلام والمسلمین سید «ناصر حسینی»:
مرحوم عابدزاده در ترغیب جوانان و بازاری ها برای تثبیت قواعد دینی در سطح ادبیات و عربی و احکام دینی تلاش فراوان می کردند و تأکید داشتند بازاری ها برای داشتن کسب حلال، باید قواعد دینی و احکام مذهبی را خوب بدانند و زندگی را بر همان اصول بنا کنند و آثار تلاش های ایشان امروزه مشاهده می شود

رهبری نیز در انجمن پیروان قرآن شرکت داشتند که مرحوم عابدزاده حضور علما را زینت جلساتشان می دانستند. وی در ادامه افزود: حاج علی اصغر عابدزاده قصد داشتند ۱۴ مدرسه بنا کنند و به محض تمام شدن هر یک از این ساختمان ها تدریس و آموزش را شروع و در کنار آموزش ابتدایی و ... بچه ها را با حفظ قرآن، تفسیر، مفاهیم قرآنی و نهج البلاغه آشنا می کردند همچنین سرودهای زیبایی را با مشورت کارشناسان به بچه ها تعلیم می دادند که در اعیاد مذهبی بچه ها مشغول اجرای برنامه سرود بودند و تا پایان سال ششم تحصیل، شاگردان در این مدارس توأم با یادگیری آیات قرآن کریم، نهج البلاغه و احادیث و مسائل شرعی را هم فرامی گرفتند.

■ **ضرورت ساماندهی بناهای**

عضو انجمن پیروان قرآن:

از کارهای فرهنگی مرحوم عابدزاده ایجاد بنای ۱۴ معصوم است که مهدیه را از مال شخصی خودشان بنا کردند و بعد از آن هم به طور متناوب در قسمت های مختلف شهر ضمن نیازسنجی اماکنی برای ایجاد پایگاه فرهنگی و دینی بنا می کردند و در این مکان ها به برگزاری مراسم اعیاد و وفیات مذهبی نیز می پرداختند

مرحوم عابدزاده

حجت الاسلام حسینی اظهار کرد: هم اکنون که نظام حاکم، نظام جمهوری اسلامی است و با پیشرفت و ترویج فرهنگ قرآنی خواسته های حاج آقا عابدزاده در راستای تکریم قرآن و عترت در حال تحقق است، اگر انجمن های پیروان قرآن که ایشان بنا نهادند با کارشناسی درست احیاء شود و کسی بتواند از ناحیه مقام معظم رهبری مسئولیت ساماندهی این اماکن را بپذیرد همچنین با کمک آموزش و پرورش و موسسات فرهنگی، شاهد اثر گذاری فراوانی خواهیم بود.

وی درباره دلایل نفوذ حاج آقای عابدزاده در میان مردم، تأکید کرد: ایشان مردم را با رفتارها و تبلیغات درست تشویق به کمک در ساختن بناهای فرهنگی می کردند و به محض دریافت کمک های مردمی برای ساخت مدارس از میان خود مردم، هیئت مدیره ای برای رسیدگی به امور و مشارکت آن ها در ساخت بناها تشکیل می دادند.

حسینی درباره علاقه مندی شاگردان مرحوم عابدزاده با ایشان تصریح کرد: به طور قطع بین یک فکر درست و فطرت خداجویانه مردم پیوند برقرار می شود. مردم احساس می کردند حاج آقا عابدزاده حرف دلشان را می زند و از نظر اجتماعی و اقتصادی و جهت گیری در مقابل رژیم طاغوت به طور قطع مردم به حاج آقا عابدزاده به عنوان رهبر و کمک فکری نگاه می کردند و رابطه شاگردان ایشان با استاد عابدزاده مانند پدر و فرزند بود. بسیار به وی عشق می ورزیدند حتی خانم ها جواهراتشان را با اخلاص برای کمک به ساختن مدارس اهدا می کردند.

یادآوری می شود، حجت الاسلام والمسلمین سید ناصر حسینی متولد ۱۳۱۹ و از اوایل سن ۱۸ سالگی با حاج آقا عابدزاده مأنوس بوده و در بیشتر مراسم و سخنرانی های ایشان حاضر و از نزدیک شاهد فعالیت های مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده بوده است.

دلیل حضور بدون وقفه و بی دریغ حاج آقا عابدزاده در صحنه بود، ایشان در زمان برپایی مراسم مذهبی به خیابان می آمدند و محل استقرارشان در جوار حرم ملکوتی حضرت امام رضا (ع) بود. ضمن حضور گرم و همه جانبه، با یک برنامه بسیار تنظیم شده و زیبا مردم را جلب و به ترغیب و تشویق آنان می پرداختند.

این عضو انجمن پیروان قرآن تأکید کرد: اگر کسانی که در راستای فعالیت های قرآنی گام برمی دارند در کنار این فعالیت ها، کارهای عملی

و تاثیرگذار برای مردم انجام دهند ماندگار خواهند شد یعنی اگر حاج آقا عابدزاده تنها مراسم مذهبی را برپا می کردند و در کنارش به فقرا و مستضعفان کمک نمی کردند که از برنامه های فرهنگی لازمه جامعه اسلامی در زمان و شرایط خفقان رژیم طاغوت بود، این چنین اثرگذار نمی شدند.

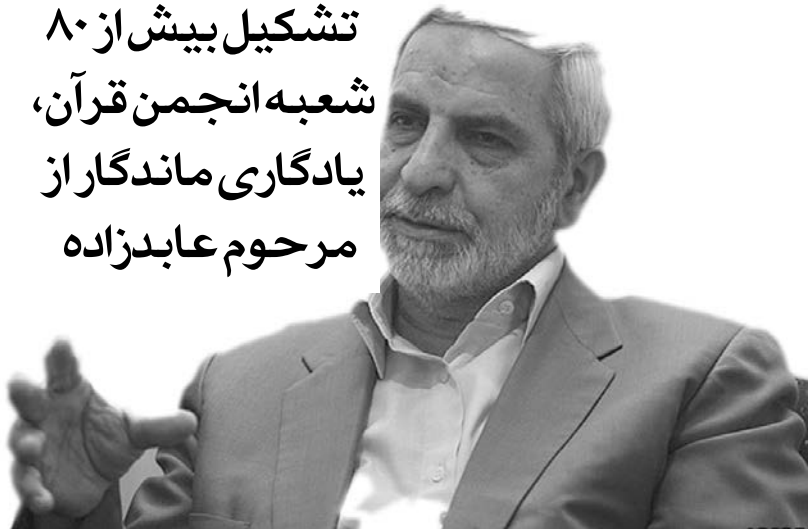
امام جماعت صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع) گفت: ایشان در ترغیب جوانان و بازاری ها برای یادگیری ادبیات عرب و احکام دینی تلاش فراوان می کردند و تأکید داشتند بازاری ها برای داشتن کسب حلال، باید قواعد دینی و احکام مذهبی را خوب بدانند و زندگی را بر همان اصول بناکنند و آثار تلاش های مرحوم عابدزاده امروزه مشاهده می شود.

■ **مرحوم عابدزاده حضور علما را زینت جلساتشان می دانستند**

حجت الاسلام والمسلمین حسینی عنوان کرد: حاج آقای عابدزاده درباره مسائل دینی و مذهبی تعصب خاصی داشتند، به خاطر دارم مرحوم آیت الله شهید «بهشتی» که به مشهد آمده بودند به جوانانی که دانشجوی بودند و قصد سفر به خارج از کشور را داشتند توصیه می کردند که ازدواج کنید و تعصب دینی داشته باشید و این تعصب دینی در مرحوم عابدزاده چشم گیر و زبان زد بود و همان اندازه در مجموعه ایشان اثرگذار بود.

این عضو انجمن پیروان قرآن و از همراهان مرحوم حاج آقا عابدزاده با اشاره به خاطره ای از ایشان تصریح کرد: من با حاجی عابدزاده بسیار مأنوس بودم، برخورد های ایشان به قدری زیبا و جذاب بود که هر چه قدر بیشتر با وی ارتباط داشتم علاقه بیشتری به ایشان پیدا می کردم و تا زمان بیماری ایشان که به ملاقاتشان می رفتم ایشان بذل توجه فراوان به من داشتند، حاج آقا عابدزاده با مراجع عظام و بزرگانی چون حاج آقا شیخ «هاشم فروینی»، مرحوم آیت الله «برجوردی»، آیت الله «قمی» و مراجع عظام دیگر ارتباط نزدیک داشتند و مقید بودند که چهره های نورانی در جلسات ایشان شرکت کنند. آیت الله خامنه ای پدر مقام معظم

تشکیل بیش از ۸۰ شعبه انجمن قرآن، یادگاری ماندگار از مرحوم عابدزاده



فعالیت های قرآنی: عملکرد اجتماعی حاج «علی اصغر عابدزاده» نسل جوان آن روز را با معارف اسلامی و قرآن آشنا ساخت و تشکیل بیش از ۸۰ شعبه انجمن قرآن، یادگاری ماندگار از ایشان برجای گذاشته است.



«محمود تقدیمی» از شاگردان و نزدیکان حاج «علی اصغر عابدزاده» در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب به نحوه آشنایی خود با مرحوم عابدزاده اشاره کرد و گفت: اولین بار حدود ۹ سال داشتم که به همراه پدرم در جلسات مهدیه شرکت کردم و ایشان (حاجی عابدزاده) از من سه سؤال پرسیدند و گفتند چند سوره از قرآن را می توانی از حفظ بخوانی و من ۱۶ سوره ای که حفظ بودم خواندم، حاج آقا مرا خیلی تشویق کردند و من مجذوب رفتار ایشان شدم و در برخورد

اول حاج آقا عابدزاده به نظرم مرد رؤف، پر محبت و خالی از هر شبهه ای آمد و تصمیم گرفتم به طور حتم در جلسات قرائت قرآن ایشان شرکت کنم و مرتب عصرهای جمعه در این جلسات که قاریانی از جمله آقایان «اشراقی و انوشیروانی» برای تلاوت قرآن کریم در مهدیه حاضر می شدند شرکت می کردم. وی تصریح کرد: با وجود استقبال فراوان جوانان از مراسم مهدیه، حاج آقا به تک تک بچه ها نظر داشتند و حتی یک بار خطاب به من گفتند هنوز کلاس سوم هستی گفتم بله و حاج آقا گفتند در کلاستان آموزش قرآن راه انداختی؟ در آن زمان انگیزه ای در من ایجاد شد و با چند تن از دوستان مذهبی در مدرسه که سر صف با هم دعا می خواندیم مشورت کردم و بچه ها گفتند برای مکان و امکانات آموزشی مشکل داریم و من پیشنهاد دادم در منزل ما کلاس برگزار شود و همه موافقت کردند از همان هفته عصر پنجشنبه حدود ۱۵ نفر جمع شدیم و کلاس قرآن تشکیل دادیم و قرار گذاشتیم پول هایمان را جمع کنیم و رحل و قرآن خریداری کنیم. به خاطر دارم روزی یک قرآن که از پدرم می گرفتم جمع می کردم و با بچه ها قرآن می خریدیم.

تقدیمی در ادامه افزود: معلم ورزش ما که از برپایی این جلسات آموزشی مطلع شد در کلاس های ما شرکت کرد، بعد از مدتی به مهدیه رفتیم و به حاج آقا عابدزاده گفتیم ما قاری و معلم قرآن نداریم و ایشان حاج آقای «زمانی» را معرفی کردند و جلسه ما به صورت رسمی ادامه یافت، کم کم حدود ۴۰ نفر اعضای اصلی داشتیم و بعد از یک سال حاج آقای عابدزاده هنگامی که شروع به شماره گذاری شعبه های انجمن پیروان قرآن کردند به کلاس ما هم تابلوی شعبه ۱۶ انجمن را دادند و به طور کلی حدود ۸۰ انجمن پیروان قرآن ثبت کردند. وی درباره نحوه آموزش و اداره جلسات قرآن انجمن پیروان قرآن، عنوان کرد: در ابتدا تأکید بر روخوانی صحیح بود و بعد از حدود چهار سال که بچه ها مسلط به روخوانی و قرائت شده بودند آموزش تجوید را آغاز کردیم و سپس از معارف قرآنی بهره مند شدیم و حاج آقای عابدزاده آقای «آستان پرست» را برای شعبه ۱۶ انجمن پیروان قرآن معرفی کردند و ایشان هر هفته حاضر می شدند و این شعبه به نام حاج آقای آستان پرست معروف شد و عمده تأکید جلسات ما بر روی تفسیر و معارف قرآنی بود. به طور کلی بچه ها به ترتیب روخوانی، روان خوانی، تجوید، حفظ و بعد تفسیر و مفاهیم را آموزش می دیدند.

این عضو انجمن پیروان قرآن اظهار کرد: حاج آقا عابدزاده به آموزش تک تک افراد حاضر در جلسات دقت داشتند و تأکیدی کردند پس از آموزش ابتدایی وارد کلاس های عربی مهدیه شوند تا از علوم عربی و احکام دینی هم بهره ببرند، من هم در جلسات درس عربی مهدیه در خدمت استاد «آستان پرست» جامع المقدمات خواندم پس از اتمام این جلسات حاج آقا گفتند شما باید شروع به آموزش جامع المقدمات کنید و به صورت مستمر

«محمود تقدیمی» از شاگردان مرحوم عابدزاده:

حاج آقای عابدزاده به آموزش تک تک افراد حاضر در جلسات

دقت داشتند و تأکید می کردند پس از آموزش ابتدایی وارد

کلاس های عربی مهدیه شوند تا از علوم عربی و دین هم بهره ببرند و

پس از اتمام جامع المقدمات حاج آقا تأکید داشتند افراد شروع به

آموزش جامع المقدمات کنند و به صورت مستمر نحوه آموزش را

کنترل و رسیدگی می کردند

نحوه آموزش را کنترل و رسیدگی می کردند.

محمود تقدیمی در بیان خاطره ای از مرحوم عابدزاده تصریح کرد: روزی تمام مدرسان مهدیه در دفتر حاج آقا جمع شدند و به مزاح به حاج آقا عابدزاده گفتند چرا شما به «تقدیمی» محبت بیشتری دارید و حاج آقا گفتند تقدیمی با شما تفاوتی ندارد و اگر به نظر شما محبت من به ایشان بیشتر است به دلیل این است که ایشان حتی شب عروسیش هم جلسه درسی اش را تعطیل نکرد و این موضوع بسیار مهم است. به هر حال تمام وقت مرحوم عابدزاده صرف خدمت رسانی به مردم، تربیت بچه ها و آشنایی جوانان با احکام اسلامی و قرآن می شد.

تقدیمی در جواب به این سؤال که شناخت حاج آقا عابدزاده از مسائل سیاسی چگونه بود، تأکید کرد: مرحوم عابدزاده در مسائل سیاسی هم به عنوان عقبه فکری مردم شرکت می کردند به طور مثال در جریان انتخابات مجلس در زمان محمدرضا شاه ایشان می گفتند من کاندید نمی شوم و من فقط وکیل هستم به مردم در راستای انتخاب درست کمک کنم و در این راستا تبلیغات گسترده و فعالیت می کردند.



صداقت حاجی «عابدزاده» مثال زدنی بود

گروه فعالیت های قرآنی: رفتار صادقانه، با اخلاص و مثال زدنی مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» سبب جذب و شرکت افراد بسیاری در جلسات سخنرانی ایشان شده بود.

■ ■ ■

«احمد تقدیمی» از شاگردان و نزدیکان حاج «علی اصغر عابدزاده» در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب در تشریح شخصیت مرحوم عابدزاده گفت: حاج آقا عابدزاده بسیار با قرآن و کلام خداوند مأنوس بودند و از آیات عذاب الهی به شدت می ترسیدند. به خاطر دارم یک هفته ای بود هر بار که در مهدیه ایشان رامی دیدیم فوق العاده ناراحت بودند و با کسی صحبت نمی کردند و بسیار هم می گریستند من متعجب و جویای دلیل رفتار حاج آقا بودم و در اواسط هفته متوجه شدم این رفتار در نتیجه تدبیر ایشان در یکی از آیات عذاب در قرآن کریم بوده است.

وی افزود: آقا سید «جعفر چمنی» از نزدیکان حاجی عابدزاده می گفتند: «صداقت حاج آقا عابدزاده مرا به جلسات ایشان کشاند و من ارادتمند ایشان هستم» و برای جلسات حاج آقا عابدزاده به صورت رایگان مداحی می کرد و مجذوب صداقت ایشان بود.

وی تصریح کرد: من در سال ۱۳۳۹ به عسگریه که از بناهای حاج آقا عابدزاده بود رفتم و ایشان مدیریت دقیقی اعمال می کردند تا جایی که در این مدراس تنبیه بدنی، اجرای سرودهای غیر مذهبی، ورزش، کتابت با خودکار و خودنویس توسط

مرحوم عابدزاده منع شده بود و بچه ها با قلم فرانسه می نوشتند در نتیجه این سخت گیری حاج آقا، همه بچه ها خوش خط شده بودند و در مجموع در مدراس حاج آقا بسیار حساب شده عمل می شد. در سال ۱۳۴۱ در نجف که خدمت آقای سید «محمود شاهرودی» رسیدیم ایشان مختصری از وجوهات را برای مدراس حاج آقا عابدزاده کنار گذاشته بودند و این نشان دهنده تأیید عملکرد حاج آقا از سوی ایشان بود.

تقدیمی در جواب به این سؤال که مدیریت حاج آقا عابدزاده را چگونه می دیدید، تأکید کرد: اگر ما بخواهیم مدیریت سازمان یافته کنونی را با مدیریت سال ۴۰ که مادر خدمت ایشان بودیم قیاس کنیم به دلیل تفات های کلی شاید از نظر معیارهای مدیریتی این دوران متفاوت باشد اما اخلاص ایشان بسیار تأثیرگذار بود، کلاس های قرآن مدراس حاج آقا عابدزاده به صورت منظم برگزار می شد و آیات مشخص و کاربردی را به عنوان تکلیف به بچه ها می دادند و بر تأثیر این آیات تأکید داشتند و ما سعی می کردیم آیات خاص و مورد تأکید ایشان را خوش خط و منظم بنویسیم.

تقدیمی در ادامه افزود: مرحوم عابدزاده بسیار شدیدالبکاء (گریه های شدید) بودند ایشان حدود شش ماه از سال هر شب منبر می رفتند و هر شب هر زمانی

مصیبت امام حسین (ع) را می خواندند می گریستند، مرحوم عابدزاده از نظر مزاجی کمی عصبانی بودند اما در خلوت به دلیل عصبانیت های خودشان گریه می کردند. به خاطر دارم برای اولین بار که به سامرا مشرف شدیم شاید یک ساعت نزدیک سرداب امام زمان (عج) گریه می کردند. حاج آقا عابدزاده ده شب منبر داشتند و حداقل دو ساعت بدون نوشته قبلی و متکی به حافظه با توجه به مطالعات قبلی سخنرانی می کردند.

این همراه و نزدیک مرحوم علی اصغر عابدزاده در پایان یادآوری کرد: حاج آقا عابدزاده یک انسان جامع و کامل بودند و در زمینه روان شناسی نیز موفق بودند و راهنمایی ها و مشاوره های مفیدی به ما می دادند، مرحوم عابدزاده هر منبری که می رفتند حداقل ده آیه را از حفظ می خواندند و کل مطالب دو ساعت سخنرانی ایشان در محدوده این ۱۰ آیه بود. عابدزاده عمده قرآن کریم را حفظ بودند و به دلیل تأکید بر معنویات و دوری از مسائل دنیوی هیچ هزینه ای برای سخنرانی ها دریافت نمی کردند و خرج و مخارج زندگی ایشان از کارخانه شیشه تأمین می شد.

«احمد تقدیمی» از شاگردان و نزدیکان مرحوم عابدزاده:

حاج آقا عابدزاده در مدراسشان مدیریت دقیقی اعمال می کردند تا جایی که در این مدراس تنبیه بدنی، اجرای سرودهای غیر مذهبی، ورزش، کتابت با خودکار و خودنویس توسط ایشان منع شده بود



کلاس برگزار می شد و خود حاجی هم بر همه آنها نظارت و سرکشی می کردند؛ حاجی در بناهای خود غیر از اینکه مدیر و ناظم گذاشته بود، هیئت مدیره ای را هم موظف کرده بود تا کلاس ها را سرکشی کنند و از نظر مذهبی کم و کاستی نداشته باشند اینها برنامه های منحصر به فردی بود که مردم را جذب خود می کرد. وی ویژگی منحصر به فرد حاجی عابدزاده را قاطعیت وی نام برد و گفت: حاجی به مسائل تربیتی شاگردان بسیار اهمیت می داد و در مشهد و ایران کاری کرد که از عهده هر کسی بر نمی آمد.

صدافتی فر شغل حاجی عابدزاده را آئینه سازی نام برد و گفت: این را حتمی می دانم که حاجی عابدزاده از کارهای قرآنی و برنامه های تربیتی خود برای فرزندان و شهروندان مشهدی، هیچ چیز را برای خود اختصاص نمی دادند و تنها از شغل آئینه سازی کارخانه خود در طبقه بالای مهدیه تأمین معاش می کردند. وی ویژگی که در خود برگرفته از حاجی می بیند را مقید بودن به اسلام و مسائل شرعی نام برد و گفت: من از آن زمان جلسات مذهبی را ادامه می دهم؛ حاج آقا خلاص بسیار در کارها داشت و نظرش بر آن بود که کسی خودش را نباید مطرح کند، وی نماز را با صوت و اخلاص فراوان می خواند و ما را نیز جذب خود می کرد.

این شاگرد مدرسه جوادیه مرحوم عابدزاده ادامه داد: حاج آقا چون سرپرست بناها بودند معلمین را در شب های شبیه در جلسه کارمندی دعوت می کرد و نصایح لازم را به آنان ارائه می کرد و ارشاد می نمود تا آنان با تأثر از آن کلمات، شاگردان را بهتر ارشاد کنند حاجی هر هفته خود نیز به بناها سرکشی می کردند و اگر قصوری می دیدند به هیئت مدیره بناها تذکر می دادند و آن مشکل را رفع می کردند.

وی در ادامه به فعالیت انجمن پیروان قرآن پس از وفات مرحوم عابدزاده اشاره داشت و بیان کرد: انجمن پیروان قرآن اخیراً هیئت امنائی را منصوب کرده و سعی دارد این راه را بهتر ادامه دهد چون بعد از فوت حاج آقا این انجمن کمی رکود کرده و بناها مورد غفلت قرار گرفته بود.

یکی از شاگردان جوادیه: فعالیت های سیاسی مرحوم عابدزاده بسیار سر بسته و زیرکانه بود

حاجی گفت، خدا کند همه اینگونه احساس مسئولیت کنند تا وظیفه ما هم، کم شود اگر در برابر انسان هایی که استحقاق کمک دارند، احساس مسئولیت نکنیم در برابر آنان شرعاً مسئولیم.

وی ادامه کلام را به همراهی مرحوم عابدزاده در سفری به مکه اختصاص داده و تصریح کرد: در این سفر می دیدم حاجی در کاروان نسبت به نجس و پاکی بسیار مقید بودند و تأکید داشتند مرغ های ذبح عربستان را کاروان تهیه نکند، چون کشتارشان درست و شرعی نبود و به مسئول کاروان می گفتند «شما مرغ زنده بگیرید و خود آنها را می کشت و پر می کند و می گفت این غذاها اثر دارد و غذای شبهه ناک را نباید خورد. این شاگرد مدرسه جوادیه حاجی عابدزاده با بیان این مطلب که حاج آقا در کنار فعالیت های دینی و تربیتی خود، آشپزی هم می کردند، توضیح داد: حاجی در مراسم ها خود برای میهمانان آشپزی می کرد، مثلاً در بنای عسگریه ده دیگ شله می زدند و آنقدر در کشتن گوسفندها و شستن و آب کشیدن گوشت هادقت می کردند که نجس و پاکی به درستی رعایت شود. وی رفتار استاد را در فعالیت های سیاسی مورد بررسی قرار داد و گفت: ایشان با مرحوم نواب صفوی بسیار مانوس بودند تا جائیکه نواب وقتی به مشهد آمدند یکسره روانه مهدیه شدند؛ مرحوم عابدزاده گرچه به فعالیت های سیاسی بسیار فعال بودند ولی فعالیت هایشان به دلیل حبسشان، بسیار سر بسته و زیرکانه بود و ابراز نمی شد و ساواک نتوانست از ایشان نقطه ضعفی بیرون بکشد.

صدافتی فر، در بخش دیگر سخنان خود به این مطلب اشاره کرد که مادر حاجی با ایشان زندگی می کرد و در وفات ایشان، حاجی در زندان بود و مردم از مادر ایشان تشییع جنازه پرشکوهی را به جا آوردند.

وی خاطر نشان کرد: جنبه مذهبی حاجی بسیار گسترده بود؛ ایشان در اکثر سردر بناها بلندگو گذاشته بودند که در هنگام اذان، اذان پخش شود و در ماه مبارک نیز مناجات، لذا باید گفت استاد از جنبه مذهبی و تبلیغی بسیار برای مردم مشهد کار کرده است، کارهایی که در حال حاضر هم، اینگونه بر آن کار نمی شود. این شاگرد مدرسه جوادیه به تأسیس انجمن پیروان قرآن به مدیریت حاج علی اصغر عابدزاده اشاره کرد و بیان داشت: حاجی برای انجمن پیروان قرآن، شعبه های متعددی را تشکیل داده بود که اکثر این جلسات قرآنی بود، بناهای استاد عابدزاده نسبت به بناهای دولتی، بسیار مقید بودند که در برنامه کلاس های خود، در هفته ۵ تا ۶ جلسه کلاس قرآن داشته باشند، شرعیات نیز در هفته در ۲ تا ۳

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم عابدزاده با مرحوم نواب صفوی بسیار مانوس بودند تا جائیکه نواب وقتی به مشهد آمدند یکسره روانه مهدیه شدند و گرچه فعالیت های سیاسی بسیار داشتند ولی فعالیت هایشان بسیار سر بسته و زیرکانه بود و ساواک نتوانست از ایشان نقطه ضعفی بیرون بکشد.

■ ■ ■

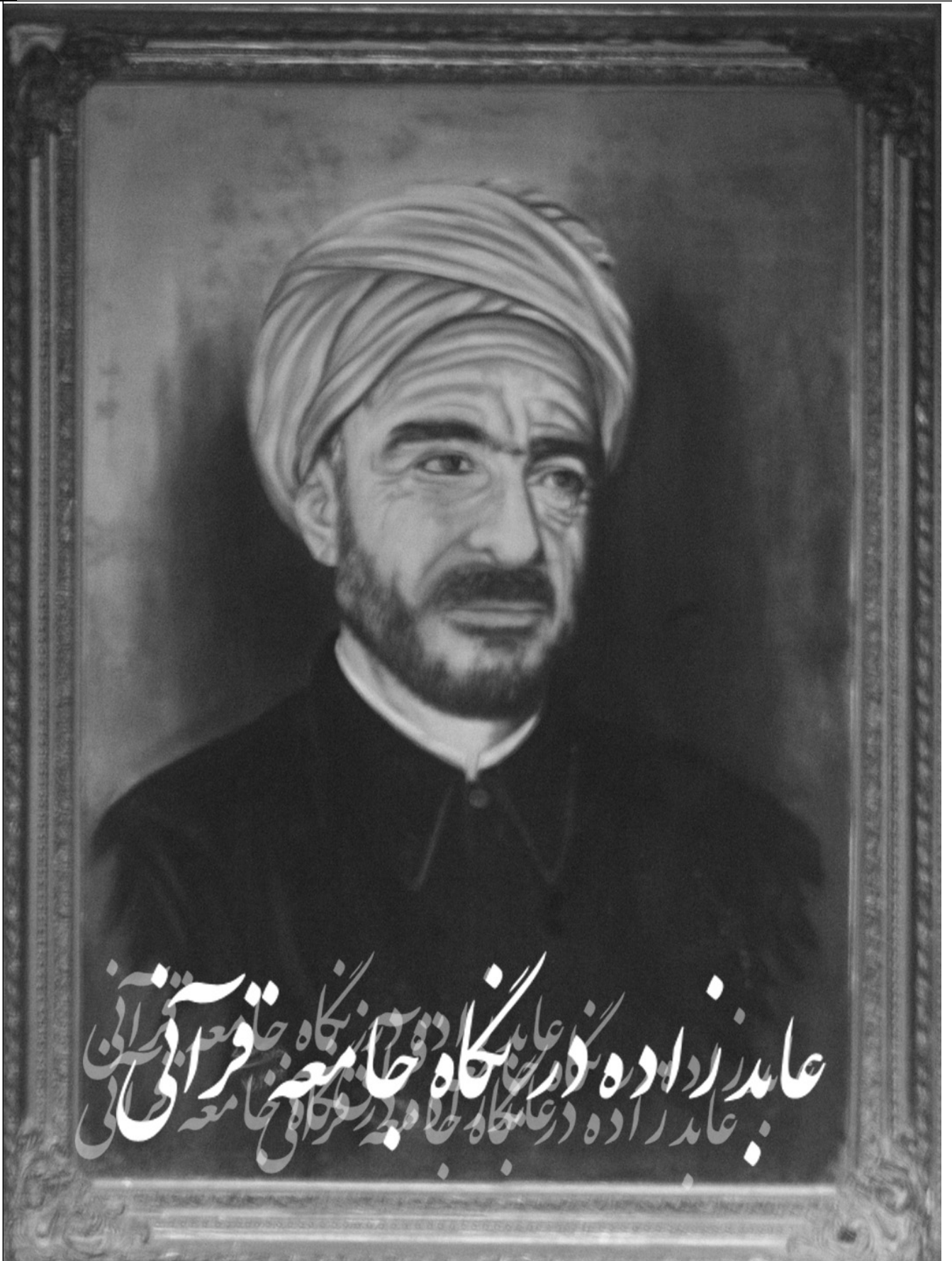
محمد هادی صدافتی فر، معروف به عرب زاده از شاگردان جوادیه حاجی عابدزاده، در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) اظهار کرد: من از هفت سالگی در بنای جوادیه حاجی عابدزاده، مشغول تحصیل بودم و در جلسات استاد در شب های شبیه شرکت می کردم، من بعد از کلاس پنجم، امتحان نهایی را در آموزش و پرورش دادم و به دبیرستان رفتم.

صدافتی فر به فعالیت های مرحوم عابدزاده در ترویج فرهنگ قرآنی در مدارس اشاره داشت و یاد آور شد: در ماه مبارک رمضان، هر روز از اول تا آخر ماه، استاد عابدزاده، برنامه تلاوت قرآنی در مسجد گوهرشاد و در شبستان نهادندی داشتند و شاگردان، همراه معلمان هر روز به طرف مسجد گوهرشاد می رفتند و جلب توجه عمیقی برای مردم در زمان طاغوت داشتند.

وی در ادامه از مردم داری استاد عابدزاده و توجه ایشان به فقرا یاد کرد و گفت: استاد عابدزاده هر سال در ماه رمضان، در مهدیه، برنامه افطاری را ترتیب می دادند و هر شب قشری از مردم مستضعف را در این میهمانی با دعوتنامه ای دعوت می کردند که ما هم در آنجا برای پذیرایی از میهمانان شرکت می کردیم، استاد مراسم احیاء را ۵ شب در شب های قدر در یکی از بناهای علویه، حسینیه و عسگریه برپا می کردند و از مامی خواستند پس از مراسم افطار، فرش ها را جمع کنیم و هر سال به یکی از این بناها ببریم و محل را آماده پذیرایی از میهمانان برای مراسم احیاء کنیم.

عرب زاده در ادامه، سخنران این مراسم ها را نیز شخص حاج علی اصغر عابدزاده معرفی کرد و در ادامه ایشان را بسیار فعال و مسئول در برابر حوادث اعلام کرد و گفت: ما همراه حاجی در سیل قوچان، برای کمک به سیل زدگان، ده روز به قوچان رفتیم، در زلزله طبرس هم ایشان بسیار نقش ایفا کردند و در جریان حکومت صدام پیش از انقلاب، که او عده ای از ایرانیان را اخراج کرده بود، حاجی در مهدیه به آنان جاداد و به آنان بسیار کمک می کرد.

صدافتی فر در ادامه به یاد آورد: یک روز به یاد دارم لباس هایی را مردم برای کمک به این اخراجیان ایرانی آورده بودند و





گروه فعالیت های قرآنی: بارزترین ویژگی اخلاقی استاد عابدزاده، اخلاص در عمل است و نمود این ویژگی اخلاقی به طور واضح در تمام امور وی نمایان است.

«سعید طوسی» قاری و داور بین المللی قرآن کریم در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب اظهار کرد: آنچه به نظم بیش از هر چیزی درباره مرحوم عابدزاده بارز است اخلاص عمل ایشان است چراکه این خصیصه عالی را می توان در تمام امور، فعالیت ها و آثار وی شاهد بود.



وی در ادامه افزود: موضوعی که سبب می شود انسان بدون در نظر گرفتن منافع شخصی خود به ارائه خدمات و خدمت به خلق خدا بپردازد فقط اخلاص است و از جاذبه ای که برخوردار بود در ایجاد ارتباط با متمولین و ثروتمندان جهت تاسیس بناهای چهارده گانه ائمه معصومین (ع) در امور خیر بهره برده و تمام این مطالب حکایت از اخلاص عمل دارد چراکه اگر این موضوع نباشد تمام فعالیت های انسان مقطعی خواهد بود.

این قاری قرآن کریم یاد آور شد: اخلاص در عمل استاد عابدزاده موجب شد تا برای دیگران جاذبه زیادی داشته باشد البته خود ایشان از قدرت جاذبه بالایی برخوردار بود که توانست روشنفکران را که تشنه حقایق دینی بودند جذب کند.

استاد، قاری و داور بین المللی قرآن کریم:

طوسی، قاری بین المللی:

بارزترین ویژگی اخلاقی استاد عابدزاده، اخلاص او بود

موضوعی که سبب می شود انسان بدون در نظر گرفتن منافع شخصی خود به ارائه خدمات و خدمت به خلق خدا بپردازد فقط اخلاص است و از جاذبه ای که برخوردار بود در ایجاد ارتباط با متمولین و ثروتمندان جهت تاسیس بناهای چهارده گانه ائمه معصومین (ع) در امور خیر بهره برده و تمام این مطالب حکایت از اخلاص عمل دارد چراکه اگر این موضوع نباشد تمام فعالیت های انسان مقطعی خواهد وی درباره فعالیت های مرحوم عابدزاده گفت: بیشترین فعالیت های مرحوم عابدزاده به یک تادو دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی باز می گردد، ایشان منشاء خیر و برکات زیادی بود و آثار و مراکز دینی ارزشمندی هم بنا کرد. این داور بین المللی قرآن کریم یاد آور شد: استاد عابدزاده اقدام به تاسیس مدارس چهارده گانه متبرک به اسم ائمه معصومین (ع) نظیر فاطمیه، علویه، عسگریه، مهدیه و غیره پرداخت در واقع در این مدارس به اجرای امور فرهنگی و

دینی می پرداخت.

طوسی اظهار کرد: در این مدارس دروس اسلامی با هماهنگی آموزش و پرورش آن زمان به دانش آموزان ارائه می شد و شاگردان به فراگیری دروس تخصصی اسلامی می پرداختند و تعداد قابل توجهی از مسئولان مفتخر به حضور در مدارس مرحوم عابدزاده شدند و از اینکه دروس و تربیت اسلامی را در آن مکان ها تعلیم یافته اند، بسیار خرسند و مفتخر هستند.

وی در ادامه افزود: افراد بسیاری که با ایشان مانوس بودند موفقیت های خود را در اثر ارتباط با او به دست آوردند و در حال حاضر نیز برخی که در مقام ها و پست های مهمی در حال فعالیت و ارائه خدمت و خدمات به کشور هستند در مدارس او به فراگیری علوم

دینی و قرآنی پرداخته اند.

این استاد علوم قرآنی در ادامه درباره ویژگی های اخلاقی مرحوم عابدزاده گفت: استاد عابدزاده فردی بسیار فعال، تشنه ارائه خدمات فرهنگی و دینی بود و در مراسم مذهبی به ویژه ایام منتسب به ائمه معصومین (ع) و اعیاد دینی به ویژه در نیمه شعبان که سالروز ولادت ولی عصر (عج) است اقدام به اجرای برنامه های مختلف می کرد و به یاد می آورم زمانی که بیش از ۱۰ سال نداشتم، این مراسم و جشن ها را در مهدیه خود برپای می کرد.

وی در پایان گفت: استاد عابدزاده در سال ۱۳۶۵ پس از تحمل درد و رنج بیماری طولانی که دچار بود به دیار باقی شتافت و در مهدیه نیز به خاک سپرده شد و در مراسم ختم مرحوم عابدزاده طی آن چند روز به تلاوت قرآن کریم پرداخت.

پناهی، قاری بین‌المللی:
راز ماندگاری
مرحوم
«عابدزاده»، ایمان
واقعی و خلوص
نیت ایشان بود



در مدارس دولتی آزمون ورودی دادیم و به دلیل داشتن سطح علمی قابل قبول پذیرفته شدیم.

این قاری قرآن در ادامه افزود: من از سال ۱۳۵۰ وارد این مدارس شدم و تا سوم ابتدایی و تا قبل از تعطیلی این مدارس به دست رژیم پهلوی، در مدارس حاج آقا عابدزاده تحصیل می‌کردم. من به دلیل خردسالی با حاج آقا زیاد مراده ای نداشتیم اما پدر مرحوم روحانی بودند و در کنار مرحوم عابدزاده و از شاگردان، نزدیکان و به نوعی معاون ایشان بودند.

پناهی تأکید کرد: مرحوم عابدزاده مرد نابغه در تمام زمینه‌ها بودند، از لحاظ مدیریتی بسیار قوی و در حد بالایی بودند، آشپز نمونه و یک مشاور و فرد مذهبی زبان زدی بودند. حاج آقا بسیار خوش قلب و مهربان بودند و اگر زمانی هم ناراحتی و عصبانیتی داشتند به علت سختگیری‌ها و نظم کاری ایشان بود.

وی اظهار کرد: مرحوم عابدزاده مراسم اعیاد و وفیات ائمه اطهار (ع) را مفصل برگزار می‌کردند و سعی داشتند مداحی‌ها، قرائت قرآن، اذان و برگزاری مراسم را به عهده شاگردان بگذارند. ما در سطح استان خراسان بعد از انقلاب شاهد بودیم که اکثر مدیران برجسته از شاگردان مدارس مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده بودند.

این شاگرد مرحوم عابدزاده در پایان درباره سخنرانی‌ها و مجالس مرحوم عابدزاده یاد آور شد: مرحوم پدرم در جلسات ایشان شرکت می‌کردند و می‌گفتند سخنرانی‌های استاد عابدزاده بسیار پر بار، پر شور و مفید است و در عین خفقان رژیم طاغوت تأکید فراوان بر حمایت بر مذهب و

دین داشتند و مخالفت صریح با رژیم طاغوت می‌کردند که یکی از دلایل تعطیلی مدارس ایشان مضامین سخنرانی‌های مرحوم عابدزاده بود.

گروه فعالیت‌های قرآنی: راز ماندگاری مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» ایمان به خدا، خلوص و نیت پاک و فعالیت در ارستای اشاعه فرهنگ انس با قرآن کریم بدون چشم داشت مادی است.

«محمدجواد پناهی» از قاریان بین‌المللی و از شاگردان مدارس مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: مرحوم عابدزاده موسس ۱۲ مدرسه و بنای فرهنگی با عنوان مدارس ملی در سطح مشهد در زمان طاغوت بودند و این مدارس مزین به نام‌های دوازده امام (ع) بود. در هر مدرسه تعداد زیادی دانش‌آموز مشغول به تحصیل بودند که هر مدرسه زیر نظر هیئت امنای مدیریت می‌شد و ریاست و رسیدگی کلی به عهده مرحوم عابدزاده بود. وی تصریح کرد: مبنا و اصل کار در مدارس مرحوم عابدزاده گسترش فرهنگ قرآنی و تدریس قرآن کریم بود و نحوه آموزش بقیه دروس در این مدارس نیز مشابه روش تدریس آموزش و پرورش آن زمان بود اما بنای اصلی بر قرآن و احکام اسلامی پایه‌ریزی شده بود و در مناسبات مذهبی هم با جدیت و علاقه برنامه برگزار می‌کردند به طور مثال در ماه مبارک رمضان همه شاگردان را بعد از ظهرها در مسجد گوه‌رشاد جمع می‌کردند و یک جزء از قرآن کریم را قرائت می‌کردند.

محمدجواد پناهی در پاسخ به این پرسش که مدارس استاد عابدزاده در فضای فرهنگی آن زمان تا چه حد تأثیرگذار بود، عنوان کرد: بسیار فضای فرهنگی قرآنی این مدارس اثرگذار بود تا حدی که تمام افراد مذهبی سعی داشتند فرزندان‌شان را در این مدارس ثبت نام کنند و سطح

علمی این مدارس هم هیچ کم و کاستی از مدارس آموزش و پرورش نداشت به طور مثال زمانی که این مدارس از طرف رژیم طاغوت تعطیل شد ما برای شرکت

«محمدجواد پناهی» قاری قرآن:

مرحوم عابدزاده مرد نابغه در تمام زمینه‌ها بودند، از لحاظ مدیریتی بسیار قوی و در حد بالایی بودند، آشپز نمونه و یک مشاور و فرد مذهبی زبان زدی بودند و حاج آقا بسیار خوش قلب و مهربان بودند و اگر زمانی هم ناراحتی و عصبانیتی داشتند درباره کار و سختگیری‌ها و نظم کاری ایشان بود



سادات فاطمی، قاری بین المللی: عابدزاده احیاگر مناسبت های مذهبی در شهر مشهد بود

مطلع نبودند و به طور کلی مردم چندان دنبال این گونه مسائل نبودند و مرحوم عابدزاده فردی بود که این موارد را احیا کرد و جلسات روضه خوانی را در مشهد زنده کرد.

وی یاد آور کرد: این موضوع که ایشان در امور مذهبی فعالیت می کرد بسیار جالب بود چراکه شغل اصلی وی آیین سازی بود و هم زمان بناهای معروف عابدزاده به شکل مدارس غیردولتی فعالیت می کرد که بزرگان زیادی از جمله استاد «شجریان» که در آن زمان به زیبایی قرآن را تلاوت می کرد در همین مدارس درس خوانده اند.

سادات فاطمی گفت: سن من در آن زمان چندان اقتضای نمی کرد ولی حاجی عابدزاده خدمت بزرگی به مردم مشهد انجام داده است که هنوز هم بناهای ساخته شده توسط وی فعال است و مردم از آن استفاده می کنند و از سوی دیگر آن مرحوم با جدیتی که داشت بسیار انسان محکم و مذهبی بود و به هیچ عنوان با رژیم طاغوت کنار نمی آمد.

این قاری بین المللی قرآن کریم تصریح کرد: به موجب همین اعتقادات مذهبی بسیاری از افراد مومن و متدین در اطراف عابدزاده جمع شده بودند و سعی می کردند همواره خود را در جمع یاران وی قرار دهند و پدر خود من نیز علاوه بر این که در محافل و مراسم مختلف حضور پیدا می کرد هم زمان عضو هیئت مدیره بنای فاطمیه آن مرحوم نیز بود.

این پیشکسوت قرآنی در پایان اظهار کرد: مرحوم عابدزاده در کارها با افراد مختلف مشورت می کرد و روند امور به طور معمول از طریق هیئت مدیره اداره می شد چراکه آن مرحوم اهل تحکم در رأی نبود که به همین دلایل باید نام وی را زنده نگه داشت.

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم عابدزاده زمانی که مردم چندان از مناسبت ها و برنامه های دینی در طول سال مطلع نبودند، احیاگر مناسبت های مذهبی در شهر مشهد بود.

سید «مرتضی سادات فاطمی» پیشکسوت و قاری بین المللی قرآن کریم در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: من نوجوانی حدود ۱۴ ساله بودم که حاجی عابدزاده را می دیدم و از طریق مرحوم پدرم که عضو هیئت مدیره بنای فاطمیه مشهد بود در جلسات و منابر ایشان شرکت و از سخنان وی در موضوعات مختلف استفاده می کردم.

■ ■ ■

وی افزود: بناهای معروف ساخته شده توسط حاجی عابدزاده از جمله مهدیه، فاطمیه، عسگریه و غیره که با نام ائمه اطهار (ع) نام گذاری شده است در ایام و مناسبت های مذهبی از جمله سال روز میلاد و وفات امامان معصوم (ع) برنامه های ویژه جشن و عزاداری برگزار می کردند.

سادات فاطمی اظهار کرد: در سال های نوجوانی پای منبر مرحوم حاجی عابدزاده می نشستم و از جمله ویژگی های شخصیتی وی این بود که آدم بسیار جدی و در کار خیلی دقیق بود، از طرف دیگر ایشان انسان متدین و باایمانی بودند که البته به علت کوچکی سن بیشتر این مباحث را من از طریق پدرم و دیگران شنیدم.

این قاری بین المللی قرآن کریم تصریح کرد: زمانی که حاجی عابدزاده به مشهد آمدند مردم این شهر خیلی از زمان سال روز ولادت و وفات امامان (ع)

نخستین جلسات آموزش قرآن مشهد توسط مرحوم عابدزاده راه اندازی شد

گروه فعالیت های قرآنی: نخستین جلسات قرآنی مشهد توسط مرحوم عابدزاده راه اندازی شد و مهم ترین فعالیتش نیز آموزش قرآن بود. «رضا عابدین زاده» استاد، داور و قاری بین المللی قرآن کریم در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب اظهار کرد: استاد عابدزاده در امر آموزش و تعلیم قرآن کریم به مردم، بسیار کوشا بود و در این راه از هیچ تلاشی فروگذاری نکرد.

وی درباره خدمات مرحوم عابدزاده یاد آور شد: مرحوم عابدزاده علاوه بر تاسیس مسجد، حسینیه و مدارس چهارده گانه اقدام به ایجاد بیمارستان، مراکز خیریه و درمانگاه نیز کرد و در امور جوانان به ویژه در امر ازدواج جوانان بسیار تلاش و بانی خیر بود و در حال حاضر نیز حسینیه اصلی ایشان در چهارراه شهدا پشت باغ نادری به حوزه علمیه ویژه طلاب خارجی تبدیل شده به هر حال آنچه از ایشان باقی مانده هنوز هم در امور مذهبی و دینی مورد استفاده قرار می گیرد.

این قاری قرآن کریم در ادامه از خدمات استاد عابدزاده در خارج از کشور گفت: مرحوم عابدزاده علاوه بر خدمات مختلفی که در کشور داشت با سفر به شهرهای مکه و مدینه، کربلا و کشورهای سوریه و عربستان اقدام به تاسیس مسجد و حسینیه کرده بود.

وی درباره خصوصیات اخلاقی مرحوم عابدزاده یاد آور شد: استاد عابدزاده، انسانی بسیار متواضع، خوش برخورد، مقید به برپایی نماز اول وقت و تلاوت قرآن کریم و پرداخت خمس و زکات بود، وی به تمام معنا به اجرای امور دینی و مذهبی می پرداخت و حتی به ریزه کاری هایی دینی که بسیاری از افراد نسبت به آن بی توجه هستند وی بسیار پایبند و مقید به انجام همه جانبه امور دینی بود.

عابدین زاده تصریح کرد: استاد عابدزاده به حلال و حرام بسیار اهمیت می داد و به همین خاطر مردم کمک های مالی که برای فقرا یا امور خیری در نظر می گرفتند به وی می دادند و ایشان تمام آن مبالغ را صرف امور خیر می کرد و در انجام این امور به قدری کوشا بود که از استاد عابدزاده میراثی جز خدماتش چیز دیگری به جا نمانده است.

وی با اشاره به خاطره ای از مرحوم عابدزاده اظهار کرد: استاد عابدزاده که آخرین روزهای عمر پربرکتش در بیمارستان معلولین فیاض بخش بستری بود به دیدارش رفتم، استاد از چهره بسیار نورانی و معنوی برخوردار بود و متأسفانه قادر به تکلم نبود تا بتوان صحبتی با ایشان داشت.

داور و قاری بین المللی قرآن کریم:

مرحوم عابدزاده علاوه بر تاسیس مسجد، حسینیه و مدارس چهارده گانه اقدام به ایجاد بیمارستان، مراکز خیریه و درمانگاه نیز کرد و در امور جوانان به ویژه در امر ازدواج جوانان بسیار تلاش و بانی خیر بود

عابدزاده برای حل مشکلات مردم نهایت تلاش خود را به کار بست



جوادیه، عسگریه، مهدیه و غیره کرد و مدیریت این مدارس به عهده خود ایشان بود و همچنین مدارس دارای هیئت مدیره ایی نیز بود و استاد عابدزاده هرگز در امور این هیئت دخالت نمی کرد.

وی در ادامه افزود: نخستین مهدیه ایران توسط استاد عابدزاده پشت باغ نادری مشهد راه اندازی شد، وی از کسانی بود که دعای کمیل را بسیار گیرا و توأم با اخلاص قرائت می کرد و تمام شرکت کنندگان تحت تاثیر صدای گیرا و پر از التهاب وی قرار می گرفتند.

حق پناه یاد آور شد: مرحوم عابدزاده برای مراسم چهلم آیت الله بروجردی ۴۰ اتوبوس مهیا کرد و علاقه مندان به شرکت در آن محفل را از مشهد به قم برد و همچنین در جشن و مراسم هایی که به مناسبت اعیاد دینی برپا می کرد به ویژه نیمه شعبان با توجه به منطبق بودنش کارت دعوت تهیه و برای این روز تدارکات ویژه ایی مهیا می کرد و برای خوشامدگویی و بدرقه کردن مهمانان خودش همیشه جلوی در ورودی محل برپایی مراسم حاضر بود و با خوشرویی با همه برخورد می کرد.

این داور بین المللی قرآن کریم درباره ویژگی های اخلاقی و رفتاری استاد عابدزاده تصریح کرد: مرحوم عابدزاده، فردی بسیار خیر، با انضباط و مقرراتی بود و جلسات آموزش قرآن وی از نظم و مقررات خاصی برخوردار بود و در آموزش قرآن و امور دینی، فردی بسیار کوشا و منظم بود.

وی در ادامه با نقل این خاطرات از پدرش گفت: مردم به سهولت برای رفع مشکلات خود نزد مرحوم عابدزاده می رفتند و ایشان با

روی خوش و برخوردی شایسته با مراجعه کنندگان برخورد می کرد و در حل مشکلات مردم نهایت تلاش خود را می کرد و تمام این موارد نشان از روحیه بزرگ و اخلاص عمل ایشان دارد.

این قاری قرآن کریم تصریح کرد: استاد عابدزاده کارگاه شیشه بری

داشت و وی خودش هم چون کارگرانی که در این کارگاه فعالیت می کردند تا آخرین لحظه مشغول به انجام فعالیت بود و در انجام فعالیت خود فرد بسیار منطبق و مقرراتی بود.

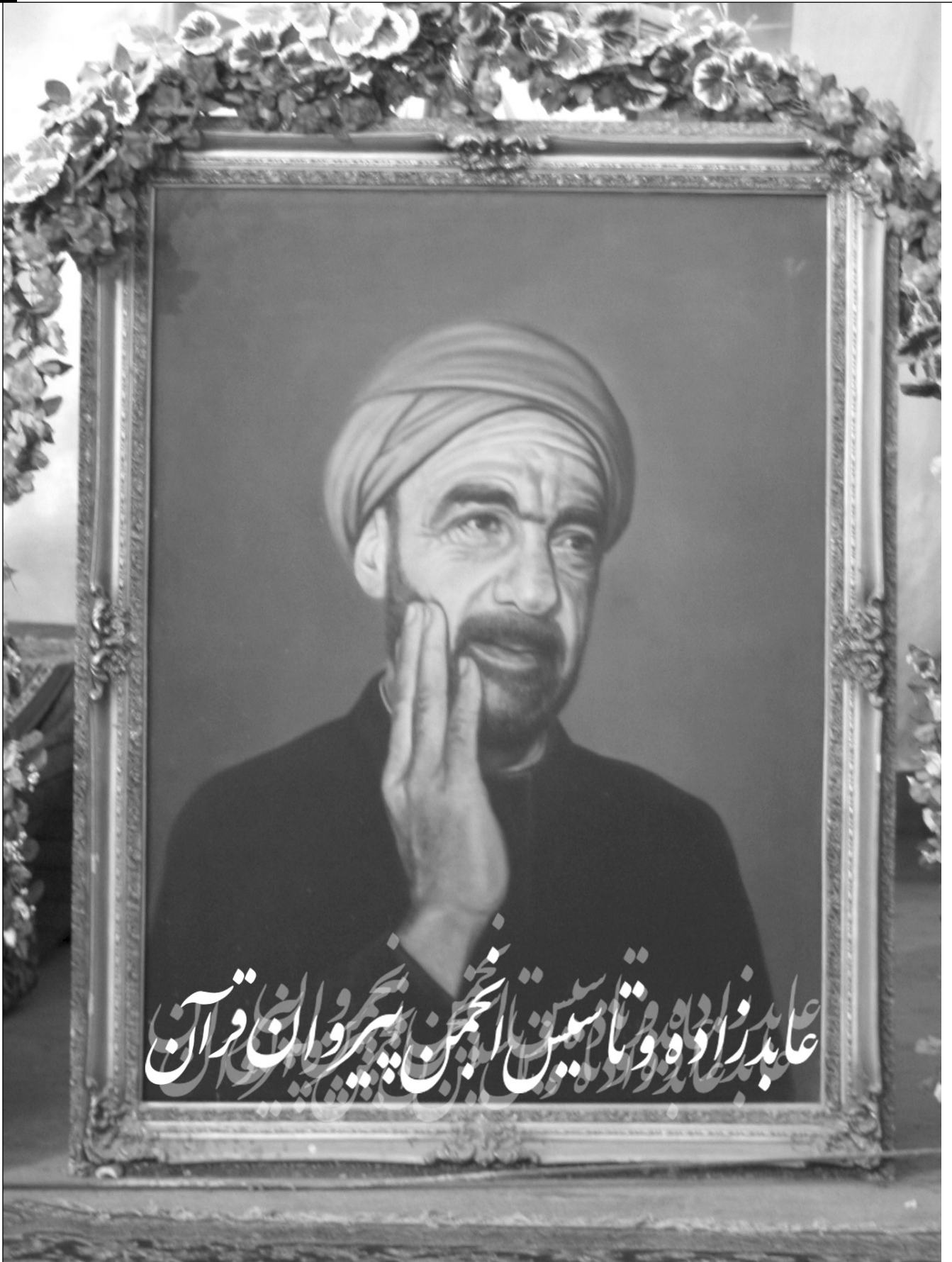
داور و قاری بین المللی قرآن کریم: مردم به سهولت برای رفع مشکلات خود نزد مرحوم عابدزاده می رفتند و ایشان با روی خوش و برخوردی شایسته با مراجعه کنندگان برخورد می کرد و در حل مشکلات مردم نهایت تلاش خود را می کرد و تمام این موارد نشان از روحیه بزرگ و اخلاص عمل ایشان دارد

حق پناه یاد آور شد: مرحوم عابدزاده اقدام به تاسیس مدارس به اسم ۱۴ معصوم (ع) با نام های

گروه فعالیت های قرآنی: عابدزاده برای حل مشکلات مردم نهایت تلاش خود را به کار بست و مردم بدون هراس مشکلات خود را با او در میان می گذاشتند.

«علی حق پناه» داور و قاری بین المللی قرآن کریم در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب اظهار کرد: استاد عابدزاده با درایت و تامل به درخواست های مراجعه کنندگان پاسخ می داد و زمینه را به گونه ای فراهم کرده بود که مردم به راحتی جهت رفع مشکلات خود به او مراجعه می کردند.

■ ■ ■





تاسیس انجمن پیروان قرآن، نقطه عطف در فعالیت های مرحوم «عابدزاده»

از آنجا که مردم مشهد از زمینه مذهبی خوبی برخوردار بودند مضافاً بر آن کشور در آن زمان در معرض افکار مارکسیستی قرار داشت و توده ای ها قد علم کرده بودند و افکار و مرام خودشان را تبلیغ می کردند، مردم مسلمان و مذهبی استقبال خوبی از تشکیل شعبات این انجمن کردند و در مدت کمی تعداد آنها به حدود ۶۰ شعبه رسید و هم اکنون هم بیش از ۸۰ شعبه این انجمن مشغول فعالیت است. آقای صالحی درباره تشکیل این شعبه ها می گوید: «اولین کار این شعبه ها این بود که پرچمی به شکل مربع - مستطیل که در وسط آن نام انجمن پیروان قرآن و شماره شعبه مورد نظر با خط بسیار درشت و خیلی زیبا گلدوزی شده بود تهیه کرده بودند که نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کرد.»

صالحی می افزاید: اقدام دوم تهیه تابلوهای جعبه ای بود که سه طرف آن چوبی و یک طرف آن شیشه و آینه بود و به شکل زیبایی رنگ آمیزی شده بود و جمله «انجمن پیروان قرآن» به خط تابلونویس معروف آقای «رحیم زاده» به صورت زیبایی ترسیم شده بود و شبها بر سر در منازل نصب می شد و در وسط آن چراغی قرار می گرفت که از فاصله دور نور تابلو انجمن پیروان قرآن می درخشید.

وظایف افراد شعبه ها

۱. وظیفه افراد هر شعبه این بود که در دوره هفتگی آن شعبه شرکت کنند، در این جلسه هفتگی تعلیم تلاوت قرآن میجد و بیان احکام و مسائل شرعی و مقداری هم تفسیر قرآن انجام می شد.
۲. حضور در جلسه عمومی اعضای شعبه های مختلف در مجمع عمومی انجمن که در شب های شنبه در مهدیه تشکیل می شد.
۳. اعضای شعبه وظیفه داشتند در مراسمی که به مناسبت شهادت هر یک از ائمه برگزار می شد با پرچم مربوط به شعبه خودشان در مهدیه حضور یابند و از آنجا دست جمعی با حالت نوحه خوانی و عزاداری به طرف حرم مطهر حضرت رضا (ع) حرکت کنند.
۴. همه افراد انجمن موظف بودند در هر یک از شب های اعیاد مذهبی با برداشتن چراغ های توری پایه بلند در مهدیه حضور یابند و از آنجا با سرود مذهبی به طرف آستان قدس رضوی حرکت کنند.
۵. همه افراد شعبه وظیفه داشتند که ماهیانه دو تومان به صندوق انجمن واریز و قبض دریافت کنند همین مبلغ ظاهراً ناچیز سرمایه ای شد جهت انجام کارهای مربوط به برنامه انجمن.
۶. افراد شعبات وظیفه داشتند در برپایی جشن و چراغانی نیمه شعبان و ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج) همکاری کنند.
۷. افراد شعب مختلف مکلف بودند که برنامه ۲۳ ماده ای را به شرح ذیل رعایت کنند:

اول: در صدد تکمیل عقاید حقه خود برآمده تا از جنبه تقلیدی وارد جنبه

گروه فعالیت های قرآنی: یکی از فعالیت های مرحوم عابدزاده در کنار تلاش های فرهنگی و اجتماعی ایشان که بسیار تاثیرگذار بوده است و هنوز هم منشا خدمات بسیاری به علاقه مندان به قرآن است، تشکیل انجمن پیروان قرآن بود که در حال حاضر دارای بیش از ۸۰ شعبه است.

■ ■ ■

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) متن زیر به بررسی چگونگی شکل گیری این انجمن و خدمات فرهنگی آن می پردازد.

■

تشکیل جلسات دعا و سابقه انجمن

حاجی عابدزاده حدود سال ۱۳۲۶ ه. ش رسماً به فکر تأسیس تشکیلاتی به نام انجمن پیروان قرآن افتاد، سابقه این انجمن به دورانی برمی گردد که در مدرسه میرزا جعفر مشغول تدریس علوم حوزوی بودند. آقای عابدیان از قدیمی ترین دوستان ایشان و فردی که لحظات زیادی از زندگی خود را با مرحوم عابدزاده سپری کرده است، در این زمینه می گوید: «وقتی که دوران خدمت نظام وظیفه ایشان به پایان رسید و مشغول تدریس شد به فکر افتاد برای ارشاد مردم جلسه ای تشکیل دهد به نام دوره کفاشها، این جلسه با حضور چند نفری در بازار کفاش ها داخل بست بالا در شب های جمعه تشکیل می شد، کم کم جمعیت زیادی از این جلسه استقبال کردند همانطور که اشاره شد حاجی از حدود سال ۱۳۲۳ ه. ش از مدرسه نواب درس خودش را به مدرسه میرزا جعفر منتقل کرد و علاوه بر درس حوزوی، مجلس دعای کمیل و تفسیر قرآن و دعای ندبه برگزار می کرد که علاوه بر برادران، خواهران هم شرکت می کردند عمل فوق زمینه ای شد برای تشکیل انجمن پیروان قرآن.»

■

هدف از تشکیل انجمن و اساسنامه آن

تأسیس این انجمن بر پایه ترویج دین و قرآن و احکام پایه ریزی شده بود. بنابراین برای این منظور ابتدا برای انجمن اساسنامه ای که حاوی چندین ماده بود تنظیم و گروه هایی تشکیل شد به نام های گروه مبلغان، گروه مدرسان، گروه محققان، گروه نویسندگان و ناشران. همه این گروه های چهارگانه می باید زیر نظر هیئت مدیره مشغول فعالیت و کار بشوند و برای هر گروه وظایفی تنظیم شده بود که مرکب از بایدها و نبایدها بود و هدف این بود که فعالیت های انجمن در چارچوب اساسنامه انجام شود و به ثبت برسد و در نهایت این انجمن شخصیت حقوقی بگیرد تا کلیه اماکن و مدارس و سرمایه های منقول و غیرمنقول انجمن وقف، و به انجمن واگذار شود. انجمن پس از تنظیم اساسنامه برنامه های دینی خود را اعلام نمود و فعالیت خودش را آغاز کرد.

■

تشکیل شعبه های انجمن

آثار مثبت انجمن در اجتماع

کار انجمن با آن شعبات متعددی که در سراسر مشهد داشت و جلساتی که برگزار می کرد تبلیغات وسیعی بود در مقابل گروه های مختلف ضد دین مخصوصاً توده ای ها که از نظر جهان بینی پیرو مکتب ماتریالیسم بودند. آقای صالحی در این زمینه می گوید: «در هر شبی از شب های هفته در هر محله ای از محلات مشهد چند تابلوی انجمن پیروان قرآن به چشم می خورد و با توجه به اینکه شهر مشهد هم آن زمان نسبت به حالا خیلی کوچک بود و جمعیت کثیری برای آموختن تلاوت قرآن و مسائل شرعی و تفسیر قرآن در این جلسات شرکت می کردند آثار چشمگیری داشت و جایی برای فعالیت کمونیست ها باقی نمی ماند. به یاد ماندنی است که چند ماه قبل یکی از مسئولان آستان قدس چنین اظهار می کرد که ما الان در سال، ۶۰ میلیون تومان صرف خانه های قرآن می کنیم یک دهم اثر آن شعبات انجمن پیروان قرآن که یک شاهی خرج برای انجمن نداشت را ندارد.» چون عمده مخاطبان حاجی عابدزاده قشور کم سواد جامعه بودند مسلماً بیشترین تأثیر روی این ها بود و این افراد هم تعداد کمی از جمعیت جامعه نبودند.

■ جشن نیمه شعبان

از مهمترین و جذاب ترین برنامه های انجمن پیروان قرآن برپایی جشن نیمه شعبان به مناسبت ولادت باسعادت حضرت مهدی (عج) بود که تدارک این مراسم از مدت ها قبل از نیمه شعبان آغاز می شد. برپایی چادر و تزئین مهدیه مدتی طولانی وقت می گرفت به جهت اینکه در آن زمان داربست های فلزی فعلی وجود نداشت بنابراین افراد دست اندر کار مجبور بودند از چوب های معمولی استفاده کنند که خیلی وقت آن ها را می گرفت و کار پر زحمتی بود. در اینکه چه مدت زمان برای برپایی تزئین وقت لازم بود نظرات مختلفی وجود دارد آقای صالحی در این زمینه می گوید: «دو ماه صدها جوان شب و روز برای برپایی آن جشن زحمت می کشیدند.»

آقای چمنی یکی از همراهان مرحوم عابدزاده هم در این زمینه می گوید: «آماده سازی و تزئین مهدیه از ۲۷ رجب شروع می شد و دو سه گروه کار می کردند تا نیمه شعبان کار آماده می شد» ایشان چنین ادامه می دهد «معمولاً هر سال تزئینات به جهت تنوع با سال قبل تفاوت داشت همین امر در مدت زمان آماده سازی و تزئین اثر داشت. تزئین هم با وسایل خیلی ساده ای که هر کسی از مردم به نسبت امکاناتشان می آوردند با ابتکار مرحوم عابدزاده انجام می شد. این وسایل عبارت بود از قالی، قالیچه های شامی، قندیل، آینه، آیفشان، ساعت دیواری، پارچه های الوان و مرغ های نغمه خوان مانند قناری و بلبل اینها یک ترکیبی می شد در آن زمان که یک وجد و نشاطی ایجاد می کرد.»

در زمینه تزئین مهدیه آقای صالحی می گوید: «تزئین اگرچه با وسایل ساده انجام شده بود اما هر کس وارد آن محوطه می شد گویا در یک دنیایی از هنر و زیبایی وارد شده است.»

آقای هادی حسن پور یکی از شاگردان مدارس مرحوم عابدزاده هم در این باره می گوید: «مهدیه یک ماه قبل از نیمه شعبان تزئین می شد و آینه کاری و آیین بندی با قالیچه و چراغ های مخصوصی که طراحی شده بود انجام می شد.»

اجتهادی شده به سعادت دنیا و آخرت نائل شویم.

دوم: مطابق دستور مرجع تقلید واجبات را بجا آورده و ترک محرمات کنیم.

سوم: کوشش زیادی در اجرای دو واجب متروک (امر به معروف و نهی از منکر) کنیم.

چهارم: ارشاد هموعان خود کرده آنها را بدین مرام مقدس سوق دهیم.

پنجم: علم دیانت را به قدر وسع در هر یک از اصول و فروع دین و فروع این دو تحصیل کنیم.

ششم: در صورت امکان و تجویز شارع هر یک دارای حرفه و صنعتی باشیم که تامین امور دنیوی به ما شود.

هفتم: هر یک به اندازه امکان مالی خود به امور خیریه کمک کنیم.

هشتم: به افعالی که در نزد شارع ناپسندیده است کمک نکنیم.

نهم: در هیچ یک از احزاب وارد نشده و در امور سیاسی مداخله نکنیم.

دهم: در صد اداای حقوق آنانکه حق آنها بر ما لازم است که اول آنها خالق متعال و سپس انبیا و اوصیا و پدر و مادر و معلم و استاد و فرزندان و خویشان و همسایگان و بقیه برادران ایمانی و اسلامی و بقیه افراد هستند در حد توان خود برآییم.

یازدهم: هنگام ملاقات با برادران اسلامی خود پس از تحیت، مشغول گفت و گو از حقایق دین و تفهیم و تفاهم شویم.

دوازدهم: در هر روز سعی کنیم که چند عمل خیر انجام داده و نیز در صدد برآییم که بر محسنات اعمال خود بیفزاییم.

سیزدهم: در هر شب چند دقیقه در گوشه خلوتی نشست به عملیات روزانه خود نظری نموده تا برنیک و بد آن مطلع شویم.

چهاردهم: با اشخاصی که مصاحبت با آنها سبب افزایش معارف و عقاید ما می شود مجالست کنیم.

پانزدهم: از اشخاصی که مراد به آنها در شرع ممنوع است احتراز جوییم (مگر به جهت ارشاد آنان)

شانزدهم: همه روزه به فهرست افعال پسندیده و ناپسندیده در نزد شارع نظری کنیم تا موجب یادآوری شود.

هفدهم: اخلاق اجتماعی و سازش با افراد را به نحو مشروع مراعات کنیم.

هیجدهم: هر یک از رفقای انجمن نسبت به یکدیگر موظف باشد که عیوب یکدیگر را گفته و دیگری هم در صدد اصلاح برآمده و از یکدیگر دلگیر و ناراحت نشویم.

نوزدهم: همه روزه مقداری از قرآن را تلاوت و مدتی به مطالعه کتب دینی مشغول شویم.

بیستم: افعالی را که به درستی آنها علم و یقین نداریم قبل از سؤال و رسیدن به یقین انجام ندهیم.

بیست و یکم: سئوالاتی را که علمی به آنها نداریم جواب نگفته و ندانسته به چیزی تکلم نکنیم.

بیست و دوم: در تمام امور خود، اعمال حقیقت نموده و از تدلیس و تزویر اجتناب کنیم.

بیست و سوم: در هر یک از امور خود مراعات پیشرفت دین را بکنیم.



احزاب فعالیت بیشتری داشت بنابراین در کارت های دعوت به این ترتیب عمل می شد. به مناسبت چندمین سال تولد حضرت ولی عصر (عج) و چندمین سال تأسیس انجمن پیروان قرآن و چندمین سال تأسیس مهدیه بدین ترتیب اثر دینی و مذهبی مراسم حفظ می شد و آن مراسم را از تحزب مبرامی داشت.

دعوت از شخصیت های بزرگ روحانی و کشوری و لشگری و دیگر اقشار هر کدام در یک موقعیت خاصی انجام می شد.

پذیرایی در این محفل معنوی و روحانی دو جنبه داشت:

۱. همان استقبال گرم و سراسر صفا و صمیمیت میزبانان و گردانندگان مراسم در بدو ورود مهمانان و نغمه های مرغان خوش الحان و چه چه بلبلان فضای مجلس را برای مهمانان با نشاط می کرد. وقتی علمای بزرگ یا مجتهدین جهت شرکت در جشن حضور پیدا می کردند مرحوم عابدزاده با تعدادی از همراهان در ورودی مهدیه که فاصله نسبتاً زیادی تا محل استقرار افراد بود به استقبال آنها می رفتند و کمال عزت و احترام را در مورد آن بزرگواران به جای می آوردند.

۲. پس از اینکه مهمانان به جایگاه خود هدایت می شدند و استقرار پیدا می کردند با چای و شیرینی و کاکائو پذیرایی می شدند برنامه پذیرایی آنچنان منظم بود و مسئولان پذیرایی در کارشان بسیار ماهر و مقید به این بودند که همه افراد پذیرایی شوند به زعم آنان اگر یک نفر پذیرایی نمی شد انگار که هیچ کس پذیرایی نشده است.

برنامه های فرهنگی جشن

یا اینکه عکس در تزئین نقش موثری دارد عجیب این است که حتی از یک عکس هم استفاده نمی شد تا بهانه ای به دست دیگران داده نشود در این باره آقای محمد وقوعی یکی از شاگردان مرحوم عابدزاده می گوید: «در آن جشن هایی که مرحوم عابدزاده در نیمه شعبان در مهدیه برپا می کرد هیچ عکسی را از مجتهدی از کسی یا شخصی نصب نمی کرد تا اینکه کسانی توقع نداشته باشند که عکس شاه را بزنند، مثلاً بگویند آن عکس ها را زدی چرا عکس شاه را نزدی. یکی دوبار استاندار آن زمان در جشن مهدیه شرکت کرده بود از طرف شهربانی به حاج آقا گفتند عکس شاه را در مراسم جشن مهدیه بزن ایشان گفته بود ببینید که ما عکس دیگران را داریم یا نه اگر ما عکس شاه را نزدیم عکس هیچ کس را نزدیم و اصلاً در این تزئینات مفصل ما عکس وجود ندارد بعد از اینکه اصرار کرده بودند مرحوم گفت: شما اگر در این مورد با ما مخالف هستید ما این مراسم را بر هم می زنیم همین الان که شما در اینجا حضور دارید ما بلافاصله تزئینات را جمع می کنیم، مرحوم در این کارها با کسی ذره ای تعارف نداشت و اهل مسامحه و مجامله نبود و کاملاً در مقابل مسائل غیر اسلامی می ایستاد.»

دعوت از مهمانان

نحوه حضور پیدا کردن در این جشن با شکوه که بعضی ها مدتها انتظارش را می کشیدند تا نیمه شعبان برسد و در این جشن شرکت کنند به و سله کارت دعوت زیبایی که به افراد داده می شد انجام می گرفت در طراحی کارت حتی نکاتی ملاحظه شده بود که بعضی رنگ سیاسی و حزبی به آن مراسم ندهند زیرا در سال های بین ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ فضای باز سیاسی فراهم شده بود احزاب زیادی فعال بودند مخصوصاً حزب توده در مشهد از سایر

آورد، این جشن از شب چهاردم تا بیست و هشتم شعبان ادامه داشت و روز آخر هم مربوط به بانوان بود. در این مراسم بچه‌های تربیت شده همین مدارس سرود و اشعاری را متناسب با جشن می خواندند هر روز مردم از یک خیابان یا اداره به جشن دعوت می شدند که با نظم خاصی حضور پیدا می کردند.»

این جشن در ایران یک مراسم بی نظیر بود و آوازه آن در سراسر کشور پیچیده بود حتی در کویت هم افرادی مشتاق دیدار از این برنامه و مراسم بودند. آقای قاسمی، داماد مرحوم در این زمینه می گوید: «جشن نیمه شعبان در ایران بی مانند بود و عده زیادی را از شهرستان ها مخصوصا تهران سراغ داشتیم که به قصد شرکت در میلاد با سعادت منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) در بنای مبارک مهدیه حضور پیدا می کردند.» آقای قائمی نیز می گوید: «حتی این جشن برای بعضی ها آنقدر گیرایی داشت که با بلیط دو سره هواپیما از تهران در این مراسم شرکت می کردند و برمی گشتند.»

آتش سوزی در مهدیه

در یکی از سال های ۱۳۳۹ هـ.ش متأسفانه آتش سوزی رخ داد که خسارت زیادی وارد شد. آقای چمنی از دوستان مرحوم عابدزاده در این زمینه می گوید: «چون وسایل تزئینی مربوط به مردم بود اغلب آنها از حق خودشان گذشتند و بخشیدند جز یکی دو مورد که اصرار داشتند عین اموال خودشان را بگیرند. یکی از صاحبان وسیله که قالیچه ای بود مربوط به تمثال برادران حضرت یوسف اظهار می داشت که قالیچه ایشان بی نظیر است و مانند آن در جایی پیدا نمی شود با اینکه حاج اقا عابدزاده حاضر بود وجه خیلی بالایی را به ایشان بدهد آن فرد با اصرار عین قالیچه را می خواست. پس از آتش سوزی بلافاصله استاندار وقت آقای سید جلال الدین تهرانی آمد و گفت غصه نخور حاج اقا جشن را به حرم بیاور. بعد از آتش سوزی مرحوم عابدزاده اعلام کردند که حاضر است خسارت تمام افرادی را که وسایل آن ها از بین رفته جبران کند. در این زمینه همکاری بسیار خوب بود حتی یکی از افراد که نمی خواهم اسمش را ببرم مدت ها با حاج اقا همکاری بسیار گسترده ای داشتند بر اثر اختلاف نظر کارشان بالا کشیده بود و اختلاف عمیق شده بود و راه خودش را جدا کرده بود اما روز بعد از آتش سوزی آمد و گفت: حاج اقا برای جبران خسارت ها این سند منزل من در اختیار شما هر طوری صلاح می دانید عمل بفرمایید. مردم از این رفتار انسانی ایشان خیلی خوشحال شدند.»

برنامه های جشن شامل سرودهای مذهبی، مقاله و خطبه های نهج البلاغه بود که مدتها بچه های مدارس از سنین ۶ و ۷ ساله تا ۱۲ ساله روی این سروده هایی که توسط معلمان مدارس و یا افراد انجمن و یا دیگران سروده می شد کار می کردند همچنین مقالات پر محتوا و جذابی که معلمان همین مدارس آماده کرده بودند و خطبه های نهج البلاغه در شب های جشن توسط دانش آموزان قرائت می شد، این برنامه ها با تزئینات دیگر و چراغانی مفصل آنچنان شور و حالی برای حاضران به وجود می آورد که هرگز احساس خستگی نمی کردند و مدت ها قبل از ۱۵ شعبان انتظار می کشیدند که کی کارت مهدیه به دستشان می رسد تا بتوانند در این جشن شرکت کنند. علاوه بر

برنامه های بچه ها مداحان اهل بیت (ع) هم با مداحی های پرشور و شیوای خودشان مجلس را رونق می بخشیدند.

در مورد اینکه این جشن چندروز طول می کشید گفته ها متفاوت است و از یک هفته تا ۱۴ روز ذکر شده است، آقای غفاریان یکی از شاگردان

مرحوم درباره جشن مهدیه

می گوید: «در مهدیه

همه ساله به مناسبت جشن

نیمه شعبان (مولود حضرت حجت

(عج) ۱۰ شب متوالی از ۱۵ تا ۲۵

شعبان جشن های مفصل با برنامه های

خاص و ابتکاری برگزار می شد و

چراغانی استثنایی که در تمام ایران

نمونه بود و پذیرایی مهمانان که

تقریبا اکثر شهر مشهد در آن

شرکت می کردند با شربت و شیرینی و سرود دسته جمعی کودکان

و مقاله نوجوانان و قرائت خطبه های نهج البلاغه با صدای شیواتوسط

نوجوانان و دعوت از شخصیت های بزرگ روحانی و کشوری و

لشکری که یک بار هم شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام در سال

۱۳۳۲ در جشن مهدیه شرکت کردند.»

آقای غلامرضا جلالی در مورد جشن نیمه شعبان می گوید: «جشن

نیمه شعبان در مهدیه که تا زمان حیات حاجی عابدزاده هر ساله به

مدت ۱۴ شب ادامه داشت جشنی بود که در هیچ جای ایران سابقه

نداشت. برای تزئین مهدیه از صدها قالی و قالیچه و قناری، قندیل،

آینه و آیفشان استفاده می شد و از همه طبقات شهر با نظم و روش

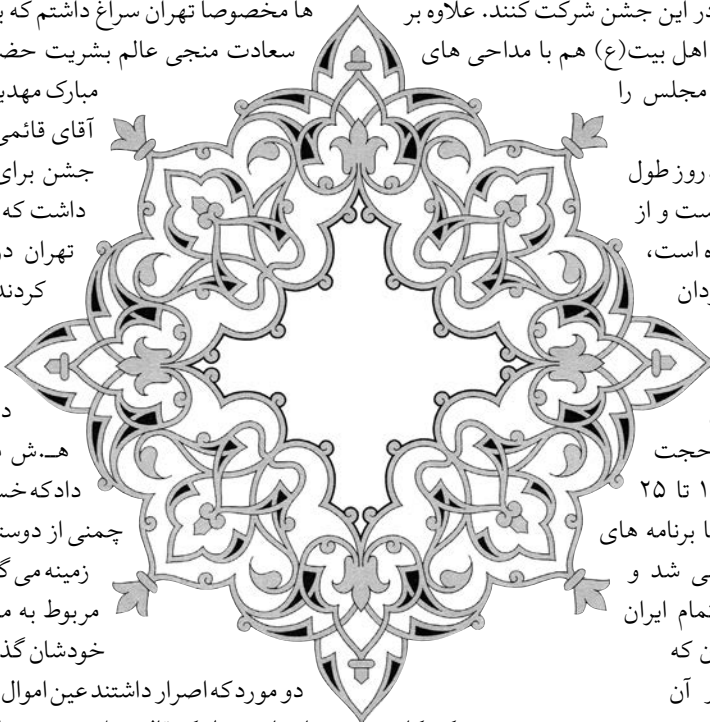
خاصی طی چند روز پذیرایی می کردند و سرودهای دل انگیزی در

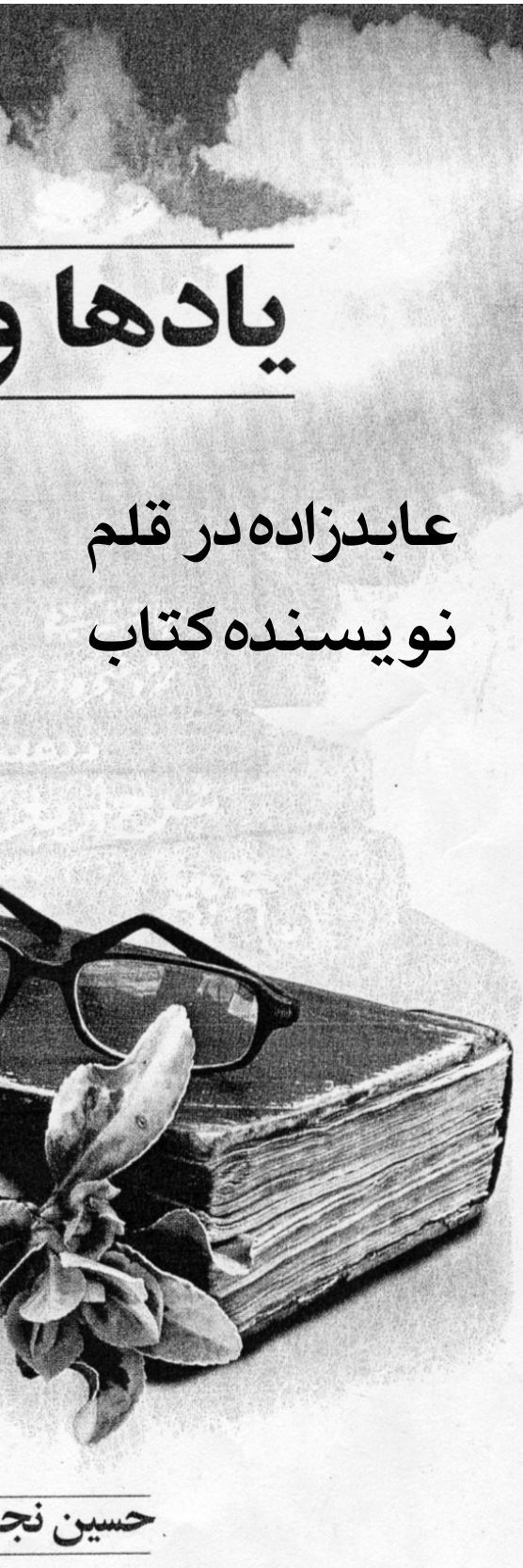
این شبها خوانده می شد.»

آقای ابوطالب طالبیان نیز می گوید: «در ایام نیمه شعبان ۱۵ روز

مراسم جشن برگزار می شد از اول ماه شعبان چراغانی آغاز می شد،

تمام وسایل را مردم می آوردند هرکه هرچه داشت برای تزئین می





معارف دینی بیاموزند، به ویژه که در آن سال‌ها (پس از شهریور ۱۳۲۰) تبلیغات کمونیستی در ایران به اوج خود رسیده و این گونه مدرسه‌ها، واکنشی طبیعی در برابر موج آن تبلیغات بود. بنابراین، هر روز به جز روزهای جمعه، بعد از فراغت از دبیرستان، در مهدیه جامع المقدمات می‌خواندم. هر شب حدود دو ساعت یا کمتر و این از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۵ یعنی شش سال تا پایان تحصیل من در دانشسرای مقدماتی مشهود به طول انجامید. عدم امتحان رسمی و حالت داوطلبانه در مهدیه، مرا بیشتر به آن علاقه مند می‌کرد. این علاقه جنبه مذهبی هم داشت، زیرا ادبیات عرب در واقع مارا با قرآن آشنا می‌کرد. بنابراین، این گونه درس هادر آن حال و هوا، نوعی عبادت محسوب می‌شد. هر روز خود را به کلام وحی نزدیک تر احساس می‌کردم و در خویش، نوعی معنویت می‌دیدم. این روحیه به اندازه‌ای در آن فضا در من قوت گرفته بود که درس های عربی شبانه، درس های دبیرستان را تحت الشعاع خود قرار داده بود. از طرفی چون خواندن این درس ها با امتحان و نمره همراه نبود، بلکه حالتی داوطلبانه داشت، برایم دشوار نمی‌نمود.

پس از جامع المقدمات، نوبت به شرح الفیه ابن مالک (بهجه المرضیه) می‌رسید که در میان طلاب به سیوطی معروف است و آن شامل نحو در سطح عالی است. من جامع المقدمات و سیوطی را نزد مرحوم حاج محمود غیوری (درگذشته به سال ۱۳۷۰ خ) تلمذ کردم و کتاب «الکبری فی المنطق و حاشیه ملاحظه الله» را نزد شیخ محمدرضا حکیمی مهریزی (متولد ۱۳۱۴ خ) فرزند حاج عبدالوهاب حکیمی فرا گرفتم. حکیمی در آن زمان از فضایی حوزه علمیه مشهد و از شاگردان و مریدان حاج شیخ هاشم قزوینی (درگذشته به سال ۱۳۳۹ خ) و شیخ مجتبی سینیایی قزوینی (درگذشته به سال ۱۳۶۶ خ) بود. حکیمی در تدریس بسیار توانا و متبحر بود. او از شاگردان مبرز آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی نیز بود و به مدت ۱۰ سال در درس خارج اصول و فقه آیت الله محمدهادی میلانی (درگذشته به سال ۱۳۵۴ خ) حاضر می‌شد.

در سه ماه تعطیلی تابستان سال بعد، بخشی از سیوطی را نزد شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب کوچک، در مدرسه «خیرات خان» آموختم. قصدم این بود که با روش تدریس و تعلیم آن استاد بزرگ هم آشنا شوم که در آن هنگام در ادبیات عرب، پر آوازه و بی همتا بود. ادیب نیشابوری به علت شیوه تدریس و سیطره‌ای

گروه فعالیت های قرآنی: حسین نجمیان، نویسنده کتاب یادها و باورها است، وی ضمن اینکه به تشریح وقایع مختلف در این کتاب همچون تشکیل جمعیت موتلفه، انجمن پیروان قرآن و... می‌پردازد گریزی هم به شرح حال و زندگی مرحوم عابدزاده از زاویه نگاه خود زده و مطالبی درباره ایشان عنوان کرده است.



به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) نجومیان نوشته است: تابستان ۱۳۲۹ که امتحانات نهایی سال ششم ابتدایی را به پایان برده بودم، پدرم کتابی با قطع رحلی و جلدی چرمی به خانه آورد و آن را به من داد و گفت: «شما بهتر است ضمن تحصیل جدید، دروس قدیمه را هم دنبال کنی، زیرا دروس قدیمه، عمقی در ادبیات و معارف به محصل می‌دهد که در مدرسه های جدید داده نمی‌شود.»

پدرم عقیده داشت که با آموختن زبان عرب، با زبان وحی و قرآن آشنا می‌شوم و این برای تربیت و اصلاح دنیا و آخرتم سودمند است. او با این کار، در واقع، احساس اقتناع وجدانی می‌کرد که درباره تربیت من از هیچ دقیقه ای فروگذار نکرده است و البته با توجه به امکانات مالی خود، غیر از این هم نمی‌توانست انجام دهد.

عابدزاده در قلم «حسین نجمیان»

از خاطره هایی که از آن زمان دارم، یکی این است که سید مجتبی نواب صفوی، رهبر فدائیان اسلام با حدود بیست نفر از یارانش به مشهد آمد و در مهدیه حدود دو هفته اقامت کرد. عابدزاده هر چند مرد محتاطی بود و به ظاهر مطلبی ابراز نمی‌کرد ولی گویا در باطن با افکار نواب موافق بود. سالن بزرگ مهدیه به پذیرایی و استراحت آنان اختصاص یافت. سخنان نواب برای من که شاید بیش از پانزده سال نداشتم، تکان دهنده بود، ترجیع بند کلام نواب این بود: «شما سربازان رشید اسلام هستید، به پاخیزید. قیام کنید. تفنگ به دست گیرید و با کافران و دشمنان اسلام پیکار کنید یا شهید می‌شوید که در بهشت جای می‌گیرید و یا پیروز می‌شوید که به هدف خود رسیده اید و بدانید که الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه اسلام برتر است و از اسلام، بالاتر چیزی نیست»

باری، غروب همان روز همراه پدر به «مهدیه» رفتم. مهدیه، مدرسه ای دینی بود واقع در کوچه سالاری، جنب باغ نادری، که بنیان گذارش مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده (۱۲۹۰-۱۳۶۵ خ) بود. قصد و نیت او، این بود که دانش آموزان شب ها رایگان زبان و ادبیات عربی و

در آذر ماه ۱۳۲۴ همدرس من «جعفر زمانی» در سن ۱۷ سالگی به بیماری سرطان درگذشت. مرگ غم انگیز و باور نکردنی. مرگ جوان! در مرگش بیداد زمان را به چشم می دیدم و پاسخی نداشتم، چه قدر هول انگیز بود. شعری برایش سرودم، ولی این بار هم پدرم مرا تشویق نکرد. چندین بیت از آن هنوز در حافظه ام مانده است:

ای زمانی، ای که بودی مونس و یار و معینم
همدم من، همدل من، همزبان و هم نشینم
هر کجا گل بینی ای دل، یاد جعفر کن ازیرا
او گلی بی خار بود و من به یاد او، غمینم
گرفتند فرصت به دستم، دوست دارم ای زمانی
هر زمانی من بیایم بر مرز تو نشینم
در هزار و سیصد و سی و چهار از دور گردون
ماه آذر بد که زد آذر به جان، آن نازنینم
جور گردون ختم کردی دور عمر نازینش
ای نجومی ختم کن این داستان آتشینم

■ ■ ■

در مهدیه، شب های شنبه، مجلسی بود به نام «انجمن پیروان قرآن» و حاجی عابدزاده در آن، سخنرانی می کرد. او قامتی کوتاه و جثه ای لاغر و ریشی حنایی رنگ داشت، عمامه ای به رنگ قهوه ای روشن می بست و لباسی نیمه روحانی، نیمه بازاری می پوشید، سخنان او باب دل کسبه بود. نسبت به تمدن جدید، متعصب و بدبین بود و معتقد بود که دبستان و دبیرستان و دانشگاه فرزندان ما را منحرف می کند و با تحصیل دختران به کلی مخالفت داشت. حاجی عابدزاده که از آیت الله بروجرودی تقلید می کرد، خرید و فروش و نگهداری رادیو را حرام می دانست و حتی از او هم یک پله پارافتر گذشته، داشتن رادیو را به منزله محاربه با امام زمان می شمرد. او بالای منبر اغلب فهم مردم را تخطئه و تقریبا مضمون این بیت مولانا را تکرار می کرد که: آنچه می گوئیم به قدر فهم توست مردم اندر حسرت فهم درست!

عابدزاده، شب های جمعه، دعای کمیل و صبح های جمعه، دعای ندبه داشت و در خلال آنها، با لحنی سوزناک روضه خوانی می کرد. گاهی برخی مداحان هم پای منبرش به نوحه خوانی می پرداختند. حاجی در صحن حیاط مهدیه برای خود جای قبری ساخته بودبادری چوبی و مربع شکل و شهرت داشت که شب های جمعه، نیمه شب در آن رامی گشاید و داخل قبر می شود و ساعتی با خدا راز و نیاز می کند، بنا به وصیت خودش، حاجی را در همان جادفن کردند. او در روزهای اول انقلاب سال ۱۳۵۷

که بر طلاب جوان داشت، در محافل علمی آن روزگار حتی در کشورهای عربی مطرح بود. بخشی از «مغنی اللیب» رانزد حاج میرزا حسن صالحی تلمذ کردم. آیت الله صالحی هم اکنون از مراجع حوزه علمیه مشهد است اما در آن زمان، طلبه جوانی بود که شب ها در مهدیه تدریس می کرد.

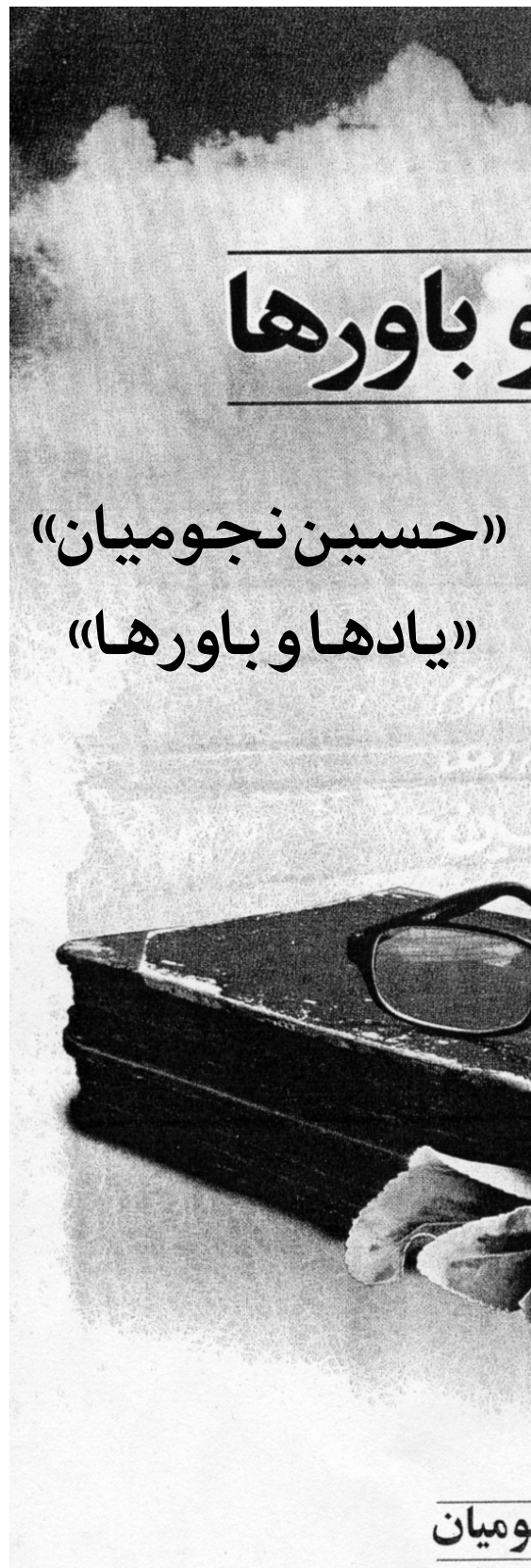
در این درس ها همان گونه که گفته شد، نظام طلبگی حکمفرما بود، یعنی امتحان و آزمایشی در کار نبود، بلکه در طول تدریس، استاد با بحث و گفت و گو با دانش آموزان، میزان و درجه فهم و معلومات آنان را می سنجید و همین کافی بود که هر طلبه، وقتی کتابی رانزد استاد به پایان می برد، به کتاب بالاتر که می رسید، با تأیید استاد می توانست تدریس کتاب پیشین را به عهده بگیرد، و این شیوه کار برای خود او بسیار آموزنده بود و چون تعداد دانش آموزان در هر کلاس از ده نفر تجاوز نمی کرد. بنابراین، استاد به میزان علاقه و فهم دانش آموزان احاطه پیدا می کرد. البته خواندن این کتاب ها برای کسی که طلبه رسمی می شد، زمان کمتری را می گرفت، اما ما چون هر روز در دبیرستان درس داشتیم و شب ها هم می خواستیم زودتر به خانه برگردیم و به درس های دبیرستانمان برسیم، بیشتر به طول می انجامید.

روزی حاجی عابدزاده به من گفت که اتاقی را به شما اختصاص داده ایم، چند نفر دانش آموزان می خواهند جامع المقدمات را بخوانند و من برای تدریس، شمارادر نظر گرفته ام. من تدریس را برای آن شاگردان که با من از نظر سنی چندان تفاوتی نداشتند و نوجوان بودند، شروع کردم. این وضعیت در روح من که در آن زمان در حدود چهارده یا پانزده سال بیش نداشتم، بسیار موثر واقع شد و تشویقی از این بهتر امکان نداشت. به این ترتیب، من هنوز سیوطی را به پایان نرسانده بودم که یک دوره جامع المقدمات را تدریس کرده بودم و هنوز بخشی از مغنی را نیاموخته بودم که به همان شاگردان، بخشی از سیوطی را درس داده بودم.

شغل حاجی عابدزاده، شیشه بری بود و از این راه امرار معاش می کرد، اما در حوزه علمیه مشهد، درس های طلبگی را تا سطح خوانده بود و از شاگردان مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی به شمار می آمد. او در مهدیه در اعیاد و روزهای وفات ائمه به منبر می رفت. شب های جمعه و شنبه هم دعای کمیل می خواند و تفسیر قرآن می گفت. او انجمنی هم در مشهد تأسیس کرده بود به نام «انجمن پیروان قرآن» که هنوز هم برقرار است و از مراکز اصلی آن مهدیه است.

و باورها

«حسین نجومیان»
«یادها و باورها»





در جریان راهپیمایی، بر اثر شنیدن صدای تیراندازی گویا سکنه مغزی می‌کند و بعد فلج می‌شود و در سال ۱۳۶۵ در سن ۷۵ سالگی وفات می‌یابد. خدایش بیامرزد.

در زمان حکومت دکتر مصدق جمعیت مولفه اسلامی در مهدیه برپا شد. کانون نشر حقایق اسلامی، انجمن اسلامی، انجمن پیروان قرآن و برخی از هیأت‌های مذهبی، جبهه واحدی تحت عنوان جمعیت مولفه اسلامی تشکیل داده بودند که مرکز عملیات آنها، مهدیه بود. پس از ۲۸ مرداد، ۳۲ سران اغلب احزاب و گروه‌های مخالف در بار دستگیر شدند. حاجی عابدزاده نیز بازداشت شد. شهرت داشت که از حاجی تعهد گرفته بودند که از فعالیت‌های سیاسی مخالف حکومت دست بردارند و او به همین سبب پس از مدتی کوتاه آزاد و برای یک سال به تهران تبعید شد.

در سال ۱۳۳۵ که تحصیل من در دانشسرا به پایان رسید و عازم محل خدمت در قوچان شدم، موضوع را با حاجی در میان گذاشتم، خبر نداشت و با تأسف گفت: حیف! اگر شما سه سال دیگر به همین شیوه درس را ادامه می‌دادی، پای درس خارج فقه و اصول می‌نشستی و در آینده، یکی از مجتهدان بزرگ می‌شدی! سپس ادامه داد: «شما خود را میان بهشت و جهنم ببین. راه سعادت و راه شقاوت، حربن یزیدریاحی و یا عمر سعد! حالا خود دانی!» این سخنان در آن زمان در روحیه جوانی مثل من سخت نگران‌کننده می‌نمود، اما دیگر دیر شده بود، زیرا تعهد پنج ساله خدمت در فرهنگ را داشتیم، وقتی آن را عنوان کردم، بی‌درنگ گفت: «من از محل سهم امام، ترتیب رفع این نگرانی شما را می‌دهم و حتی ماهانه از سهم امام حقوقی تقریباً معادل حقوق یک آموزگار برای فراهم می‌کنم.» من با پدر و مادرم مشورت کردم، آنها موافقتی با پیشنهاد عابدزاده نداشتند. پدر می‌گفت: به این حرف‌ها و پیشنهادها نمی‌شود اعتنا کرد چون ممکن است یک ماه باشد و یک ماه نباشد، به هر حال، این قضیه حاکی از این مطالب بود که حاجی عابدزاده عینیتی خاص به من داشت. باری، در مهر ۳۵ به قوچان عزیمت کردم و با ورود به فرهنگ رابطه من با مهدیه قطع شد اما درس‌های ادبیات عرب، منطق و معارفی را که در مهدیه آموخته بودم، بعدها، زمینه‌های مساعد پیشرفت در دانشگاه را برایم پدید آورد و من خود را هنوز هم مدیون آن دستگاه می‌دانم. عابدزاده با کمک مردم، ۱۴ ساختمان در ۱۴ نقطه شهر مشهد به نام ۱۴ معصوم (ع) بنا کرد که همه آنها امروز تبدیل به دبستان و دبیرستان شده است از علوی تا مهدیه. او در مشارکت مردمی برای مدرسه سازی، پیش قدم بود. چند سال پیش اداره آموزش و پرورش خراسان مجلس بزرگ داشتی به نام جشنواره «دست‌های سبز» برای آن مرحوم در مشهد برگزار کرد. یادش گرامی و روانش شاد باد. از خاطره‌هایی که از آن زمان دارم، یکی این است که سید مجتبی نواب صفوی، رهبر فدائیان اسلام با حدود بیست نفر از یارانش به مشهد آمد و در مهدیه حدود دو هفته اقامت کرد. عابدزاده هر چند مرد محتاطی بود و به ظاهر مطلبی ابراز نمی‌کرد ولی گویا در باطن با افکار نواب موافق بود. سالن بزرگ مهدیه به پذیرایی و استراحت آنان اختصاص یافت. سخنان نواب برای من که شاید بیش از پانزده سال نداشتیم، تکان دهنده بود، ترجیع بند کلام نواب این بود: «شما سر بازان رشید اسلام هستید، به پاخیزید. قیام کنید. تفنگ به دست بگیرید و با کافران و دشمنان اسلام پیکار کنید یا شهید می‌شوید که در بهشت جای می‌گیرید و یا پیروز می‌شوید که به هدف خود رسیده‌اید و بدانید که الاسلام یعلو و لا یعلی علیه اسلام برتر است و از اسلام، بالاتر چیزی نیست»

عابدزاده در قلم «حسین نجومیان»

در این درس‌ها همان گونه که گفته شد، نظام طلبگی حکمفرما بود، یعنی امتحان و آزمایشی در کار نبود، بلکه در طول تدریس، استاد با بحث و گفت‌وگو با دانش‌آموزان، میزان

و درجه فهم و معلومات آنان را می‌سنجید و همین کافی بود که هر طلبه، وقتی کتابی را نزد استاد به پایان می‌برد، به کتاب بالاتر که می‌رسید، با تأیید استاد می‌توانست تدریس کتاب پیشین را به عهده بگیرد، و این شیوه کار برای خود او بسیار آموزنده بود و چون تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس از ده نفر تجاوز نمی‌کرد. بنابراین، استاد به میزان علاقه و فهم دانش‌آموزان احاطه پیدامی‌کرد. البته خواندن این کتاب‌ها برای کسی که طلبه رسمی می‌شد، زمان کمتری را می‌گرفت، اما چون هر روز در دبیرستان درس داشتیم و شب‌ها هم می‌خواستیم زودتر به خانه برگردیم و به درس‌های دبیرستانمان برسیم، بیشتر به طول می‌انجامید.

عارفان مائینگونه نمی‌اندیشیده‌اند: قرآن در سوره بقره آیه ۶۲ می‌فرماید: «ان‌الذین آمنوا و الذین هادوا و... یعنی بی‌گمان آنان که ایمان آوردند و آنان که به دین یهود گرویدند و آنان که به دین مسیح ایمان آورده‌اند و آنان که از امت مجوس (زردشتیان) هستند و به خدای و روز رستاخیر و کردار نیک ایمان داشته باشند، ایشان راست‌مرد و پاداشی در نزد پروردگارشان و برایشان نه بیم و ترسی است و نه حزن و اندوهی». همین آیه در سوره مائده، آیه ۶۹ تکرار شده است. در این دو آیه، به صراحت مومنان به اسلام و یهود و نصارا و مجوس در صورت ایمان به خدا و معاد و عمل صالح، رستگار قلمداد شده‌اند و حتی صفتی برایشان آمده است که در قرآن برای اولیاء الله آمده است: «الا ان اولیاء الله...» اولیای خداداد و صفت دارند؛ یکی اینکه بیم و ترسی ندارند و دیگر اینکه ایشان را حزن و اندوهی نیست. پس قرآن سه مذهب، یهود، مسیحیت و زردشت را در ردیف اسلام آورده است. شبی از مهدیه همراه نواب و یارانش به سوی حرم حضرت رضا (ع) به راه افتادم. او ابتدا مشرف شد و بعد به کشیک‌خانه خادم حضرت رفت. هر جامی رفت، وی پیشاپیش و یارانش به دنبالش بودند. من هم رفتم. به نظر همان شب اول ورودش بود. در کشیک‌خانه نشست، خادم چای آوردند، من نزدیک او نشسته بودم. اسم مرا پرسید. سپس گفت: امیدوارم همنام اسمت حسین، سر باز رشید اسلام باشی و همنام خانوادگیت همچون ستاره‌ای در آسمان اسلام بدرخشی!»

به نظر من در این سخن اشاره به این حدیث می‌کرد که پیامبر فرمود: «اصحابی کالنجوم فبایهم اقتدیتم اهتدیتم» یعنی اصحاب من مانند ستارگان اند، پس به هر یک از ایشان اقتدا کنید، هدایت شده‌اید، زیرا هر چه آنان بگویند در واقع از سرچشمه عالم غیب و حق سخن می‌گویند و سخنانشان را لغزش نیست. مولانا در این باره گوید:

هادی راه است یار اندر قدوم

مصطفی زین گفت: اصحابی نجوم

نجم اندر ریگ و دریا رهنماست

چشم اندر نجم نه کو مقتداست

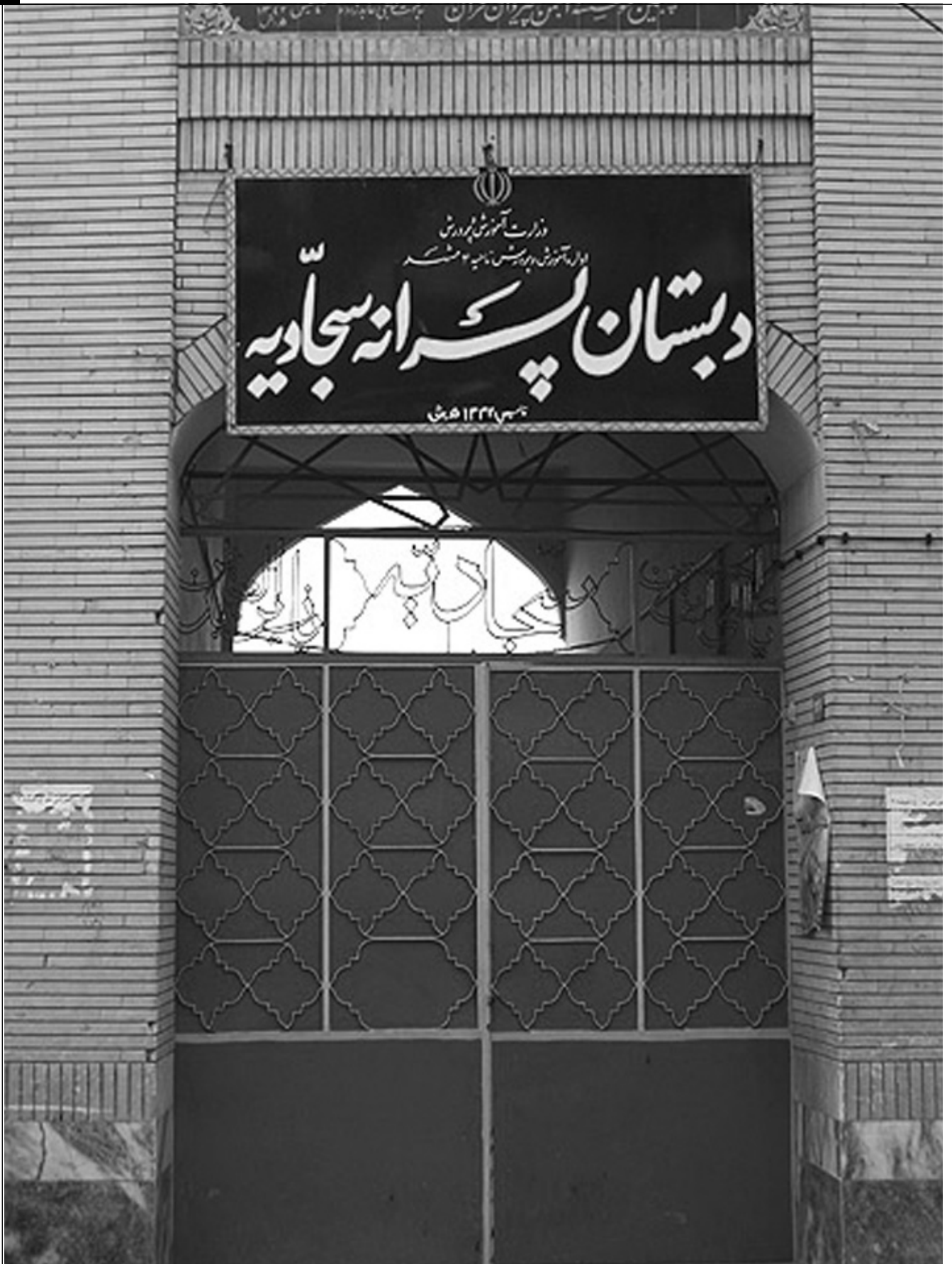
چشم را با روی او می‌دار جفت

گرد منگیزان ز راه بحث و گفت

زان که گردد نجم پنهان، ز آن غبار

چشم بهتر از زبان با عثار

نواب قامتی کوتاه و اندامی ریزنقش داشت، بیانش پر غرور و هیجان انگیز اما شعارگونه بود. یارانش او را به مانند پیامبر در میان گرفته بودند. یاران او را بیشتر مردانی ورزشکار و قوی هیکل با کلاه‌های پوستی قره‌کل تشکیل می‌دادند که به شیوه ورزشکاران باستانی صلوات را بر هیمنه ادا می‌کردند. همراه نواب، مردی بود نابینا که قرآن را حفظ داشت. هر آیه‌ای که خوانده می‌شد، او آیه قبل و بعد آن را قرائت می‌کرد. نواب گویی از حافظه او به عنوان نوعی کرامت بهره‌برداری می‌کرد.





بناهای احداثی خادم قرآن، مرحوم علی اصغر عابدزاده

۱۲ بنا به نام امام

به این فکر می افتادم که چند مسافرخانه تهیه کنم و درآمدش را در امور خیریه مصرف کنم و گاهی فکر می کردم که با این پول مکانی بسازم تا این که جوانان را با مسائل مذهبی و دروس حوزوی آشنا کنم، بر سر این سه موضوع مردد بودم تا این که به نظرم طریق سوم ترجیح پیدا کرد، از جاغرق به مشهد آمدم و به دنبال محلی مناسب گشتم تا این که یک قطعه زمین از باغ مرحوم ملازاده پشت باغ نادری از قرار متری ۱۴ تومان خریداری و شروع به احداث مهدیه کردم.

باتوجه به این که حاجی عابدزاده هیچ گونه احتمال گران شدن اجناس خریداری شده خود را نمی داد و هنگامی که شرایط اقتصادی آن روزگار و اوضاع بعد از جنگ موجب گرانی حبلی های او شد، حاجی از منافع حاصل چشم پوشید و آن را با توجه به ضرورت و نیاز اجتماعی آن روز در راه خیر مصرف کرد.

مهدیه در زمینی به مساحت ۱۴۰۰ مترمربع و با زیر بنای ۸۲۰ متر در یک طبقه احداث شده است. دارای شش کلاس ۳۶ متری، و سالن مهدیه ۲۰۰ متر و صحن حیاط آن بالغ بر ۶۵۰ متر و نسبت به محور شمالی - جنوبی متقارن است.

چند سالی این بنا در اختیار حوزه علمیه مرحوم شاه آبادی بود. در حال حاضر این بنا تخلیه شده و روزهای دوشنبه و پنجشنبه جلسات قرآن برای خانم ها در آن برگزار می شود و در ایام نیمه شعبان هم جشن مختصری برگزار می شود. این سالن برای برگزاری مراسم جشن نیمه شعبان در سال ۱۳۷۸ خورشیدی تزئین شده است.

تأسیس عسگریه

این بنا در خیابان نواب صفوی (پایین خیابان) کوچه عسگریه (کوچه سرحوض) واقع شده است. در کوچه سرحوض تکیه مخروطی بود حدود ۳۰۰ متر که حاجی عابدزاده آن را تحت ضوابط شرعی درآورد و حدود ۷۰۰ متر از اراضی اطراف آن را با کمک مردم و با صدور قبوضی، خریداری و شروع به ساخت بنا کرد.

مشکلات در راه ساخت این بنا زیاد بود. اولاً مردم وضعیت اقتصادی خوبی نداشتند و ثانیاً نتیجه کار بی اطلاع بودند. این بنا طبق گفته آقای سعیدی نژاد با زحمات زیاد پس از هفت سال به پایان رسید و در سال ۱۳۷۰ ه. ق در ایام شهادت امام حسن عسگری (ع) افتتاح گردید.

مساحت این مدرسه ۱۰۰۰ متر مربع است با حدود ۶۳۰ متر زیر بنا. به این ترتیب پس از ورود به مدرسه سمت راست دفتر و سرایداری و دست چاپ انبار و کتابخانه واقع شده است. صحن حیاط آن حدود ۴۰۰ متر در جنوب بنا قرار دارد و همچنین دارای یک حیاط خلوت در پشت ساختمان است که از طریق زیرزمین به آن محوطه می رسد. سر در این بنا روی کاشی با خطی زیبا چنین نوشته شده است: «عسگریه به یاری خداوند متعال و به همت عده ای از اهالی محترم پایین خیابان بنا شد. حفظ و تعمیرات بعدی آن نیز با خدا و به عهده اشخاص خیرخواه می باشد. مورخ بیستم ربیع الثانی سنه ۱۳۷۰ ه. ق.» گردیده است. صحن حیاط ۴۹۰ متر و دارای ۱۲ کلاس ۳۲ متری و یک سالن ۱۴۰ متری است. ساختمان در حال حاضر در اختیار انجمن خیریه آیت الله مصباح قرار دارد، همچنین جلسات

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم حجت الاسلام «علی اصغر عابدزاده» از جمله خادمان قرآنی است که در عصر پهلوی و در آن روزگار که تحصیل علم کار نه چندان ساده ای برای همگان بود، برای تدریس قرآن و علوم دینی به علاقه مندان و مستعدان، ۱۲ بنا را به نام ۱۲ امام معصوم (ع) طراحی کرد و ساخت.

مرحوم حجت الاسلام «عابدزاده» علاوه بر آشنایی با مشاغلی که ذکر شد ظاهراً معمار هم بوده است، زیرا تمام بناها را با ابتکار و طرح های خودش احداث کرد و نقشه هر بنا، الهام گرفته از یک اندیشه مذهبی بود، به عنوان مثال نمای خارجی بنای حسینی، شش گوش است چون قبر مطهر امام حسین (ع) این چنین است و نقشه و بنای حسینی از قبرستان بقیع تأثیر پذیرفته زیرا محل دفن امام حسن (ع) در آن جا است.

گذشته از ساخت، از نظر تزئین هم این بناها سبک مخصوص به خودش را داشت. آقای ملکی (مدیر سابق آموزش و پرورش خراسان) در این زمینه می گوید: چون هر یک از این مدارس به نام یکی از ائمه (ع) بود بر در و دیوارش ذکر خدا، یاد خدا و اسماء خدا نوشته شده بود، گل و گلدان و منظره و امثال این ها نقاشی شده بود، در بعضی از مدارس مانند نقویه بیشتر از جاهای دیگر این مناظر و نوشته ها به چشم می خورد. مرحوم عابدزاده این بناها را مزین به نام ائمه کرد و عنوان هایی چون مهدیه، عسگریه، نقویه و... را بر آن ها نهاد.

تأسیس مهدیه

این بنا در چهار راه شهدا پشت باغ نادری واقع شده است. زمین آن باغی بود که حاجی عابدزاده آن را خرید و بدون هیچ گونه کمکی از دیگران آن را ساخت و در سال ۱۳۲۶ ه. ش افتتاح کرد. در باره نحوه تامین هزینه این بنا نظراتی وجود دارد که به یک مورد اشاره می کنیم: آقای صالحی در این زمینه می گوید: «در سال ۱۳۱۹ به دلیل این که کارخانه آینه سازی حاجی عابدزاده احتیاج به حلب زیادی داشت «تین های حلبی» که دانه ای دو پول (یک شاهی) بود چندین هزار عدد خریداری و انبار کرد. یک سال بعد که جنگ جهانی پیش آمد و اوضاع اقتصادی دگرگون شد، همین حلب ها هر دانه ای به ۱۵ ریال رسید نامبرده همه آن ها را یک جابه مبلغ ۱۰۰ هزار تومان فروختند. چون ایشان از نظر شرعی احتیاط می کرد هیچ وقت پولش را به بانک نمی سپرد، بنابراین صندوقی تهیه کرده بود، همه را به پول درشت که آن زمان صد تومانی بود تبدیل کرد و در آن صندوق قرار داد و کلیدش را نزد خودش نگهداشت ولی این پول، امنیت خوبی نداشت و نقدینه زیادی هم در آن زمان بود، بنابراین ایشان را مشوش کرده بود و از این گذشته مطلب دیگری که بر تشویش ایشان افزوده بود این بود که نمی دانست این پول ها را به چه کار مفیدی مصرف کند. نگرانی و پراکندگی خاطر وادارش کرد که یک هفته کنار رودخانه برود و در فضای آزاد فکر کند و به نتیجه برسد.»

آقای صالحی در دنباله بحث از زبان عابدزاده می گوید: «گاهی به نظرم می رسید که با این پول ده دستگاه اتوبوس بخرم و بین تهران - مشهد به کار بیندازم. گاهی

و مستعدان، ۱۲ بنا را به نام ۱۲ امام معصوم (ع) طراحی کرد و ساخت. در دو بخش گذشته این مطلب به چگونگی ساخت بخشی از این بناها پرداخته شد، بخش سوم در این قسمت تقدیم خوانندگان محترم می شود.

علویه

این بنا در حاشیه خیابان مطهری جنوبی نزدیک میدان سعدآباد واقع شده و در سال ۱۳۸۱ هـ. ق احداث گردیده است. زمین آن مربوط به مسجد گوهرشاد است که طبق قرارداد با اوقاف اجاره بسته شد و چند سال یک بار همراه با افزایش اجاره بها، تجدید اجاره می شود. البته این قرارداد با شرطی همراه بود مبنی بر این که این زمین صرفاً جهت ایجاد مدرسه و تعلیم و تربیت باید اختصاص یابد.

علویه به مساحت ۳۰۰۰ مترمربع از بزرگترین و مجلل ترین مدارس احداثی حاجی عابدزاده است با ۲۰۰۰ متر زیربنا در دو طبقه و دارای ۲۰ کلاس ۲۴ متری است و صحن حیاط آن ۱۳۸۰ متر و سالن آن ۷۰۰ متر است. این بنا نسبت به محور شمالی - جنوبی کاملاً متقارن است و همچنین دارای سربرداری است که خانمی با شوهرش از ابتدای افتتاح این بنا در این مکان مستقر بودند که چند سالی است شوهرش فوت کرده و ایشان همچنان سربدار این مدرسه است. پس از انقلاب این بنا در اختیار آموزش و پرورش ناحیه چهار قرار گرفت و همچنان مدرسه راهنمایی علویه در اینجا دایر است.

سجادیه

این بنا در خیابان خواجه ربیع کوچه حسین باشی قرار دارد. زمین آن باغی بود که از فردی به نام گلشن آزادی خریداری شد. مساحت این مدرسه ۱۳۶۰ متر مربع و بازبینی ۹۰۰ متر در یک طبقه احداث گردیده است. دارای هفت کلاس ۳۰ متری و یک سالن ۲۸۰ متری و صحن حیاط آن ۵۵۰ متر مربع است و همچنین دارای دفتر کار و سربرداری است. پس از این که طلاب علوم دینی آن را تخلیه کردند، این هم مانند سایر بناها در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفت. هم اکنون در این مدرسه دبستانی به نام سجادیه زیر نظر ناحیه چهار آموزش و پرورش انجام وظیفه می کند.

حسینیه

بنای حسینیه در کوچه بازارچه سراب جنب بیمارستان شاهین فر قرار دارد. زمین این بنا منزل شخصی مرحوم حاج محمد حسین فولادکار بوده که با نظر حاجی عابدزاده در سال ۱۳۴۳ هـ. ش کار ساختمانی آن به اتمام رسید و در همین سال از دانش آموزان ثبت نام به عمل آمد و کار تعلیم و تربیت شروع شد.

بنا در زمینی به مساحت ۱۱۲۰ متر مربع و بازبینی تقریبی ۸۷۰ متر مربع در دو طبقه احداث گردیده است. مساحت سالن همکف ۴۱۰ متر مربع و دارای چهار کلاس ۲۴ متری در این قسمت و چهار کلاس ۲۴ متری در طبقه اول است و صحن حیاط آن ۴۲۰ متر مربع وسعت دارد.

از زمان تعطیلی مدارس توسط رژیم گذشته تا سال ۱۳۶۸ طلاب علوم دینی اسکان داشتند. از این سال به بعد مدرسه عالی شهید مطهری با تولیت آقای

حسینیه

این بنا در خیابان خسروی نو، محله سرشور، کوچه امین دفتر واقع شده است. چهار دانگ زمین آن توسط مرحوم حاج محمدحسن آهنگچی و دو دانگ آن به وسیله خانمی بنام صدیقه رسول زاده خریداری شد. هزینه احداث توسط حاجی آهنگچی پرداخت و زیر نظر حاجی عابدزاده در سال ۱۳۴۴ هـ. ش ساخته شد.

مساحت این مدرسه ۱۲۶۰ متر مربع و بازبینی تقریبی ۷۸۰ متر مربع در دو طبقه احداث شده است، کلاس های بنا مشرف بر سالن و هر سالن ۲۴ متر و دارای ۱۲ کلاس است. صحن حیاط ۶۷۰ متر مربع و سالن آن ۳۵۰ متر مربع وسعت دارد.

بنا نسبت به محور شمالی - جنوبی متقارن است. پس از تعطیلی این بنا از طرف رژیم در سال ۱۳۵۲ طلاب حوزه علمیه چند سالی در این مکان اسکان گزیدند و در حال حاضر این مدرسه به طور رایگان در اختیار مکتب حضرت رقیه است و خانم ها به تحصیل علوم دینی و احکام و دروس عربی در آن می پردازند.

جعفریه

این بنا در نزدیکی فلکه ۱۷ شهرپور، خیابان صدر قرار دارد. زمین آن متعلق به فردی به نام مرحوم حاج حسین گچ پز است. این فرد خیر زمینی داشت به مساحت حدود هفت هزار متر مربع که آن را به حاجی عابدزاده واگذار کرد، ایشان هم حدود ۵۵۰۰ متر آن را تفکیک کرد و فروخت و از وجه آن ساختمان جعفریه را ساخت. در این بنا کمکی از کسی دریافت نشده است.

این مدرسه در زمینی به مساحت ۶۲۶/۵ متر مربع و بازبینی تقریبی ۴۰۰ متر مربع احداث شده است، صحن حیاط آن که مشتمل بر دو حیاط می شود یکی در قسمت شمالی بنا و دیگری در قسمت جنوبی بنا واقع گردیده است با مساحت ۶۹۰ متر مربع.

بنا در دو طبقه است و نسبت به محور شرقی و غربی متقارن است. مساحت سالن آن ۳۰۰ متر است. در یک طرف سالن چهار کلاس و هر کدام به مساحت ۲۲ متر و همچنین دو کلاس ۳۶ متری در طرفین شمالی و جنوبی حیاط احداث شده است. دو کلاس ۳۶ متری و دو کلاس ۱۸ متری نیز وجود دارد. این مدرسه بعد از انقلاب حدود چهار سال در اختیار حوزه علمیه مرحوم شاه آبادی قرار داشت که هیئت مدیره و به ویژه فرزند بانی خیلی از آن ها گله داشتند. در حال حاضر این بنا تخلیه شده است و گاهی در اعیاد و سوگواری ها مراسمی در این مکان برگزار می شود. ضمناً هیئت مدیره این بنا اصرار داشت حتماً قید شود بانی این بنا حاج حسین گچ پز ارض اقدس و ساعی حاجی علی اصغر عابدزاده.

تاسیس جوادیه

عنوان دبستان دخترانه دانش آموزان مستعد کاظمیه تحت پوشش محبان الرضا در این مکان دایر کرد.

سومین بنای انجمن پیروان قرآن (انجمنی که توسط مرحوم عابدزاده راه اندازی شد) جوادیه است که در خیابان طبرسی داخل کوچه جوادیه واقع شده است. این بنا دارای زمینی ملکی به مبلغ ۱۷ هزار تومان با کمک های مردم خریداری گردید، به محض این که زمین تهیه شد، چادرها سرپا شد و عزاداری و روضه خوانی شروع شد، مردم حضور می یافتند و از جان و دل کمک می کردند. این بنا زودتر و بی دردستر از بنای قبلی ساخته شد زیرا اولاً وضع مالی مردم بهتر شده بود چون سختی های دوران اشغال کشور توسط متفقین را پشت سر گذاشته بودند. ثانیاً مردم بنای عسگریه را تجربه کرده بودند.

این مدرسه مدت بیست سال ادامه داشت و مانند سایر بناها توسط رژیم تعطیل گردید. این مدرسه در اوج کارش حدود ۷۰۰ دانش آموز داشت. پس از انقلاب چند سالی در اختیار آموزش و پرورش ناحیه دو (مشهد) قرار گرفت و هم اکنون دانش آموزان افغانی در دو نوبت دختر و پسر در مقطع ابتدایی مشغول به تحصیل در آن هستند.

باقریه

مدرسه باقریه در خیابان امام رضا (ع) (تهران) مقابل پمپ بنزین داخل کوچه باقریه واقع شده است. زمین این بنا متعلق به فردی به نام حاج «حسین ریحانیان» بوده است که با واگذاری مقداری از آن و خریدن بقیه زمین توسط اهالی محل و همت آقایان حاج حسین فولادکار، رضایی، پهلوانی، جودوی، رجایی و مرحوم داورخواه در سال حدود ۱۳۳۶ ه.ش احداث شد.

مساحت این بنا ۹۷۲ متر مربع و بازیربنای ۷۲۰ متر مربع در دو طبقه احداث شده است، طبقه همکف متشکل از سه کلاس ۱۵ متری، دو کلاس ۲۰ متری و ۴۰ متری و یک سالن ۲۶۰ متری و نمازخانه ۸۰ متری است. طبقه اول دارای سه کلاس ۱۲ متری و دو کلاس ۲۰ متری و ۴۰ متری و صحن حیاط آن هم ۳۱۰ متر است. سرایداری به نام حاج حسین خرسندی در این بنا مستقر است که تقریباً از ابتدا در این بنا همکاری داشته است.

این مدرسه بزرگانی همچون شهید کاوه را در خود پروراند و تحصیل کردگانی مانند مهندس مجید وحیدی طراح پل الغدیر و خلبانی مثل فتاحی را تربیت کرده است.

فاطمیه

این بنا در خیابان نواب صفوی داخل کوچه حاج ابراهیم قرار گرفته است. بنا به گفته آقای صالحی در این کوچه، تکیه ای غیر قابل استفاده بود، همچنین در کنار آن منزل مخروبه ای که آن هم خریداری شد. هزینه ساختمان آن را یک نفر مبلغ صد هزار تومان از ثلث مال مادرش پرداخت کرد.

آقای مغانی می گوید: هزینه این بنا کاملاً از بین بانوان مومن جمع آوری گردیده است و به همت و کوشش آقای حاجی عابدزاده بنای آن در سال ۱۳۳۸ ه.ش به پایان رسیده است و همه ساله اوقات محرم و دهه فاطمیه در آنجا روضه خوانی و در بقیه اوقات سال مرکز تجمع بانوان و محفل آموزش قرآن و قرائت آن و آموزش مسائل دینی است.

مساحت زمین فاطمیه ۱۱۰۰ متر مربع و زیربنای آن ۱۱۳۰ متر در دو طبقه احداث قرآن هم در آن برگزار می شود.

ناهای احداثی خادم قرآن، مرحوم علی اصغر عابدزاده ۱۲ بنا به نام ۱۲ امام (۳) گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم حجت الاسلام «علی اصغر عابدزاده» از جمله خادمان قرآنی است که در عصر پهلوی و در آن روزگار که تحصیل علم کار نه چندان ساده ای برای همگان بود، برای تدریس قرآن و علوم دینی به علاقه مندان

بنای جوادیه در زمینی به مساحت ۱۱۰۰ متر و با زیربنای ۶۲۰ متر در یک طبقه احداث شده است، دارای هفت کلاس ۲۴ متری و یک نمازخانه ۶۰ متری است. صحن حیاط آن حدود ۵۷۰ متر است ضمناً دارای دفتر کار و سرایداری هم هست. این بنا پس از تعطیلی از طرف رژیم گذشته در اختیار طلاب علوم دینی قرار گرفت. پس از انقلاب تبدیل به دبستان جوادیه گردید.

تاسیس نقویه

این بنا در خیابان امام رضا کوچه کربلا واقع شده است. زمینش وقفی است، حاجی عابدزاده با اوقاف قرار داد بست و زمین را تحویل گرفت، البته با این شرط که ۲۰ هزار تومان خرج کند و آن را تبدیل به مدرسه کند، حاجی عابدزاده هم بیش از آن مبلغ خرج مدرسه کرد و آن را به صورت مدرسه ای مطلوب درآورد و مانند سایر مدارس، آموزش در آن آغاز شد.

بعد از تعطیلی مدرسه توسط رژیم گذشته چند سالی طلبه ها اسکان گزیدند. پس از انقلاب هم مدت کوتاهی به دستور آقای مصباح، حوزه علمیه در این مکان تشکیل شد و پس از آن حدود ۱۵ سال در اختیار آموزش و پرورش ناحیه دو مشهد قرار گرفت که مدرسه راهنمایی نقویه در آن استقرار داشت. از سال ۱۳۷۶ طبق نظر کارشناسان مربوطه چون این بنا عمر مفید خودش را کرده بود آن را تخلیه کردند و هم اکنون در اختیار انجمن و بلا استفاده افتاده است.

تاسیس کاظمیه

این بنا در خیابان شیرازی بالا، خیابان بعد از میدان شهدا کوچه زردی واقع شده است، زمین این بنا را طبق گفته آقای صالحی، فرد خیری و اگذار نمود، چون مردم مذهبی به این مدارس خوشبین شده بودند در مدت کمی با کمک خودشان مدرسه را ساختند و طبق روال قبل کار تعلیم و تربیت شروع شد. بنای کاظمیه در زمینی به مساحت ۱۲۶۰ متر و با زیربنای ۵۸۰ متر به صورت یک طبقه احداث شده است، دارای ۷ کلاس تقریباً ۴۰ متری است، بنا نسبت به محور شرقی و غربی متقارن است. سالن چند منظوره ای دارد که ۲۴۰ متر مربع است و مساحت صحن حیاط ۵۳۰ متر است و همچنین دارای سرایداری و دفتر کار هم هست.

بعد از انقلاب چند سالی در اختیار ناحیه چهار بود که دبیرستان روزانه و شبانه رشته حسابداری دایر کرده بود. بعد از چند سالی تعطیلی، مجدداً در سال ۱۳۷۸ ه.ش آموزش و پرورش ناحیه چهار، موسسه آموزشی دخترانه ای را تحت

علویه، مدرسه‌ای با سابقه ۵۰ سال خدمت به قرآن و اهل بیت (ع)



اختصاص دارد. این مدرسه از نمازخانه‌ای بزرگ برخوردار است که این نمازخانه در زمان مرحوم عابدزاده و بادستان او طراحی و ساخته شده است. اشکذری از اعضای انجمن پیروان قرآن که هم اکنون ۱۲ سال در این مدرسه به تدریس دعای کمیل و دعای ندبه می‌پردازد از اینکه این مدرسه هم اکنون زیر نظر آموزش و پرورش اداره می‌شود و سیره مرحوم عابدزاده در آن به طور کامل اجرایی شود ناراضی بوده و عنوان می‌کند: «در حال حاضر اقداماتی از سوی انجمن پیروان قرآن انجام شده است تا این مدرسه به گونه‌ای عملی به فعالیت‌های مد نظر مرحوم عابدزاده بپردازد.»

نمازخانه این مدرسه به گونه‌ای طراحی شده که کاربردی چندمنظوره داشته باشد و علاوه بر مکان عبادت دانش آموزان، جلسات انجمن پیروان قرآن نیز در آن برگزار شود. در مدرسه علویه علاوه بر دانش آموزان و آینده سازان فردا، پیرزنی در اتاقکی کوچک در گوشه سمت راست مدرسه به عنوان سرایدار، ۵۰ سال است که روزگار می‌گذرانند. در هر یک از خطوط چهره این پیرزن تاریخی گویا تصویر شده است. این پیرزن که همه او را «حاج خانم» صدا می‌زنند و خود نیز نامش را به درستی به خاطر نمی‌آورد به سبختی در باره گذشته خود و مدرسه علویه صحبت می‌کند. وقتی از حاج خانم در باره سابقه مدرسه علویه پرسیده می‌شود می‌گوید: «زمانی که من اینجا آمدم، اینجا خرابه بود؛ چندان خاطراتی از حاجی عابدزاده ندارم.» حاج خانم که تنها رابطه دانش آموزان با مرحوم عابدزاده در ذهنش مانده است ادامه می‌دهد: حاج آقا با بچه‌ها خیلی مهربان بود هر وقت می‌آمد با آن‌ها احوال پرسی می‌کرد.

پیرزن با تمام شکرگزاری خود از خداوند، گله مند از مسئولانی بود که حقوق اندکی برای او در نظر گرفته‌اند و از مردمی که او را از یاد برده‌اند.

مدرسه علویه پس از گذشت ۵۰ سال از عمر خود هنوز با شور و هیجان دانش آموزان، صبح خود را آغاز می‌کند. دانش آموزان این مدرسه شاید شناخت درستی از فعالیت‌های مرحوم عابدزاده نداشته باشند و تنها نام او را از والدین خود شنیده باشند، اما هنوز یاد و خاطره این انسان بزرگ بر سر مدرسه مبین نقش او در جامعه آن روز و تمامی روزگاران است.

گروه فعالیت‌های قرآنی: مدرسه علویه یکی از دوازده بنایی است که با کوشش و تلاش مرحوم «علی اصغر عابدزاده» در سال ۱۳۴۵ ه.ش در مشهد مقدس ساخته شده است. با آن که ۵۰ سال از قدمت این مدرسه می‌گذرد ولی هنوز یاد و خاطره بانی اصلی این بنا بر در و دیوار مدرسه به جا مانده است.

مدرسه علویه یکی از دوازده بنایی است که با کوشش و تلاش مرحوم «علی اصغر عابدزاده» در سال ۱۳۴۵ ه.ش در مشهد مقدس ساخته شده است

بنای علویه در مشهد مقدس در حاشیه خیابان مطهری جنوبی نزدیک میدان سعدآباد واقع شده است. علویه به مساحت ۳۰۰۰ متر مربع و ۲۰۰۰ متر زیربنا در دو طبقه، ۲۰ کلاس ۲۴ متری و صحن حیاتی به متر از ۷۰۰ متر مربع یکی از بزرگترین و مجلل‌ترین مدارس احداثی حاجی عابدزاده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی این بنا در اختیار آموزش و پرورش ناحیه ۴ مشهد قرار گرفت و همچنان مدرسه راهنمایی علویه در اینجا دایر است. در سمت چپ این مدرسه اتاق کوچکی وجود دارد که سال‌ها به عنوان دفتر انجمن پیروان قرآن (انجمنی که توسط مرحوم عابدزاده راه اندازی شد) میزبان شاگردان، مدیران و دنباله‌روان مرحوم علی اصغر عابدزاده است.

در گوشه گوشه این اتاق عکس‌هایی از مرحوم عابدزاده در کنار عکس‌هایی از امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری، حرم مطهر امام رضا (ع)، مکه مکرمه و مدینه منوره خودنمایی می‌کند.

با این که ۲۰ سال از کوچ ابدی مرحوم عابدزاده می‌گذرد، اما هنوز در این اتاق عطر تعلیم و عبادت او به مشام می‌رسد. در گوشه سمت چپ اتاق جزوه و کتاب‌های کهنه و فرسوده‌ای دیده می‌شود که هر یک حکایت از آن‌ها در درون خود، تاریخی خاموش ولی پر از فریاد دارند. آنچه بیش از همه دیده‌ها را بیننده‌ای را به سمت خود می‌کشد پند و اندرزهای برگرفته از قرآن کریم است که در گوشه این اتاق نمایان است.

با تمام آنچه از مرحوم عابدزاده در این مدرسه به جا مانده بود، اما مظاهر تمدن با تمام ظواهر و زیبایی خود بر این مدرسه سایه سنگینی افکنده است.

مدرسه علویه در حال حاضر به تعلیم و تربیت ۶۰۰ دانش‌آموز مقطع راهنمایی



بنای «حسینیه» نماد ماندگار گنبدشش گوشه امام حسین (ع)

گروه فعالیت های قرآنی: «حسینیه» یکی از ۱۲ بنای ساخته شده به دست مرحوم «علی اصغر عابدزاده» است. معماری این بنا به صورت شش گوش، پیش و بیش از هر چیز گنبد مطهر امام حسین (ع) را برای هر بیننده ای تداعی می کند.

بنای حسینیه در کوچه بازارچه سراب، جنب بیمارستان شاهین فر قرار دارد. زمین این بنا منزل شخصی مرحوم «حاج محمدحسین فولادکار» بوده است که با نظر حاجی عابدزاده در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی کار

ساختن آن به اتمام رسیده و در همین سال از دانش آموزان ثبت نام به عمل آمد و کار تعلیم و تربیت در آن آغاز شد. این بنا در زمینی به مساحت ۱۱۲۰ و با زیربنای تقریبی ۸۷۰ متر مربع در دو طبقه احداث شده است. مساحت سالن همکف آن ۴۱۰ متر و دارای ۸ کلاس ۲۴ متری و صحنی به مساحت ۴۲۰ متر مربع دارد.

آنچه در تاریخ این مدرسه به چشم می خورد این است که از زمان تعطیلی مدارس توسط رژیم گذشته تا سال ۱۳۶۸ طوابع علوم دینی در آن اسکان داشته اند. از این سال به بعد مدرسه عالی شهید مطهری با تولیت آیت الله امامی کاشانی به عنوان دبیرستان علوم و معارف اسلامی در این مکان تأسیس شده و این مدرسه تا سال ۱۳۷۶ ادامه داشته و در همین سال با احداث ساختمان جدید در محله قاسم آباد اینجا را تخلیه کردند. پس از آن در سال ۱۳۷۷ دبیرستان غیر انتفاعی علی بن ابیطالب با مدیریت «علی اکبر علیزاده یزدی»، استقرار پیدا کرده است. بنای حسینیه با ابتکار مرحوم عابدزاده به صورت شش گوش ساخته شده است و در اطراف آن اسماء صحابه پیامبر (ص) حکاکی شده است. حاج «رضا فولادکار» فرزند مرحوم حاج حسین فولادکار که خود در سنین کهنوت و پیری به سر می برد با عشق و شوری وصف ناپذیر از تاریخچه و نحوه شکل گیری حسینیه صحبت می کند. او می گوید: پدرم همیشه آرزو داشت که مدرسه ای با نام حسینیه ساخته شود، جاهای زیادی از شهر را هم دید، اما زمانی که در سال ۱۳۲۰ اینجا را خرید با مشورت حاجی عابدزاده این مکان را برای حسینیه انتخاب کرد.

۷ سقف نمازخانه این بنا یکی از زیباترین جلوه ها را به این مکان بخشیده است. به گفته حاج رضا فولادکار سقف نمازخانه به ابتکار مرحوم عابدزاده از حلبی درست شده و ورق آن به شکل آینه مانند در آمده تا بتواند محاسن این مکان را کامل کند.

فرزند واقف این مدرسه درباره انتخاب و طراحی ساختمان حسینیه چنین توضیح می دهد: این بنا هم مانند سایر بناها با خلاقیت مرحوم عابدزاده طراحی می شد و او با ذهنیت خود نقشه مکان را بر روی زمین طراحی می کرد و خود دوشادوش کارگران شروع به ساختن بنا می کرد. شکل این بنا به صورت شش گوش هم از ابتکارات و علاقی آن مرحوم به امام حسین (ع) است.

فولادکار با اشاره به شروع به کار حسینیه ادامه می دهد: از سال ۱۳۴۰ مرحوم عابدزاده تصمیم گرفت این مدرسه را فعال کند و برای همین با ۶ کلاس پذیرش

دانش آموزان در سال ۱۳۴۴ آغاز کرد و پس از درگذشت پدرم این بنا زیر نظر مرحوم عابدزاده اداره شد. پس از آن دبیرستان علوم قدیمه و جدیده زیر نظر آیت الله امامی کاشانی آغاز و سپس این مدرسه به مدرسه علی بن ابیطالب تبدیل شد.

صدای زیبای اذان در مدرسه طنین انداز می شود و در این لحظه تمامی دانش آموزان در صفوفی مرتب در کنار هم به خواندن نماز می پردازند. برای صحبت با مدیر مدرسه باید تا پس از اقامه نماز منتظر ماند. سقف نمازخانه این بنا یکی از زیباترین جلوه ها را به این مکان بخشیده است. به گفته حاج رضا فولادکار سقف نمازخانه به ابتکار مرحوم عابدزاده از حلبی درست شده و ورق آن به شکل آینه مانند در آمده تا بتواند محاسن این مکان را کامل کند.

«علی اکبر علیزاده» مدیر مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع) پس از نماز با خوشرویی ما را می پذیرد. وقتی از او درباره شیوه های تربیتی مرحوم عابدزاده در این مدرسه پرسیده می شود، می گوید: در این سال ها سعی شده تا این مدرسه را مطابق با نظرات مرحوم عابدزاده پیش ببریم. به همین دلیل خانواده هایی که علاقه مند به موضوعات مذهبی هستند فرزندان خود را در این مدرسه ثبت نام کرده اند. بسیاری از دانش آموزان این مدرسه هم پس از پایان دوره دبیرستان راهی حوزه های علمیه می شوند. مدیر مدرسه علی بن ابیطالب اخلاص مرحوم عابدزاده را یکی از دلایل موفقیت این مدرسه دانسته و می افزاید: مرحوم حاجی عابدزاده در راه اهدافش اخلاص زیادی داشته و همیشه مقید بوده کارش را با توسل آغاز کند، که این موضوع در آرامش این مجموعه تأثیر خاصی داشته و معلمانی که در این مدرسه کار می کنند به این موضوع اقرار دارند.

علیزاده درباره آشنایی دانش آموزان این مدرسه با مرحوم عابدزاده می گوید: متأسفانه نسل جدید آشنایی چندانی با مرحوم عابدزاده ندارند و مادر مراسم ها، سعی کرده ایم در حد کوتاهی وی را معرفی کنیم.

این کتابخانه با جمع آوری ۵۰۰ هزار جلد منابع تخصصی درباره امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) با ارائه خدمات رایگان، کتاب ها را در اختیار محققان قرار می دهد. در این کتابخانه علاوه بر کتب چاپی، کتاب های خطی و آثار هنری که هر یک روایتگر عظمت مولای متقیان هستند، جلوه خاصی را به این کتابخانه بخشیده است. در این کتابخانه علاوه بر منابع به زبان فارسی، کتاب هایی به ۲۲ زبان دیگر نیز گردآوری شده است.

کتابخانه تخصصی علی بن ابیطالب (ع) هم یکی دیگر از مکان هایی است که در

مهدیه، یادگار ارادت عابدزاده به اهل بیت (ع)



بر سنگ قبر مرحوم عابدزاده پس از ذکر مشخصات وی مانند تاریخ تولد و وفات این شعر تأمل برانگیز به چشم می خورد: «عافیت جمع شود در دو سه سطر از بد و نیک آن چه عمر به دارا و سکندر گذرد»

پله های سرداب تاریک مهدیه را یکی یکی طی کرده و به مکانی می رسم که می گویند در خلوت خاموش آن، بانی این بنا و یازده بنای دیگر آرام گرفته است. در بالای قبر مرحوم عابدزاده تصویر معروف او که دست چپ خود را بر روی صورتش گذاشته وجود دارد و در زیر آن شعر «سرود سرداب عشق» سروده «سکینه عابدزاده» دختر مرحوم علی اصغر عابدزاده که به گفته خودش این شعر در خواب به او الهام شده است، به چشم می خورد.

در خارج از نمازخانه، در کنار اتاق مالی - اداری، امور طلاب و امور ارزشیابی، اتاق هایی به عنوان «مدرس» به نام بزرگانی مانند امام خمینی (ره)، شیخ مفید، علامه طباطبایی و علامه حلی، طراحی شده است که این نامگذاری تا حد زیادی حکایت از ادامه راه مرحوم حاج اصغر عابدزاده در تداوم بخشی به آموزش معارف قرآنی و دین دارد.

«محمد آشتیانی» که خود هنوز در سنین جوانی به سر می برد، پنج سال است که مسئولیت و تصدی این بنا را بر عهده دارد. زمانی که از او درباره فعالیت کنونی مهدیه می پرسم بیان می کند: در حال حاضر اتاق های مهدیه به کلاس هایی برای آموزش طلاب مرکز جهانی علوم اسلامی تبدیل شده است.

او درباره تغییرات صورت گرفته در بنای مهدیه توضیح می دهد: تغییراتی پس از فوت حاج آقا عابدزاده در این مکان صورت گرفته و ۸ اتاق آن به ۱۰ اتاق تبدیل شده است.

زمانی که از او درباره میزان آشنائیش با مرحوم عابدزاده می پرسم تصریح می کند: اطلاعات خیلی محدودی درباره مرحوم عابدزاده دارم و اکثر طلابی هم به اینجای می آیند، چندان اطلاع ندارند و با برگزاری یک سلسله جلسات با شخصیت آن مرحوم آشنا می شوند.

آشتیانی در پایان صحبت هایش می گوید که طلاب و متولیان بنای مهدیه در سال های پس از مرگ مرحوم عابدزاده و به دلیل اینکه آرامگاه آن مرحوم در این مکان واقع است، سعی کرده اند که به بنای اصلی آسیبی وارد نشود. بنای مهدیه هم اکنون غم های زیادی را در خود نهفته است. از شادی و چراغانی شب های نیمه شعبان، تنها درهای چوبی خاموش و پوشیده به یادگار مانده است، اما این بنا در دیده هر صاحب معرفتی گویای این مطلب است که فریادی بلند از معرفت و عشق به خدا، پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) در سینه دارد.

مهدیه سال ها است که دیگر رنگ خنده را به خود ندیده و تنها میزبان اشک ها بوده اما آن چه مسلم است در تمامی اعصار مرقد و بارگاه مردی بزرگ را در قلب خود میزبانی خواهد کرد.

مجاورت این مدرسه قرار گرفته است. این کتابخانه منزل مسکونی حاج حسین فولادکار بوده که پس از درگذشت وی توسط فرزندان به کتابخانه تبدیل شده است. این کتابخانه در سال ۱۳۷۹ افتتاح و هم اکنون ۵۰۰ هزار جلد کتاب در آن جمع آوری شده است.

«محمد مجتهدی» که هم اکنون مسئولیت این کتابخانه را بر عهده دارد درباره فعالیت آن این گونه توضیح می دهد: این کتابخانه با جمع آوری ۵۰۰ هزار جلد منابع تخصصی درباره امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) با ارائه خدمات رایگان، کتاب ها را در اختیار محققان قرار می دهد. در این کتابخانه علاوه بر کتب چاپی، کتاب های خطی و آثار هنری که هر یک روایتگر عظمت مولای متقیان منابع به زبان فارسی، کتاب هایی به ۲۲ زبان دیگر نیز گردآوری شده است.

مجتهدی با اشاره به اعمال شیوه های جدید تحقیق در کتابخانه می گوید: به دلیل رشد اطلاع رسانی از طریق اینترنت سعی شده تا منابع به صورت دانلود شده در اختیار مخاطبان قرار گیرد، علاوه بر آن نیز پایان نامه هایی که درباره حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) نوشته شده باشد، در این کتابخانه در یک جا جمع آوری و متمرکز می شود.

وی شکل حسینی را یکی از ویژگی های تأثیرگذار بر ساختمان کتابخانه امام علی (ع) دانسته و ادامه می دهد: یکی از ویژگی های بنای حسینی، این است که مانند گنبد شش گوش امام حسین (ع) ساخته شده و این موضوع بر کتابخانه ای که در مجاورت این مدرسه قرار دارد تأثیر زیادی گذاشته است.

مدرسه حسینی شاید از معدود مدارس است که از تعلیمات دینی مرحوم عابدزاده در آن آثار زیادی بر جای مانده است. در حسینی این موضوع کاملاً به چشم می خورد که مرحوم عابدزاده از ذوق سرشار در ابتکار و نوآوری برخوردار و پیوسته در اندیشه کاری نو بوده تا بتواند شعائر دینی را زنده نگه دارد و امروز یاد او است که در مدارس بنا شده طلوع می کند و نام پاکش حیات بخش غنچه های نوشکفته می شود.



«سجادیه» بنایی معنوی به وسعت شور و شعف کودکانه

کلاس می شوم. نگاه تعجب آور و پرسش گر دانش آموزان سوم دبستان این مدرسه مرا به میهمانی کوتاهی در جمعشان دعوت می کند.

وقتی از دانش آموزان درباره مرحوم عابدزاده سؤال می کنم؟ همگی آن ها با هم می گویند: کسی بوده که این مدرسه را ساخته است و آنان تنها به این پاسخ بسنده می کنند.

«عظیم صالحی» آموزگار کلاس سوم ابتدایی مدرسه سجادیه در تکمیل صحبت دانش آموزان ادامه می دهد: دانش آموزان تنها از سردر مدرسه با مرحوم عابدزاده آشنا هستند و اگر بازماندگان آن مرحوم بیشتر به مدرسه نظارت می کردند و از خاطرات خودشان با آن مرحوم سخن می گفتند، هم دانش آموزان بیشتر با آن مرحوم آشنایی شدند و هم اهداف اولیه ایشان در این مدرسه بیشتر تحقق می یافت.

او می افزاید: آنچه مسلم است دانش آموزان برای شناخت بیشتر آن مرحوم نیازمند مطالعه هستند برای همین باید یک کتاب و یا کتابچه ای برای شناخت آن مرحوم نوشته شود و در مدارس که وی بنا کرده توزیع شود.

مدرسه سجادیه هر روز و هر سال میزبان دانش آموزان بسیاری است که با امید به آینده پشت هر یک از میزها حاضر می شوند. شاید برخی از آن ها کمی با مرحوم عابدزاده آشنا باشند و برخی دیگر تنها نام او را از والدین و معلمان خود شنیده باشند اما آن چه مسلم است معرفی کامل سیره و زندگی مرحوم اصغر عابدزاده و یاران او می تواند الگویی شایسته برای آنان و نسل امروز باشد.

سجادیه را برعهده دارد درباره فعالیت های کنونی این مدرسه می گوید: مدرسه سجادیه در حال حاضر در دو شیفت با ۳۰۵ دانش آموز با سیستم فعلی وزارت آموزش و پرورش اداره می شود. زمانی که از او درباره میزان آشنایی اش با مرحوم عابدزاده می پرسم، می گوید: درباره حاج آقا عابدزاده اطلاعاتی ندارم و فقط آن اندازه اطلاع دارم که فرد خیری بوده که این مدرسه را به سبک و سیاق قدیمی به شکل مسجد ساخته و به آموزش و پرورش وقف کرده است.

مدیر مدرسه سجادیه درباره میزان آشنایی دانش آموزان با شخصیت مرحوم عابدزاده تصریح می کند: مدرسه سجادیه در یکی از قدیمی ترین محله های مشهد واقع شده و اکثر خانواده ها، معلم ها و معاونان این مدرسه درباره آن مرحوم با دانش آموزان صحبت کرده اند.

نوروزیان، برپایی کلاس های فوق برنامه درباره قرآن و نهج البلاغه را از اقدامات این مدرسه برای ادامه دادن شیوه مرحوم عابدزاده دانسته و می افزاید: برای حفظ معنویت در این مدرسه سعی شده که کلاس های فوق برنامه قرآن و نهج البلاغه به صورت جذاب برای دانش آموزان تشکیل شود.

مدیر مدرسه سجادیه در پایان صحبت هایش می گوید که مدرسه سجادیه دیگر آن تأثیر سابق آموزشی را بر دانش آموزان ندارد و نیازمند بازسازی است.

در سر راه قدم زدن در فضای مدرسه به یکی از کلاس های درس می رسم که در آن دانش آموزان مشغول یادگیری درس علوم هستند با اجازه از معلم وارد

گروه فعالیت های قرآنی: بنای «سجادیه» پنجمین بنای ساخته شده توسط مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده و مؤسسه انجمن پیروان قرآن است که به نام امام چهارم حضرت سجاده (ع) بنا شده است.

این بنا در خیابان خواجه ربیع، کوچه حسین باشی شهر مقدس مشهد قرار دارد. مساحت این مدرسه ۱۳۶۰ متر مربع با زیربنای ۹۰۰ متر در یک طبقه احداث شده است. این بنا دارای ۷ کلاس درس ۳۰ متری و یک سالن ۲۸۰ متری و صحن حیاط آن ۵۵۰ متر مربع است.

این مدرسه همانند سایر بناها پس از اینکه طلاب علوم دینی آن را تخلیه کرده اند در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است. مدرسه سجادیه نسبت به مدارس دیگر از حیاطی کوچکتر و با معماری قدیمی تری ساخته شده است.

آنچه در نگاه اول به چشم می آید این است که این بنا با بنای سجادیه سال ۱۳۴۲ تفاوت های بسیاری پیدا کرده و برای افزایش شور و هیجان و نشاط بیشتر دانش آموزان، نقاشی هایی مناسب با مخاطب نسل امروز در دیوار مدرسه کشیده شده است، اما با تمام جلوه های امروزی آموزش، کلاس های گنبدی شکل از روحانیت و معنویت این بنا حکایت دارد.

این مدرسه با گذشت زمان هنوز معنویت خاص خود را دارد و با شور و شوق کودکانه و هیجان نونهالان زیبایی خاصی یافته است. عکس مرحوم عابدزاده و نام انجمن پیروان قرآن در دفتر این مدرسه به نوعی یادآور فعالیت بزرگ آن مرحوم و این انجمن است.

«رضا نوروزیان» که هم اکنون مدیریت مدرسه



«کازمیه» بنایی برای پیوند معارف قرآنی با نسل سوم

گنجانده شده است.

«حمیده جلالی» که سه سال است مدیریت این مدرسه را بر عهده دارد با ابراز خرسندی از فعالیت خود در این مکان معنوی می گوید: در سال های گذشته سعی شده است علوم جدید به همراه معارف قرآن به دانش آموزان تدریس و فضای حاکم بر مدرسه با معنویت پیوندی عمیق داشته باشد.

او می افزاید: شاید ظاهر مدرسه تا حد زیادی از زمان مرحوم عابدزاده تغییر کرده باشد، اما نمازخانه این مدرسه به شکل سابق باقی مانده و در آن جلسات قرآنی برای دانش آموزان و اولیای آن ها با یاد مرحوم عابدزاده برگزار می شود.

مدیر مدرسه کازمیه آشنایی دانش آموزان با شیوه های تعلیم مرحوم عابدزاده را از اقدامات خود در زمان مدیریت برشمرده و تأکید می کند: از زمانی که مدیریت مدرسه کازمیه را بر عهده گرفته ام، تمام تلاشم را در جهت ارزش نهادن به فعالیت های مرحوم عابدزاده داشته ام و اکثر والدین دانش آموزان از محیط معنوی این مدرسه رضایت کامل دارند.

جلالی در پایان تصریح می کند: تنها یادگار آشکار و علنی که در این مدرسه از مرحوم عابدزاده باقی مانده عکس اوست که به دیوار مدرسه آویزان است و خاطراتی را برای والدین دانش آموزان و معلمان از آن مرحوم تداعی می کند.

دبستان دخترانه کازمیه نیز مانند سایر بناهای ساخته شده توسط مرحوم عابدزاده از گزند تکنولوژی در امان نبوده و دستخوش تغییراتی شده است، اما تنها عکسی که از آن مرحوم در دیوار دفتر مدرسه نصب شده برای دانش آموزان امروز و مادران فردا درس های ناگفتنی زیادی را با خود به همراه دارد؛ درس هایی از شجاعت، قاطعیت، خدمت به مردم با همه توان و ده ها خصلت و ویژگی ممتاز انسانی.

گروه فعالیت های قرآنی: دبستان دخترانه «کازمیه» یکی دیگر از بناهایی است که توسط مرحوم عابدزاده برای ترویج فرهنگ دینی و قرآنی در عصر خفقان پهلوی در مشهد ساخته شد و امروزه این مدرسه مکانی برای پیوند میان نسل امروز با فرهنگ والای قرآن کریم به شمار می آید.

این بنا در خیابان شیرازی، بعد از میدان شهدا، کوچه زردی واقع شده است. زمین این مدرسه را فرد نیکوکاری به حاجی عابدزاده سپرد تا برای تعلیم و تربیت مضامین اسلامی از آن بهره گرفته شود.

بنای کازمیه در زمینی به مساحت ۱۲۶۰ متر و با زیربنای ۵۸۰ متر به صورت یک طبقه احداث شده و کلاس هایی تقریباً ۴۰ متری و سالنی چندمنظوره دارد و مساحت صحن حیات آن ۵۳۰ متر است.

این مدرسه پس از انقلاب چند سالی در اختیار ناحیه ۴ مشهد بود و در آن دبیرستان روزانه و شبانه رشته حسابداری دایره شده بود. پس از چند سال تعطیلی این مدرسه در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی، ناحیه ۴ آموزش و پرورش مشهد، مؤسسه آموزشی دخترانه را تحت عنوان «دبستان دخترانه دانش آموزان مستعد کازمیه» زیر پوشش مؤسسه محبان الرضا در این مکان دایر کرد.

ساختمان و شکل ظاهری این مدرسه در سال های اخیر برای شکوفایی استعداد و انطباق دانش آموزان با شیوه های جدید آموزش تغییراتی پیدا کرده اما هنوز چهارده ستون به نام چهارده معصوم (ع) راوی نیت پاک سازنده آن است.

برنامه های هفتگی این مدرسه هم اکنون نیز با قرآن کریم موانست خاصی دارد و در این برنامه ها برای آشنایی دانش آموزان، پیام های قرآنی، قرآن و ورزش صبحگاهی، زیارت عاشورای امام حسین (ع)، قرآن و دعای فرج در کنار سایر برنامه های تفریحی و آموزشی مناسب با دانش آموزان نسل امروز



جوادیه، یادگار دوران مبارزات انقلاب اسلامی

گروه فعالیت های قرآنی: سومین بنای انجمن پیروان قرآن و یادگار مرحوم عابدزاده، مدرسه جوادیه است که این بنا در خیابان طبرسی داخل کوچه جوادیه واقع شده است و یادآور حضور عابدزاده و یارانش در دوران مبارزات انقلاب اسلامی است.

بنای جوادیه در زمینی به مساحت ۱۱۰۰ متر و با زیربنای ۶۲۰ متر در یک طبقه احداث شده است. این مدرسه هم‌اکنون دارای ۷ کلاس ۲۴ متری و یک نمازخانه ۶۰ متری است. آنچه در تاریخ این بنا ثبت شده است این است که این بنا پس از تعطیلی از طرف رژیم گذشته در اختیار طلاب علوم دینی قرار گرفت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دبستان «جوادیه» تبدیل شد.

دبستان جوادیه از جمله بناهایی است که تا حد زیادی ساختمان آن تغییر شکل داده و دیگر به طور کامل نمی‌توان ردپایی از بنایی را که مرحوم عابدزاده در سال ۱۳۴۳ ساخته است در آن پیدا کرد.

از سقف های کنگره مانند و نقاشی های اماکن مذهبی در این بنا اثر چندانی باقی نمانده و اتاق کوچک مرحوم عابدزاده در این بنا، برای پرداختن به شیوه های نوین آموزش به آزمایشگاهی کوچک در گوشه مدرسه تبدیل شده است، البته مسئولان کنونی این دبستان برای این که به آن رنگ و بوی معنوی دهند، رنگ سبز را برای کلاس های درس خود انتخاب کرده اند.

به گفته شاهدان بسیاری از نقاشی های مذهبی کشیده شده بر در و دیوار این مدرسه در اثر آتش سوزی از بین رفته و دیگر اثری از آن باقی نمانده، اما آنچه در نگاه نخست توجه هر بیننده ای را به خود جلب می کند تصویر ولادت تا شهادت حضرت علی (ع) است که به زیبایی در دیوار خارجی این مدرسه حک شده است. «محمدعلی اخوان» که پنج سال است مدیریت این دبستان را بر عهده دارد در باره سابقه بنای جوادیه این گونه توضیح می دهد: بنای جوادیه مکانی برای تعلیم و تربیت فرزندان خانواده های مذهبی بوده است و پس از انقلاب به حوزه علمیه و سپس به آموزش و پرورش واگذار شد.

او درباره سیستم آموزشی کنونی این مدرسه می افزاید: در این مدرسه سعی شده است سیستم آموزش فعلی وزارت آموزش و پرورش به همراه آموزه های دینی به دانش آموزان تدریس شود و برای جذب دانش آموزان به مفاهیم دینی، کلاس های فوق برنامه قرآن و نهج البلاغه در نمازخانه آن برگزار شود.

محمدعلی اخوان «که پنج سال است مدیریت این دبستان را بر عهده دارد در باره سابقه بنای جوادیه این گونه توضیح می دهد: بنای جوادیه مکانی برای تعلیم و تربیت فرزندان خانواده های مذهبی بوده است و پس از انقلاب به حوزه علمیه و سپس به آموزش و پرورش واگذار شد. او درباره سیستم آموزشی کنونی این مدرسه

می افزاید: در این مدرسه سعی شده است سیستم آموزش فعلی وزارت آموزش و پرورش به همراه آموزه های دینی به دانش آموزان تدریس شود و برای جذب دانش آموزان به مفاهیم دینی، کلاس های فوق برنامه قرآن و نهج البلاغه در نمازخانه آن برگزار شود.

مدیر مدرسه جوادیه اجرای مراسم های ویژه در روزهای شهادت و ولادت حضرت جواد الائمه (ع) را از برنامه هایی دانست که در ادامه رسالت مرحوم عابدزاده هنوز هم در دبستان جوادیه اجرا می شود.

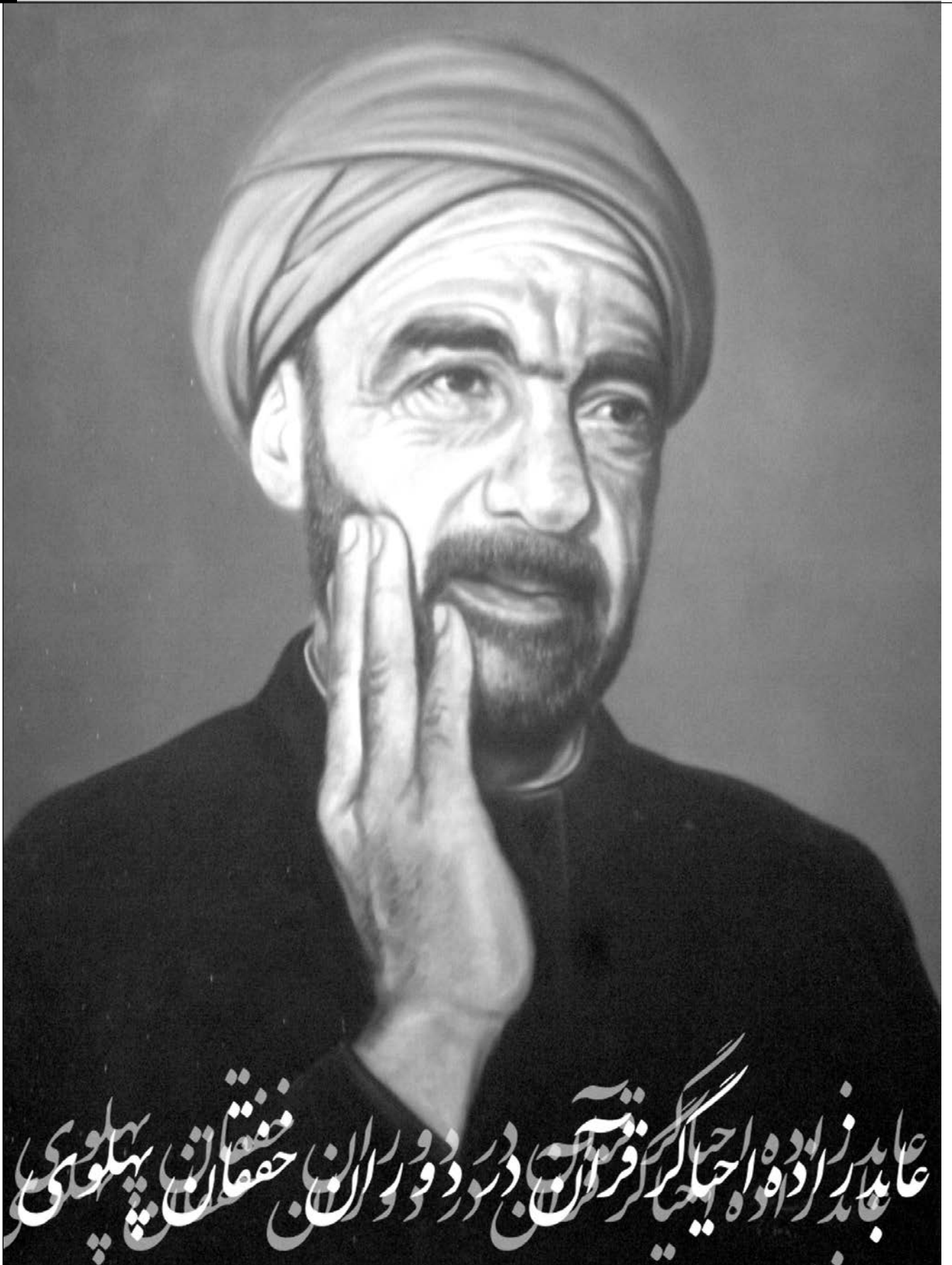
اخوان می افزاید: در سال های گذشته سعی شده است تا آموزش دینی به بهترین شکل انجام و درس قرآن به شیوه ای خاص با فضای روحانی به دانش آموزان آموخته شود.

وی درباره آشنایی شاگردان این مدرسه با مرحوم عابدزاده ادامه می دهد: اکثر پدران دانش آموزان، خود شاگردان این مدرسه و مرحوم عابدزاده بوده اند و به دلیل عشق و علاقه خود به این مدرسه و معنویت حاکم در آن فرزندان خود را در آن ثبت نام کرده اند.

وقتی از او می پرسیم تا چه اندازه از معلمان زمان مرحوم حاج عابدزاده و روش تدریس آن هادر این مدرسه استفاده می شود می گوید: در گذشته و پیش از انقلاب از آنان برای برخی دروس استفاده می شده است، اما اکثر آنها دیگر به سن کهولت رسیده و از این مدرسه رفته اند.

«جواد دهباشی» فرزند سرایدار این مدرسه است که دوران خاطره انگیز کودکی خود را در این بنا گذرانده و خاطرات کم رنگی از مرحوم علی اصغر عابدزاده در ذهن دارد. او درباره بنای جوادیه می گوید: پس از آتش گرفتن بنای مهدیه، جشن های نیمه شعبان در این بنا برگزار می شد. این بنا نخست مکانی برای فعالیت های قرآنی و انقلابی بوده و پس از احساس خطر ساواک، توسط این سازمان تعطیل شده است. پس از انقلاب هم به نهضت سوادآموزی واگذار و سپس به دست وزارت آموزش و پرورش به عنوان دبستان اداره می شود.

جوادیه در دل خود سخن های بسیاری از سال هایی دارد که تنها پناهگاه برای مبارزات، مردم و طلاب بوده است. هم اکنون بیست و هفت سال از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد و جوادیه با تمام سکوت و آرامش خود، روزانه در درون، مملو از نشاط و سر و صدای کودکان نسل انقلاب است.



عابد زاده احمد علی فرزند دودور خان حقیقانی پهلوی

مرحوم علی اصغر عابدزاده؛ احیاگر قرآن در دوران خفقان پهلوی

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم «علی اصغر عابدزاده» از جمله خادمان قرآن در دوران خفقان پهلوی است که با وجود فعالیت های گسترده قرآنی قبل از انقلاب در استان خراسان، ناشناخته ماند و دست تقدیر، تقدیر از وی را به ۲۰ سال پس از وفاتش موکول کرد.

■■■

مرحوم «حاج علی اصغر عابدزاده» در سال ۱۲۹۰ هجری خورشیدی در محدوده کوچه تقی بنگی یا شیشه‌گرخانه (چهارشنبه بازار) نزدیک قبرستان قدیمی شهر مشهد در ابتدای خیابان طبرسی دیده به جهان گشود و در خانواده مذهبی کم بضاعتی بزرگ شد، پدرش مسئول روشنایی چراغ های پیه سوز آستان قدس رضوی بود و به

همین دلیل به «چراغچی باشی» آستان قدس مشهور گشت.

آیت الله سیدحسن صالح شریعتی معروف به «صالحی» از استادان حوزه علمیه مشهد طی مصاحبه ای درباره شرح حال و زندگی حاجی عابدزاده می گوید: «عابدزاده در دوران کودکی از شور و تحرک عجیبی برخوردار بود به همین جهت در میان هم سن های خود از برتری خاصی بهره مند بود؛ برای این که این مطلب روشن شود توضیح مختصری را لازم می دانم (بیان کنم) حکومت وقت به علت ضعف حاکمیت آن طور که باید و شاید توان اداره مملکت را نداشت، آن دوران را عصر انحطاط قدرت مرکزی می نامیدند. به همین دلیل روستاها و قصبات به وسیله خوانین اداره می شد و شهرها هم به وسیله عمو غلام ها».

مرحوم «حاج علی اصغر عابدزاده» در سال ۱۲۹۰ هجری خورشیدی در محدوده کوچه تقی بنگی یا شیشه‌گرخانه (چهارشنبه بازار) نزدیک قبرستان قدیمی شهر مشهد در ابتدای خیابان طبرسی دیده به جهان گشود و در خانواده مذهبی کم بضاعتی بزرگ شد

عمو غلام شدن هم به این سادگی نبود بلکه مراحمی را باید طی می کردند تا به این



درجه می رسیدند به این ترتیب بود که یک جوان فعال که ابتدا قدم در اجتماع می گذاشت باید زیر نفوذ یکی از عمو غلام ها به عنوان نوچه ابراز وجود می کرد. مرحله دوم از کمال آنان داش آقاشدن بود که به او داش غلام می گفتند، مرحله سوم که مرحله نهایی کمال در جامعه آن زمان بود عمو غلام شدن بود. کسانی که به این مرحله می رسیدند دارای قدرت زیادی می شدند، حتی از یک فرمانده لشکر و استاندار قدرت مندتر بودند. این عمو غلام ها به وسیله نوچه ها و داش غلام هایشان شهرها را به طور کلی اداره می کردند و تمام کارهای اجتماعی را حل و فصل و اختلاف ها را رفع می کردند.

یک شب مرحوم عابدزاده در جوادیه، در منبر تاریخچه قریب به ۶۰ نفر از عمو غلام های مشهد را از ابتدا تا انتهای کارشان از قبیل وضعیت لباس و ژست و زندگی آن ها و نحوه حکومت کردن آن ها را تا هنگام مرگ بیان کردند.

مرحوم عابدزاده هم در این اجتماع زندگی می کرد و جدا از این ماجراها نبود، با این تفاوت که نوچه کسی نشد برای خودش داش غلامی مستقل بود و در این زمینه تا جایی رشد کرد که هر جا پا می گذاشت دیگران به اصطلاح «ماست ها را کیسه می کردند» و حتی می گفتند، بچه ها فرار کنید که اصغر حلیبی آمد.

مشاغل

از آن جا که هر جوانی معمولاً وظیفه خود می داند برای تأمین هزینه زندگی، شغلی را برای خود در نظر بگیرد، عابدزاده نیز وارد شغل حلیبی سازی شد که در آن زمان از مشاغل آبرومند و مورد نیاز جامعه بود در این راستا نیز پیشرفت قابل ملاحظه ای داشت و نوآوری های شگفت انگیزی در فن حلیبی سازی از او بروز کرد که باعث معروفیت ایشان گردید و حتی محسود همکاران خود واقع شود، از جمله ابتکارات ایشان ساختن جارهایی که تاکنون در مهدیه موجود است که در

های آن زمان سرگرمی جالبی بود.»

■ در ادامه مصاحبه استاد صالحی از قول مرحوم عابدزاده چنین گفت:

حاجی عابدزاده فرمودند: «روزی برف بازی ما به داخل مسجد گوهرشاد سوق داده شد و آن زمان هم ماه مبارک رمضان بود در شبستانی دیدم آقای بالایی منبر مشغول موعظه است و جمعیت زیادی هم به سخنان ایشان گوش می دهند، هوس کردم بروم در این مجلس شرکت کنم، کم کم جلو رفتم و نزدیک منبر نشستم و به سخنان منبری گوش دادم، دیدم گوینده سخنانی را می گوید که تا به حال به گوش من نخورده است، از عوالمی صحبت می کند که ما فکرش را نکرده بودیم من به این مجلس علاقه مند شدم از آن روز به بعد همه روزها تا آخر ماه مبارک رمضان از اول منبر تا آخر آن حضور پیدا کردم، جذب معنویات مرا به این طرف کشاند گویا از عالمی به عالم دیگر منتقل شدم از تمام کارهای دوران دانی ام دست کشیدم فقط در پی شرکت در مجالس وعظ و خطابه و زیارت افتادم چنان در این مسیر گرایش پیدا کردم که تمام کارهای گذشته به بوته فراموشی سپرده شد گویا در آن عوالم نبوده ام کاملاً مسیرم عوض شد در نتیجه تا آنجا که فعالیت مادی و کسب و کار و حرفه ایجاب می کرد نبال می کردم. سایر اوقات را تماماً به انجام واجبات و مستحبات مشغول بودم و چنان خودم را مقید کرده بودم که هیچ یک از نمازهای مستحبی و نوافل یومیه از من ترک نمی شد. خلاصه گرایش معنوی به گونه ای مرا سرگرم کرد که پیوسته مشغول دعا، ذکر و نماز و روزه بودم چند سالی به همین منوال کار خودم را ادامه دادم یک مرتبه به فکر افتادم عبادتی که نمی دانم با خدا چه می گویم چه ارزشی دارد و دعایی که معنایش را نمی فهمم چه لذتی دارد، زیارت بدون شناخت همه اش در جازدن است، هیچ گونه نوآوری در زمینه معنوی در خود نمی دیدم متوجه شدم که آدم بی سواد به هر مرحله ای از کمال برسد مانند انسان کور است و جاهل هر عملی را که انجام دهد ارزش واقعی ندارد بنابراین تصمیم گرفتم که باید به هر نحوی که شده دنبال سواد بروم و کسب معلومات کنم.

گرایش معنوی به گونه ای مرا سرگرم کرد که پیوسته مشغول دعا، ذکر و نماز و روزه بودم چند سالی به همین منوال کار خودم را ادامه دادم یک مرتبه به فکر افتادم عبادتی که نمی دانم با خدا چه می گویم چه ارزشی دارد و دعایی که معنایش را نمی فهمم چه لذتی دارد، زیارت بدون شناخت همه اش در جازدن است، هیچ گونه نوآوری در زمینه معنوی در خود نمی دیدم متوجه شدم که آدم بی سواد به هر مرحله ای از کمال برسد مانند انسان کور است و جاهل هر عملی را که انجام دهد ارزش واقعی ندارد بنابراین تصمیم گرفتم که باید به هر نحوی که شده دنبال سواد بروم و کسب معلومات کنم.

در آن زمان که تازه مدارس جدید روی کار آمده بود، چون این مدارس معمولاً نشأت گرفته از غرب بود عده ای از مردم به این مدارس خوشبین نبودند و بعضی از مردم مذهبی از این مدارس متنفر بودند بنابراین توجه مردم مذهبی به مکتب خانه ها بود. این مراکز هم شرط سنی نداشت هر کسی با هر سنی می توانست در این کلاس ها حضور یابد من هم مثل افراد دیگر بر طبق آداب و رسوم آن زمان وارد مکتب خانه ای شدم و از «عم جزء» شروع کردم. قرآن را به طور کامل در مکتب خانه آموختم، دعاها و زیارت نامه ها را خودم می خواندم، کتاب های

جشن ها در سالن مهدیه به صورت معلق زینت بخش بود، هدف ایشان از انتخاب این شغل، خدمت به بندگان خدا بود، امرار معاش و سایر بهره ها در حاشیه کارش قرار داشت برعکس بعضی از مردم که فقط هدفشان مادیات است و بس.

باتوجه به عملکردها و نمونه های بسیاری که از رفتار و منش ایشان از قول آقایان عابدیان و وقعی و دیگران نقل شده مرحوم عابدزاده در ارائه خدمات نهایت سعی خود را به کار می برد که اجناس ساخته شده به وسیله او از بیشترین استحکام و برترین کیفیت برخوردار باشد و هرگز در اندیشه این که مشترک دوباره برای تعمیر و خدمات بعدی مراجعه کند، نبوده است تا جایی که مورد اعتراض استاد کار خویش نیز واقع شده است.

ابتکارات و خلاقیت های عابدزاده فقط در شغل حلبی سازی محدود نمی شد و در ارتباط با شغل حلبی سازی، یک کارخانه آینه سازی را ترتیب داد که تمام دستگاه های آن را خودش طراحی کرد و ساخت و در آن کارخانه، آینه های زیبایی تولید می کرد به صورت دوقابه که هر دو طرف آن از حلب بود و به همین جهت دارای استقامت زیادی بود و با رنگ بسیار جالب کلمه عابدزاده در صفحه جلد آن آینه منقوش گردیده بود.

مطالعه زندگی بزرگان گاهی ما را به نکاتی رهنمون می شود که واقعا عبرت انگیز است و آن حالت تنبه آنان است که چگونه به مدارج عالی رسیدند. در مورد مرحوم عابدزاده آن ماجرای که حالت تنبه را در ایشان ایجاد کرد که منتهی به تحصیلات مقدماتی و پس از آن حوزوی شد خود جریانی دارد آینه های ساخت کارخانه ایشان در سراسر ایران و مخصوصاً خراسان مشتری داشت. حتی عده ای از شهر هرات افغانستان متقاضی آینه های ایشان بودند که از طریق حاجی توسلی که تاجر خرازی و توزیع کننده آینه ها در خراسان بود، تهیه می کردند.

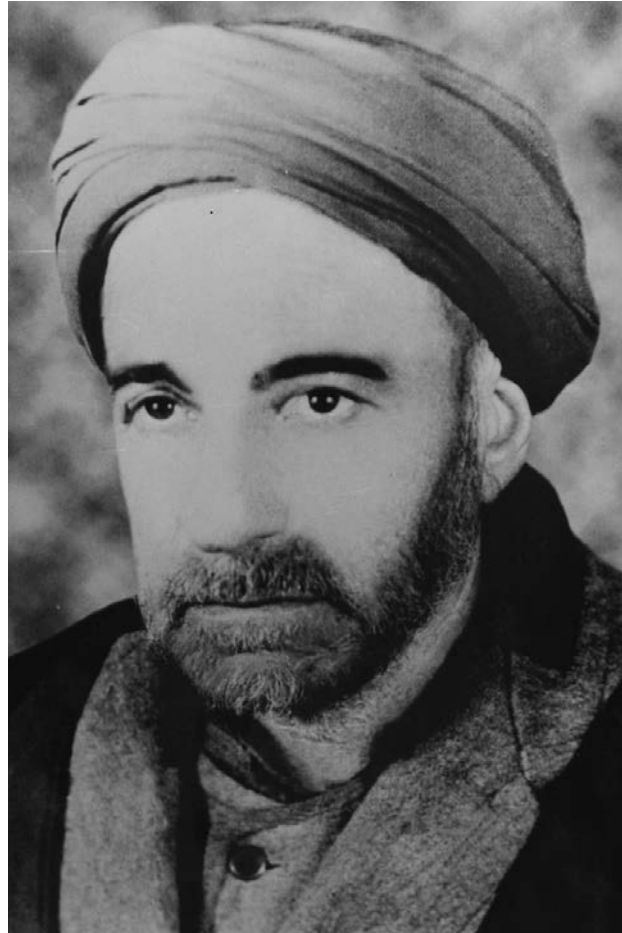
از شغل های دیگری که آشنایی کافی با آن داشت، آشپزی بود مخصوصاً در طبخ شله تبخ خاصی داشت در مجالسی که از ایشان برای آشپزی دعوت می شد بدون دریافت مزدی این کار را صرفاً برای رضای خدا انجام می داد.

■ خودسازی و تحصیلات

مطالعه زندگی بزرگان گاهی ما را به نکاتی رهنمون می شود که واقعا عبرت انگیز است و آن حالت تنبه آنان است که چگونه به مدارج عالی رسیدند. در مورد مرحوم عابدزاده آن ماجرای که حالت تنبه را در ایشان ایجاد کرد که منتهی به تحصیلات مقدماتی و پس از آن حوزوی شد خود جریانی دارد که از زبان آیت الله صالحی، استاد حوزه علمیه مشهد می شنویم: «مرحوم عابدزاده از زمانی که وارد جامعه «دانش ها» شد در مدت کوتاهی گوی سبقت را از همه داش های شهر مشهد ربود و بیکه تاز میدان شد و نام او در همه کوچه ها و محلات مشهد بر سر زبان ها افتاد. یکی از کارهای داش غلام ها این بود که در ایام بارش برف های سنگین توی محلات و خیابان ها می آمدند و برف بازی می کردند، یکی از اقسام برف بازی ها این بود که دو دسته می شدند و با گلوله های برفی، دسته ای به دسته دیگر حمله می کردند و یکدیگر را دنبال می کردند که در نتیجه، یک طرف بازی غالب و طرف دیگر مغلوب می شد و این کار برای داش

فارسی مانند کتاب حسنین و عاق والدین تا حافظ و گلستان سعدی را در مکتب خواندم و به کتاب های جوهری و حیات القلوب و معراج السعاده توجه و علاقه خاصی داشتم.»

با فرا رسیدن دوران خدمت نظام وظیفه دوره اول یا مقدماتی تحصیلاتش به پایان رسید دختر ایشان در باره دوران سربازی ایشان می گوید: «در سن قانونی به خدمت سربازی رفتند ایشان معتقد بود که قانون قابل احترام است هر چند این قانون مربوط به دستگاه طاغوت باشد ولی به جهت خودسازی در سربازخانه چیزی نمی خورد و در لباس های سربازی نماز نمی خواند، از آنجایی که مورد اعتماد فرماندهان واقع شده بود ایشان را آزاد گذاشته بودند که شب ها به خانه برود و صبح زود به محل خدمت برگردد» اما علت توجه فرماندهان به ایشان را از زبان خودش به نقل از آقای صالحی می شنویم: «چون من حلبی ساز بودم و در آن زمان خیلی از وسایل خانگی مردم وابسته به این حرفه بود من هم در پادگان فعالیت فنی زیادی در این



حاج آقا حسین قمی در مشهد چهره ایران عوض شد، حجاب آزاد شد مجالس تبلیغ و وعظ و تعزیه داری سیدالشهدا کار خود را از سر گرفت و حوزه علمیه مشهد هم به نوبه خود فعالیت را شروع کرد.

یک مرتبه در شهر شایع شد که در پادگان شهر نوسربازها، سینه زنی راه انداخته اند. عده ای خواستند قضیه را بزرگ کنند اما به خاطر این که مسئولین ارشد خودشان به امام حسین (ع) علاقه مند بودند و مرا کاملاً می شناختند، موضوع را ماست مالی کردند و گفتند چند سربازی دور هم نشسته بودند و این کار را انجام دادند.»

و باز در همین راستا آقایان و قوعی و عابدیان از قول خود مرحوم می گویند: «من که در سربازی بودم هر روز ظهر به نماز مرحوم آیت الله حاج شیخ علی کبر نهانندی که در مسجد گوهرشاد برگزار می شد، شرکت می کردم و برای ادامه خدمت به پادگان برمی گشتم.»

■ امور داشتم، همچنین بعضی از فرماندهانم از من می خواستند که بعضی از لوازم منزل آن ها را تعمیر کنم از این جهت در دل آن ها راهی پیدا کرده بودم و آن ها به من

علاقه مند شده بودند و از جهتی هم آن ها متوجه شده بودند که من جوانی مذهبی هستم از این نظر هم اعتماد آن ها را بیشتر جلب کرده بودم. من هم از این موقعیت که پیش آمده بود کمال استفاده را کردم.»

در دوران خدمت سربازی حادثه جالبی پیش آمد که شنیدنی است: «در دهه اول محرم شب ها در پادگان سربازها را جمع می کردم و برای آنان به طور مخفیانه روضه می خواندم، این کار تا شب عاشورا ادامه پیدا کرد، در این شب من روضه خواندم جوانان گریه کردند یک مرتبه عشق حسینی به سرم زد گفتم جوان ها بیاید لخت شویم و سینه بزیم همه لخت شدند شروع کردیم به سینه زدن و حسین حسین گفتن، نمی دانم چه طور شد که یک دفعه دیدم تمام پاگان با ما هم صدا شدند و فریاد حسین حسین تمام منطقه را فرا گرفت، ناگفته نماند این عمل و عزاداری در پادگان در موقعیت و زمانی انجام گرفت که خفقان رضاخانی در اوج خودش بود و مردم در زیر زمینی های منازل خودشان جرأت نداشتند مراسم عزاداری برپا کنند و حسین حسین بگویند.

۲۲ پس از قضایای شهریور ۱۳۲۰ و فعال شدن مجدد حوزه ها که چندین سال تعطیلی در زمان اختناق رضاخان و از هم پاشیدگی با آمدن حضرت آیت الله

■ مرحله دوم تحصیلات عابدزاده

مرحله دوم تحصیل عابدزاده که دروس حوزوی بود پس از پایان خدمت نظام آغاز شد.

پس از قضایای شهریور ۱۳۲۰ و فعال شدن مجدد حوزه ها که چندین سال تعطیلی در زمان اختناق رضاخان و از هم پاشیدگی با آمدن حضرت آیت الله حاج آقا حسین قمی در مشهد چهره ایران عوض شد، حجاب آزاد شد مجالس تبلیغ و وعظ و تعزیه داری سیدالشهدا کار خود را از سر گرفت و حوزه علمیه مشهد هم به نوبه خود فعالیت را شروع کرد.

حاجی عابدزاده هماهنگ با شروع حوزه ها مشغول دروس حوزوی شد. کتاب جامع المقدمات را نزد اساتید متفرقه، سیوطی و مغنی و مطول را به درس مرحوم ادیب نیشابوری حاضر می شد، حاشیه را خدمت آقای محقق نوقانی و معالم و قوانین و لمعتین را نزد مرحوم حاج آقای مدرس یزدی فرا گرفت، رسائل و مکاسب و کفایه را به درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی شرکت نمود، استاد دیگری به نام آقای «یاسین» داشت که بعضی از دروس را نزد ایشان تلمذ می کردند. با استعداد فوق العاده ای که داشت این دروس سطح را در مدت بسیار کمی یعنی حدود شش سال با موفقیت گذراند.

یادواره خادم قرآن مرحوم حاج «علی اصغر عابدزاده» فعالیت های سیاسی عابدزاده

نمائیم» البته این بدین معنی نبود که اگر هر حادثه ای با هر وضعیت پیش می آمد انجمن در مقابل آن بی تفاوت باشد. وقایع سیاسی اگر رنگ مذهبی و دینی به خود می گرفت و مجتهدین و روحانیت آگاه همراه آن بودند این تشکیلات کاملاً با آن هماهنگ بود از جمله این حوادث مسئله ملی شدن نفت و انتخابات مجلس دوره هفدهم بود. از آن زمانی که آیت الله کاشانی به مشهد آمد و مردم را به شرکت در این امور سیاسی تشویق کرد و پیام های متعددی به مردم مشهد و تربت حیدریه داد انجمن با این نهضت همگام شد، آقای صالحی، استاد حوزه علمیه مشهد در مورد فعالیت مرحوم عابدزاده در نهضت ملی شدن نفت می گوید: «نهضت ملی شدن نفت ابتدا که به وسیله جبهه ملی آغاز شده بود عابدزاده و انجمن دخالتی نداشتند اما پس از اینکه مرحوم آیت الله کاشانی وارد این مبارزه شد و این فعالیت سیاسی رنگ دینی و مذهبی به خودش گرفت مخصوصاً بعد از ورود آیت الله کاشانی به مشهد اعضای انجمن شروع به فعالیت و فداکاری کردند تا حدی که تابلوی شرکت نفت را حاجی عابدزاده تهیه و ترسیم کردند و آن را به وسیله خودرویی که تابلو شرکت ملی نفت ایران به صورت برجسته در آن به چشم می خورد و جمعیت انبوهی پشت سر خود رو به طرف خیابان طبرسی (چهار راه مقدم فعلی) حرکت می کردند و پس از رسیدن به مکان شرکت نفت عابدزاده شخصاً تابلوی شرکت نفت ایران و انگلیس را پایین کشیدند و تابلوی شرکت ملی نفت ایران را بر سر در شرکت نفت نصب کردند.»

× انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی

بعد از نهضت ملی شدن نفت یکی از مهمترین موضوعات سیاسی که توجه جامعه را در آن دوران به خود مشغول کرده بود و همه احزاب و گروه های مذهبی در آن زمینه فعالیت چشمگیری داشتند انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی بود. در دوره نخست وزیر مصدق و جریان انتخابات، تشکیلات مختلفی در مشهد فعالیت می کردند ولی بدون تردید بزرگ ترین محور حرکت در این دوره «جمعیت های متلفه اسلامی» بود که با پیشنهاد شیخ محمود حلبی و با همت مرحوم محمدتقی شریعتی و پشتیبانی آیت الله کاشانی و آیت الله سید یونس اردبیلی و همکاری برخی چهره های مردمی از ائتلاف شش کانون مذهبی خراسان یعنی «انجمن تبلیغات اسلامی، انجمن پیروان قرآن، کانون نشر حقایق اسلامی، طلاب علوم دینی، جمعیت ابوالفضل سرباب و مبارزین اسلام» به وجود آمده بود و قدرت آن در تشکیلات هیئت های متلفه اسلامی نهفته بود که از هماهنگی ۱۱۴ هیئت مذهبی تشکیل می شد. در جلسه ای که اولین بار در کانون نشر حقایق اسلامی روز ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۰ هـ.ش دایر شد جمعیت ها با پیشنهاد شیخ محمود حلبی و موافقت سایرین به وجود آمد. وی در رأس قرار گرفت و «مهديه» حاجی عابدزاده به عنوان مقر آن در نظر گرفته شد.

گروه فعالیت های قرآنی: مرحوم عابدزاده اگرچه فعالیت سیاسی بارز و آشکاری نداشت و فعالیت های سیاسی او در مقایسه با سایر فعالیت ها کم رنگ بود اما فعالیت های اجتماعی و فرهنگی او به گونه ای بود که تاثیر سیاسی لازم را در فضای شهر مشهد در آن زمان برجای می گذاشت. متن زیر به بررسی نقش عابدزاده در فضای سیاسی و اجتماعی قبل و بعد از سال های ۱۳۳۲ می پردازد.

در دوران چندین ساله حکومت رضا خان تمام فعالیت های مذهبی و سیاسی با رکود عجیبی همراه بود اما این خفقان در سال ۱۳۲۰ با تبعید این مهره استعمار به جزیره موریس به پایان رسید. محمدرضا پهلوی که به سلطنت رسید برای اینکه در ابتدای حکومتش با تنش رو به رو نشود قول هایی را در زمینه ایجاد فضای باز سیاسی داد، در این موقعیت روحانیت سریع وارد صحنه شد و سنت های دینی را تا حدی احیاء کرد. بنا به گفته «سرکار مونت اسکداین» کنسول انگلیس، «زنان مشهدی در اولین فرصت با چادرهای سیاه در خیابان های شهر ظاهر شدند و مردم کوشیدند تحت رهبری روحانیت آگاه خراسان سنت ها و ارزش های دینی خود را پس از دو دهه وقفه از سرگیرند. مجالس عزاداری امام حسین و اهل بیت (ع) در سطح بسیار وسیعی از سرگرفته و حوزه های علمیه دائر شد و روحانیت زمام امور دینی را به عهده گرفت.»

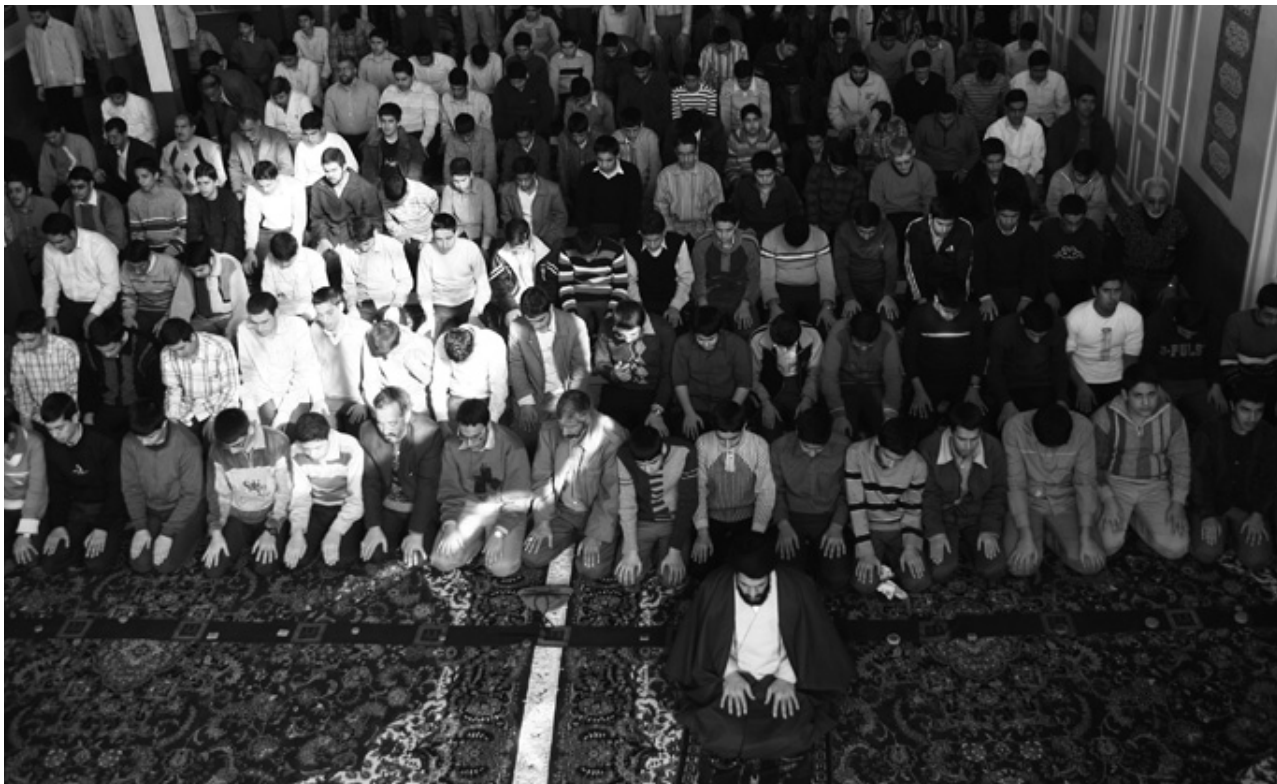


با فراهم شدن زمینه لازم، مردم مراسم مذهبی را از سر گرفتند و از وضع گذشته بیرون آمدند ولی تاثیر شوم جنگ جهانی و حضور متفقین این مهمانان ناخوانده را در ایران نباید از یاد برد زیرا حضور کشورهای روسیه و انگلیس و آمریکا فرهنگ آنان را هم به همراه داشت و در پی آن احزاب و گروه های دیگری پس از دیگری تأسیس شد که مردم مخصوصاً جوانان را به دنبال خودشان کشیدند. از مهمترین این احزاب که از نظر جهان بینی هم اصل و اساس درستی نداشت و مدت طولانی تری از سایر احزاب در ایران داوم یافت و انحرافات ایجاد کرده بود حزب توده وابسته به روسیه بود.

در چنین شرایطی بود که مرحوم «محمدتقی شریعتی» و پس از آن مرحوم شیخ «محمود حلبی» و مرحوم «عابدزاده» به دو جهت پا به میدان گذاشتند یکی به خاطر مقابله با حزب توده و انحراف آن و دیگری مقابله با رژیم پهلوی به جهت ظلمی که بر مردم روا می داشت. مبارزات مرحوم عابدزاده به دو مقطع مبارزات قبل از سال ۱۳۳۲ و مبارزات بعد از سال ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تقسیم می شود. فصل اول: فعالیت های سیاسی قبل سال ۱۳۳۲

× نهضت ملی شدن نفت

یکی از ویژگی های انجمن پیروان قرآن این بود که در سیاست دخالت نکند زیرا هدف اصلی این انجمن تعلیم و تربیت مذهبی بود و علاوه بر آن در ماده نهم دفترچه برنامه انجمن چنین آمده است «در هیچ یک از احزاب وارد نشده و در امور سیاسی مداخله



کند زیرا اگر عابدزاده اشاره می کرد کار تمام بود و در عین حال ایشان این چک را پس فرستاد، بعداً صاحب چک به حاج آقا گفت چرا چک را پس دادید، ایشان فرمودند: ما که چک نمی دانیم چیست، ما با بانک سر و کار نداریم اصلاً برای چه این چک را بگیریم صاحب چک گفته بود خدمتتان باشد برای هزینه های جاری، حاج آقا فرمود ما هزینه ای نداریم خرج ما یک قند و چای است که رفقا خودشان تامین می کنند.»

آقای وقوعی در مورد عدم تأیید بی مورد کاندیداها از سوی عابدزاده می گوید: «بعضی از افراد نزد حاجی عابدزاده می آمدند و می خواستند که آنها را تأیید کند و نظر مساعدی در باره آنها بدهد مرحوم با صراحت لهجه بدون در نظر گرفتن اینکه طرف بدش می آید، بد آمدن و خوش آمدن افراد برای او ملاک نبود و نظری را اظهار می داشت، از جمله کسانی که به مهدیه آمده بود آقای مشیر بود که به حاج آقا گفت: مرا چگونه انسانی می دانید، چون دوره قبل وکیل بود دوباره هم می خواست وکیل شود حاج آقا گفت من یک حللی ساز هستم، شما یک آقا زاده من از شما چه اطلاعی دارم کی ما با هم رابطه ای داشتیم. حاج آقا این مطلب را در حضور جمع فرمود، ایشان هم

میبهوت شد و نتوانست جوابی بدهد.»

حاجی عابدزاده نظرش این بود که وکیل مذهبی و خوب وارد مجلس شود، در تمام این فعالیت ها خودش را مطرح نمی کرد بارها در مناظر و جلسات می گفت من در نظر ندارم که وکیل شوم اصلاً من کاندیدا نمی شوم.

دیدیم که واقعا هم همین طور بود پس از جلسات متعدد و مشورت سران جمعیت نظر خواهی و رای گیری قرار بر این شد که دو نفر به نام های مرحوم

آیت الله صالحی در این زمینه می گوید: «پس از تشکیل این ائتلاف، از گروه های مختلف دعوت به عمل آمد که وابستگی خودشان را به جمعیت مولفه اسلامی اعلام کنند. چیزی نگذشت گروه از بازاریان و اصناف هر یک با پرچم هایی که نام صنف آنها در آن مشخص شده بود وابستگی خودشان را اعلام کردند. به گونه ای که اکثریت قریب به اتفاق مردم مشهد با این جمعیت همراه شدند. بعد از تأسیس این جمعیت تا شروع انتخابات که چند ماه به طول انجامید همه شب در مهدیه جلسات سخنرانی برگزار بود. همچنین میتینگ هایی در صحن نو (آزادی) به حمایت از دولت ملی مصدق و تشویق مردم به شرکت در انتخابات این دوره انجام می گرفت و هدف اصلی این جمعیت ها و مخصوصاً حاجی عابدزاده این بود که نمایندگانی متدین و مذهبی و متعهد به مجلس راه پیدا کنند.» مرحوم حاجی عابدزاده در میان مردم از نفوذ عجیبی برخوردار بود اگر در مورد فردی کوچکترین اشاره ای می کرد اغلب مردم از جان و دل به او رأی می دادند به این جهت گاه گاه بعضی افراد می خواستند از وجهه ایشان سوء استفاده کنند.

آقای قائمی از دوستان مرحوم عابدزاده در این زمینه می گوید: «در زمان انتخابات فردی از مالکین بزرگ مشهد که فوت کرده است و نمی خواهم اسمش را ببرم یک چک به مبلغی بسیار زیاد آورد و به حاج آقا داد، ایشان بدون اینکه نگاه کند تصور کرد مثلاً این یادداشت، اسم کتاب یا دعایی است وقتی به مهدیه آمده بود آن را باز کرد دید مبلغ درشتی در چک نوشته شده است، آن فرد این چک را با این مبلغ به حاج آقا داده بود تا اینکه او را تأیید

شیخ محمود حلبی و مرحوم محمدتقی شریعتی را به عنوان کاندیدا از طرف هیئت های متولفه معرفی کنند و تعیین دو کاندیدای دیگر را به بقیه مردم سپردند. بالاخره روز موعود فرا رسید و انتخابات روز ۱۴ اردیبهشت از ساعت هفت و نیم صبح شروع و تا غروب ادامه یافت، ولی روز بعد با دخالت سید جلال الدین، تهرانی نایب التولیه و استاندار خراسان که افراد غیر بومی را با کامیون از خارج شهر برای اخذ رأی به مشهد آورده بود با اعتراض مردم، جمعیت ها، احزاب و گروه های دیگر انتخابات متوقف شد. دربار می خواست در انتخابات دوره هفدهم تا جایی که می تواند کاندیداهای طرفدار خود را در شهرها داشته باشد. توقف انتخابات موجب شد که جمعیت هاطی تلگراف دیگری به تهران تقاضای تجدید انتخابات کنند، در این تلگراف آمده است: جمعیت های متولف اسلامی و سایر دستجات ملی به استناد و ابلاغ رادیو و تلگراف مرکز، بلافاصله از ریختن رأی خودداری کردند، در صورتیکه کامیون های حامل افراد روستایی از خارج شهر به شهر سرازیر و تا غروب روز دوم مشغول رأی دادن بودند بدین ترتیب این دوره هم مشهد نماینده ای در مجلس نداشت.

حاجی عابدزاده و نواب صفوی

آقای وقوعی در مورد حضور نواب صفوی در مهدیه می گوید: «زمانیکه نواب صفوی به مشهد آمد با استقبال گرم حاجی عابدزاده مواجه شد و تا زمانیکه در مشهد بود در مهدیه سکونت داشت. نواب در مهدیه سخنرانی می کرد.»

آقای صالحی نیز در این مورد می گوید: «نواب صفوی دو بار به طور مخفی به مشهد آمد، به خاطر اینکه عابدزاده صرفا ایشان را یک مرد سیاسی می دانست با او ملاقات نکرد، اما در سفر سوم که به مشهد آمد سفرش رنگ مذهبی و دینی به خود گرفته بود، انجمن پیروان قرآن تا خواجه اباصلت به استقبال ایشان رفت و با احترام ایشان را در مهدیه پذیرفتند. مردم هم از محضر ایشان بهره می بردند.»

آقای چمنی می گوید: «بعدها که دستگاه دولت از عابدزاده پرسیده بود که چرا نواب را پذیرفته است گفت اگر من اینها را نمی پذیرفتم شهر را بر هم می زدند.»

فعالیت های سیاسی بعد از سال ۱۳۳۲

حاجی عابدزاده در زندان و تبعید

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ دوباره خفقان شاهنشاهی سایه شوم خود را بر سر این ملت مظلوم افکند. گروه های اسلامی محدود شدند، احزاب یکی پس از دیگری فعالیت شان کم شد و آهسته آهسته تعطیل شدند. به همین جهت برای مرحوم حاجی عابدزاده هم محدودیت هایی به وجود آمد بنا به گفته آقای «حسین زاده ملکی» مدیر

کل سابق آموزش و پرورش خراسان «به خاطر یک صحبتی اعتراض آمیز که در منبر کرده بودند یعنی دست دادن زن شاه با یکی از سران کشورهای خارجی حاجی را دستگیر کرده بودند.»

البته علل دیگری را هم سبب دستگیری ایشان می دانند. آقای چمنی در این زمینه می گوید: «مرحوم حاجی عابدزاده محبوبیت بیش از حدی در بین مردم پیدا کرده بود زیرا آن جلسات دو، سه هزار نفری دعاهای ندبه و کمیل رژیم را به وحشت انداخته بود.»

یابنا به گفته صبیبه ایشان از مرحوم پرسیده بودند: «از کجا پول می آوری، برای کی کار می کنی.» حتی ایشان را متهم کرده بودند که برای ساختن بناهای دوازدهگانه از انگلستان پول دریافت می کند زیرا پس از دستگیری ایشان ساواک به بررسی امور مالی ایشان پرداخت به موردی برخورد کرد که از افغانستان پولی رسیده بود به این جهت اتهام را وارد دانستند که از انگلستان پول به افغانستان می رسیده و پس از آن به عابدزاده داده می شده است.

به هر حال حاجی عابدزاده در سال ۱۳۳۶ توسط ساواک مشهد به وسیله سروان ضابط، معاون رییس سازمان و سرگرد آرشام دستگیر و با قطار به تهران منتقل شد و مدت چهار ماه در زندان قزل قلعه زندانی شد ولی پس از این مدت با تلگراف های مکرر علما و مجتهدین، ایشان را آزاد کردند ولی تا حدود یک سال در تهران در مسافر خانه اعیان تحت نظر دولت بود.

در مورد دستگیری و بازداشت مرحوم حاجی عابدزاده صبیبه ایشان می گوید: «رژیم ایشان را زیر نظر داشت ولی با سیاست طوری برخورد می کرد که بهانه ای به دست کسی ندهد، سال ها فعالیت کرد ولی چند مرتبه ممنوع المنبر شد و روزی صبح زود که مرحوم در خانه خودشان بودند ایشان را دستگیر کردند و با کلیه کتاب های شخصیش از منزل به زندانی در تهران منتقل کردند و محاکمه اش کردند که برای چه کسی کار می کنی و از کجا پول می آوری. از آنجائیکه همه کارهای ایشان حساب شده بود هیچ ایرادی نتوانستند به ایشان وارد کنند، پس از ۱۱ ماه زندان و تحت نظر بودن به مشهد بازگشتند، مشهدی ها تصمیم گرفته بودند که استقبال باشکوهی انجام دهند، حتی از راه آهن تا مهدیه قربانی کنند که باز هم ایشان به خاطر روحیه والایشان و حفظ آرامش بدون خبر تشریف آوردند.»

مرحوم حاجی عابدزاده بعد از اینکه از زندان و تبعید به مشهد منتقل شدند، دولت محدودیت هایی برایش به وجود آورد، به عنوان مثال بنا به گفته آقای عابدیان به یک حساب ممنوع المنبر بودند و به یک حساب دیگر ممنوع نبودند زیرا دولت می گفت می توانی منبر بروی ولی باید به شاه دعا کنی. بنابراین مرحوم حاجی عابدزاده کمتر منبر می رفت و در مجالسی که گاهی پیش می آمد حتی برای یک بار هم به شاه دعا نکرد.



موضوع حاجی عابدزاده بعد از آزادی از زندان

پس از آزاد شدن مرحوم حاجی عابدزاده از زندان و تعهداتی که از ایشان گرفتند فعالیت فرهنگی و سیاسی ایشان را محدود کردند. به این جهت رفتار مرحوم نسبت به قبل قدری معتدل تر گردید.

آقای مکی، مدیر کل اسبق آموزش و پرورش خراسان در این زمینه می گوید: «مدارس مرحوم عابدزاده در ابتدای کار، بعد سیاسی هم داشت ولی از سال ۴۱ و ۴۲ کم رنگ و کم رنگ تر شد بعد از دستگیری مرحوم حاجی عابدزاده و آزاد کردن ایشان مدارس از این بابت کنترل بیشتری شد و ایشان هم صحبت هایش را خیلی آشکار نمی کرد ولی مبارزه منفی بود، یعنی ما از هیچ یک از برنامه های آن زمان به طور کلی تبعیت نمی کردیم، نه عکسی از شاه در دفتر و کلاس ها مشاهده می شد و نه هیچ کدام از آن جشن های رایج که در آن مدارس برگزار می شد و نه آن برنامه هایی که وقتی شاه می آمد دانش آموزان را توی خیابانها می بردند اجرا می شد. رحیم مروی سماورچی:

«تا قبل از رحلت آیت الله بروجردی رژیم پهلوی به صورت مماشات و تسامح برخورد می کرد ولی بعد از فوت ایشان و ابتدای قیام اسلامی و با توجه به اینکه مرحوم عابدزاده در مراسم چهلم و سالگرد مرحوم آیت الله بروجردی کاروان بزرگ و باشکوهی برای تجلیل از مقام مرجعیت و روحانیت به قم اعزام داشت و اعتقاد ایشان را به روحانیت و فقاقت بیان می داشت، برخورد رژیم از تسامح و مماشات به اعمال نفوذ و مانع تراشی به صورت دخالت مستقیم ساواک و شهربانی شروع شد تا اینکه بعد از چند سال کلیه برنامه های انجمن و حتی برنامه های تبلیغی انجمن کاملاً تعطیل شد

بنابراین هیچ آثاری از فعالیت های مورد نظر دولت آن زمان در این مدارس دیده نمی شد، دولت هم توجه چندانی به این مدارس نداشت و گرچه تأیید نمی کرد اما مخالفت علنی هم بروز نمی داد. در سال ۴۲ و واقعه ۱۵ خرداد که نهضت امام خمینی اوج گرفت و در همه جا تحولی ایجاد کرد، این موضوع بحث داغ مدارس بود. کارکنان و دانش آموزان این مدارس هم مخالفت های خود را اعلام می کردند. می توان گفت حتی اطلاعیه ها را بچه ها می آوردند و به همدیگر می دادند و معلمان هم در باطن موافق پخش اطلاعیه ها بودند اما حرکتی منسجم و علنی، شاید به جهت ترس از لغو این مدارس و یا ممانعت از ادامه آن نداشت اما مبارزه منفی و عدم همکاری با برنامه های دولت صد در صد انجام می گرفت.»

آقای رحیم مروی سماورچی در این مورد می گوید: «تا قبل از رحلت آیت الله بروجردی رژیم پهلوی به صورت مماشات و تسامح برخورد می کرد ولی بعد از فوت ایشان و ابتدای قیام اسلامی و با توجه به اینکه مرحوم عابدزاده در مراسم چهلم و سالگرد مرحوم آیت الله بروجردی کاروان بزرگ و باشکوهی برای تجلیل از مقام مرجعیت و روحانیت به قم اعزام داشت و اعتقاد ایشان را به روحانیت و فقاقت بیان می داشت، برخورد رژیم از تسامح و مماشات به اعمال نفوذ و مانع تراشی به صورت دخالت مستقیم ساواک و شهربانی شروع شد تا اینکه بعد از چند سال کلیه برنامه های انجمن و حتی برنامه های تبلیغی انجمن کاملاً تعطیل شد و البته این جریان با فراز و نشیب بیش از ده سال به طول انجامید و یکی از علل طولانی شدن آن برخورد معتدل انجمن با دستگاه بود به قصد اینکه بتواند حتی در سخت ترین شرایط لااقل مدرسه را فعال نگه دارد نه به منظور همکاری با رژیم

ولی سرانجام نتوانست وجود این چنین مدارس را تحمل کند و مدارس را در سال ۱۳۵۲ تعطیل کرد.»

رابطه انجمن با کانون های دینی و مذهبی

انجمن پیروان قرآن از اولین روزهایی که زمینه را برای فعالیت های سیاسی و مذهبی مساعد دید رابطه بسیار مستحکمی را با کانون های مذهبی موجود در آن زمان که در ذیل اشاره مختصری به آن ها می شود، برقرار کرد.

۱- انجمن تبلیغات اسلامی: موسس این تشکیلات سیاسی مذهبی دکتور عطاءالله شهاب پور در تهران بود و مسئول شعبه مشهد آن امیرپور و بخشی از امور تبلیغی آن به عهده فخرالدین حجازی بود. انجمن، ابتدا حتی در خارج از کشور کوشش های زیادی کرد و از طرف بسیاری از روحانیون مورد اعتماد مردم از جمله مرحوم شیخ غلامحسین محامی و بعدها مرحوم آیت الله میلانی تأیید و تقویت می شد.

۲- کانون نشر حقایق اسلامی: یکی دیگر از تشکیلات مذهبی کانون نشر حقایق بود که مرحوم محمدتقی شریعتی آن را بنیاد نهاد، کانون ابتدا به صورت سیار در منزل اعضای آن دایر می شد بعدها در چهار باغ جنب تلفن خودکار در سال ۱۳۲۳ مستقر شد، در کتاب کارنامه کانون نشر حقایق اسلامی برخی از مقاصد کانون را آورده است که به جهت اختصار از ذکر آن خودداری می شود.

۳- طلاب حوزه علمیه مشهد: این محفل با همکاری برخی از علما و تلاش حاج شیخ غلامحسین مصباح المهدی در آستانه نهضت ملی شکل گرفت و مقر آن بیشتر مدرسه نواب بود. حضور طلاب در صحنه سیاسی آن روز بیشتر به اعتبار حضور آیت الله کاشانی بود پس از اختلاف بین مصدق و آیت الله کاشانی اکثراً از سیاست کنار کشیدند. هدف این طلبه ها از حضور در این ائتلاف قبضه کردن امور دینی از راه نفوذ در پارلمان و مجلس شورای ملی بود.

۴- مبارزین اسلام: این سازمان که در دایره محدودتری عمل می کرد از تشکل تعدادی از طرفداران «فدائیان اسلام» و آرمان های سیاسی شهید نواب صفوی به وجود آمده بود و در رأس آن ملایری داماد آیت الله حاج سیدحسن قمی قرار داشت.

اولین گردهمایی هیئت های موتلف اسلامی روز جمعه، ششم دی ماه ۱۳۳۰ برگزار شد، بعد به صورت هفتگی روزهای جمعه تا اواخر بهار ۱۳۳۱ ادامه یافت. محل برگزاری میتینگ، صحن جدید امام رضا (ع) (آزادی) بود. در گزارش اولین میتینگ در روزنامه خراسان آمده است بر حسب سنت هایی که در بین هیأت رایج است ابتدا هیئت های محله خیابان سفلی با شعارهای خود وارد صحن جدید شدند، سپس سایر هیئت ها از محله های مختلف با شعارهای مذهبی به صحن رفتند. آنها موقع عبور از خیابان ها سرود می خواندند، ابتدا قرآن قرائت شد بعد حاجی عابدزاده درباره انتخابات سخنرانی کرد

۵- جمعیت ابوالفضل سراب: این جمعیت حدود ۸۰ سال پیش به همت میرزا آقا شفتی سقاب در محله سراب مشهد تأسیس شد. بعد از او فتاح خان مسئولیت هیأت را به عهده گرفت و پس از ایشان هدایت نجارنیا عهده دار زمام امور شد، در این هنگام که نهضت ملی و انقلاب جمعیت ها بود به منظور ائتلاف با جمعیت ها «هیأت ابوالفضل سراب» به «جمعیت ابوالفضل سراب» تغییر نام داد.

انجمن پیروان قرآن با سایر کانون های مذهبی که شرح مختصری از آن بیان شد

جمعیت های مولف اسلامی مشهد را تشکیل دادند و مهدیه حاجی عابدزاده را محل استقرار و تشکیل جلسات قرار دادند و فعالیت های مبارزاتی را در زمینه های مختلف سیاسی همانند نهضت ملی شدن نفت و انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی با برپایی میتینگ هایی انجام دادند.

اولین گردهمایی هیئت های مولف اسلامی روز جمعه، ششم دی ماه ۱۳۳۰ برگزار شد، بعد به صورت هفتگی روزهای جمعه تا اواخر بهار ۱۳۳۱ ادامه یافت. محل برگزاری میتینگ، صحن جدید امام رضا (ع) (آزادی) بود. در گزارش اولین میتینگ در روزنامه خراسان آمده است بر حسب سنت هایی که در بین هیأت رایج است ابتدا هیئت های محله خیابان سفلی با شعارهای خود وارد صحن جدید شدند، سپس سایر هیئت ها از محله های مختلف با شعارهای مذهبی به صحن رفتند. آنها موقع عبور از خیابان ها سرود می خواندند، ابتدا قرآن قرائت شد بعد حاجی عابدزاده در باره انتخابات سخنرانی کرد و در پایان قطعنامه ای خوانده شد، در این قطعنامه از نظرات آیت الله کاشانی و آیت الله اردبیلی و سایر حجج اسلام حمایت شد و شرکت در انتخابات آزاد و مبارزه علیه نمایندگان تحمیلی غیر بومی، امر مهم تلقی شد و از دولت ملی مصدق پشتیبانی صورت گرفت.

در تاریخ اول بهمن ۱۳۳۰ میتینگ جمعیت های مولف اسلامی در مسجد گوهرشاد با سخنرانی امیرپور، کارمند انجمن تبلیغات اسلامی و بهزادبان عضو جمعیت مبارزان اسلام، عابدزاده و شیخ محمود حلیمی انجام گرفت. در روزنامه ۳ بهمن ۱۳۳۰ چنین آمده است: «از ساعت ۹ صبح روز سه شنبه که جشن و تعطیل عمومی بود در مسجد گوهرشاد از طرف جمعیت های مولف اسلامی میتینگ باشکوهی برپا بود ابتدا به وسیله بلندگو آیاتی از کلام الله مجید قرائت و سپس برنامه میتینگ گفته شد و آقای بهزادبان عضو جمعیت مبارزین اسلام سخنرانی خود را به وسیله بلندگو شروع کردند سپس آقای امیرپور کارمند انجمن تبلیغات اسلامی بیاناتی به مناسبت انحلال کنسولگری انگلیس ایراد کرده و بعدا آقای سید مهدی مقاله ای را که خودشان تهیه کرده بودند قرائت کردند آنگاه حاجی عابدزاده مؤسس انجمن پیروان قرآن سخنرانی مفصلی کردند پس از ایشان آقای شریعتی، رهبر کانون نشر حقایق اسلامی مفضلا و به وسیله بلندگو سخنرانی کرده و در خاتمه واعظ محترم آقای شیخ محمود حلیمی سخنرانی مهیجی ایراد و نزدیک ساعت دوازده ظهر میتینگ مزبور ختم شد. در تمام مدت چندین هزار نفر جمعیت که برای استماع سخنرانی به صحن مسجد گوهرشاد آمده بودند ابراز احساسات شدیدی کرده و پس از اتمام سخنرانی با کمال آرامش و نظم متفرق شدند.»

می توان گفت مرحوم حاجی عابدزاده از نیمه دوم سال ۱۳۳۰ تا پایان نیمه اول سال ۱۳۳۱ توانست با هماهنگ شدن با سایر گروه های اسلامی حماسه عظیمی بیافریند. با توجه به تبلیغات سوئی که از طریق عوامل دربار و حتی حزب توده علیه روشنفکران مذهبی صورت می گرفت روشنفکران مذهبی، مورد قبول قشرهای متوسط جامعه و بازاریان و برخی از روحانیون نبودند و حضور مرحوم حاجی عابدزاده در صحنه موجب فعال شدن این قشر و ایجاد حرکت و موضع گیری در میان قشرهای فوق می شد. کاری که از روشنفکران مذهبی ساخته نبود از مرحوم حاجی عابدزاده و امثال او ساخته بود، همچنانکه وجود افرادی مانند استاد شریعتی در میان روشنفکران مذهبی و طبقات تحصیل کرده کارساز بود و مرحوم حاجی عابدزاده نیز برای قشرهای بازاری و کم سواد جامعه نقشی مشابه داشت.

■ رابطه عابدزاده با احزاب سیاسی

در تاریخ اول بهمن ۱۳۳۰ میتینگ جمعیت های مولف اسلامی در مسجد گوهرشاد با سخنرانی امیرپور، کارمند انجمن تبلیغات اسلامی و بهزادبان عضو جمعیت مبارزان اسلام، عابدزاده و شیخ محمود حلیمی انجام گرفت. در روزنامه ۳ بهمن ۱۳۳۰ چنین آمده است: «از ساعت ۹ صبح روز سه شنبه که جشن و تعطیل عمومی بود در مسجد گوهرشاد از طرف جمعیت های مولف اسلامی میتینگ باشکوهی برپا بود ابتدا به وسیله بلندگو آیاتی از کلام الله مجید قرائت و سپس برنامه میتینگ گفته شد و آقای بهزادبان عضو جمعیت مبارزین اسلام سخنرانی خود را به وسیله بلندگو شروع کردند سپس آقای امیرپور کارمند انجمن تبلیغات اسلامی بیاناتی به مناسبت انحلال کنسولگری انگلیس ایراد کرده و بعدا آقای سید مهدی مقاله ای را که خودشان تهیه کرده بودند قرائت کردند

حاجی عابدزاده با گروه ها و احزابی که از نظر فکری و عقیدتی همچون حزب توده وضعیت روشنی نداشتند به هیچ عنوان ارتباط نداشت و با آنان همکاری نمی کرد و با آنها مبارزه می کرد او حتی نسبت به گروه هایی که چه بسا موجه بودند و فکری گسترده داشتند اما برای ایشان قابل هضم نبود ارتباط برقرار نمی کرد به عنوان مثال نمونه ای ذکر می شود: «به نقل از یکی از سران گروه ها در رزوهایی که جمعیت ها در اوج فعالیت سیاسی خود به سر می بردند حاج سراج انصاری روحانی صاحب نام تهرانی که علیه کسروی و تشکیلات «باهماد آزادگان» فعالیت داشت به مشهد آمد و از انعکاس جمعیت ها و هیأت در محافل سیاسی تهران صحبت کرد و از مسئولین خواست این جریان فقط در خصوص انتخابات نباشد بلکه به عنوان یک برنامه دراز مدت با آن برخورد شود. مرحوم محمدتقی شریعتی از این پیشنهاد کمال استقبال را کرد و اعضای جمعیت ها را به کانون دعوت کرد و قرار شد انصاری این مسئله را مطرح کند. شب هنگام همه به کانون آمدند، حاجی عابدزاده هم حضور داشت، حاج سراج انصاری از این ابتکار مشهد تجلیل کرد و خواست نظر خود را مطرح کند. حاجی عابدزاده با همان لحن مخصوص به خود شروع به صحبت کرد: «آقای انصاری از وقتی من کوچک بودم و با بچه ها توی کوچه تپله بازی می کردم همیشه استا (استاد) بودم، من ریشم را به دست هیچکس نمی دهم» این را گفت و بلند شد و رفت. انصاری اظهار تاسف کرد.

اما با بعضی از احزاب که در میان ملت محبوبیتی داشتند و انحراف فکری نداشتند در مبارزات سیاسی و میتینگ ها با آنان همکاری داشت به عنوان نمونه می توان یکی دو مورد را آورد: روز جمعه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ از طرف جمعیت های مولف اسلامی و حزب ایران و کلوپ مصدق و اتحادیه جوانان سادات حسینی میتینگ مشترکی در میدان شاه (شهدا) تشکیل شد که از ساعت ۱۶ تدریجا جمعیت زیادی جمع شدند و پس از قرائت کلام الله مجید به وسیله آقای اشراقی، مهندس نویان از طرف سادات، آقای احمدزاده از طرف مولفین اسلامی، آقای ثنایی از طرف حزب ایران، آقای مصباح المهدی از طرف مولفین اسلامی، آقای اصفهانی از طرف کلوپ مصدق و آقای حاجی عابدزاده از طرف مولفین اسلامی به تفصیل برنامه در باره مداخله مقامات ذی نفوذ و غیر قانونی بودن انتخابات مشهد صحبت کرده بطلان آراء ماخوذه را خواستار شدند.

آقا تهرانی پای منبر مرحوم حاجی عابدزاده می آمدند و تا آخر منبر هم می نشستند و به گفتار ایشان گوش فرامی دادند. در برخورد با علما و مجتهدین بزرگ همچون شیخ ابوالحسن اصفهانی (ره)، مرحوم آیت الله نهاوندی و امثال این بزرگان در مسافرت هایی که به تهران و نجف و کربلا داشتند هنگامی که می فهمیدند که مرحوم حاجی عابدزاده مدارسی برای ترویج شریعت اسلام و پرورش بچه ها و جوانان مسلمان دارد او را با آغوش باز می پذیرفتند و از حاج آقا تقدیر و تشکر می کردند و برای موفقیت ایشان دعا می کردند.»

آقای صالحی می گوید: «زمانیکه حاجی عابدزاده دستگیر و زندانی شدند حمایتی که برای استخلاص ایشان به عمل آمد کلا از طرف علمای درجه اول بود، مرحوم آیت الله میلانی از مشهد، مرحوم حلبی از تهران، دخالت مستقیم داشتند و با اصرار دو مرجع بزرگ آن عصر مرحوم آیت الله حکیم از نجف و حضرت آیت الله بروجردی با توجه به تقاضای علمای مشهد خلاصه رژیم مجبور به آزاد ساختن حاجی عابدزاده شد.»

روحانیت متعصب

بعضی از روحانیون با مرحوم حاجی عابدزاده مخالف بودند زیرا با مشهور شدن ایشان موقعیت خودشان را از دست داده بودند و حتی سخنان توهین آمیز بر زبان می آوردند و به ایشان تهمت می زدند، آقای قائمی در این زمینه می گوید: «یک عده از روحانیون که در مرحله بالایی هم نبودند بلکه خیلی هم پایین بودند به جهت اینکه ایشان را محل موقعیت خودشان می دیدند می گفتند ما با این قیافه با این وضعیت مرتبی که داریم و درس خارج می دهیم ما مجتهد هستیم، حالا این آقای یک لاقبا و با این وضع ساده و سواد هم که ندارد، همانطور که حالا دارند به بعضی از بزرگان ما چنین جسارتی می کنند. با این حال منبرهای این چنینی می رود و این جمعیت عظیم پای منبر ایشان می آیند، بله درست است شاید حاجی سواد ظاهری بعضی از آنها را نداشت، ولی صفای باطن داشت کار را فقط برای خدا شروع کرده بود، وقتی انسان با خدا باشد خدا هم با او است. به این جهت سخت با مرحوم مخالف بودند اما از آنجایی که خدا می خواهد خیلی از افرادی که دنباله رو آن آقایان بودند چون خلوص مرحوم و خدایی بودن کارهای او را دیدند مرید ایشان شدند.»

آقای وقوعی در این زمینه می گوید: «البته گوشه و کنار بعضی که سواد کافی نداشتند، تقوای کافی نداشتند تهمت هایی می زدند مثلاً می گفتند حاجی عابدزاده وجوهات را می گیرند و در ساخت بناها مصرف می کند در صورتیکه ماسادات مستحق تر هستیم ولی ایشان مکرر در منابر خودشان مطرح می کردند که من یک قران از وجوهات را نگرفته و نخواهم گرفت و از اول هم گفته ام هر کس به من وجهی می دهد از وجوهات نباشد من اهل گرفتن وجوهات نیستم. علاوه بر اینها حتی بعضی از این افرادی می گفتند ایشان از انگلستان پول می گیرند، این بناها را می سازد و بچه ها را جمع آوری می کند و به آنها درس می دهد. ایشان در منابر می گفتند خوشا به حال تو که من از خارج پول بگیرم و بچه تو را تربیت کنم تو پولها را ذخیره کنی و من با پول های خارجی ها بچه تو را قرآن خوان کنم و طوری او را تربیت کنم که جلوی پای تو بایستد و آرزوی مرگ تو را نکشد که ثروت تو را تصاحب کند.»

میتینگ دیگری در تاریخ اول مرداد ۱۳۳۲ با شرکت انجمن پیروان قرآن، کانون نشر حقایق اسلامی، حزب ایران، جمعیت آزادی مردم ایران، پان ایرانیسم و زحمتکشان مردم ایران، نیروی سوم، در روز سی ام تیر در مشهد انجام شد و حاجی عابدزاده از طرف جمعیت های اسلامی سخنرانی کرد.

رابطه روحانیت با حاجی عابدزاده

برخورد روحانیت با مرحوم حاجی عابدزاده به دو گونه بود، عده ای کارهای ایشان را تأیید می کردند و در مجالسی که برپا می کرد حضور می یافتند. گروه دوم افرادی بودند که به جهت خود بزرگ بینی و عدم بینش و حسادت، ایشان را طرد می کردند و حتی به ایشان تهمت می زدند.

(الف) گروه اول، روحانیت آگاه:

روحانیتی که درد دین داشتند در آن زمان خفقان مرحوم حاجی عابدزاده را به کارهای فرهنگی تشویق می کردند. آیت الله صالحی در این باره می گوید: «در سال ۴۲ که برای سفر به مکه به تهران رفته بودم امام (ره) را که تازه از زندان آزاد شده بود زیارت کردم، دیدن امام به این نحو صورت گرفت که عده ای از بزرگان مانند میرزا احمد سید و مرحوم شیخ مجتبی قزوینی و جمعی از روحانیون مبارز از قبیل آقای سید علی خامنه ای، شهید هاشمی نژاد و آقای طبسی برای دیدن امام به قم آمده بودند، ما هم با این بزرگان خدمت امام مشرف شدیم روحانیتی که درد دین داشتند در آن زمان خفقان مرحوم حاجی عابدزاده را به کارهای فرهنگی تشویق می کردند. آیت الله صالحی در این باره می گوید: «در سال ۴۲ که برای سفر به مکه به تهران رفته بودم امام (ره) را که تازه از زندان آزاد شده بود زیارت کردم، دیدن امام به این نحو صورت گرفت که عده ای از بزرگان مانند میرزا احمد سید و مرحوم شیخ مجتبی قزوینی و جمعی از روحانیون مبارز از قبیل آقای سید علی خامنه ای، شهید هاشمی نژاد و آقای طبسی برای دیدن امام به قم آمده بودند، ما هم با این بزرگان خدمت امام مشرف شدیم در برگشت از سفر مکه با مرحوم حاجی عابدزاده که امام ایشان را به خوبی می شناخت مجدداً به صورت خصوصی خدمت امام رسیدیم و صبحانه ای در خدمت ایشان خوردیم در این جلسه سه نفری امام (ره) مرحوم حاجی عابدزاده را به ادامه کارهای فرهنگی تشویق کردند.»

آقای محمد وقوعی در این زمینه می گوید: «آن روحانیونی که در سطح عالی بودند مثل آیت الله حسنعلی مروارید، حاج شیخ هاشم قزوینی، آیت الله حاج شیخ علی تهرانی، آیت الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی، آیت الله میلانی و امثال این بزرگواران کاملاً به حاج آقا احترام می گذاشتند و کارهای او را تأیید می کردند به عنوان نمونه مرحوم حاجی عابدزاده دفترچه ای داشت که ۱۰۰ مورد از وظایف یک مومن را در آن دفترچه گردآوری کرده بود که یک مومن باید به این آداب متخلق باشد هنگامی که نزد آیت الله میلانی برد ایشان با کمال خوشرویی و ملاحظت ایشان را مورد تشویق و تقدیر قرار داد و خود آن بزرگوار دو مورد هم به آن اضافه کرد و فرمود: این دو نکته را هم به آن موارد اضافه کن، اینگونه علما در تمام مجالسی که آنها را دعوت می کرد حضور پیدا می کردند و اگر مجلسی روضه خوانی بود که نیاز به دعوت نبود باز هم آن بزرگواران شرکت می کردند، من مکرر می دیدم و شاهد بودم که آیت الله میلانی، آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی، آیت الله مروارید و آیت الله جواد